

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# مجموعه آثار

چهارمین همایش بین‌المللی

دکترین مهدویت

با رویکرد سیاسی و حقوقی

(ج ۴)

همایش بین‌المللی دکترین مهدویت (چهارمین: ۱۳۸۷: تهران)

مجموعه آثار چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت: مقالات برگزیده / تهیه و تدوین مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت). - قم: مؤسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۸۷.

ع

ISBN 978 - 600 - 5073 - 22 - 5 (ج 4).

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتاب‌نامه.

۱. مهدویت - کنگره‌ها. ۲. مهدویت - مقاله‌ها و خطابه‌ها. الف. مؤسسه آینده روشن. پژوهشکده

مهدویت. ب. عنوان.

297/462

BP224/4/ 8 هـ

الف ۱۳۸۷



## مجموعه آثار چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت (ج ۴)

ناشر: مؤسسه آینده روشن

ویراستاران: سیدرضا سجادی‌نژاد، علی رضاجوهرچی، محمدصادق دهقان

نمونه‌خوانان: محمد اکبری، محمد عبداللهی

طرح جلد: رسول محمدی

صفحه‌آرا: علی قنبری

حروف‌نگار: ناصر احمدپور، جاوید نعیمی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۷

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

بها: ۳۳۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۰۷۳ - ۲۲ - ۵

مرکز پخش: قم، خیابان صفاییه، کوچه ۲۳، پلاک ۵، تلفن: ۰۲۵۱ - ۷۸۴۰۹۰۲



با همکاری: جامعة المصطفیٰ العلیة العالمية

## فهرست

- ۷..... تجلی حقوق بشر و کرامت انسان در پناه حکومت امام زمان علیه السلام  
جواد قاسمی قمی
- ۵۷..... جامعه منتظر ظهور منجی.....  
فتانه در تاج
- ۸۳..... نظام توزیع ثروت در حکومت موعود.....  
علی حاج محمدی
- ۱۱۱..... شکوفایی‌ها و نوآوری‌های بزرگ در انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام  
دکتر محمدرضا جواهری
- ۱۶۷..... تحول فرهنگی، کلید موفقیت حضرت مهدی علیه السلام  
دکتر سیدمحمد مرتضوی
- ۱۹۱..... مثبت‌گرایی در پرتو موعودگرایی.....  
دکتر محمدرضا یکتایی
- ۲۰۱..... شیوه قضایی دولت مهدوی.....  
ضامن علی حبیبی
- ۲۲۹..... ابعاد مختلف زمینه‌سازی شرایط ظهور انقلاب جهانی مهدوی.....  
دکتر مرتضی صادق عمل‌نیک



## تجلی حقوق بشر و کرامت انسان در پناه حکومت امام زمان علیه السلام

جواد قاسمی قمی \*

### چکیده

احیای کرامت انسان و احقاق حقوق بشر از دیرباز یکی از آرزوهای بشر بوده است. شاید بتوان گفت: موتور محرکه تاریخ بشریت و فلسفه متعالی تاریخ، بازگرداندن همین کرامت و حق انسانی است. اسلام که یکی از بزرگ‌ترین ادیان الهی است، در این زمینه مباحث دقیقی دارد که در جای خود بحث شده است. آیات و روایات فراوانی نیز در این موضوع به چشم می‌خورد. در عصر ظهور و حاکمیت امام معصوم که از نگاه شیعه امامیه زمام امور در دست مهدی موعود و امام زمان علیه السلام است، می‌توان به خوبی دریافت‌هایی از این آموزه‌ها داشت که به نوع خود بسیار دقیق و راه‌گشاست.

در این نوشتار، با تکیه بر مباحث انسان‌شناسانه عصر حاضر که در اعلامیه جهانی حقوق بشر تبلور یافته است، برآنیم با تکیه بر همین فهم عرفی از این آموزه‌ها، به بیان این نکته پردازیم که این حداقل کرامت و حقوق بشر در پناه حاکمیت امام زمان علیه السلام نه تنها برقرار خواهد شد، بلکه با تبعیت کامل از ایشان در چارچوب دولت مهدوی می‌توان به تمام حقوق و ارزش‌ها و کرامات انسانی در دنیا و آخرت دست یافت.

### واژگان کلیدی

حقوق بشر، کرامت انسان، حکومت امام زمان علیه السلام، دولت مهدوی، عصر ظهور.

---

\* کارشناس ارشد ادیان ابراهیمی و سطح سه امامت و مهدویت.

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَجَعَلْنَا فِيهِمُ الْبَرَّ وَالْبَحْرَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ  
وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»<sup>۱</sup>

و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] بر نشان‌دیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

امروزه در عصری به سر می‌بریم که بشریت سرخورده از مکتب‌های فکری و فلسفی و پس از جنگ‌ها و درگیری‌های خسته‌کننده، به سوی مفاهیم و آموزه‌هایی هم‌چون احیای کرامت انسانی، آزادی، حقوق بشر، دموکراسی و... روی آورده است.<sup>۲</sup> مکاتبی مانند اومانیسیم<sup>۳</sup> در پاسخ به این نیازها پدید آمده است. در ادیان، به‌ویژه ادیان الهی و ابراهیمی هم می‌توان رهیافت‌هایی به این مسائل داشت.<sup>۴</sup> گذشته از مبنای زمینی و انسانی این آموزه‌ها، می‌توان اذعان کرد که این مفاهیم در ادبیات روایی و قرآنی در دین اسلام هم اهمیت ویژه‌ای دارد.

براساس آموزه‌های شیعی، حکومت جهانی حضرت امام مهدی علیه السلام بر مبنای خدامحوری و کفرستیزی و عدالت‌محوری بر سراسر گیتی سایه می‌افکند و در نهایت، بنیان‌کنی کفر و الحاد، تصحیح انحراف‌های فکری و در یک کلمه خدامحوری و اصلاح معنوی حاصل می‌شود. بدین‌سان، هدف اساسی از زندگی آن عصر بر بنیان خداواری استوار بوده و زندگی را نیز این‌گونه سامان می‌دهد. بنابراین، کسی که با عالم ماورا ارتباط دارد، هیچ‌گاه احساس تنهایی، پوچی و نیست‌انگاری نمی‌کند و زیستی زیبا برای خویش ترسیم می‌کند. او که به افق روشن حیات دنیوی خویش رسیده است. ناامیدی و سرخوردگی را در خود راه نمی‌دهد و با حضور خداوند در زندگی و ارتباط با آن غایت متعالی، خود حقیقی و هویت واقعی خویش را بازمی‌یابد و به زندگی خود معنا می‌دهد. در آن عصر، بانگ رسای توحید و نبوت در سراسر عالم طنین‌انداز خواهد شد<sup>۵</sup> و دوران کفر جهانی خاتمه خواهد یافت. در نتیجه با حضور و ظهور خلیفه خدا در این کره خاکی، زمینه برای نایل آمدن به مهم‌ترین هدف نهایی بشر یعنی تقرب به ذات باری تعالی و حضورش در حیات دنیوی محقق می‌شود. به این ترتیب، یک



زندگی پرمعنا و ارزش مدار بر بشریت سایه می‌افکند. بدین‌سان، فصلی نو در ارتباط میان جامعه بشری و ذات باری‌تعالی آغاز می‌شود و این پدیده بزرگ با احساس پوچی، ناامیدی، بدبینی به زندگی دنیوی و دیگر مصیبت‌های زیست جهانی بشر تنافی کامل دارد. از این‌روست که عصر ظهور را عصر زندگی واقعی می‌نامند؛ زیرا زندگی معنادار می‌شود و انسان‌ها که به آن افق روشن رسیده‌اند، ناامیدی، بحران‌های روحی و ادراکی و... را از مسیر زندگی خویش می‌زدایند. در نهایت انسان به پاسخ همه پرسش‌های خود از زندگی دست می‌یابد که از کجا آمده است؟ به کجا می‌رود؟ چرا باید زندگی کند؟ و دیگر سؤال‌ها که همگی گم‌شده یک انسان اندیشه‌ور بوده‌اند.

البته در دوران ظهور این‌گونه نیست که با اجبار، خداباوری و دین الهی بر زمین سیطره می‌یابد، بلکه به شکل‌های گوناگون، زمینه‌های این واقعه عظیم پدید می‌آید و بشریت مسیر متعالی را می‌پیماید. بدین‌سان که اولاً بشریت بر فطرتی پاک نهاده شده است و گرایش‌های طبیعی او سمت و سوی خداباوری دارد. آن‌گاه که حکومت‌های فاسد و ناعادلتی‌ها و خودکامگی‌های مستکبران برچیده شوند و آدمی با عنایات الهی به هویت واقعی خویش دست یابد، به سوی گرایش‌های طبیعی خود یعنی خداباوری و پروای الهی و تربیت و سرشت انسانی گام می‌نهد.<sup>۶</sup> ثانیاً قوه خرد آدمی به نهایت تکامل خود می‌رسد و توان تشخیص حق از باطل به بهترین شکل به او عرضه می‌شود. با این اوصاف «مردم با رغبت به عبادات و هدایت شرع و دین‌داری روی می‌آورند و نمازها به جماعت برگزار می‌شود».<sup>۷</sup>

### تاریخچه بحث حقوق بشر

حقوق بشر، آموزه‌ای فلسفه‌ای است که بر مبنای نظریه آرمانی جان لاک،<sup>۸</sup> فیلسوف انگلیسی مبتنی بر برابری نوع بشر به عنوان یک ایده‌آل یا کمال مطلوب که می‌بایست انسان‌ها روزی به آن برسند، پدید آمد. بعد از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد، بیانیه حقوق بشر را تصویب کرد و در آن بیانیه از نظریه حقوق بشر جان لاک اقتباس کرد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی در ضمن قطع نامه ۲۱۷ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد. از ۵۶ دولت عضو سازمان ملل متحد، اعلامیه حقوق بشر با ۴۸ رأی مثبت، ۸ رأی ممتنع و بدون رأی منفی، به تصویب دولت‌های عضو رسید.<sup>۹</sup>

اما در عین حال شرایط، حاکی از اتفاق نظر درباره مقبولیت جهانی اعلامیه نیست و در چشم‌اندازی به جهان سوم برداشت می‌شود که آنها در تدوین، تصویب و حتی اجرای آن نقشی نداشته‌اند. آنها این اعلامیه را یک اعلامیه غربی که تأمین‌کننده منافع غربی‌ها و ابزاری برای سلطه آنها در شرایط جدید استعمار است تلقی می‌کنند. گفتنی است که دولت‌ها موضوع حقوق بشر نیستند، بلکه فرد، مخاطب این اعلامیه است در حالی که معمولاً برای اثبات مقبولیت اعلامیه به توافق دولت‌ها استناد می‌کنند.

حقوق بشر با تصویب و لازم‌الاجرا شدن منشور ملل متحد، تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و معاهدات گوناگون، که در سطح جهانی و منطقه‌ای بسته شده، مورد پذیرش دولت‌ها قرار گرفته است.

### متن اعلامیه حقوق بشر<sup>۱۰</sup>

شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان، اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد. و شناختن و تحقیر حقوق بشر، به اعمال وحشیانه‌ای انجامیده که روح بشریت را به عصیان واداشته است. پس ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند، بالاترین آمال بشر اعلام شده است. اساساً حقوق انسان را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج، به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد. مردم ملل متحد، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور اعلام کرده‌اند و تصمیم گرفته‌اند که به پیش‌رفت اجتماعی کمک کنند. آنان می‌خواهند در محیطی آزادتر، وضع زندگی بهتری به وجود آورند. دولت‌های

عضو نیز متعهد شده‌اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند، از آن‌جا که حسن تفاهم مشترک نسبت به این حقوق و آزادی‌ها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد، مجمع عمومی، این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند تا همه افراد و کلیه ارکان اجتماع، این اعلامیه را پیوسته مدنظر داشته باشند. آنها امیدوارند با تعلیم و تربیت، این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین‌المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها، چه در میان خود ملل عضو و چه در میان مردم کشورهای دیگر که در قلمرو آنها هستند، تأمین گردد.

#### ماده اول:

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

#### ماده دوم:

۱. هرکس می‌تواند بدون هیچ تمایز خصوصاً از حیث رنگ، جنس، نژاد، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و هم‌چنین ملیت و وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره‌مند گردد.

۲. هیچ تبعیضی مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمین شخص به عمل نخواهد آمد. خواه این کشور مستقل، تحت قیومیت یا خودمختار تلقی شود یا حاکمیت آن به شکلی، محدود شده باشد.

#### ماده سوم:

هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

#### ماده چهارم:

احدی را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت و داد و ستد بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است.

#### **ماده پنجم:**

احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا خلاف انسانیت و شئون انسانی یا موهن باشد.

#### **ماده ششم:**

هرکس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همه‌جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود.

#### **ماده هفتم:**

همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و باسویه از حمایت قانون بهره‌مند شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و هر تحریکی که برای اعمال چنین تبعیضی انجام شود از حمایت قانون بهره‌مند شوند.

#### **ماده هشتم:**

در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هرکس حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه را دارد.

#### **ماده نهم:**

احدی را نمی‌توان خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید نمود.

#### **ماده دهم:**

هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بی‌طرف، منصفانه و علناً رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او وارد شده باشد، تصمیم بگیرد.

#### **ماده یازدهم:**

۱. هرکس که به بزه‌کاری متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که کلیه تضمین‌های لازم جهت دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد.

۲. هیچ‌کس برای انجام یا انجام ندادن عملی که در موقع ارتکاب، آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است محکوم نخواهد شد. به همین سبب، هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می‌گرفت، درباره احدی اجرا نخواهد شد.

#### ماده دوازدهم:

احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هرکس حق دارد در مقابل این‌گونه مداخله‌ها و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

#### ماده سیزدهم:

۱. هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب کند.  
۲. هرکس حق دارد هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کند یا به آن بازگردد.

#### ماده چهاردهم:

۱. هرکس حق دارد در مقابل شکنجه، آزار و تعقیب پناهگاهی جست‌وجو کند و در کشورهای دیگر پناه گزیند.  
۲. در مواردی که تعقیب واقعاً مبتنی به جرم عمومی و غیرسیاسی یا رفتارهایی مغایر با اصول و مقاصد ملل متحد باشد نمی‌توان از این حق استفاده کرد.

#### ماده پانزدهم:

۱. هرکس حق دارد که دارای تابعیت باشد.  
۲. احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

#### ماده شانزدهم:

۱. هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ‌گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با یک‌دیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت

زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی هستند.

۲. ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود.

#### ماده هفدهم:

۱. هرکس منفرداً یا به‌طور دسته‌جمعی حق مالکیت دارد.

۲. احدی را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود.

#### ماده هیجدهم:

هرکس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و نیز متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان است و هم‌چنین شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هرکس می‌تواند از این حقوق منفرداً یا اجتماعاً و به‌طور خصوصی یا عمومی بهره‌مند شود.

#### ماده نوزدهم:

هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

#### ماده بیستم:

۱. هرکس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز تشکیل دهد.

۲. هیچ‌کس را نمی‌توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد.

#### ماده بیست و یکم:

۱. هرکس حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه از طریق نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید.

۲. هرکس حق دارد با تساوی شرایط، به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید.

۳. اساس و منشأ قدرت حکومت اراده مردم است. این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و به‌طور ادواری صورت پذیرد. انتخابات

باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رأی مخفی یا طریقه‌ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تضمین نماید.

#### **ماده بیست و دوم:**

هرکس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی ملی و هم‌کاری بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نمو آزادانه شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد.

#### **ماده بیست و سوم:**

۱. هرکس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خود خواستار باشد و در مقابل بی‌کاری مورد حمایت قرار گیرد.

۲. همه حق دارند بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی اجرت مساوی دریافت کنند.

۳. هرکس که کار می‌کند به مزد منصفانه و رضایت‌بخشی ذی‌حق می‌شود که زندگی او و خانواده‌اش را موافق شئون انسانی تامین کند و آن را در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید.

۴. هرکس حق دارد برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد یا در اتحادیه‌ها شرکت کند.

#### **ماده بیست و چهارم:**

هرکس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و به خصوص به محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی‌های ادواری با اخذ حقوق ذی‌حق است.

#### **ماده بیست و پنجم:**

۱. هرکس حق دارد که سطح زندگی او، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و هم‌چنین حق دارد که در مواقع بی‌کاری، بیماری، نقص اعضا، بیوگی،

پیری یا تمام موارد دیگری که به عللی خارج از اراده انسان وسایل امرار معاش از دست رفته باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی بهره‌مند شود.

۲. مادران و کودکان حق دارند از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یک‌نوع حمایت اجتماعی بهره‌مند شوند.

#### ماده بیست و ششم:

۱. هرکس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌گیرند.

۲. آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر فرد را به حد کمال رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حس تفاهم، گذشت و احترام به عقیده مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و هم‌چنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهیل نماید.

۳. پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

#### ماده بیست و هفتم:

۱. هرکس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها بهره‌گیرد و در پیش‌رفت علمی و فواید آن سهیم باشد.

۲. هرکس حق دارد از حمایت منافع مادی و معنوی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود بهره‌مند شود.

#### ماده بیست و هشتم:

هرکس حق دارد برقراری نظم را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی، حقوق و آزادی‌هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده است تأمین کند و آنها را به مورد اجرا گذارد.



## ماده بیست و نهم:

۱. هرکس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر کند.

۲. هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون و منحصرأً به منظور تأمین، شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت صحیح مقتضیات اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.

## ماده سی‌ام:

هیچ‌یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولت، جمعیت یا فردی باشد که به موجب آن بتوانند هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را از بین ببرند یا در راه آن فعالیتی نمایند.

## کرامت انسان و حقوق بشر

«اعلامیه جهانی حقوق بشر» در نخستین اصل خود، به دو مبنای اساسی برای تعریف حقوق بشر اشاره می‌کند: آزادی و کرامت انسان؛ چراکه انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و دارای کرامت انسانی برابر هستند. از میان این دو مبنای اساسی، آن‌چه جادویی است و همواره مصداق خود را حفظ می‌کند، نه آزادی، بلکه کرامت است!

بیاید با دقت بیشتری این دو مبنا را در رابطه با حقوق بشر بررسی کنیم. در ابتدا یک توضیح مقدماتی درباره مفهوم واژه مورد بحث ضروری به نظر می‌رسد.

## درباره واژه کرامت و مفهوم آن

پیش از توضیح درباره اهمیت کرامت انسان و برتری آن بر آزادی، ابتدا باید توضیح داد که این واژه‌ها همانند هر واژه دیگری، حاصل توافق انسان‌ها بر سر مفهوم آنهاست. واژه کرامت<sup>۱۱</sup> معادل فارسی «dignity» است؛ زیرا در حال حاضر، واژه بهتری در زبان فارسی نداریم و همین واژه و یا حیثیت و کرامت انسان توسط برخی بزرگان<sup>۱۲</sup> به کار رفته است. برخی دیگر پیش‌نهاد می‌کنند که آن را

شان و یا ارجمندی انسان بنامیم، ولی چون نباید تعصبی در انتخاب واژه‌ها داشت، به هر حال اجازه دهید تا واژه دیگری پذیرفته نشده، ما واژه کرامت را به جای «dignity» استفاده کنیم.

نکته مهم این است که احترام به آزادی و کرامت انسان، حاصل رشد شعور اجتماعی و وجدان انسان‌هاست و چنان‌چه در اعلامیه جهانی حقوق بشر بازتاب یافته است، لزوم پذیرش همگان برای احترام به این مبانی ضروری است تا حقوق بشر محفوظ بماند و در عمل قابل احترام باشد. احترام به آزادی و کرامت انسان بدون آگاهی و پذیرش ما مفهوم نمی‌یابد و در نتیجه عملی نمی‌شود. اگر ما به اعلامیه جهانی حقوق بشر معتقد هستیم و آن را می‌پذیریم، به ضرورت مفاهیم اصولی را که پیش‌فرض‌های پذیرش این حقوق هستند نیز می‌پذیریم. واژه کرامت در فیزیولوژی و ژن<sup>۱۳</sup> ما انسان‌ها ثبت نشده است، بلکه توسط وجدان جمعی بشر آگاه و مترقی پذیرفته شده است. اساسی شمردن مفهوم کرامت انسان در زمینه‌های گوناگون تعریف حقوق بشر در اسناد و اعلامیه‌های سازمان ملل متحد بر اهمیت درک همه ما از این مفهوم تأکید دارد و تلاش برای گسترش درک همگانی درباره آن را ضروری می‌سازد.

### واژه‌های مشابه در تعریف ارزش‌های انسانی و سوء تدبیر از آن

نکته‌ای که شاید مانع از درک کامل مفهوم کرامت ذاتی انسان می‌شود، آن است که ما بر مبنای ارزش‌های جمعی در زمینه اخلاق یا رفتار اجتماعی مفهومی برای انسان تعریف می‌کنیم. انسانی که شایستگی اخلاقی و رفتار مناسب اجتماعی داشته باشد؛ یعنی برای اشاعه و حفظ ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در جامعه، تعریفی از انسان ارائه می‌دهیم که در حقیقت انسانی نیک‌پندار، نیک‌گفتار و نیک‌کردار است. بی‌شک انسان معمولی، بی‌صلاحیت و مجرم در این دایره قرار نمی‌گیرد، اما باید به خاطر داشت که اعلامیه جهانی حقوق بشر درباره همه افراد بشر صادق است، و نه عده‌ای افراد برجسته که مورد احترام اجتماعی هستند.

برای مثال، همه ما شنیده‌ایم که تن آدمی شریف است به جان آدمیت ولی آیا تن آدم‌هایی را که جان آدمیت ندارند، واقعاً بی‌ارزش می‌شماریم؟ خیر، درباره هر

آدمی ما اصل نبودن شکنجه را می‌پذیریم، و قبول داریم که فرد نباید مورد رفتار خشن و بی‌رحمانه و توهین‌آمیز قرار گیرد و اصل حق زندگی و لغو اعدام را قبول داریم.

ما این شعر را شاید به‌طور تمثیل‌گونه در تفسیر ارزش‌های اخلاقی شخصی خود برای انتخاب دوستان مان به‌کار گیریم، اما در زمینه عمل و احترام واقعی به تن آدمی، حقوق بشر را قطب‌نمای رفتار خود می‌دانیم.

این‌که «نه هر آدمی‌زاده از دد به است/ که دد ز آدمی‌زاده بد به است» تمثیل دیگری است که شاعری در چند صد سال پیش برای ترویج ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی به‌کار گرفته است. در مثل، جایی برای مناقشه نیست، اما طبیعی است که در زمینه حقوق بشر کاربرد ندارد؛ زیرا نافی کرامت انسان و ناقض حقوق بشر است.

به‌طور سنتی ما در بزرگداشت ارزش‌های اخلاقی خود، تا آن‌جا غلو می‌کنیم که فردی را که از این ارزش‌ها به دور است، انسان نمی‌خوانیم یا کرامت او را نفی می‌کنیم و او را انسان بی‌ارزشی می‌خوانیم. به همین ترتیب، ما انسان‌هایی را که عمل‌کرد اخلاقی یا اجتماعی مثبت دارند، با ارزش می‌شماریم و از آنها تجلیل می‌کنیم، اما این شأن و ارجمندی که حاصل ارزش‌گذاری اجتماعی ماست و براساس اندیشه‌های والا یا عمل‌کرد مثبت و نیکوکاری انسانی به وی منسوب می‌شود، هرگز مترادف با مفهوم کرامت انسان که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد سازمان ملل متحد آمده است، نیست و نباید اشتباه شود.

مفهوم انسان والا، فداکار یا قهرمان و از این قبیل مفاهیمی است که با توجه به ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی ما تعیین می‌شود و توسط جمعی از ما انسان‌ها به فرد یا افرادی نسبت داده می‌شود. این صفات‌ها اکتسابی است و ذاتی و همگانی نیست و متناسب با توانایی‌های افراد، شرایط و موقعیت‌های فردی و اجتماعی و ارزش‌ها و انتخاب‌های فردی و جمعی مفهوم و بروز می‌یابد. مهم‌تر از همه این‌که این ویژگی‌های اکتسابی، به حقوق بشر کسی نمی‌افزاید، یا به‌عکس، فقدان آنها دلیلی برای محدودیت و یا نقض حقوق بشر افراد نیست. گرچه ممکن است این ویژگی‌های مثبت اجتماعی به کسب برخی امتیازات اجتماعی بیانجامد. به بیان

دیگر، رفتار براساس ارزش‌های اجتماعی، فقط باعث کسب امتیازات اجتماعی می‌شود و ربطی به حوزه حقوق بشر ندارد. برای نمونه، جایزه نوبل و دیگر جوایز اجتماعی، به افرادی که شایستگی‌های ویژه‌ای در فعالیت‌های خود نشان داده باشند، تعلق می‌گیرد، اما این ویژگی‌ها و شایستگی‌ها، ربطی به موارد مصداق یا نقض حقوق بشر ندارد. حقوق بشر جهان‌شمول است و ورای ارزش‌های اخلاقی و ساختارهای اجتماعی و در مورد همه انسان‌ها کاربرد دارد و این امر به‌ویژه در ارتباط با حقوق طبیعی بشر، همانند حق زندگی مصداق دارد.

### کرامت یا آزادی؛ کدام مقدم‌ترند؟!

برخی حقوق بشر، حقوق طبیعی است و از هنگام تولد با اوست و تا دم مرگ با او خواهد بود به گونه‌ای که صرف‌نظر از روابط اجتماعی و شیوه زندگی فردی و جمعی، همواره توسط همه مورد احترام است، مانند حق زندگی. این حقوق براساس احترام به کرامت انسان استوار است و قابل سلب نیست. هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نمی‌تواند، ولو به نام منافع جمعی یا امنیت ملی، حق زندگی را از دیگری سلب و او را اعدام کند.

دسته دیگری از حقوق بشر، حقوقی است که در اجتماع و براساس روابط مدنی و سیاسی تعریف می‌شود که در روابط بین انسان‌ها و در ساختار اجتماعی - سیاسی کاربرد دارد و تعریف می‌شود، مانند حق آزادی مطبوعات. حقوق اجتماعی ما بر اصل آزادی و برابری انسان‌ها استوار است. اما این آزادی‌ها در چارچوب روابط اجتماعی و با توجه به عمل‌کرد افراد در زمینه اجتماع تعریف می‌شود. بنابراین، نهادهای اجتماعی هم‌چون مجلس شورا می‌توانند محدوده‌ای برای این حقوق تعیین کنند و نهاد اجتماعی دیگری هم‌چون دستگاه قضایی، می‌تواند این حقوق را از برخی افراد سلب نماید.

بدین ترتیب می‌بینیم که کرامت انسان بر آزادی او برتری دارد. بدین مفهوم که کرامت را نمی‌توان کاهش داد، محدود کرد، یا نفی نمود. در حالی که آزادی انسان‌ها را می‌توان کاهش داد، محدود کرد یا سلب نمود. افراد به خاطر ارتکاب جرم حتی به زندان انداخته شده‌اند و از بسیاری از حقوق و آزادی‌های خویش محروم می‌شوند، اما کرامت آنها خدشه‌دار نمی‌شود.

نکته بسیار بااهمیت این است که حتی سلب آزادی افراد به کرامت آنها لطمه نمی‌زند؛ یعنی فرد جنایت‌کاری مثل صدام یا پینوشه، اگر به خاطر جنایت‌های خویش محاکمه و زندانی شود و از همه آزادی‌ها محروم شود، در زندان نیز بایستی کرامت انسانی وی حفظ شود. از همین روست که اصل اول از مجموعه اصول حمایت از افراد تحت بازداشت یا در زندان که در سال ۱۹۸۸ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است، بیان می‌دارد که با همه افراد تحت بازداشت یا در زندان بایستی به شیوه انسانی با احترام به کرامت ذاتی فرد انسان<sup>۱۴</sup> رفتار شود.

بدین‌سان، هر فردی، صرف نظر از اعمال و کردار یا اعتبار اخلاقی و وجهه اجتماعی وی، کرامت انسانی دارد و احترام به این کرامت انسانی، همیشه و تحت هر شرایطی باید حفظ شود؛ زیرا کرامت انسان ذاتی اوست و ربطی به محدودیت حقوق مدنی و سیاسی ندارد و با سوء رفتار مدنی و سیاسی خدشه‌دار نمی‌شود. این اصل پایه‌ای و اساسی، احترام به حقوق بشر همه انسان‌هاست. بدون درک اهمیت و ضرورت احترام به کرامت انسان نمی‌توان حقوق بشر را درک کرد و پذیرفت.

### حقوق بشر از منظر اسلام

همان‌گونه که در فصل بعد خواهد آمد، انسان در حقوق بشر اسلامی و از منظر قرآن به عنوان مانیفست دین اسلام، از دو جهت با انسان حقوق بشر غربی تفاوت دارد:

۱. انسان در حقوق بشر اسلامی، مطلقاً آزاد نیست و آزادی وی در دو بُعد تعریف می‌شود:

الف) آزادی وی در برابر افراد هم‌نوع خود و تکلیف و رابطه متقابل او در برابر آنها؛

ب) آزادی و تکلیف او در برابر خداوند.

مقایسه اشتباهی که تاکنون مکرر صورت گرفته این است که در مباحث فلسفی حقوق بشر، عده بسیاری آزادی بشر را در سنت اسلامی مقید و در فلسفه غربی

مطلق انگاشته‌اند. این قیاس از آن حیث نادرست است که در غرب، حقوق بشر تنها در یک محور گردش و تعامل دارد و آن گردش حول محور رابطه بین افراد است، در حالی که حقوق بشر اسلامی، رابطه‌ای است با دو بُعد تکلیفی و حقوقی، نخستین بُعد آن در ارتباط با فرد تصویر می‌شود و بُعد دوم آن در ارتباط با خدا. از این رو، حقوق بشر در اسلام وجهی متعالی‌تر و مزید بر حقوق بشر غربی است. در بُعد مشترک حقوقی به نظر می‌رسد بین دو سنت تفاوتی در حجم، حدود، میزان و کارکرد آزادی‌ها، حقوق و تکالیف وجود نداشته باشد.

به همان‌سان که انسان غربی در ارتباط با هم‌نوع خود حق و تکلیف دارد، انسان در سنت اسلامی نیز واجد حق و تکلیف متقابل است و نباید گرد تکلیف و حقوق متقابل او، هاله معنویتی خلاف واقع کشیده شود. به عبارت دیگر، انسان مسلمان در رابطه با فرد هم‌نوع خود مسلمان یا غیرمسلمان، حقوق و تکلیفی بیشتر از انسان غربی ندارد و در این نوع رابطه، بر عمل او نیز برتری مترتب نیست. خیانت نکردن، دروغ نگفتن، ادای دین، آزار نرساندن، آزاد بودن و سلب نکردن آزادی دیگران و مواردی از این دست از نظر موضوعیت در هر دو سنت مشترک‌اند. بُعد دیگر، برتری است. به عبارت دیگر، خواسته یا ناخواسته، وجه مغفول فلسفه حقوق بشر در غرب، رابطه انسان و حق و تکلیف او در برابر خداوند است. در سنت غربی، انسان آزاد است، بدون رساندن اضرار به غیر، به هر عملی که خواست دست بزند و تنها وجه بازدارنده رفتار وی همین اصل (ضرورت و الزام عدم اضرار به غیر) است. بر این مبنایا، اگر در جامعه یا مراجعی به رفتار فرد و حریم او تعرض شود یا آزادی مطلق او سلب یا به آن تعرض شود، حقوق بشری وی با چالش روبه‌رو شده است و باید اعاده گردد. خلاف و افزون بر سنت غربی، در حقوق بشر اسلامی عمل فرد باید واجد حیثیت عدم اضرار به غیر باشد. هم‌چنین باید در راستای رابطه تعریف شده‌ای که با خداوند دارد و تکلیف طاعتی که بر عهده او نهاده شده است (مضر به احکام لا یتغیر الهی) نیز نباشد و به آنها صدمه‌ای نرساند. بُعد پنهان در این رابطه نیز، در حقیقت نه اضرار به احکام خداوندی که (اضرار به نفس خود انسان) است تا در گردونه کمال دچار ضعف و توقف نشود و بتواند مسیر معهود را تا حصول به کمال و

رستگاری سپری کند. در سنت رعایت حقوق دیگران و عمل برخلاف قواعد اخلاقی، در صورتی که آسیبی برای حقوق دیگران نداشته باشد مجاز است، اما در سنت اسلامی و در فلسفه حقوق آن، عمل برخلاف قواعد شریعت، چون به خود فرد نیز آسیب می‌رساند، مجاز نیست و در محدوده یکی از وجوه (واجب، حرام، مستحب و مکروه) شکل داده می‌شود. در واقع به بیان حقوقی، اصل (عدم اضرار به غیر) به حقوق غربی، جواز عدم حرمت می‌دهد. در حالی که در اسلام، اصل دیگری نیز این اصل را تکمیل می‌کند و آن اصل عدم اضرار به نفس است. در غرب، شرب خمر چنانچه در ملاء عام نباشد و حقی را از کسی پایمال نکند، معترض و متذکری ندارد، اما در اسلام، حتی اگر در نهان‌ترین مکان‌ها نیز صورت گیرد، از این حیث که خود فرد را دچار آسیب می‌کند، نیازمند تذکر است.<sup>۱۵</sup>

۲. اخلاق نیز در غرب مانند حقوق، مبنایی جز قراردادهای مبتنی بر عرف ندارد و از این حیث الزام‌آوری آنها تنها به قدرت‌مندی حکومت باز می‌گردد؛ یعنی چون اخلاقی فاقد مبانی بشری است، لزوم عمل به گزاره‌های آن بسته به ضامن اجرایی آن است، نه این‌که در نهاد و وجود فرد الزام‌آور باشد. حتی می‌توان ادعا کرد که اخلاق غرب نیز اخلاقی صرفاً انسان‌محور است و گزینه‌های ماوراءالطبیعی، که حدی از تکلیف را برای آن مقدر دارند، دیده نمی‌شود. پس حذف مقتضیات دینی در فلسفه حقوق بشر، نه تنها دایره حقوق متقابل فردی را گسترش نداده است بلکه گریزگاه مهمی را در موضع تعارض حقوق و منافع از بین برده است. در حالی که اسلام با تکریم انسان به نفس خود وی، هم در مقام نتیجه‌گرایی و ارئه راه‌حل برای مواضع تعارض و هم در مقام عمل‌گرایی، همواره از غرب جلوتر بوده است.

### انسان‌شناسی و کرامت انسان در قرآن

باید بدانیم که جایگاه و منزلت انسان در میان موجودات دیگر چگونه است. آیا برتر از بخشی از آنهاست یا برتر از همه موجودات یا اصلاً بر هیچ موجودی برتری ندارد؟ و اگر برتری دارد، آیا ذاتاً برتری دارد یا این‌که اکتساباً می‌تواند برتری پیدا کند؟ برای بحث در این زمینه، باید آیاتی که به نحوی خبر از برتری

انسان می‌دهد را بررسی کنیم و بعد با نقل برداشت‌هایی که از این آیات شده است، ببینیم جایگاه و منزلت انسان در قرآن چگونه است؟ برای این که بحث از قرآن آغاز شود باید ببینیم انسانی را که خداوند خلیفه خود معرفی می‌کند، اشرف مخلوقات و موجودات هم هست یا خیر.

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾<sup>۱۶</sup>

ما آدمی زاد را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا [بر مرکب‌های راهوار] حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کردیم برتری بخشیدیم.

آن چه علامه طباطبایی رحمته الله علیه در *المیزان* به آن اشاره کرده است درباره علت گرامی داشتن انسان بر دیگر آفریده‌ها عبارتند از: قوه نطق داشتن؛ تعدیل القامه بودن، انگشتان دست انسان جوری است که قادر است خیلی کارها را انجام دهد، با دست غذا خوردن، خط نوشتن، حسن صورت، تسلط بر بسیاری از مخلوقین و مسخر کردن، آفرینش ابوالبشر به دست خداوند، قرار دادن - محمد صلی الله علیه و آله - از انسان‌ها.

بعضی از این اوصاف نه‌گانه، متفرع بر عقل هستند مانند: نطق و حرف زدن، خط نوشتن، تسلط بر غیر پیدا کردن.<sup>۱۷</sup> بنابراین، عقل هم به عنوان دهمین عامل برتری شمرده می‌شود؛ زیرا همان‌طور که علامه رحمته الله علیه بیان فرموده‌اند، بخشی از این صفات، به عقل برمی‌گردند. نکته دیگر که در این آیه قابل توجه است آن‌که مفسران، کلمه «کثیر» را به معنی موجودات مادی که حیوانات و جن هستند تفسیر کرده‌اند و شامل ملائکه که تحت تأثیر نظام مادی نیستند نمی‌دانند. برخی گفته‌اند مراد از تکریم در آیه، بهره‌مندی از نعمت‌های دنیاست و مقصود از تفضیل در آیه نیز بهره‌مندی از نعمت‌های آخرت است. مسئله تفضیل در آیات دیگر نیز آمده، مانند:

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾<sup>۱۸</sup>



و در آیه دیگر باز تعبیر «علی العالمین» آمده است:

﴿وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ﴾<sup>۱۹</sup>

مفسران، عالم را به معنی جماعتی از مردم گرفته‌اند مانند: عالم عرب، عالم روم و... و آیه دوم را چنین معنا کرده‌اند که همه پیامران را از حیث منزلت بر عالم‌های زمان خودشان برتری دادند؛ زیرا هدایت خاصه خداوند بلاواسطه شامل آنها شده بود، ولی دیگران به واسطه اینها، شامل هدایت شده بودند.

در کتاب *انسان در قرآن* می‌خوانیم: چند احتمال در رابطه با این که نوع انسان از نظر کرامت مادی در چه مرتبه‌ای است، وجود دارد.

۱. انسان از تمام مخلوقات پست‌تر است.
  ۲. انسان از همه مخلوقات برتر است.
  ۳. از بعضی از مخلوقات برتر و از بعضی پست‌تر است.
  ۴. انسان با مخلوقات دیگر مساوی است.
- مخلوقاتی که در قرآن با انسان مقایسه می‌شوند عبارتند از:

۱. جن.
۲. فرشته.
۳. حیوانات.
۴. نباتات.
۵. جمادات.

انسان بر سه گروه اخیر طبق آیات قرآن برتری دارد، مثلاً:

﴿وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِنَآءِكُمْ أَنتُمْ لَهَا مِنَ الْخَمْرِ طَرِيقًا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا حَلِيبًا تَلْبَسُونََهَا...﴾<sup>۲۰</sup>

او کسی است که دریا را مسخر [شما] ساخت تا از آن گوشت تازه بخورید و زیوری برای پوشیدن [مانند مروارید] از آن استخراج کنید.

در این آیه، قرآن، از برتری انسان بر دریا و آنچه در دریا از موجودات زنده هست، خبر می‌دهد. یا در آیه دیگر می‌خوانیم:

﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾<sup>۲۱</sup>

طبق این آیه، آنچه در آسمان‌ها و زمین است مانند خورشید و ستارگان و معادن و دریاها و گیاهان و حیوانات، در خدمت انسان گماشته شده است. از مجموع این آیات استفاده می‌شود انسان بر سه گروه اخیر برتری دارد و ریشه این تکریم همان قوه عقل و اندیشه و اعضای بدن او از قبیل دست و زبان و انگشتان است.

اگر انسان از این اعضای بدنی و عقل محروم بود، هرگز نمی‌توانست با وسایل ابتدایی و قدیم یا مدرن امروز به مسافرت‌های دور و نزدیک برود. معلوم است که تنها انسان است که در شرایط زندگی ارضی چنین امتیازهایی دارد و موجودات دیگر با این که حرکت، رفت‌وآمد، خور و خواب و شهوت دارند، ولی از این امکانات محرومند.

درباره برتری انسان بر جن باید گفت جن هم مانند انسان نیک و بد، صالح و غیرصالح، دین‌دار و بی‌دین دارند. ولی از خود، پیامبر ندارند و ناچار از پیامبر انسان‌ها پیروی می‌کنند.

﴿وَأَنَا مِمَّا الصَّالِحِينَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قَدًّا﴾<sup>۲۲</sup>

آیا قرآن، حکایت از این دارد که جن‌ها هم مانند انسان‌ها به دو دسته صالح و نیکوکار و غیرصالح تقسیم می‌شوند. در آیه دیگر نیز خبر می‌دهد که گروهی از آنها مسلمان و گروهی غیرمسلمان‌اند. برای مثال آیه ﴿وَأَنَا مِمَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ﴾<sup>۲۳</sup> و آیه دیگر از ایمان آوردن گروهی از آنها به پیامبر ﷺ حکایت می‌کند:

﴿قُلْ أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا \* يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَمْ نُشْرِكْ بِرَبِّنَا أَحَدًا﴾<sup>۲۴</sup>

براساس این آیه گروهی از آنها به وسیله قرآن به راه راست هدایت می‌شوند. پس نتیجه می‌گیرد که انسان از جن هم برتر است.

اما فرشته هم مأمور می شود بر آستان انسانیت سجده کند. بنابراین، انسانیت واقعی سجود ملائکه ها می شود.

نتیجه این است که انسان بر همه موجودات ارضی (زمینی) اعم از جن و حیوان برتری ذاتی دارد، اما بر فرشتگان برتری ذاتی ندارد؛ چون در قرآن درباره فرشته ها می خوانیم:

﴿بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ \* لَا يُسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾؛<sup>۲۵</sup>

همه بندگان مقرب خدا هستند که هرگز پیش از امر خدا کاری نخواهند کرد و هر چه کنند به فرمان اوست.

﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ \* كِرَامًا كَاتِبِينَ \* يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾؛<sup>۲۶</sup>

البته نگاهبان ها بر مراقبت احوال و اعمال شما مأمورند، آنها نویسنده اعمال شما و فرشته مقرب شما، شما هر چه کنید همه را می دانند.

نتیجه آن که از نظر ذاتی، انسان و فرشته رقابتی ندارند و از طرفی مانعی ندارد که از لحاظ کرامت و شرافت اکتسابی حتی بر فرشتگان هم برتری پیدا کنند.<sup>۲۷</sup> حضرت آیه الله جوادی آملی در تفسیر آیه «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»<sup>۲۸</sup> «پس خلقتی دیگر انشاء نمودیم، آفرین بر قدرت کامل بهترین آفریننده»، می فرماید:

خدای که خود را خالق کل شیء معرفی می کرد فرمود: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ». چه مجردات مثل فرشتگان و چه مادی درباره هیچ کدام نفرموده: «تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». فقط در مورد انسان آن هم بعد از افاضه روح و خلق جدید فرمود: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ...» یعنی مبارک بودن خدا. آیا برای آن است که نطفه را به صورت علقه درآورد؟ آیا برای آن است که علقه را به صورت مضغه درآورد؟ آیا برای آن است که مضغه را به صورت جنین درآورد؟ آیا برای آن است که ماده جامد را به مرحله نفس نباتی و سپس به مرحله نفس حیوانی رسانید؟

این طور نیست؛ چون این تحولات در بسیاری از حیوانات دیگر هم وجود دارد. حیوانات دیگر هم همین طورند؛ از این آیه معلوم می شود،

مبارک بودن خدا از جهت افاضه جسم انسان یا نشئه نباتی او نیست و هم‌چنین مربوط به نشئه حیوانی او هم نیست، بلکه مربوط به مقام انسانیت اوست و این مقام انسانیت است که مسجود فرشتگان است و مکرم‌تر از موجودات دیگر و فی نفسه گرامی است. باز آیه «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»<sup>۲۹</sup> که روح انسان را به خودش نسبت داده است و همین افاضه روح الهی، مایه مسجود شدن او بود.<sup>۳۰</sup>

دلیل این‌که انسانیت از ملائکه هم بالاتر است این است که مقام انسان مسجود ملائکه شد. نظر آیه‌الله جوادی آملی هم در کتاب *کرامت در قرآن* همین است. در نتیجه، اگر مخلوقات منحصر در همین پنج گروه هستند، انسان اشرف مخلوقات است و اگر غیر از این پنج گروه، مخلوقاتی دیگری هم داشته باشیم، اشرف مخلوقات بودن انسان را نمی‌شود از قرآن استفاده کرد. البته نه این‌که قرآن عکس آن را ثابت کرده است، بلکه اگر فرضاً مخلوقی باشد، قرآن در مورد آن توقف کرده است.

### امتیازات انسان و ویژگی‌های انسان‌شناختی

تفاوت انسان با دیگر موجودات بسیار آشکار است، ولی نکته مورد بحث این است که وجه تمایز انسان با دیگر موجودات از دیدگاه قرآن چه چیزهایی است؟ تفاوت انسان در ترکیب ذات اوست که دلیل آن‌هم در قرآن آمده است:

«إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ»<sup>۳۱</sup>

ما انسان را از نطفه‌ای آفریدیم که در آن مخلوط‌های زیادی وجود دارد.

مقصود استعدادهای زیادی است که امروز به آنها ژن می‌گویند. بعد می‌فرماید:

انسان به مرحله‌ای رسیده است که ما او را مورد آزمایش قرار می‌دهیم؛ یعنی به حدی از کمال رسیده است که او را آزاد و مختار آفریدیم و شایسته تکلیف و آزمایش و امتحان و نمره دادن، ولی موجودات دیگر چنین شایستگی را ندارند.<sup>۳۲</sup>

بعد از این مقدمه ویژگی‌های انسان از دیدگاه قرآن کریم را ملاحظه می‌کنیم:

## نقاط قوت در انسان‌شناسی قرآن

۱. یکی از امتیازهای انسان در قرآن کریم، بیان اوست: «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ؛ به او تعلیم نطق فرمود.»

آن‌چه انسان به وسیله آن بتواند درون خود را و آموخته‌های خود را برای دیگران بازگو کند بیان نامیده می‌شود.

۲. یکی دیگر از معیارهای مورد توجه قرآن، خودشناس بودن انسان است:

﴿بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ﴾<sup>۳۳</sup>

در آیه آمده است که انسان: خودآگاه است؛ یعنی از احوال و وضعیت روحی و اخلاقی خودش خبر دارد و این آگاهی او از امتیازهای او به شمار می‌آید.

۳. قدرت یادگیری و آموختن علم:

قرآن در این باره آورده است:

﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾<sup>۳۴</sup>

انسان می‌تواند چیزی را که نمی‌داند یاد بگیرد و از جهل خود بکاهد. خداوند دامنه علم او را هم محدود نکرده است، بلکه مرتب می‌تواند از جهالت و نادانی‌های خود پرده بردارد و هزار مسئله مجهولی که در پیش رو دارد حل کند.

۴. متفکر بودن انسان:

خداوند انسان را متفکر قرار داده است.

﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾<sup>۳۵</sup>

با تفکر و تدبر است که انسان می‌تواند به قیامت و حشر و نشر که در آیات آمده است یقین یابد. هر چیزی را علت‌یابی کند و برای هر چیزی ابتدا و انتهایی، در نظر بگیرد...<sup>۳۶</sup>

۵. فرستادن پیامبر ﷺ از بین انسان‌ها نه موجودات دیگر:

﴿يَا بَنِي آدَمَ! إِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي...﴾<sup>۳۷</sup>

ای فرزندان آدم! چون پیامبرانی از جنس شما بیایند و آیات را برای شما بیان کنند.

۶. سجده ملائکه بر انسان:

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ...﴾<sup>۳۸</sup>

چون فرشتگان را فرمان دادیم که بر آدم سجده کنند، همه سجده کردند مگر ابلیس.

۷. نماینده خدا بر روی زمین:

یکی دیگر از امتیازهای انسان این است که خداوند انسان را جانشین خود و نماینده خود بر روی زمین قرار داده است. این را خوب می‌دانیم که تا انسان مرتبه بلندی نمی‌یافت این لیاقت را پیدا نمی‌کرد که نماینده خداوند معرفی شود:

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾<sup>۳۹</sup>

به یاد آر آن‌گاه که پروردگار فرشتگان را فرمود من در زمین خلیفه خواهم گماشت.

۸. خلقت زمین برای انسان:

﴿وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ﴾<sup>۴۰</sup>

البته در این‌که معنی انام چیست اختلاف است. گروهی آن را بر هر ذات روح‌داری اطلاق کرده‌اند و قول دیگر این‌که انام به معنی انسان است.

علامه می‌فرماید: «الانام یعنی الناس»<sup>۴۱</sup>.

قول دیگر نیز این است که انام، یعنی انسان و جن. باید توجه داشت در صورتی که انام منحصرأً به معنی انسان باشد، این آیه به عنوان امتیازهای انسان به شمار می‌آید.

۹. انسان و اختیار:

﴿وَيَذَعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا﴾<sup>۴۲</sup>

البته باید توجه داشت که این امتیاز هم نسبت به بعضی از موجودات است نه همه آنها؛ زیرا مثلاً جن هم مانند انسان از روی اختیار، خیر یا شر را انتخاب می‌کند.

## نقاط ضعف در انسان‌شناسی قرآن

البته تذکر این نکته ضرورت دارد که بعضی آیات قرآن، انسان را بسیار تمجید کرده است. در مقابل برخی آیات هم به ذم او پرداخته است. ظاهر این دو دسته با هم تنافی دارد، ولی هیچ منافاتی وجود ندارد؛ زیرا با توجه به این که انسان موجود دو بُعدی است و یکی از دو بُعد او، او را به سوی خوبی‌ها سوق می‌دهد و بُعد دیگر آن را به طرف لذت‌های زودگذر می‌کشاند، پس هرکدام از این آیات به یکی از ابعاد انسان اشاره دارد. اکنون به آیاتی که در آن به ذم انسان پرداخته است اشاره می‌کنیم:

۱. بی‌صبری و شتاب‌زدگی:

﴿وَيَذُوعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا﴾.<sup>۴۳</sup>

عجول در لغت یعنی طلب و جست‌وجوی شیء قبل از رسیدن وقت آن. در این جا هم انسان تا هوایش به چیزی تعلق گرفت آن را طلب می‌کند و ای بسا گاهی آن شر است و به ضرر انسان است.

۲. بخیل بودن:

﴿كَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا﴾<sup>۴۴</sup>

انسان طبعاً بخیل و ممسک است.

۳. آرزوهای طولانی داشتن:

﴿أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى﴾<sup>۴۵</sup>

آیا برای آدمی هرچه آرزو می‌کند حاصل می‌شود [نه هرگز].

این آیه خبیر از آرزوهای طولانی بی‌فایده‌ای می‌دهد که انسان را به هلاکت می‌رساند و انسان هم به آنها نخواهد رسید. در فرهنگ قرآن هر آرزویی مدح نشده است؛ چه بسا بسیاری از آرزوها هستند که انسان را به گناه و فسق می‌کشاند و برای انسان هم سودی ندارند. پس، قرآن شریف از آن به عنوان نکته منفی یاد می‌کند.

۴. جدال با حق:

﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا﴾. ۴۶

این آیه خبر از این می‌دهد که آدمی بیشتر از هر چیزی، با سخن حق به جدال برمی‌خیزد. با این که حق را می‌داند، اما از آن پیروی نمی‌کند.  
۵. طغیان و سرکشی:

﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِيَ﴾. ۴۷

پیروی از کفر و طغیان یکی دیگر از امیال طبیعی انسان است که به خاطر پیروی کردن از همین میل در طول تاریخ خون‌ها ریخته شده است و انسان‌ها به قتل رسیده‌اند. انسان‌های طاغی در طول تاریخ مردم را بسیار شکنجه کرده‌اند.  
۶. ناسپاس بودن انسان:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ﴾. ۴۸

«لکنود»، از همان ناسپاسی انسان حکایت می‌کند.  
۷. کم‌ظرفیت بودن انسان:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا \* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا \* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا﴾. ۴۹

انسان آن قدر کم‌ظرفیت است که اگر کوچک‌ترین گرفتاری برای وی پیش آید، فریاد او بلند می‌شود و دست به ناسپاسی می‌زند و اگر کوچک‌ترین نعمتی را احساس کند و به آن برسد، مانع دیگران خواهد شد.

### تجلی حقوق بشر در عصر ظهور

با توجه به آنچه از انسان‌شناسی قرآن مجید و روایات اسلامی بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که در عصر ظهور و با حاکمیت مطلق امام معصوم علیه السلام تمام آرزوهای اسلامی در مورد حقوق مشروع انسان‌ها و کرامت آنها به منتهای غایت حفظ خواهد شد و حتی بیش از آنچه در فکر و تصور و انتظار بشر بگنجد، آخرین ذخیره الهی به آن جامه عمل خواهد پوشانید. در این جا به برخی اشاره می‌کنیم:



## ۱. عدالت و مساوات

عدل، یعنی گذاشتن و قرار دادن هر چیزی در جای خود یا دادن حق هر کس و هر چیزی به او. در احادیث آمده است که امام زمان علیه السلام جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد و این به این معناست که آن حضرت، عدالت طبیعی و اجتماعی را برقرار و جامعه، جهان، و روابط بشری را بازسازی خواهد کرد. درباره ثروت‌های ملی و عمومی که حق همه است روایاتی داریم که امام قائم علیه السلام آن را از دست متجاوزان و غاصبان گرفته و میان همه مردم به طور مساوی یا به هر صورت که عدل باشد تقسیم خواهد کرد یا این که احکام واقعی خداوند را بیان خواهد کرد. حکومتی مصداق عدل است که امام و حاکم آن جامعه در مسیر عدالت باشد و در زندگی فردی و اجتماعی عدالت را پیشه خود سازد. از این رو، قرآن با تکیه بر همین اصل، مأموریت اجرای عدالت را از رهبر آن خواستار شده<sup>۵۰</sup> و به او فرمان می‌دهد که این مأموریت را هم به مردم اعلام کند.<sup>۵۱</sup> پایداری حکومت منوط به عدل و دوری از ظلم است. امام موعود به عنوان رهبر معصومی که تحقق‌بخش عدالت در سراسر جهان خواهد بود، در بالاترین درجه عدالت قرار دارد و روش و منش او کاملاً بر عدالت منطبق است.

## ۲. بازسازی جامعه بشری

در آن زمان، با ظهور حقایق، بشر از پراکندگی فکری و فلسفی و فرهنگی رهایی یافته و دین یا همان جهان‌بینی فلسفی واقعی برای مردم آشکار خواهد شد، فرهنگ آنها رشد یافته و عقل و شعور بشری تکامل خود را به دست خواهد آورد. در حدیث آمده که خداوند با ظهور امام زمان علیه السلام عقول مردم را کامل خواهد کرد و آنها را به آرزوهای شان خواهد رسانید. وقتی عدالت حقوقی (اجتماعی) دوران امام زمان علیه السلام را با آنچه که مزورانه و پوچ در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌ها و مقررات دیگر آمده مقایسه کنیم تفاوت هویدا خواهد شد.

## ۳. احقاق همه حقوق و بازسازی آنها بر مبنای دین الهی

عدالت اجتماعی - چه در سطح کوچک و ملی و چه در سطح جهانی و منطقه‌ای - به خوبی به مرحله عمل و اجرا خواهد رسید. ممکن است تکامل

فکری و فرهنگی مردم جهان که در حدیث از آن به کمال عقول بشر (و نه تنها مسلمانان) تعبیر شده سبب شود که خود مردم جهان داوطلبانه، مرزهای سیاسی - فرهنگی و نژادی را بردارند. بی شک حکومت الهی امام زمان (عج) با این درخواست مردم موافقت خواهد داشت.

۴. هم‌زیستی برادرانه، اصل احترام به اراده انسان و اصل مصلحت در اسلام

اگر مصلحت خود مردم به سبب اختلاف‌های طبیعی و جغرافیایی (نه نژادی و عقیدتی) در نوعی استقلال به صورت حکومت یا دولتی تابع اصول عام اسلامی باشد، شاید بعضی از دولت‌ها باقی بمانند، ولی بر حسب ظاهر روایات، بشر در یک تحول و تجربه در آن دوران به جایی خواهد رسید که زیر بار هیچ حکومتی - به هر شکل - جز حکومت حضرت مهدی (عج) نخواهد رفت.

در حکومت و دولت حضرت مهدی (عج) نژادپرستی جایگاهی ندارد و دعوت حضرت براساس احکام اسلام است. اسلام هم نژادپرستی را به طور صریح نفی می‌کند.<sup>۵۲</sup> اسلام دین عموم مردم در عصر ظهور است و به قوم و دسته خاصی اختصاص ندارد.<sup>۵۳</sup> اسلام، ملاک‌های جدیدی را برای برتری‌جویی قرار داده است که هیچ ارتباطی با نژادپرستی و عنصرت ندارد:

الف) علم: **قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ**<sup>۵۴</sup>

ب) تقوا: **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ**<sup>۵۵</sup>

ج) جهاد: **لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا \* دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا**<sup>۵۶</sup>

دعوت حضرت مهدی (عج) و دولت او، جهانی است و این نوع دعوت با نژادپرستی سازگاری ندارد. دولت‌شان دولتی متعادل و مخالف با نژادپرستی است و به سیره حضرت رسول (ص) عمل خواهند کرد. سیره حضرت رسول (ص) هم هرگونه نژادپرستی را نفی کرده است.

پیش‌رفت‌ها در عصر ظهور، معلول عواملی است که یکی از آنها، وجود رهبری معصوم، پاک و منزّه از هر نوع عیب است، او فقط وابسته به خداست و به همه ملت‌ها، جمعیت‌ها و نژادها با چشم مهربانی و برابری نگاه می‌کند و فرقی میان اقوام و قبایل قائل نیست. رهبران الهی وابسته به جمعیت ویژه‌ای نیستند و خود را وابسته به خدایی می‌دانند که خالق و رازق همه است و هدفشان آسایش عمومی، آزادی گسترده و تشکیل یک سازمان عدل الهی است که در سایه آن، بشر مانند افراد یک خانواده زندگی کنند و سفید و سیاه با هم برابر و برادر باشند. سرانجام اداره امور جهان در کف باعنایت صالح‌ترین افراد بشر قرار خواهد گرفت و به برکت وجود آن حاکم معصوم الهی، بشریت از آسیب ظلم و ستم نجات یافته و از ترس فقر، پریشانی، ناامنی‌های گوناگون و بی‌عدالتی‌ها آزاد خواهد شد.

در جهان امروز، جهان‌خواران ظلم و فساد را اشاعه داده‌اند و دنیا را پر از بی‌عدالتی کرده‌اند که این امر بی‌شک ظهور منجی عالم بشریت را بشارت می‌دهد. به اعتقاد شیعه، عدالت واقعی و حقوق بشر تنها به وسیله امام زمان علیه السلام در جهان محقق خواهد شد و همه ما باید خود را برای این موضوع آماده نماییم.

### امتیازات حقوق بشر مهدوی

۱. حقوق بشر مهدوی، جهان‌شمول است و تمام انسان‌ها را شامل می‌شود؛
۲. اولویت‌مند است؛
۳. تخلف‌ناپذیر است؛
۴. اختلاف‌ناپذیر است.

### احیای کرامت انسانی در پناه حکومت امام زمان علیه السلام

برخی معیارها و محورهای انقلاب جهانی مهدوی که روشن‌گر تجدید کیان بشری، و بازشناسی و بازیابی کرامت انسانی است:

#### ۱. رشد آگاهی انسان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

تاسعهم قائمهم الذی یملاً الله - عزوجل - به الأرض نوراً بعد ظلمتها و عدلاً بعد جورها و علماً بعد جهلها؛<sup>۵۷</sup>

نهمین (امام از فرزندان امام حسین علیه السلام) قائم است که خداوند به دست او سرزمین تاریک (زندگی) را نورانی و روشن می‌کند، و از عدل می‌آکند، پس از دوران ظلم، و علم و دانایی را فراگیر می‌سازد پس از دوران جهل و نادانی.

انسان و کرامت انسانی و جایگاه مناسب انسان در آمیخته با انسانیت‌ها و ارزش‌های والای انسانی، تعبیرهایی است بس بزرگ و پر ژرفا. آیا ممکن است که زندگی بدون انسان، درخشندگی و زیبایی داشته باشد؟ آیا می‌شود که انسان، بدون سعادت و خوش‌بختی، به زیبایی جاودانی و زندگی آرمانی برسد؟

آیا ممکن است انسان بدون شناخت پایگاه و جایگاه خویش و بازشناسی کرامت و ارزش خود و درک نیروها و استعدادها و شناخت مرز نهایی شدن انسانی خویش به کرامت انسانی دست یابد؟ آیا امکان آن هست که زندگی، به خودی خود کرامت از دست رفته انسان را به او باز گرداند و خوش‌بختی و سامان‌یابی آدمی را فراهم سازد؟

انسان، برای دست‌یابی به این کرامت در گام‌های نخست به چند معیار (بینشی و شناختی) نیاز دارد:

۱. شناخت خود و درک درست از کرامت انسانی خویش؛
۲. راه رشد و تعالی بخشیدن به استعدادهای انسانی برای دست‌یابی به جایگاه و منزلت انسانی؛
۳. زدایش موانع راه انسان‌ها و انسانیت‌ها.

این محورها نیاز به شناخت‌های اصولی دارد که در پرتو آن به دانش و آگاهی لازم برسد و راه انجام این محورهای حیاتی را کشف کند. از این‌رو، اسلام از انسان می‌خواهد تا با همه وجود در پی آگاهی و الهام‌گیری از همه چیز باشد تا بتواند هر چیز را انگیزه‌ای سازد برای آگاه‌سازی جان خویش و آماده کردن آن برای دست یافتن به سعادت راستین.<sup>۵۸</sup>

انسان پوینده در سیر پویایی خود بدون شناخت، تکامل نمی‌یابد. نه در بُعد مادی و نه در بُعد معنوی نه در خودباوری و کرامت‌یابی و نه در دیگر باوری و انسان‌شناسی و نه در جهان‌شناسی.

از این‌رو، قرآن و تعالیم حدیثی، همه نیکی‌ها، انسان‌شدن‌ها و کرامت‌یابی‌ها را برای انسان شناسنده و خردورز ممکن می‌داند و هرگونه کیان‌یابی و ماهیت‌جویی را برای انسان نادان دست نیافتنی می‌شناسد، حتی دین‌باوری و خداشناسی، در پرتو شناخت‌وری‌های ژرف ممکن است. اکنون ژرفای این سخن امام علی علیه السلام نیک روشن می‌شود:

### الإنسان يعقله؛<sup>۵۹</sup>

انسان به عقل خویش انسان است.

هم‌چنین معلوم می‌شود که نبود شناخت و عقلانیت اصولی و درست در حقیقت نبود همه ابعاد هستی و کرامت و ارزش آدمی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

... فقد العقل فقد الحيات ولا يقاس إلا بالأموال؛<sup>۶۰</sup>

فقط خرد به منزله فقدان حیات است و بی‌خرد را جز با مردگان نتوان قیاس کرد.

بنابراین، نخستین گام‌ها در بازگردانی کرامت انسانی آگاهی بخشیدن و تعالی دادن به معرفت و شناخت اوست.

انسان همواره در طول حیات خویش به انواع بردگی‌ها و پستی‌ها، تن داده است. این به خاطر جهل و نادانی به جایگاه و منزلت خود، و جهل به هویت متعالی انسانی خویش، و نیز جهل به پوچی و بی‌ارزشی همه سلطه‌طلبان و برده‌سازان انسان‌ها بوده است.

اگر انسان به خودآگاهی برسد و بداند که چیست و کیست و در دستگاه آفرینش چه منزلتی دارد تن به هر کاری نمی‌دهد و به فرمان هر فرمان‌روایی گردن نمی‌نهد و نقدینه حیات و عمر خویش را برای دست‌یابی به هر کار و کالایی هزینه نمی‌کند.

برای همین معیار حیاتی در بازآوری کرامت انسانی و زنده کردن شخصیت له شده و ساختن دوباره کیان انسانی است که سرآغاز دعوت پیامبران آگاهی و شناخت‌وری است. قرآن از این حقیقت انکارناپذیر چنین پرده برمی‌دارد:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾<sup>۶۱</sup>

اوست آن‌که فرستاده‌ای را در میان مردم، ناخوانا و نانویس برانگیخت تا آیات او را برایشان فرو خواند و افکار و کردارشان را پاکیزه سازد و کتاب و حکمت به آنها بیاموزد هرچند پیش از آن در گم‌راهی آشکاری فرو بودند.

امام علی علیه السلام نیز در تبیین راه کار اصلی پیامبران چنین فرموده است:

فبعث فيهم رسله و اتر اليهم انبياءه، سيتادوهم ميثاق فطرته... و ثيروا لهم دفائن العقول؛<sup>۶۲</sup>

خداوند فرستادگان خود را در میان مردمان برانگیخت و پیامبران خویش را پیاپی روانه کرد تا از آنان رعایت ميثاق فطری (الهی) را باز طلبند... و نیروهای پنهان خرد آدمی را آشکار سازند....

آن‌گاه که انسان گنجینه خرد خویش و عقل مغفول و کنار نهاده شده خویش را کشف کرد و آن را به کار انداخت، چراغی فرا راه زندگی خویش می‌افروزد و انسان‌وار و آگاهانه به پهنه زندگی گام می‌نهد و پیروز و سربلند بیرون می‌آید. بازگشت کرامت انسانی، زمینه‌سازی‌های بنیادین می‌خواهد و تحولات شگرف می‌طلبد. به‌گونه‌ای که گاهی باید کلید زیرساخت‌های اجتماعی دگرگون شود و انقلابی راستین در ماهیت روابط اجتماعی پدید آید. این است که می‌بینیم امام بزرگ انسان و منجی راستین انسان‌ها، امام مهدی علیه السلام برای سامان‌بخشی به زندگی انسان و بازآفرینی کرامت نابود شده او بی‌درنگ به دگرگونی این زیرساخت‌ها در جامعه بشری دست می‌یازد و انقلابی شگرف در مجموعه روابط اجتماعی پدید می‌آورد تا موانع درونی و برونی تکامل انسانی برطرف گردد و زمینه‌های اصلی رشد و کرامت‌یابی انسان پیدا شود.

از جمله مهم‌ترین زیرساخت‌ها در جامعه بشری، شناخت و آگاهی و رشد دانش و بینش توده‌های انسانی است که در پرتو آن، انسان نخست به بی‌کرانه عظمت و ژرفای ارزش انسانی خویش دست می‌یابد تا پس از این شناخت به بازسازی کیان خویش و جامعه بشری دست زند.

در دوران ظهور و حاکمیت به حق امام مهدی علیه السلام، دامنه علوم گسترش می‌یابد و انسان‌ها به ژرفای حقیقت خود پی می‌برند. انسان‌ها در پرتو فروغ جهان‌گستر هدایت مهدوی، توان و نیروهای بالقوه درونی خویش را کشف می‌کنند، کرامت انسانی خویش را می‌شناسند، استعدادهایشان را هرز نمی‌دهند، رب و ارباب‌ها و مدیریت‌های دروغین جامعه را کنار می‌زنند، تاریک‌خانه زندگیشان را روشن می‌کنند، همه راه و روش‌های خالص را برای شکوفایی کرامت انسانی به خوبی می‌شناسند و با هدایت امام آن راه‌ها را طی می‌کنند و به اوج والایی و ارزش‌های فراموش شده انسانی می‌رسند.

امام باقر علیه السلام در سخنی از گستره دانش و بینش در دوران ظهور چنین گفته‌اند:

و تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ، حَتَّىٰ أَنْ الْمَرْئَةَ لِتَقْضَىٰ فِي بَيْتِهَا بَكْتَابَ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَ  
سَنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛<sup>۶۳</sup>

در زمان حکومت مهدی علیه السلام به همه مردم حکمت و علم بیاموزند تا آن‌جا که زنان در خانه‌ها با کتاب خدا و سنت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قضاوت کنند.

## ۲. عدالت‌گستری

زندگی براساس بیداد و زور و تقسیم ناعادلانه منابع ثروت و توزیع ظالمانه امکانات و خدمات رفاهی از بزرگ‌ترین زمینه و عوامل نفی حقوق و کرامت انسان‌هاست. وقتی حق و حقوق‌ها پایمال گردد و هرکس به نصیب و سهم عادلانه خود نرسد، چگونه ممکن است منش و کرامت انسانی پایدار بماند؟ چه بها و کرامتی می‌توان به انسان‌ها ارمغان داد با این‌که همگی حقوق یا بیشتر آن نادیده گرفته می‌شود؟

انسان‌ها در پرتو عدالت است که از دام و بند هرگونه استثمار و استعمار می‌رهند و زنجیر هر نوع بردگی را می‌گسلند و به آزادی که از ارکان کرامت انسانی است دست می‌یابند.

امام، منجی بی چون و چرای اصل عدالت در سراسر گیتی و همه اجتماعات بشری است که اندکی در اجرای آن فروگذار نمی‌کند و عدالت‌محوری را بر سراسر زندگی انسان حکم فرما می‌سازد و آن را حتی به درون خانه‌ها هم چون نسیم وارد می‌کند. انسان رنج‌کشیده دوران و له‌شده زیر بار سنگین بیدادگری‌های گسترده را آزاد می‌سازد و کرامت از دست رفته‌اش را دیگر بار به او باز می‌گرداند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

... أما والله ليدخلنَّ (القائم) عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحرّ و  
القرّ؛ ۶۴

مهدی عدالت را هم‌چنان‌که سرما و گرما وارد خانه‌ها می‌شود وارد خانه‌های مردمان کند و دادگری او همه‌جا را فرا بگیرد.

جامعه بزرگ انسانی از جامعه‌های کوچک خانواده‌ها تشکیل می‌شود و اگر انسان چه زن و چه مرد و چه دیگر اعضای خانواده در خانه و کاشانه خویش ارزشی نداشته باشند و همواره مورد بی‌حرمتی و بی‌کرامتی قرار بگیرند و محیط آرامش و آسایش آنان کانون دلهره، بیم، ناامنی و ناسازگاری شود چگونه می‌توان بها و کرامتی برای انسان تصور کرد؟

در کانون خانواده، بزرگ‌ترها به‌ویژه پدر و مادر باید کرامتی والا داشته باشند و حرمت آنان پاس داشته شود و حریم ارزش‌هایشان رعایت گردد. به راستی کرامت و منزلت پدرها و مادرها ریشه اصلی همه کرامت‌های انسانی است و پاس‌داری از حرمت و جایگاه آنان، پاس‌داشت حرمت و کرامت همه بشریت است؛ زیرا جامعه بشری بی‌استثنا از دامن پدرها و مادرها نشأت می‌یابد و گستره و پهنه زمین را فرا می‌گیرد و جامعه‌های کوچک و محدود و سپس جامعه‌های بزرگ جهانی را می‌سازد. بنابراین، ریشه و خاستگاه اصلی کرامت انسانی، اصالت یافتن خانواده و ارج نهادن به منزلت پدرها و مادرهاست.

بی‌حرمتی به بزرگ‌ترها و دید سودجویانه به آنان، بسیار دردناک است و در اجتماعات غربی که از کرامت انسانی و حقوق بشر دم می‌زنند آنان را به عنوان مصرف‌کننده می‌نگرند تا تولیدکننده و این ادعا فقط دروغ و نیرنگ است.



در جامعه‌های صنعتی و سرمایه‌داری غرب چندان رغبتی به تشکیل خانواده و داشتن فرزند ندارند. در برخی از این کشورها تفکر سودجویانه اقتصاد سرمایه‌داری چنان انسان‌ها را از درون تهی ساخته و نظام ارزش‌ها را متزلزل کرده و هر منزلت و کرامت انسانی را از درون اندیشه آنان زدوده است که حیواناتی چون سگ و گربه و... در نظر آنان از فرزندان انسانی باارزش‌تر است. آیا لگدمال کردن کرامت انسانی و ریشه‌سوزی همه ارزش‌های نوع بشری از این بیشتر و بالاتر ممکن است؟

بنابراین، دلیل عدالت‌محوری در انقلاب امام موعود علیه السلام این است که همواره و در طول تاریخ معیشت و تأمین‌کننده کرامت انسان‌ها به عامل ویران‌گری شخصیت انسانی تبدیل شده است و به جای این‌که همه انسان‌ها را برخوردار سازد و زندگی آنان را تضمین کند به استثمار و ایجاد جامعه طبقاتی پرداخته و دست اکثریت را تهی کرده و جیب اقلیت‌ها را انباشته است.

از مهم‌ترین برنامه‌ها برای زمینه‌سازی، پاس‌داری از کرامت انسانی، حل مسائل اقتصادی و اجرای عدالت دقیق در آن است. ولی غم‌نامه زندگی انسان در مسائل اقتصادی بسیار دردناک است و از عدل‌گرایی در آن خبری نیست. به‌ویژه در نگرش اکثری به اقتصاد که تنها به رشد تولید و افزایش سود می‌اندیشد و از ارزش‌های انسانی و باید و نبایدها در نظام اقتصاد کاملاً تهی است. اکنون با توجه به این سیل بنیان‌کن هستی، روشن می‌شود که چرا در انقلاب امام موعود علیه السلام بر محور عدالت تکیه شده است و امام انسان‌ها را در نخستین برنامه‌های خویش به عدالت فرا می‌خواند و به اجرای گسترده آن دست می‌یازد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

#### العدل أحلی من الماء یصبیه الظمئان؛<sup>۶۵</sup>

اجرای عدالت از آبی که شخص تشنه‌لب به آن دست‌رس پیدا کند نوشین‌تر است.

با توجه به ویژگی‌های عدالت مهدوی می‌توان ابعاد کرامت انسانی را روشن کرد؛ یعنی هر انسانی که به هر علتی دچار کاستی و نشیب‌گرایی شده و کیان و

حیثیت انسانی خویش را از دست داده است با حل مشکلات او دیگر باره زندگی درخور می‌یابد و با منشی انسانی و سرافراز و شکوه‌مند، هم‌سان دیگران در جامعه گام می‌گذارد.

### ۳. رفاه اقتصادی و امنیت اجتماعی

فقر پدیده‌ای ناهنجار و ویران‌گر است و همه اشکال و سطوحش بر ابعاد حیات انسانی تأثیرهایی ژرف می‌گذارد و به‌طور مستقیم بر کرامت انسانی مؤثر است و شخصیت و منش آدمی را دچار سستی و دگرگونی و یا نابودی می‌سازد. از پی‌آمدهای بسیار نکوهیده فقر، سلب شخصیت و انزوای اجتماعی است؛ چون فقر حیثیت آدمی و کیان انسانی اجتماعی او را نفی می‌کند و بینوایان را به گوشه‌های گم‌نام و به دور از مراکز اصلی اجتماعی می‌راند و عضو مفید و مؤثر جامعه را به عضوی کنارزده و فراموش شده بدل می‌سازد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

فقر مایه فراموش شدن است.<sup>۶۶</sup>

انسانی که کالاهای لازم زندگی را ندارد، همواره در اندیشه سیر کردن شکم و تهیه پوشش برای بدن و دست‌یابی به سرپناه و مسکن و درمان بیماری‌های خویش است و فرصت و فراغت برای او باقی نمی‌ماند تا به مفاهیم برتر زندگی خود بیندیشد، یا به جست‌وجوی پایگاه انسانی خویش برآید و کرامت نوع انسان را در نظر آورد.

فراموش شدن انسان و نفی کرامت او به انزوای دیگری نیز می‌انجامد و آن دور بودن از مراکز تصمیم‌گیری و مدیریت اجتماعی و دور ماندن از مسائل سیاسی است. تهی‌دستان در اثر جایگاه ناهنجار اجتماعی که بر آنان تحمیل کرده‌اند از حضور اجتماعی و تأثیرگذار در سرنوشت خود و جامعه بسیار فاصله دارند و عددی به شمار نمی‌آیند.

امام علی علیه السلام:

الفقیر حقیر لا یسمع کلامه و لا یعرف مقامه؛<sup>۶۷</sup>

فقیر حقیر است کسی به سخنش گوش نمی‌دهد و قدر و کرامت او را هیچ‌کس نمی‌شناسد.

این خود بیشترین زمینه محرومیت از حقوق اجتماعی و دوری از کرامت و شأن انسانی است؛ زیرا نه می‌تواند حضوری در مراکز اجتماعی و سرنوشت‌ساز داشته باشد و نه زبانی برای اظهار حقوق خود دارند.

امام علی علیه السلام:

### الفقر یخرس الفطن عن حجّته؛<sup>۶۸</sup>

فقر زبان انسان زیرک را در بیان برهان و حجت خود از کار می‌اندازد.

فقر نه تنها کرامت انسانی در جامعه را نابود می‌سازد، بلکه کرامت و منزلت انسانی در خانواده خویش را نیز از میان می‌برد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

### من استغنی کرم علی أهله و من افتقر هان علیهم؛<sup>۶۹</sup>

هرکس ثروتمند شود در نظر کسان خود کرامت یابد و هرکس فقیر شود در نظر ایشان خوار گردد.

با این بررسی کوتاه، روشن می‌شود که چگونه فقر، ویران‌گر شخصیت، ناستقراری ایمان، سستی مبانی اخلاقی، خصلت‌های والای انسانی، سلامت جسمانی و نگرانی‌های عمیق روانی است. به این سبب و با توجه به این حقایق انکارناپذیر است که پیشوای آگاه و دلسوزی که برای احیای کرامت انسانی قیام می‌کند باید در رستاخیز الهی انقلاب خود، زندگی مادی انسان‌ها را تأمین کند و هرگونه نگرانی و دلهره را از این ناحیه برطرف سازد.  
قرآن کریم:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۷۰</sup>

ما می‌خواهیم تا به مستضعفان زمین نیکی کنیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین سازیم.

امامت و وراثت مستضعفان، وراثت و امامت در همه بخش‌های اجتماعی است؛ امامت افرادی است که کیان خود را بازیافته‌اند و جایگاه اجتماعی خویش را به دست آورده‌اند و در همه بخش‌ها به‌ویژه بخش‌های اقتصادی امامت و زمام‌داری

را از آن خود کرده‌اند. مفهوم جامع امامت و پیشوایی مستضعفان که در پرتو رهبری امام بزرگ انسان تحقق می‌یابد، به معنای امامت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و در همه بخش‌های مورد نیاز انسان است.

قدرت‌های سلطه‌گر جهانی با برنامه‌ریزی‌های گسترده و عمیق و در سایه تهاجم فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و نظامی، نخست آزادی فکر و عمل و سپس ارزش و کرامت انسانی را از توده‌های مردم سلب می‌کنند، ولی در حکومت مهدوی همه نیازهای مردم برطرف می‌شود و فقر و کم‌بود از جامعه‌های انسانی رخت برمی‌بندد. با هدایت آن امام بزرگ، انسان‌ها به خود می‌آیند و دیگر بار خویشتن خویش را بازمی‌یابند و به کرامت و پایگاه شایسته خود می‌رسند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا... وَ يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ  
يَصِلُهُ بِإِلَهٍ يَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ وَ اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا  
رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛

هنگام رستاخیز قائم ما زمین با نور خدایی بدرخشد... و شما به جست‌وجوی اشخاص برمی‌آید که مال یا زکات بگیرند و کسی را نمی‌یابید که از شما قبول کند و مردمان همه به فضل الهی بی‌نیاز می‌گردند.

#### ۴. ارتقاء مدیریت اجتماعی

در دوران زمام‌داری و مدیریت سراسر کرامت و خوش‌بختی انقلاب مهدوی و در نظمی نوین و انسانی، در پرتو هدایت‌های الهی امام بزرگ و تربیت گسترده و فراگیر او، وجدان توده‌ها بیدار می‌شود و انسان‌ها به خود می‌آیند و کرامت از دست رفته و مسخ شده خویش را بازمی‌یابند و انسانیت‌های گم‌شده در کتاب‌ها را هویدا می‌کنند.

تردیدی نیست که انسان، کیان اجتماعی دارد و در جامعه باید به منزلت و جایگاه خود برسد و زندگی اجتماعی هم بدون مدیریت‌های سیاسی و حاکمیت زمام‌داران ممکن نیست. از این‌رو، در سازمان‌یابی کار انسان روی‌کردی جدی به

تشکیل حکومت و تأسیس مدیریت ضرورت دارد؛ زیرا آنان که همواره کرامت انسان‌ها را پایمال کرده‌اند و انسانیت‌ها را نادیده گرفته‌اند یا به مسخ انسانیت و دگرگون ساختن انسان‌ها دست زده‌اند، از راه در دست گرفتن زمام مدیریت‌های اجتماعی وارد شدند و به ناحق و با ناشایستگی بر مسند زمامداری تکیه زدند و آن را با شیوه‌ها و شگردهای گوناگون راه‌بری کردند و به سمت و سویی که خواستند کشاندند. بدین‌گونه بر انسان‌ها حکم راندند و آزادگان را به فرمان‌بری و بردگی کشیدند. آنان با سازوکارهای فرهنگی، تربیتی، تبلیغی، اقتصادی و... انسان‌ها را از خود و کرامت و ارزش انسانی خویش غافل ساختند.

با این توضیح کوتاه روشن می‌شود که از نقطه‌های اساسی در نفی انسانیت و سلب کرامت و منزلت انسان‌ها، مدیریت‌های سیاسی و زمام‌داران بشری است که در دوران پیش از ظهور بر سراسر کره زمین حاکم است. از این‌رو، هیچ مذهب و مکتبی نمی‌تواند به کرامت انسانی بیندیشد و سعادت و منزلت او را بخواهد، ولی فلسفه سیاسی نداشته باشد و دولت‌ها و حکم‌فرمایان خودکامه و فاسد و دیگر مراکز قدرت اجتماعی را به حال خود رها کند.

بنابراین، برای رهایی انسان از این همه بی‌هویتی و خودفراموشی باید اساس مدیریت‌های سیاسی و زمامداری‌های فاسد و غیرانسانی واژگون شود و مدیریتی الهی - انسانی جای‌گزین آنها گردد تا دو راه اصلی فراروی آدمیان بگشاید:

(الف) با شیوه‌های گوناگون منزلت و پایگاه ناشناخته و فراموش شده انسانی را به او بشناساند و معرفت او را در این زمینه تعالی بخشد و از انسان‌های بی‌هویت و خودباخته و برده‌وار انسان‌هایی با کرامت و هویت و خودباور و مستقل بسازد.

(ب) راه‌های رسیدن به انسانیت‌های راستین و ارزش‌های متعالی و کرامت از دست رفته انسانی را به او بنمایاند و موانع این راه دشوار و حیاتی را از سر راه او بردارد. این سخن والای امام علی علیه السلام به همین جهت ناظر است:

... فَإِنَّ الرِّعِيَّةَ الصَّالِحَةَ تَنْجُو بِالْإِمَامِ الْعَادِلِ أَلَا وَإِنَّ الرِّعِيَّةَ الْفَاحِشَةَ تَهْلِكُ

بِالْإِمَامِ الْفَاحِشِ؛<sup>۷۱</sup>

بی‌گمان رعیت صالح به وسیله امام عادل نجات می‌یابد بدانید که رعیت فاجر به وسیله امام تبه‌کار هلاک می‌شود....

این دو امر مهم در دولت کریمه و انسانی امام مهدی علیه السلام به طور بنیادین برآورده می‌شود؛ زیرا آن امام بزرگ مانند همه پیامبران و رهبران الهی، نخست به گسترش آگاهی در سطح توده‌های بشری دست می‌یازد و همگان را آگاه می‌سازد و جایگاه انسان را به انسان‌ها معرفی می‌کند و مغزها را به تفکر و بازنگری وا می‌دارد. هم‌چنین شوکت جباران را درهم می‌شکند و سراب‌های دروغین ساخته نظام‌های سیاسی بشری و بافته‌های بی‌محتوای فرهنگ‌های شیطانی را برملا می‌سازد. پس به جای آن‌همه دروغ و خودفراموشی که به انسان‌ها تزریق شده بود، حقایق ناب و شناخت‌های راستین و حیانی را به بشریت عرضه می‌کند. در پرتو چنین شناخت‌هایی اصیل و باورهایی انکارناپذیر، بشریت به دانایی و توانایی دست می‌یابد و ارزش و بهای خویش را می‌شناسد و در راه رشد و تعالی بخشیدن به آن تلاش می‌کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

الإئمة بعدی إثنی عشر، أولهم أنت يا عليّ و آخرهم القائم، الذی یفتح الله عزّوجلّ علی یدیه مشارق الأرض و مغاربها؛<sup>۷۲</sup>

امامان پس از من دوازده تن هستند. نخستین آنها تو هستی یا علی، و آخر ایشان قائم است که به دست او خاور و باختر زمین گشوده می‌گردد.

تشکیل دولتی جهانی و فراگیر (درب‌گیرنده همه بخش‌های کره خاکی) از اهداف اصلی و درنگ‌ناپذیر امام موعود است. در پرتو این حاکمیت الهی — انسانی، حاکمیت از آن صالحان و مستضعفان است. همه حاکمیت‌ها از اریکه قدرت به زیر کشیده می‌شوند و همه سیاست‌مداران خودکامه و یاوه‌گو و سلطه‌طلب و گماشتگان سرمایه‌داری جهانی کنار زده می‌شوند و راه برای هرگونه شکوفایی و آزادی گشوده می‌گردد. این‌همه در راستای اعتلای انسان و بازگرداندن انسانیت‌های اصیل و بازآفرینی کرامت از دست رفته انسان‌ها صورت می‌گیرد.

#### ۵. رفع موانع پیش‌روی احیای کرامت

کرامت بشریت از آغاز تا کنون به دست انسان‌نماها پایمال شده و انسان‌ها این چنین سقوط کرده‌اند و به زور بدسیرتان آدمی استثمار شده‌اند.

بنابراین، انسان، تباه‌گر کرامت انسانی می‌شود. هیچ‌گاه موجود دیگری از کره دوردستی نیامده است تا کمر به نابودی انسان ببندد و او را از راه‌کار خویش باز دارد.

با توجه به این واقعیت تردیدناپذیر که سراسر تاریخ انسان گواه آن است، مصلحی راستین باید ظهور کند و در گام نخست کار این انسان‌نماهای حیوان‌صفت را یکسره کند و همه موانع راه را با قاطعیت بردارد. وگرنه راه او و برنامه‌هایش از آغاز شکست خواهد خورد.

با توجه به این حقایق، جنگ و نبرد، از انسانی‌ترین و حیاتی‌ترین و کرامت‌بخش‌ترین برنامه‌های امام بزرگ انسان حضرت مهدی علیه السلام است. او نخستین موانع راه را برمی‌دارد و انسان‌ها را آزاد می‌سازد. سپس آنان را به حرکت و پویایی در مسیر انسانیت فرا می‌خواند. پس جنگ و نبرد او با کرامت‌گشان جامعه بشری است و رهایی‌بخش همه مظلومان و محرومان، و جنگ او با جنگ است.

شمشیر امام مهدی علیه السلام برای انتقام است. انتقام از جانیان تاریخ، شمشیری است بر گردن همه ستم‌پیشگانی که چون گرگان درنده، خون انسان‌های نجیب و مظلوم را می‌مکند و همواره موانعی بر سر راه بشریتند و شمشیری است برای پاک‌سازی هر سره از ناسره و ناخالصی از سر راه انسان. و چنان است که امام علی علیه السلام فرموده است:

و ليطهرن الأرض من كل غاش؛<sup>۷۳</sup>

امام (مهدی علیه السلام)... زمین را از هر نادرست و خائنی پاک می‌سازد....

## ۶. آینده‌نگری

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

... إن من رجا شيئاً طلبه و من خاف شيئاً هرب منه؛<sup>۷۴</sup>

آن‌کس که به چیزی (رخ‌دادی در آینده) امید دارد، (از هم‌اکنون) به جست‌وجوی آن برمی‌خیزد و هرکس از چیزی (و روی‌دادی) هراس‌ناک است (از هم‌اکنون) از آن می‌گریزد.

ارزش مندترین بهایی که می توان به انسان ها داد، در تصویر آینده انسانی برای اجتماعات کنونی نهفته است.

انسانی که با توجه به سقوطها و نشیب گرایی های موجود، کار بشر را تمام شده بداند و انسانیت ها را پایان یافته بیندیشد، چگونه کرامت و جایگاهی خواهد داشت؟ چگونه می تواند بناهایی را که فرو ریخته یا در حال فرو ریختن است، بازسازی کند و یا آنها را ابقا نماید؟ به این جهت، بهترین راه برای احیای کرامت انسانی روشن کردن مشعل امید در درون او و تقویت حالت انتظار در اندیشه اوست. با انتظار و آینده بینی روشن، انسان ها نقطه مقاومت را از دست نمی دهند و باورهای خود را نسبت به نوع انسانی نگاه می دارند و ارزش های انسانی را تداوم پذیر می شناسد و بازآفرینی آن را دست یافتنی می شمارند.

اگر در هر مکتب و مذهب و هر تفکر انسان گرا و انسان باوری، سرانجام کار انسان و جامعه های انسانی روشن نگردد و از این نظر به جامعه ها و افراد، روشنی و هوشیاری و آمادگی لازم داده نشود، بشریت به ناآگاهی و خودباختگی و بی اصالتی سوق داده می شود.

این تفکر، بیشتر خیانت به بشریت است و بزرگ ترین ضربه را به کرامت انسانی وارد می کند؛ زیرا مرگ قطعی انسانیت را پیش بینی می کند و انسانی باقی نمی ماند تا کرامتی برایش فرض شود؟!  
امام علی (علیه السلام) می فرمایند:

### قتل القنوط صاحبه؛<sup>۷۵</sup>

یأس، مأیوسان را کشته است.

پس باید انسان را به شناختی قطعی از آینده بینی اصولی بهره مند ساخت و سمت و سوی حرکتش را روشن کرد تا کمترین سرگردانی و دودلی در کارش نباشد.

پس تکامل حیات و ایمان به کرامت و ارزش انسان به تصویر آینده زندگی و چگونگی های آن بستگی دارد، هم چنین آمادگی برای تحولات آینده در حدود آگاهی و حس آینده بینی انسان است.



باور آینده و ابعاد انسانی آن، انسان را از دشواری‌ها و رویارویی با ناشناخته‌ها مصون می‌دارد.

یکی از ابعاد مهم انتظار و امید به آینده، نشان دادن گوشه‌هایی از چگونگی زندگی در آینده برای انسان‌های کنونی است تا آن چگونگی‌ها که برخی صددرصد با وضع فعلی متضاد است، قابل تصور و پذیرش باشد. حتی پیش‌آمدهای احتمالی یا آنها که اکنون برای نوع مردم ناممکن به نظر می‌رسد، باید گفته شود تا تحولات بنیادین آینده بیشتر به ذهن‌ها نزدیک گردد و عملی‌تر دانسته شود.

امام علی علیه السلام فرمود:

إلا و من أدرکها منّا سیری فیها بسراج منیر و یجذو فیها علی مثال الصالحین  
لیحلّ فیها ربّقاً و یعتق رقّاً و یصدع شعباً... فی ستره عن الناس...<sup>۷۶</sup>  
آن‌کس از ما که دگرگونی‌های آینده را دریابد و مشعل به دست در آن  
گام نهد و پای در جای پای شایستگان گذارد تا بندها(ی پای انسان‌ها)  
را بگشاید و اسیران (بشریت) را آزاد سازد و باطل‌گرایان را در پریشانی  
فرو افکند، پنهان از دیده مردم است...

## نتیجه

باید گفت احیای کرامت و ارزش‌های انسانی در پناه حکومت امام زمان علیه السلام را می‌توان این‌گونه برشمرد و در این قلمروها بررسی کرد:

### ۱. احیای کرامت‌های ذاتی انسان<sup>۷۷</sup>

موانع از سر راه احیای ویژگی‌هایی مانند عقل، فطرت، اختیار و آزادی اراده که به گونه‌ای تکوینی در ذات و سرشت انسان نهاده شده و سبب برتری او بر دیگر موجودات هستی گشته است، برداشته می‌شود.

براساس آموزه‌های مهدویت، اوج بالندگی و شکوفایی نهایی این‌گونه کرامت را در روزگار ظهور می‌بینیم. آدمی به فطرت پاک خویش، آزادی واقعی و تکامل خرد دست می‌یابد و جلوه‌گرترین نمونه این‌گونه کرامت، عقل معاندندیش است

که افزون بر این که غایت فرجامین بشر، یعنی کمال معنوی را سرلوحه اعمال خویش قرار می‌دهد، به بهبود زیست دنیوی و عمارت و آبادانی دنیا نیز توجه می‌کند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعِ يَدَهُ عَلَى رُئُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بَهَا عَقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا  
أَحْلَامَهُمْ؛<sup>۷۸</sup>

آن‌گاه که قائم ما قیام کند، دست خود را بر سر بندگان می‌نهد و بدین وسیله عقول بندگان را جمع می‌کند و خردهای آنان را به کمال می‌رساند.

## ۲. احیای مکارم اخلاقی<sup>۷۹</sup>

این نوع کرامت برای انسان‌ها، از امور ارزش‌آفرین به شمار می‌آید و انسان در پرتو ادای تکالیف شرعی و فرایض الهی، می‌تواند به آن دست یابد. بر این اساس، هرکس بیشتر در این زمینه تلاش نماید، با عنایت به آیه **﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾**<sup>۸۰</sup> بیشتر از تکریم الهی بهره‌مند بوده و بر دیگران برتری می‌یابد.

در حالی که در دوران حاضر و عصر غیبت، موانع بی‌شماری مانند حکومت‌های فاسد، عوامل تباه‌کننده شخصیت آدمی و... پیش روی آدمیان در رسیدن به این‌گونه کرامت قرار گرفته است. در عصر ظهور، اسباب و عوامل گوناگونی بر بالندگی و شکوفایی آن تأثیرگذارند.

بدین‌سان است که توسعه و رشد آگاهی بشر، وجود رهبر و الگویی شایسته و آگاه به مکان و زمان، اجرای شایسته احکام و حدود الهی، رفاه اقتصادی و معیشتی انسان‌ها، مساوات، سازش‌ناپذیری حضرت در برخورد با انحرافات فکری و مفاسد اجتماعی و... نیازهای روحانی و دنیوی بشر را برآورده می‌سازد و بسیاری از موانع پیش‌روی انسان‌ها را در به‌جا آوردن فرایض و تکالیف الهی و درپی آن پویندگی و بالندگی آنها را فرو می‌کاهد؛ غل و زنجیرهای گناه، از دست‌وپای آدمیان گشوده می‌شود، دروغ و فساد و انحطاط اخلاقی تا مرز نابودی، از جوامع بشری رخت برمی‌بندد،<sup>۸۱</sup> انگیزه انسان‌ها برای تصحیح اخلاق و

حق جوئی بالنده می‌شود و آدمیان با اختیار و اراده خویشتن به کرامت اکتسابی و مقامات عالی معنوی دست می‌یابند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

... به (بالمهدی) یمحق الله الکذب و یذهب الزمان الکلِب...<sup>۸۲</sup>

خداوند به وسیله او [حضرت مهدی علیه السلام] دروغ را ریشه‌کن می‌کند و حرص و طمع را از روزگار رخت بر خواهد بست.

### ۳. کرامت اجتماعی و رفع ظلم و تبعیض و فساد

خداوند منزلت و شخصیت هرانسانی را ارج می‌نهد و آدمیان را به احترام و اکرام یک‌دیگر و رعایت حقوق مادی و معنوی هم فرامی‌خواند. انسان را سزاوار آن می‌داند که عدالت راستین درباره‌اش رعایت شود و هیچ‌گونه استعمار، استثمار، ظلم و ستمی زندگی دنیوی و حرمت او را تباہ نسازد.

همواره دوران زیست بشری با ظلمی سیاه چون تباہ‌سازی شخصیت و کرامت اجتماعی آدمیان عجین بوده است. از این‌رو، دغدغه بسیاری از فیلسوفان همانند افلاطون، فارابی، آگوستین و تامس مور، ترسیم مدینه‌ای فاضله و اصلاح جامعه انسانی و حفظ کرامات اجتماعی بشر بوده است، ولی هیچ‌گاه این اندیشه‌ها نتوانسته‌اند بحران‌های حوزه انسانی را به شکل کامل و جامع پاسخ گویند. با وجود این، براساس آموزه‌های اندیشه مهدویت، در عصر ظهور، عدالت راستین در همه ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی تحقق خواهد یافت. در پی آن، حکومت‌های جور بنیان‌کن می‌شوند، عقول بشر به نهایت کمال خویش می‌رسد،<sup>۸۳</sup> اخلاق بندگان کامل می‌گردد،<sup>۸۴</sup> تبعیض و برتری دین‌ستیزان و ملحدان بر مؤمنان راستین، رو به افول می‌نهد،<sup>۸۵</sup> شاخصه‌های عدالت اقتصادی چون مساوات،<sup>۸۶</sup> آبادانی زمین<sup>۸۷</sup> و بازپس‌گیری ثروت‌های به یغما رفته،<sup>۸۸</sup> محقق می‌گردد. آن‌گاه همگان به یک اندازه، در رفاه و آسایش و امنیت به‌سر می‌برند، قضاوت‌ها از هرگونه جفا و خطا، پیراسته می‌شود،<sup>۸۹</sup> دادورزی امام، نیکوکاران و بدکرداران را دربر می‌گیرد.<sup>۹۰</sup> و مهرورزی جای‌گزین کینه‌توزی می‌گردد. بدین‌سان زمینه‌های فساد و تباہی اجتماعی، ستم و حرمت‌شکنی انسان‌ها به شدت کاسته می‌شود و

انسان‌ها با احترام به مقام و منزلت یک‌دیگر می‌نگرند و کرامت اجتماعی برای تمام جوامع بشری حاصل می‌شود.

بنابراین، در عصر ظهور، اقسام کرامت احیا شده و انسان حقوق مادی و معنوی خویش را بازمی‌یابد. البته باید توجه داشت این‌همه در صورتی است که انسان به اوج بندگی و عبودیت رسیده و در پناه و سایه‌سار حکومت ولیّ خدا، به آن درجه از رشد و کمال و آگاهی رسیده باشد که مدنظر آن حضرت است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. سوره اسراء، آیه ۷۰.
۲. مکتابی مانند: اگزیستانسیالیسم (Existentialism) و اومانیسیم (Humanism).
3. Humanism.
۴. برای مثال می‌توان به تأسیس مراکز فعالی در زمینه مطالعات ادیان و حقوق بشر اشاره کرد که اخیراً در دانشگاه ادیان و مذاهب قم دفتری در این خصوص تأسیس شده است که در کشور کم‌نظیر است.
۵. «لا یبقی قریة إلا نودی فیها بشهادة أن لا إله إلا الله و أن محمداً رسول الله». (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۰)
۶. «... و لو قد قام قائمنا لذهب الشحاء من قلوب العباد...» (نک: منتخب الاثر، ص ۴۷۴) «و اعلموا انکم إن اتبعتم طالع المشرق سلک بکم منهاج الرسول، فتداوینتم من العمی و الصمم و البکم...» (نک: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۳)
۷. «یقبل الناس علی العبادات و الشرع و الدیانة و الصلاة فی الجماعة». (نک: منتخب الاثر، ص ۵۹۲)
8. John luk.
۹. حقوق بشر در پرتو تحولات بین‌المللی، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، ص ۵۸، چاپ اول: نشر دادگستر.
۱۰. منبع: سایت حقوقی [www.hogoo.org](http://www.hogoo.org) به نقل از سایت سازمان ملل متحد.
11. Human Dignity.
۱۲. این واژه توسط زنده‌باد محمدجعفر پوینده در ترجمه «اعلامیه جهانی حقوق بشر» به کار رفته است.
13. DNA.
14. with respect for the inherent dignity of the human person.
۱۵. در این باره می‌توان به اصل امر به معروف و نهی از منکر که جزء فروع دین اسلام است اشاره نمود.
۱۶. سوره اسراء، آیه ۷۰.
۱۷. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ذیل: سوره اسراء، آیه ۷۰.
۱۸. سوره بقره، آیه ۴۷.
۱۹. سوره انعام، آیه ۸۶.
۲۰. سوره نحل، آیه ۱۴.
۲۱. سوره لقمان، آیه ۲۰.
۲۲. سوره جن، آیه ۱۱.
۲۳. سوره جن، آیه ۱۴.
۲۴. سوره جن، آیه ۱ - ۲.
۲۵. سوره انبیاء، آیه ۲۶ - ۲۷.

۲۶. سوره انفطار، آیه ۱۰-۱۲.
۲۷. احمد بهشتی، انسان در قرآن، ص ۴۵.
۲۸. سوره مؤمنون، آیه ۱۴.
۲۹. سوره حجر، آیه ۲۹.
۳۰. عبدالله جوادی آملی، کرامت در قرآن، ص ۹۸ - ۹۹، نشر اسراء، قم ۱۳۸۱ شمسی.
۳۱. سوره انسان، آیه ۲.
۳۲. مرتضی مطهری، انسان کامل، ص ۴۰، انتشارات صدرا، تهران ۱۳۷۲ شمسی.
۳۳. سوره قیامت، آیه ۱۴.
۳۴. سوره علق، آیه ۵.
۳۵. سوره آل عمران، آیه ۱۹۱.
۳۶. نک: المیزان، ذیل آیه ۱۹۱ سوره آل عمران.
۳۷. سوره اعراف، آیه ۳۵.
۳۸. سوره بقره، آیه ۳۴.
۳۹. سوره بقره، آیه ۳۰.
۴۰. سوره رحمن، آیه ۱۰.
۴۱. المیزان، ذیل آیه ۱۰ سوره الرحمن.
۴۲. سوره اسراء، آیه ۱۱.
۴۳. سوره اسراء، آیه ۱۱.
۴۴. سوره اسراء، آیه ۱۰۰.
۴۵. سوره نجم، آیه ۲۴.
۴۶. سوره كهف، آیه ۵۴.
۴۷. سوره علق، آیه ۶.
۴۸. سوره عادیات، آیه ۶.
۴۹. سوره معارج، آیه ۱۹-۲۱.
۵۰. سوره شوری، آیه ۱۵.
۵۱. سوره اعراف، آیه ۲۹.
۵۲. سوره حجرات، آیه ۱۳.
۵۳. سوره سبأ، آیه ۲۸.
۵۴. سوره زمر، آیه ۹.
۵۵. سوره حجرات، آیه ۱۳.
۵۶. سوره نساء، آیه ۹۵ - ۹۶.
۵۷. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۰.
۵۸. الحیاء، ج ۱، ص ۴۰.

۵۹. همان، ج ۱، ص ۷۸.
۶۰. همان، ص ۷۹.
۶۱. سوره جمعه، آیه ۲.
۶۲. نهج البلاغه، ترجمه علامه جعفری، ص ۳۳، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۸۰ شمسی.
۶۳. نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.
۶۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.
۶۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۶.
۶۶. الحیة، ج ۴، ص ۴۰۳.
۶۷. همان، ج ۴، ص ۴۰۴.
۶۸. همان، ص ۴۰۶.
۶۹. همان، ص ۴۱۴.
۷۰. سوره قصص، آیه ۵.
۷۱. الحیة، ج ۲، ص ۶۲۳.
۷۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۲۸.
۷۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.
۷۴. تحف العقول، ص ۲۶۶.
۷۵. غرر الحکم، ص ۲۳۷.
۷۶. نهج البلاغه، ص ۴۵۸.

#### 77. Human Dignity.

۷۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.
۷۹. می توان از این نوع به کرامت های اکتسابی هم نام برد.
۸۰. سوره حجرات، آیه ۱۳.
۸۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.
۸۲. همان، ص ۷۵.
۸۳. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۸، روایت ۴۷.
۸۴. همان، ص ۳۳۶، روایت ۷۱.
۸۵. همان، ص ۳۱۷، روایت ۱۲.
۸۶. همان، ج ۵۱، ص ۸۴.
۸۷. همان، ص ۹۷.
۸۸. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۹، روایت ۸۳.
۸۹. همان، روایت ۸۶.
۹۰. همان، ج ۲۷، ص ۹۰، روایت ۴۴.





## جامعه منتظر ظهور منجی

فتانه در تاج \*

### چکیده

اندیشه مهدویت می‌تواند به طور کامل، به خواسته و نیاز دیرین انسان‌ها در اصلاح وضعیت نابه‌سامان زندگی بشری پاسخ دهد. مهدویت نه فقط برای فردای مبهم بشریت روشنی و زیبایی عرضه می‌کند، که امروز بشریت نیز در گرو فهم این موضوع است و شناختن امام و راه، اهداف و جایگاه امام، از وظایف اصلی جامعه منتظر به شمار می‌آید؛ زیرا معرفت و شناخت از مسائل اساسی حیات بشری و مقدمه حرکت آدمی به سوی کمال است.

انتظار، اصلی قرآنی و مقدس است و امید و آرزوی تحقق این نوید جهانی، در زبان روایت‌های اسلامی «انتظار فرج» خوانده می‌شود و خود نوعی عبادت، بلکه برترین عبادت‌ها شمرده شده است.

محققان، سیمای جامعه منتظر را در آیه‌ها و روایت‌های فراوانی بررسی کرده‌اند. برای مثال می‌توان گفت، جامعه منتظر، در هیچ شرایطی، امید خویش را از دست نمی‌دهد و ناامید نمی‌شود، اما انتظار و امید به آینده‌ای روشن، تعهدآور و تحرک‌بخش، سازنده و نگه‌دارنده است، به گونه‌ای که

---

\* کارشناس ارشد الهیات، مدرس دانشگاه و مسئول تربیت معلم شهید باهنر کرمان.

می‌تواند تحولی اساسی در شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه حاصل نماید؛ زیرا اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و اجرای این ایده ارزش‌مند انسانی، به وسیله شخصیتی مقدس و عالی‌قدر که در روایات متواتر اسلامی از او به «مهدی» تعبیر شده، انتظار را معنا و ارزش می‌بخشد، ملت‌ها را بیدار نموده و جامعه منتظر را به تلاش و تکاپو وامی‌دارد، در نتیجه جامعه منتظر خود را با اهداف منتظر هم‌آهنگ می‌کند و در دو جبهه فردی و اجتماعی به مجاهده و ادار می‌شود؛ زیرا جامعه منتظر مصلح، خود باید صالح باشد.

به نظر می‌رسد که در بحث انتظار و جامعه منتظر، جهان امروز برای یک زندگی سعادت‌مندانه، راهی جز تسلیم در مقابل مکتب پیامبران و ائمه علیهم‌السلام ندارد. دوره سعادت بشری، دوره عدل کامل و حاکمیت عقل است و علم اسیر و برده نیست. بنابراین، انتظار ظهور چنین مُصلحی، افزون بر خوش‌بختی نسبت به پایان کار جهان، بلوغ فکر و اندیشه بشریت و آینده‌ای روشن، فرا روی جامعه منتظر را نوید می‌دهد.

## واژگان کلیدی

جامعه منتظر، کمال، عدالت، حکمت و معرفت، مُصلح.

## مقدمه

ضرورت ظهور خورشید ولایت را آن‌گاه احساس خواهیم کرد که از شرایط و اوضاع نابه‌سامان پیش از ظهور آگاه شویم و شرایط سخت روانی آن دوران را درک کنیم. این نگاه سبب می‌شود تا در پی شناسایی جامعه منتظر ظهور برایم؛ زیرا هنگامی که خورشید جهان‌افروز در پهنه آسمان می‌درخشد، کمتر بدان توجه داریم، ولی آن‌گاه که در پس ابرها قرار گیرد و برای مدتی نور و گرما را از موجودات دریغ ورزد، به ارزش آن پی می‌بریم.

در هنگامه‌ای که انسان‌ها تنها ظهور مُصلحی الهی و معجزه‌ای خدایی را انتظار می‌کشند، در آن هنگام که ناامیدی همه را فرا گرفته و همه مدعیان نجات بشریت، دروغ‌گو از کار درمی‌آیند و انسان‌ها تنها ظهور مُصلحی الهی و معجزه‌ای خدایی را انتظار می‌کشند، لطف و رحمت الهی، مهدی موعود را، پس از سال‌ها غیبت و

انتظار، برای نجات انسانیت ظاهر می‌کند و سروش آسمانی در همه جهان به گوش می‌رسد که:

ای اهل عالم! دوران فرمان‌روایی ستم‌گران به سر آمد و حکومت عدل الهی فرا رسید و مهدی ظهور کرد.

این ندای آسمانی، روح را در پیکره مرده انسان‌ها می‌دمد و به محرومان و ستم‌دیدگان مزده رهایی می‌دهد. آری، با درک این زمینه‌هاست که می‌توان، به ضرورت ظهور مصلح الهی پی برد و اهمیت و ارزش حکومت عدالت‌گستر مهدی علیه السلام را درک کرد.

### معنا و مفهوم انتظار

انتظار: درنگ در امور، نگهبانی، چشم‌به‌راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده است.<sup>۱</sup>

انتظار: به معنی چشم‌به‌راه بودن، چشم‌داشت، توقع چیزی را داشتن و نوعی امید به آینده بستن است.<sup>۲</sup>

انتظار: چشم داشتن، چشم‌به‌راه بودن، چشم‌داشت، چشم‌داشتگی و نگرانی است.<sup>۳</sup>

انتظار: چشم‌داشت، توقع، چشم‌به‌راهی و بردباری کردن است.<sup>۴</sup>

### انتظار از نگاه مذهب

امید به آینده‌ای نویدبخش و سعادت‌آفرین است که در آن تحت لوای رهبری توانا، جهان از همه مفاسد و بدبختی‌ها رهایی می‌یابد و راه خیر و صلاح و آسایش و امنیت را در پیش می‌گیرد.<sup>۵</sup>

منتظر: کسی را گویند که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتر تلاش می‌کند. بی‌شک چنین انتظاری سازنده و امیدبخش است و می‌تواند از بزرگ‌ترین عبادت‌ها به شمار آید.

باید گفت انتظار دوگونه است، انتظار سازنده و تعهد‌آور و تحرک‌بخش و انتظاری که ویران‌گر، بازدارنده و فلج‌کننده است؛ چون نوعی اباحی‌گری است.<sup>۶</sup>

انتظار عمل و اقدام پویایی است؛ یعنی آمادگی و حرکت. پس منتظر، خود آماده می‌شود و زمینه‌سازی می‌کند.<sup>۷</sup>

انتظار به این معناست که گروهی منتظر باشند که نجات‌بخش خواهد آمد.<sup>۸</sup>

## آمادگی و زمینه‌سازی

آمادگی عبارت است از عمل به وظایف دینی و تقوا. برخی از عالمان آمادگی برای ظهور امام زمان علیه السلام را شامل موارد زیر دانسته‌اند: بی‌اعتنایی به خواسته‌های دنیوی، تسلط بر هواهای نفسانی، التزام عملی به دین، پذیرش مسئولیت‌های دینی، خودسازی و اصلاح خویش، ایجاد جامعه صالح، امر به معروف و نهی از منکر، ترک غفلت، عشق به امام عصر علیه السلام، ایثار و فداکاری، استواری ایمانی، یک‌پارچگی منتظران.<sup>۹</sup>

**برنامه زمینه‌سازی:** برنامه زمینه‌سازی، وظیفه‌ای گسترده، بزرگ و پیچیده است که در رویارویی با ستم‌گران و طاغوت‌های ستم‌گر و سردمداران کفر باید آماده نمود، که دارای دو جنبه است:

۱. رشد ایمانی جهادی و آگاهی سیاسی که دقیقاً همان چیزی است که جبهه مقابل فاقد آن است.

۲. ایجاد تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی که بدون وجود نظام سیاسی و دولت در جهان محقق نخواهد شد.

تحقق این مأموریت‌ها باید به دست همه انسان‌های منتظر پی‌ریزی شود تا زمینه ظهور آن منجی فراهم و بی‌شک تا چنین مقدماتی فراهم نشود، ظهور تحقق نخواهد یافت.<sup>۱۰</sup>

## عوامل مهم زمینه‌سازی ظهور

از آن‌جا که انقلاب مهدوی جهانی، فراگیر، عمیق و مکمل انقلاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، چند عامل تأثیر مهمی در زمینه‌سازی حکومت آن حضرت دارند که عبارتند از:

۱. ایمان و توکل به خدا؛ روحیه قوی و اطمینان قلب و اعتماد به نفس از عوامل سازنده و پیش‌برنده و زمینه‌ساز ظهور است. چنین روحیه و آرامش و

استواری قلب که در سایه دعا، عبادت و مناجات به دست می‌آید از عوامل مهم به شمار می‌رود.<sup>۱۱</sup>

۲. **جاذبه قرآن و حقانیت اسلام:** حقایق نورانی و استوار و منطق قرآنی و اسلام، یکی از عوامل مهم زمینه‌سازی است.

۳. **علم و اندیشه و به کار انداختن آن:** بدون شک بسیاری از گره‌ها به دست علم گشوده و کارها آسان‌تر و بسیاری از راه‌ها نزدیک‌تر خواهد شد.

۴. **استقامت، پایداری و شجاعت:** در صدر اسلام، پایداری مسلمانان در برابر تندبادهای حوادث از عوامل پیروزی بود. در انقلاب حضرت مهدی علیه السلام نیز پایداری و استقامت، بهترین زمینه‌سازی معنوی برای ظهور خواهد بود.<sup>۱۲</sup>

۵. **زهد و رعایت اخلاق و حقوق:** رعایت اخلاق نیک نسبت به یک‌دیگر در برخوردها و در همه جنبه‌های زندگی، رعایت حقوق جانی و مالی و... عالی‌ترین نقش را در جذب دیگران و نفوذ در دل‌ها دارد.

۶. **تعاون و هم‌کاری:** برادری اسلامی و رسیدگی به دردهای اجتماعی و تأسیس واحدهای وسیع در این زمینه در نوع خود برای پیوند هرچه بیشتر زمینه‌سازان مؤثر خواهد بود.

۷. **شیوه برخورد با مخالفان:** قرآن مجید در این زمینه فرموده:

مردم را به راه پروردگارت با حکمت و پندهای نیکو و جدال و بحث و انتقاد دعوت کن.<sup>۱۳</sup>

سیره معصومین نیز براساس علم و منطق با مسلمانان و غیرمسلمانان بود که نقش مؤثری در توسعه اسلام داشت.

۸. **توجه به مستضعفان:** اسلام به مستضعفان بسیار توجه می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز عملاً هم‌چون مستضعفان می‌زیست و بیشتر با آنها محشور بود. افرادی چون بلال، عمار، یاسر، سلمان و... از این گروه‌اند. توجه به مستضعفان و برآوردن نیازهای آنان، برقراری عدالت اجتماعی، زمینه‌ساز حکومت آن حضرت خواهد بود.

۹. **اتحاد و انسجام مسلمانان:** اتحاد نقش اعجاب‌آمیزی در پیش‌برد اهداف دارد و تفرقه و اختلاف برای دست یافتن به اهداف و آرمان‌ها بسیار زیان‌بخش خواهد بود.

۱۰. رهبر شایسته: ولایت در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. برنامه‌های زمینه‌سازان باید با نظارت رهبری شایسته انجام پذیرد، تا با تکیه بر رهنمودهای ولایت، در مسیر حق قرار گیرد و مقدمه ظهور مصلح را فراهم نمایند.

۱۱. لزوم برنامه‌ریزی: برای رسیدن به این مسئله عمیق و جهانی، باید با برنامه‌ریزی دقیق، حساب شده و همه‌جانبه حرکت کرد.<sup>۱۴</sup>

۱۲. خودسازی و پاک‌سازی: امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

کسی که دوست دارد تا در شمار یاران قائم علیه السلام قرار گیرد، باید در انتظار ظهور باشد. باید تقوا، پاکی و اخلاق نیک را پیشه خود کند. چنین کسی منتظر امام علیه السلام است و در این راه بکوشید و آماده باشید، گوارا باد بر شما ای جوان‌مردان که رحمت خدا با شماست.<sup>۱۵</sup>

باید توجه داشت که هر هفته کارنامه ما را نزد امام زمان علیه السلام می‌برند و آن حضرت آنها را می‌بیند.<sup>۱۶</sup>

### نشانه‌های زمینه‌سازان ظهور

۱. گروه‌های محکم و استوار: نیرومندی، استواری و قدرت‌مند بودن، از نشانه‌های منتظران منجی است. براساس آیات قرآنی، بندگان نیرومند، در برابر طاغوت‌ها و ظالمان دل‌هایی چون دو پاره آهن دارند که در برابر آنها نرمی نمی‌شناسد و نیرومندی و اقتدار از ویژگی آنان است.<sup>۱۷</sup>

۲. گروه مبارز: مبارزه با نظام ناعادلانه جهانی و معادلات و موازنه‌های قدرت، از ویژگی‌های زمینه‌سازان است که نظام ظلم و ستم را خسته و مقدمه ظهور را فراهم می‌کند.

۳. بازتاب‌های جهانی: در روایت‌ها به تصریح بیان شده است که بازتاب‌های جهانی در مقابل زمینه‌سازان، بازتابی اعتراض‌آمیز و عصبانی خواهد داشت؛ زیرا این نسل، همه معادلات جهانی را به هم می‌زند و راحتی و آرامش را از نظام سلطه خواهند گرفت. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

گروهی هستند که خدای تعالی پیش از ظهور قائم علیه السلام برمی‌انگیزد، آنان هیچ ستم‌شده‌ای به خاندان محمد صلی الله علیه و آله را رها نمی‌کنند، جز آن‌که او را به قتل می‌رسانند.<sup>۱۸</sup>

## ویژگی‌های جامعه منتظر ظهور منجی

جامعه مطلوب، از آرزوهای دیرین بشر است. جامعه‌ای سرشار از عدالت، آرامش، صفا و صمیمت که کرامت انسان در آن تأمین شود و همه اعضایش در مسیر رشد مادی و معنوی به دور از خطا و لغزش گام برمی‌دارند. اندیشه جامعه آرمانی، همواره ذهن متفکران و مصلحان را به خود مشغول داشته، هریک به فراخور آگاهی و سلیقه خویش ویژگی‌هایی برای آن برشمرده‌اند.<sup>۱۹</sup>

رهنمودهای قرآن کریم در بیان ویژگی‌های جامعه آرمانی اسلام، اهدافی هم‌چون عدالت، مودت و هم‌دلی، آرامش و امنیت، احسان و نیکی به هم‌نوع و خدامحوری را نمایان می‌سازد.

### ۱. آرامش و امنیت

یکی از نیازهای فطری انسان بهره‌مندی از امنیت و آرامش است. آرامش و امنیت، الفبای جامعه جهانی و آرمانی است که خداوند به آن وعده داده است و می‌فرماید:

خداوند به آنان که از میان شما ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند، وعده داده است که آنان را در زمین خلافت [و جانشینی خود] دهد، همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند به خلافت زمین رسانید و دین آنان را که برایشان پسندیده است بر همه ادیان چیره بگرداند و بی‌شک به دنبال هراسشان، ایمنی بیاورد.<sup>۲۰</sup>

اسلام امنیت را در گستره‌ای فراتر از آسودگی خاطر از هجوم دشمنان خارجی و داخلی مورد توجه قرار می‌دهد. هم‌چنین بر لزوم تحقق آن در حریم خصوصی زندگی مردم نیز تأکید می‌کند. از این رو، مواردی هم‌چون سوءظن، تجسس، غیبت، تهمت، قذف و... را که حریم زندگی خصوصی مردم را با خطر روبه‌رو می‌سازد حرام کرده است، تا آن حد که برای رعایت حریم خصوصی مردم چنین آموزش می‌دهد:

ای اهل ایمان! به خانه‌هایی به غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید تا آن‌گاه که راه انسی پیدا کنید و به [هنگام ورود] به آن خانه‌ها بر اهلیش

سلام کنید [چون اجازه یافتید وارد شوید] که این برای شما بهتر است شاید یادآور شوید. پس اگر در خانه کسی را نیافتید، پس وارد آن خانه نشوید مگر آن‌گاه که به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد برگردید، پس بازگردید که این برای شما پاک‌تر و بهتر است و خداوند به هرآن‌چه انجام می‌دهید بسیار داناست.<sup>۲۱</sup>

## ۲. عدالت محوری

عدالت، از شاخصه‌هایی است که در مباحث گوناگون هم‌چون سیاست، اقتصاد، اجتماع و حقوق مطرح می‌شود. عدالت از یک‌سو فلسفه تشکیل حکومت دینی است و از سوی دیگر معیار توزیع بهره‌برداری مردم از نعمت‌ها، امکانات و مبنای قانون‌گذاری و ارتباط و تعامل مردم با یک‌دیگر است. از دیدگاه اسلام، نظام تکوین بر پایه قسط و عدل استوار و نظام تشریح نیز عادلانه است. یکی از اهداف بعثت پیامبران علیهم‌السلام و فرو فرستادن کتاب‌های آسمانی، برقراری ارتباط اجتماعی عادلانه است:

همانا ما پیامبران خود را با معجزات روشن‌گر فرستادیم و با آنان کتاب [شریعت] و میزان [ترازوی عدل] نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند.<sup>۲۲</sup>

سفارش و رهنمود قرآن کریم به مردم نیز رعایت عدالت در روابط اجتماعی است:

ای اهل ایمان! برپادارنده و استوارکننده عدالت باشید.<sup>۲۳</sup>

در جامعه آرمانی و جهانی اسلام روابط اجتماعی بر پایه عدل استوار است.

## ۳. نیکی و احسان به یک‌دیگر

در تفکر اسلامی، همه مردم بندگان خداوند و برترین آنها کسی است که بیش از همه به دیگران احسان کند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

مردم، نان‌خور خداوندند. پس محبوب‌ترین مردم نزد خدای عزیز و بلندمرتبه، کسی است که به نان‌خوران خدا سود رساند.<sup>۲۴</sup>



بنابراین، برای رسیدن به جامعه مطلوب و آرمانی، افزون بر عدالت، احسان نیز لازم است. عدالت حقوق مردم را تأمین می‌کند و ریشه‌های دشمنی را از بین می‌برد. پس احسان، دل‌های آنان را به هم نزدیک می‌سازد.

قرآن کریم در کنار سفارش به عدالت، به احسان و نیکی به هم‌نوع نیز سفارش کرده است:

در راه خدا انفاق کنید و خود را با دستان خود به هلاکت نیفکنید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.<sup>۲۵</sup>

احسان، نوعی مسئولیت در برابر هم‌نوع است و پیامبر ﷺ آن را شرط مسلمانی می‌داند:

هرکس صدای مردی را بشنود که از مسلمانان درخواست کمک کرده و پاسخش را ندهد، مسلمان نیست.<sup>۲۶</sup>

با آن‌که دامنه احسان و نیکی گسترده است و همه گروه‌های مردم را دربر می‌گیرد، ولی احسان به نیکوکاران، پدر و مادر، خویشاوندان، معلم و مربی دل‌سوز بیشتر سفارش شده است. نکته جالب توجه این‌که در قرآن کریم، احسان به پدر و مادر در مرتبه‌ای نزدیک به عبادت خالصانه خدا قرار دارد.

و خداوند واجب حتمی کرده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود احسان کنید.<sup>۲۷</sup>

باید دانست که نیکی به پدر و مادر، به زمان حیات آنها محدود نمی‌شود و براساس سفارش‌های اهل بیت علیهم‌السلام فرد باید به پدر و مادر خود که آنها را از دست داده نیز احسان کند.<sup>۲۸</sup>

چنین بینشی که خویشاوندان حقیقی را ارج نهیم و به آنان احسان کنیم، موجب فراوانی روزی، طولانی شدن عمر، دفع بلا، جلوگیری از مرگ ناگهانی، تصفیه و رشد اعمال انسان، جلوگیری از گناه و آسان شدن حساب در قیامت می‌شود که در سخنان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به آنها اشاره شده است.<sup>۲۹</sup>

نکته مهم و کلیدی در احسان آن است که قرآن کریم احسان و نیکی به نیکوکاران را در قالب چنین قاعده‌ای قرار می‌دهد:

آیا جزای نیکی جز نیکی [چیز دیگری] است؟<sup>۳۰</sup>

#### ۴. هم‌دلی

از دیگر ویژگی‌های جامعه شایسته ایمانی، مودت، برادری و رحمت است. بر همین اساس قرآن همه مؤمنان را با هم برادر می‌داند:  
بی‌تردید مؤمنان برادر یک‌دیگرند.<sup>۳۱</sup>

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

مؤمنان در آفرینش و رحمت و عطفشان به مانند یک پیکرند که چون یکی زجر و ناراحتی پیدا کند، دیگران نیز هم‌چون او در زجر و ناراحتی باشند.<sup>۳۲</sup>

محبت و الفت زمینه اتحاد و هم‌دلی را فراهم می‌آورد. نعمت نزدیکی قلب‌ها، برترین نعمت و بهترین پشتیبان جامعه‌هاست. نعمتی که با نعمت‌های دیگر قابل مقایسه نیست و با هیچ سرمایه مادی نمی‌توان آن را به دست آورد:

و خداوند میان دل‌های مؤمنان را الفت داد که اگر همه آن‌چه را که در زمین است در این راه خرج می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌های آنان را الفت دهی، لیکن خدا میان آنها را الفت داد. به راستی او عزیز و شکست‌ناپذیر و فرزانه است.<sup>۳۳</sup>

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

آن‌گاه که دو مؤمن با هم دیدار کردند، تنها از میان این دو، آن‌کس که برادر ایمانی‌اش را شدیدتر دوست می‌دارد ارزش‌مندتر است.<sup>۳۴</sup>

#### ۵. خدامحوری

آن‌چه گذشت، اهداف متوسط جامعه مطلوب اسلامی است که می‌توان آن را مقدمه اهداف والاتر به شمار آورد. هدف نهایی، عبادت پیراسته از شرک است که خداوند آن را در عبارتی به صورت انحصار چنین بیان داشته است:

جن و انس را جز برای عبادت کردن خودم، نیافریدم.<sup>۳۵</sup>

به عبارت دیگر، اهدافی هم‌چون مودت، عدالت، احسان و امنیت، مقدمه خدامحوری و عبادت خالصانه خداست و گرنه جامعه بهره‌مند از نعمت‌های مادی و تهی از شکر و ذکر خدا، نامطلوب و سزاوار عذاب الهی است:

و خداوند مثل شهری را نمونه آورد که در آن امنیت اطمینان‌بخش حکم‌فرما بود و از هر جانب روزی فراوان به آنها می‌رسید تا آن‌که اهل آن شهر نعمت خدا را کفر ورزیدند و خدا هم به دلیل کاری که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و بیم‌ناکی را به آنها پوشانید.<sup>۳۶</sup>

### جامعه منتظر در روایات

امام صادق علیه السلام در بیانی نورانی ضمن فراخوانی شیعیان به انتظار، یاران حضرت قائم علیه السلام را منتظران راستین و آراسته به اعمال نیک براساس پرهیزکاری و محاسن اخلاق دانسته و می‌فرماید:

هرکس شاد می‌شود که از اصحاب و یاوران قائم باشد، باید که در انتظار به سر برد و از روی تقوا، پرهیزکاری و محاسن اخلاق عمل نماید در حالی که منتظر است.<sup>۳۷</sup>

جامعه منتظر، متعهد و مسئول است که برای تحقق اهداف اسلام و عملی شدن برنامه‌های دین بدون هیچ یأس، ضعف و سستی و نومیدی شب و روز کوشش کند.<sup>۳۸</sup>

آن‌کس که منتظر امر ماست همانند کسی است که در راه خدا در خون خویش غوطه‌ور باشد.<sup>۳۹</sup>

انتظار شیعه، انتظاری است محرک و توان‌بخش؛ زیرا منتظر، پرهیزکارانه عمل می‌کند و رفتار شایسته و نیکو پیش می‌گیرد.<sup>۴۰</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده:

اگر یک روز امامی از ما در روی زمین نباشد، زمین اهل خود را در کام خود فرو برد.<sup>۴۱</sup>

با توجه به این روایات، درمی‌یابیم که تمام مدت غیبت دوره آزمایش است. البته نوع آن آزمایش‌ها در زمان و مکان‌های گوناگون تفاوت دارد، ولی در التزام به احکام دینی باید ثابت‌قدم بود.<sup>۴۲</sup>

با دقت در سخنان معصومین علیهم السلام به این نتیجه می‌رسیم که آنان، نسبت به ایران و مردم آن توجه ویژه‌ای داشتند و در موقعیت‌های مختلف از نقش آنان در یاری رساندن به دین و زمینه‌سازی برای ظهور مهدی علیه السلام سخن گفته‌اند.  
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مردمی از مشرق‌زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای قیام حضرت مهدی علیه السلام فراهم می‌سازند.<sup>۴۳</sup>

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

یاران حضرت قائم علیه السلام سی صد و سیزده نفر و از فرزندان عجم هستند.<sup>۴۴</sup>

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

خوشا به حال طالقان! زیرا خداوند در آن‌جا گنج‌هایی دارد که نه از طلاست و نه از نقره، بلکه در آن‌جا مردانی باایمان هستند که خدا را به حق شناخته‌اند و آنان یاوران مهدی آل‌محمد علیهم السلام در آخرالزمان خواهند بود.<sup>۴۵</sup>

با بررسی مجموعه روایت‌های موجود درباره جامعه زمینه‌ساز ظهور، به این نتیجه می‌رسیم که در کشور ایران، پیش از ظهور امام زمان علیه السلام نظامی الهی و مدافع ائمه معصومین علیهم السلام برپا می‌شود که در قیام آن حضرت نقش عمده‌ای دارند.<sup>۴۶</sup>

## اصول اساسی جهت تحقق جامعه منتظر

### ۱. تقویت بنیان خانواده

در اسلام به نظام خانواده بسیار اهمیت داده شده است؛ زیرا خانواده می‌تواند نقطه آغازین هر صلاح یا فساد باشد و اجتماع از ترکیب خانواده‌ها پدید می‌آید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

در اسلام هیچ بنایی نزد خدا محبوب‌تر از تشکیل خانواده نیست.<sup>۴۷</sup>

طبیعی است هنگامی که خانواده براساس تفاهم متقابل شکل گیرد و پدر و مادر با تفاهم و تعاون و آگاهی، فضایی آرام و مطلوب برای رشد فرزندان پدید آورند،

حرکت عمومی جامعه به سوی سعادت خواهد بود. بدین سبب، اسلام برای پدر و مادر، یعنی دو رکن سرنوشت‌ساز خانواده، مقامی والا و ارزش‌مند در نظر می‌گیرد و مسئولیت آنان را حساس و ویژه می‌داند.

## ۲. تحکیم روابط اجتماعی

خداوند برای تحقق این اصل مهم اجتماعی شرایط ویژه‌ای قرار داده است که برخی از آنها عبارتند از:

**یکم. سلام کردن و دست دادن در آغاز ملاقات:** حضرت محمد ﷺ می‌فرماید:

آن‌گاه که هم‌دیگر را ملاقات می‌کنید، پیش از هرگونه کلامی، اول به هم‌دیگر سلام کنید و مصافحه نمایید.

**دوم. رفق و مدارا:** رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

مدارا کردن با مردم، نیمی از ایمان است و ملایم و نرم بودن با آنان، نیمی از خوشی در زندگی.<sup>۴۸</sup>

**سوم. گشاده‌رویی:** از سخنان پیامبر گرامی اسلام ﷺ است که فرمود:

با گشاده‌رویی با بردارت روبه‌رو شو.<sup>۴۹</sup>

**چهارم. فروتنی:** پیامبر اسلام ﷺ فرمودند:

خداوند به داوود وحی کرد: به راستی نزدیک‌ترین مردم به خدا متواضعان هستند، همان‌طور که دورترین مردم از خدا متکبرانند.<sup>۵۰</sup>

**پنجم. احترام به دیگران به ویژه سال‌خوردگان:** رسول خدا ﷺ در این باره

می‌فرماید:

گرامی داشتن مسلمان پیر و سال‌خورده، بزرگ شمردن خداست.<sup>۵۱</sup>

**ششم. زیارت و دید و بازدید برادر مؤمن فقط به خاطر خدا.**

## ۳. نیایش فردی و جمعی

جامعه بریده از نیایش و پرستش، هم‌چون ذره‌ای پرتاب شده در جهان بی‌انتهاست که در محاصره موج‌های بنیان‌کن پوچی و آشفستگی قرار می‌گیرد و

افرادش سرانجامی جز خواری و سرنگونی در دوزخ ندارند. خداوند متعال می‌فرماید:

به راستی کسانی که از عبادت و پرستش من متکبرانه استنکاف می‌ورزند  
با خواری و پستی به جهنم وارد خواهند شد.<sup>۵۲</sup>

#### ۴. نظارت و احیای خوبی‌ها

امر به معروف و نهی از منکر، دو اصل مهمی است که اجرای قوانین فردی و اجتماعی و سلامتی جامعه را ضمانت می‌کند. در دیدگاه اسلام، هر فرد همان‌گونه که مسئول اعمال خویش است، در برابر سلامت جامعه نیز مسئول شناخته می‌شود. قرآن در توصیف جامعه ایمانی می‌فرماید:

زنان و مردان مؤمن، برخی از آنان ولیّ و سرپرست برخی هستند، به معروف و نیکی وامی‌دارند و از زشتی باز می‌دارند.<sup>۵۳</sup>

پی‌آمد طبیعی نظارت و مسئولیت همگانی، آن است که چنین جامعه بهترین جامعه‌ها باشد. قرآن کریم جامعه بهره‌مند از دو اصل مقدس امر به معروف و نهی از منکر را چنین وصف می‌کند:

شما بهترین امتی هستید که برای مردم نمایان شدید؛ چراکه به نیکی وامی‌دارید و از زشتی باز می‌دارید.<sup>۵۴</sup>

#### ۵. عدالت اقتصادی

زیباترین نمایه جامعه جهانی اسلام، حالتی است که در آن هر فرد یا خانواده، خودکفا باشد و بتواند نیازهای ضروری خویش را کریمانه تأمین کند. اعتدال اقتصادی از ضروریات دین و عبادت‌های مهم به شمار می‌آید و نه تنها موجب پاکی و وارستگی فرد می‌شود بلکه داروی بسیار مؤثر در پاک‌سازی جامعه و دفع آفاتی چون فقر و بی‌کاری است. بدین سبب، قرآن کریم تأمین نیاز تهی‌دستان و ناتوانان را یکی از موارد مصرف زکات و خمس می‌داند:

منحصراً صدقه‌ها (خمس، زکات و...) برای نیازمندان، مسکینان و... است  
که از جانب خدا (بر شما) واجب گشته است.<sup>۵۵</sup>

## ۶. مقابله با عوامل فساد جامعه

از دیگر راه‌کارهای اسلام برای سلامت جامعه و اعتماد متقابل مردم به یک‌دیگر در مسیر تحقق جامعه جهانی اسلام، تحریم اعمالی است که پاکی و سلامتی جامعه را به خطر می‌افکند. اسلام از یک‌سو با تحریم اعمالی هم‌چون دروغ، غیبت، تهمت، قمار، سرقت و مقرر کردن کیفر برای این موارد، حد و مرزی برای رفتارهای اجتماعی قرار داده و از سوی دیگر، افشای گناهیانی را که سبب دریده شدن پردهٔ عفت عمومی می‌شود جرم دانسته است:

به راستی کسانی که دوست دارند که فاحشه و بدکاری در کسانی که ایمان آورده‌اند شایع گردد، برای چنین کسانی در دنیا و آخرت عذابی دردناک مهیاست.<sup>۵۶</sup>

البته تحریم عوامل فساد و امر به اجتناب از آنها بدان معنا نیست که فرد گوشه‌گیری را اختیار کند و از جامعه دور شود. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

هرکس از جماعت مسلمانان جدا شود، قید اسلام را از گردن خود برداشته است.<sup>۵۷</sup>

## ۷. تعلیم و تربیت

اسلام، تعلیم و تزکیه را در صدر برنامه‌های خود قرار داده است. به گونه‌ای که از همان آغاز نزول وحی، آن را از وظایف اصلی و حتمی پیامبر ﷺ به شمار می‌آورد:

او خدایی است که در میان مردم امی و بی‌سواد پیامبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات خدا را تلاوت کند. او مردم را پاک و تزکیه می‌کند و کتاب [شریعت] و حکمت الهی را به آنان می‌آموزاند. هرچند پیش از این در جهالت و گم‌راهی آشکار بودند.<sup>۵۸</sup>

از نظر قرآن، جایگاه دانش و دانشمندان بسیار والا و ارزش‌مند است.

خداوند آنان را که از میان شما ایمان آورده و کسانی که دانش را دریافت کردند درجاتی بالا می‌برد.<sup>۵۹</sup>

بنابراین، آموزش و پرورش در سرنوشت جامعه نقش اساسی دارد؛ زیرا بدون افراد صالح و سالم، جامعه صالح و شایسته پدید نمی‌آید و مردم در صورتی راه صلاح را می‌پیمایند که افزون بر داشتن زمینه فردی درست، در درون خود زمینه‌هایی خوش‌آیند و جذاب را در جامعه ببینند. پس، افزون بر طرح و برنامه، ساختن افراد شایسته، از راه‌کارهای ضروری رسیدن به جامعه مطلوب جهانی اسلام است. بر این اساس است که آموزش و دانش‌اندوزی، مقدمه پرورش و خودسازی به شمار می‌رود و رستگاری در سایه خودسازی به دست می‌آید:

بی‌تردید آن‌کس که به تزکیه و پاکی نفس خود پرداخت، رستگار گشت.<sup>۶۰</sup>

#### ۸. تعاون و هم‌کاری گروهی

برای تحقق جامعه مطلوب و جهانی اسلام، تعاون و هم‌کاری گروهی، یکی از اصول و راه‌کارهای مهم به شمار می‌رود. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

بر نیکی و پرهیزکاری یک‌دیگر را یاری کنید و با هم‌دیگر هم‌کاری کنید.<sup>۶۱</sup>

پیامبر گرامی اسلام ﷺ با بیان گوناگون، مسلمانان را به یاری رسانیدن به یک‌دیگر تشویق و ترغیب کرده است:

خداوند، تا زمانی که بنده در کمک و یاری هم‌نوعش کوشاست، بنده‌اش را یاری می‌کند.<sup>۶۲</sup>

#### زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی تحقق ظهور

##### ۱. عشق و دل‌دادگی

انسان امروز که پس از تلاش برای رسیدن به سعادت و خوش‌بختی همه درها را بسته می‌بیند اشتیاق به برپایی حکومت منجی موعود در وجودش شعله‌ورتر می‌شود. تداوم این حالت، روح آدمی را به مرحله‌ای جدید می‌رساند که آن عطش و شیفتگی است. اگر در جامعه بشری، این عطش پدید آید، مرحله‌ای مهم از زمینه اجتماعی ظهور فراهم شده است؛ زیرا بشر از همان آغاز زندگی اجتماعی،



برای پیش‌برد اهداف انسانی خویش سر به فرمان حاکمان و زمام‌داران نهاده است. او امیدوار بود که این حاکمان زورمند با پرهیز از زورگویی، جامعه‌ای صالح بسازند، اما نه تنها به این خواسته برخاسته از عمق جان خویش نرسیده، بلکه روزه‌روز شاهد گسترش ظلم و ستم‌های گوناگون بوده است؛ از این‌رو، هرگاه که با پدیده ناروایی روبه‌رو شود، از اعماق وجود آرزو می‌کند مردی الهی بیاید و روح عدالت را در کالبد جامعه بشری بدمد. این همان زمینه مساعد و بستر مناسب برای پذیرش حکومت جهانی حضرت مهدی موعود علیه السلام است که باید در وجود تمامی جامعه بشری رسوخ کند.

## ۲. امید به آینده سبز

در دوران پیش از ظهور که یأس، بر بشریت سایه می‌افکند، ویژگی آینده‌نگری انسان، حس امید را ناخودآگاه زنده می‌کند و آدمی را به «روزی دیگر» بشارت می‌دهد. بی‌گمان، نسلی که دچار سرخوردگی‌هاست، در پی دیدن روزی خواهد بود که همه استعداد‌های نهفته‌اش شکوفا شود و همه انسان‌ها در پهنه زمین به جایگاه حقیقی‌شان برسند.

ره‌آورد بررسی‌ها نشان می‌دهد که همه تلاش امامان هدایت علیهم السلام، در زمان ناامیدی شیعیان از دنیا و حاکمان آن برافروختن چراغ امید به گشایش امور از سوی پروردگار متعال بوده است. در روایتی از امام هشتم علیه السلام چنین می‌خوانیم:

چه نیکوست صبر و انتظار گشایش امور را کشیدن... پس بر شماست که صبر پیشه کنید؛ به درستی که فرج آن‌گاه می‌آید که ناامیدی فراگیر گشته باشد.

## ۳. اضطراب

از بررسی روایت‌ها می‌توان چنین به دست‌آورد که اضطراب، تبلور فراهم آوردن همه آمادگی‌ها و زمینه‌هاست. انسان مضطر، دنیا را با تمام وسعتش، تنگ احساس می‌کند و زرق‌وبرق فریبنده ظاهری و قدرت‌های شیطانی، او را غافل نمی‌کند.

انسان‌های منتظر، باید به مرحله‌ای برسند که به تحقیق یقین کنند برای نجات از گرداب‌ها، هیچ پناهی جز حکومت مهدی آل محمد علیهم السلام نیست. این موضوع با

تعبیرهای گوناگون در روایت‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. ابوسعید خدری در روایتی به نقل از پیامبر گرامی اسلام ﷺ چنین می‌آورد:

امت حضرت مهدی علیه السلام به سوی او پناه می‌برند، همان‌گونه که زنبور (از ترس دیگران) به ملکه خویش پناه می‌برد.

بنابراین، رسیدن جامعه به مرحله‌ای که در آن، همه مردم یک‌دل و یک‌صدا، خواهان حکومت حضرت مهدی علیه السلام باشند و با تمام وجود، اضطراب خویش را به حضرتش فریاد زند و آماده یاری و جان‌بازی در رکاب او برای رسیدن به اهداف والای وی باشند، ظهور را نزدیک خواهد کرد.<sup>۶۳</sup>

امروزه جامعه بشری پر از ظلم و جور است و در آخرالزمان، ظلم نهادینه می‌شود. چنان‌که با تغییر دولت‌ها و آمدوشد سردمداران و دست‌به‌دست گشتن قدرت بین حزب‌های گوناگون، تغییری در مسیر جهان صورت نمی‌گیرد.

حاصل این ظلم فراگیر، اضطراب مردم است؛ یعنی بی‌نتیجه ماندن راه‌های عادی برای رهایی و خلاصی از بن‌بست. در آن زمان بر اثر ستم مستکبران، دین و آیین حق، چنان غریب می‌ماند که کمتر کسی آن را می‌شناسد و از آن پیروی می‌کند. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

و می‌بینی که مؤمن خوار و زبون و اندوهگین است، بدعت‌ها ظاهر شده، عمل نامشروع رواج یافته است، مردم به دنبال باطل راه افتاده و به سخن زور و گواهی باطل گرویده‌اند. حرام را می‌بینی که حلال شده و حلال را می‌بینی که حرام گشته است. دین را می‌بینی که با رأی، تأویل می‌شود و قرآن و تعالیم عالیّه آن تعطیل شده است. در تاریکی شب به حریم محرمات الهی تجاوز می‌کنند و از خدا شرم نمی‌کنند. مؤمن گناه را می‌بیند و جز با قلبش قدرت انکار ندارد. ثروت کلانی را می‌بینی که در راه حرام و جلب خشم حضرت پروردگار صرف می‌شود. زمامداران را می‌بینی که اهل کفر را به خود نزدیک ساخته و اهل خیر را از خود دور می‌سازند. داوران را می‌بینی که برای داوری رشوه می‌گیرند و هرکس بیشتر دهد، او برنده می‌شود و او حق معرفی می‌شود. و می‌بینی که حدود الهی تعطیل شده و به هواها عمل می‌شود.<sup>۶۴</sup>

دین‌داری نیز کهنه‌پرستی جلوه می‌کند و دین‌داران در همه‌جا سرزنش می‌شوند، چنان‌چه امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

و می‌بینی که پیروان ادیان تحقیر می‌شوند و کسی هم که دین‌داران را دوست بدارد، مورد تحقیر قرار می‌گیرد.<sup>۶۵</sup>

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

هنگامی که دیگران هوای نفس را بر هدایت مقدم بدارند او (مهدی علیه السلام) امیال نفسانی را به هدایت برمی‌گرداند و هنگامی که دیگران قرآن را با رأی خود تفسیر کنند، او آرا و افکار را به قرآن بازگرداند. او به مردم نشان می‌دهد که چه نیکو می‌توان به عدالت رفتار نمود. او تعالیم فراموش‌شده قرآن و سنت را زنده می‌سازد.<sup>۶۶</sup>

## وظایف منتظران در زمان غیبت امام زمان علیه السلام

با توجه به احادیث خاندان وحی، در دوران غیبت، تکالیفی برای شیعه مشخص شده که بخشی از آنها این‌گونه است:

### ۱. معرفت و شناخت آن حضرت

یکی از وظایف شیعه نسبت به امام زمان علیه السلام شناخت صفات و ویژگی‌های ایشان و نشانه‌های حتمی ظهور اوست.<sup>۶۷</sup>

معرفت و شناخت، نخستین و مهم‌ترین وظیفه جامعه منتظر است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

... هرکس بمیرد، در حالی که امامش را شناخته، مانند کسی است که در خیمه قائم علیه السلام با آن حضرت باشد.<sup>۶۸</sup>

### ۲. پرهیز از گناه

آراستگی به اخلاق نیکو، دوری از زشتی‌ها و امور ناپسند، وظیفه مهم منتظر است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هرکس دوست دارد از یاران قائم علیه السلام باشد، باید که چشم به راه باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید.<sup>۶۹</sup>

### ۳. انتظار فرج و ظهور آن حضرت

که اهمیت آن بر هیچ مسلمان حقیقی پوشیده نیست.

### ۴. محزون بودن از فراق آن حضرت

### ۵. دعا کردن برای آن حضرت

وظیفه هر شیعه واقعی دعا کردن برای امام زمان علیه السلام است. امام عسکری علیه السلام دعا برای تعجیل فرج را شرط رهایی از فتنه‌های دوران غیبت می‌داند و می‌فرماید:

به خدا سوگند، او غیبتی خواهد داشت که از آن، تنها کسانی از هلاکت رهایی می‌یابند که خداوند آنها را بر قول بر امامتش ثابت‌قدم بدارد و در دعا برای تعجیل فرجش، موفق کرده باشد.<sup>۷۰</sup>

### ۶. صدقه دادن به نیابت از آن حضرت

این امر نشانه دوستی ایشان و پذیرش ولایت اوست.

### ۷. قیام هنگام شنیدن نام آن حضرت

شایسته است که یک شیعه واقعی، هرگاه نام مبارک آن حضرت، به‌ویژه «قائم» برده می‌شود، برخیزد و به احترام آن امام، بایستد. چنان‌که سیره بعضی از امامان معصوم علیهم السلام ما چنین بوده است.

روزی در مجلس امام صادق علیه السلام نام مبارک حضرت قائم علیه السلام برده شد و حضرت به منظور بزرگداشت و احترام نام حضرت مهدی علیه السلام از جای برخاست و ایستاد.<sup>۷۱</sup>

### ۸. دعا برای حفظ ایمان

چون در دوران غیبت، خطرهای بسیاری انسان را تهدید می‌کند، لازم است افزون بر مجهز شدن به اخلاق الهی، دست به دعا برداریم و از خداوند یاری بخواهیم.

### ۹. سعی در اصلاح جامعه، و امر به معروف و نهی از منکر

از جمله وظایف شیعیان و شیفتگان حضرت حجة‌الله، اصلاح جامعه است.

## ۱۰. تزکیه و خودسازی

پاک‌سازی درون از صفات پلید، و آراستن آن به وسیله اخلاق پسندیده، از جمله وظایفی است که در هر زمان واجب است. ولی پرداختن به آن، در زمان غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام، به ما کمک می‌کند تا در شمار اصحاب آن جناب، قرار گیریم.<sup>۷۲</sup>

## پاداش انتظار

حاکمیت دین خدا و مذهب اهل بیت علیهم السلام، استقرار حکومت صالحان و مستضعفان، کوتاه شدن دست ظالمان و ستم‌گران، برقراری نظام قسط و عدل بر سراسر جهان و گسترش رفاه و آسایش در جای‌جای زمین آرزوی نهایی جامعه منتظر است.<sup>۷۳</sup>

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

او هم چون کسی است که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه او بوده باشد، سپس لحظه‌ای درنگ کرد و فرمود: او مانند کسی است که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (در جنگ‌هایش) همراه بوده است.<sup>۷۴</sup>

در جای دیگر نیز فرمود:

خوشا به حال کسانی که در غیبت او شکبیا و در محبت او پابرجا هستند که خدای تبارک و تعالی آنها را در کتابش چنین توصیف فرموده است: «این قرآن هدایت است برای پرهیزکاران، آنها که به غیب ایمان می‌آورند».<sup>۷۵</sup>

باید گفت مراتب معرفت و تقوای منتظران در میزان ثواب آنان تأثیر دارد.<sup>۷۶</sup>

امام جواد علیه السلام فرمود:

کسانی که در قیام او شتاب‌زدگی به خرج می‌دهند، ناچار هلاک می‌شوند. تنها مردم بااخلاصی که تسلیم امر خدا هستند، در غیبت و ظهور آنها نجات پیدا می‌کنند.<sup>۷۷</sup>

حضرت مهدی علیه السلام در زمانی ظاهر می‌شود که استعداد جامعه منتظر به درجه نهایی رسیده باشد. تا این که بتواند به طور کامل هم‌چنان که سزاوار است، عموم معارف قرآن را در جهان، نشر و بسط دهد.<sup>۷۸</sup>

## نتیجه

آرمان نجات انسان از چنگال ستم مستکبران و تأسیس حکومتی عدالت گستر بر گستره کره خاک، از بلندترین اندیشه‌های بشر بوده و در همه ادیان، بدان توجه ویژه‌ای شده است. ایده تأسیس آرمان‌شهر (مدینه فاضله) که در آن همه ارزش‌های انسانی ظهور یافته باشد و مردم در کنار یک‌دیگر در کمال صمیمیت و فارغ از ستم و تجاوز در صلح و آرامش زندگی کنند، از دیرباز، ذهن بشر را به خود مشغول داشته است.

انتظار ظهور منجی به صورت یک آرمان جمعی درآمده است؛ زیرا ظلم و تعدی به حقوق دیگران رو به فزونی است و نفس سیری‌ناپذیر انسان سبب شده که بی‌عدالتی‌های بی‌شمار در تاریخ ثبت و خون‌های بسیاری به ناحق ریخته شود و نومی‌دی بیشتری بر جامعه بشری سایه افکند. در نتیجه، تشنگی فزاینده‌ای نسبت به حق و عدالت رخ نماید و امید به ظهور منجی الهی بارورتر گردد. لذا هرچه از عمر جامعه بشری می‌گذرد، امید به عدل‌گستری مصلحان بشری یکی پس از دیگری به ناامیدی تبدیل می‌شود و منتظران به این باور می‌رسند که جز با هدایت رهبری الهی، تحقق حاکمیت ارزش‌های انسانی، ممکن نخواهد بود.

حاصل آن‌که با ستم جباران، هربار انحرافی از جاده حقیقت و عدالت بر انحراف‌های بشر افزوده می‌شود و فاجعه چنان عمیق می‌گردد که مستضعفان عالم این درد را جز با ید بیضایی و دم مسیحایی قابل درمان نمی‌دانند و در چنین شرایطی است که بنابر روایات، پیروان هر دین و آیینی از منجی الهی و آسمانی خود یاری می‌طلبند و آن‌گاه که جامعه منتظر ظهور منجی آمادگی پیدا کرد، خداوند وعده خود را محقق می‌سازد. وی پس از نبرد بی‌امان با پیشوایان کفر و بی‌عدالتی، حکومتی یک‌پارچه را بر پایه عدل در سراسر گیتی می‌آراید و صالحان عالم در اوج کرامت و عزت به وراثت زمین می‌رسند تا شاهد تحقق آیه شریفه ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۷۹</sup> باشند.

## پیش‌نهادها

- ترجمه آثار علمی - پژوهشی مهدویت، به زبان‌های زنده دنیا؛

- توسعه نظارت عمومی و گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر؛
- نظارت و ارزیابی میزان تأثیرگذاری برنامه‌های فرهنگی مهدویت؛
- نگرش سیستمی در آماده‌سازی مقدمات ظهور؛
- آشنایی دانشجویان و دانش‌آموزان کلیه مقاطع با فرهنگ مهدویت در قالب کتب درسی؛
- ایجاد انس و علاقه به مهدویت با بیان شیوا و رسا در رسانه‌ها و مطبوعات؛
- ایجاد مراکز تخصصی، پژوهشی، تحقیقی، فرهنگ انتظار و وظایف منتظران؛
- مقایسه تطبیقی جامعه ایده‌آل و مطلوب با جامعه کنونی؛
- گسترش سایت‌های اینترنتی.

## پی نوشت‌ها

۱. حسن مصطفوی، *التحقیق فی کلمات القرآن*، ج ۱۲، ص ۱۶۶، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۷ قمری.
۲. لویس معلوف، *المنجد*، ص ۴۵، انتشارات ایران، تهران ۱۳۸۰ شمسی.
۳. دکتر محمد معین، *فرهنگ فارسی*، گردآوری عزیزالله علی زاده، ص ۱۵۸، چاپ سوم: ۱۳۸۵ شمسی.
۴. احمد سیاح، *فرهنگ بزرگ جامع نوین*، ج ۴، ص ۱۴، چاپ چهاردهم: انتشارات اسلام، ۱۳۷۰ شمسی.
۵. دکتر مرتضی آقانهزائی، *سودای روی دوست*، ص ۲۱، چاپ اول: انتشارات احمدیه، ۱۳۸۴ شمسی.
۶. مرتضی مطهری، *قیام و انقلاب مهدی*، ص ۶۱، انتشارات صدرا، قم، [بی تا].
۷. مجید حیدری نیک، *نگاهی دوباره به انتظار*، ص ۲۴، چاپ دوم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۵ شمسی.
۸. دکتر علی شریعتی، *انتظار مذهب اعتراض*، ص ۲۵، چاپ هشتم: انتشارات قلم، تهران ۱۳۷۹ شمسی.
۹. محمدرضا حکیمی، *خورشید مغرب*، ص ۴۹۸-۴۹۹، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۶ شمسی.
۱۰. حبیب طاهری، فصل نامه علمی - تخصصی *انتظار*، سال اول، پائیز ۱۳۸۰، ش ۲، ص ۱۴۶.
۱۱. محمداقبر حیدری، *به سوی ظهور*، ص ۸۷، چاپ اول: نشر سلوک جوان، ۱۳۸۵ شمسی.
۱۲. محمدی اشتیاردی، *حضرت مهدی فروغ تابان ولایت*، ص ۱۷۶ - ۱۸۰.
۱۳. سوره نحل، آیه ۱۲۵.
۱۴. *حضرت مهدی فروغ تابان ولایت*، ص ۱۸۱ - ۱۸۴.
۱۵. محمداقبر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۱۴۰، انتشارات مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
۱۶. محمد بن یعقوب کلینی، *اصول کافی*، ج ۱، ص ۲۱۹، انتشارات علمیه اسلامی، تهران، [بی تا].
۱۷. سوره اسراء، آیه ۵.
۱۸. سید هاشم بحرانی، *سیمای حضرت مهدی در قرآن*، ص ۶۷، قم، [بی تا].
۱۹. برخی از طرح‌هایی که در این زمینه ارائه شده بدین قرار است: الف) افلاطون در *رساله جمهوریت*، ب) آگوستین قدیس در *شهر خدا*، ج) فارابی در *آراء اهل المدينة الفاضلة*، د) ابوالحسن عامری در *السعادة و السعاده*، ه) نظامی گنجوی در *اسکندرنامه* و توماس مور در *ناکجا آباد*.
۲۰. سوره نور، آیه ۴۴.
۲۱. سوره نور، آیه ۲۷ - ۲۸.
۲۲. سوره حدید، آیه ۲۵.
۲۳. سوره نساء، آیه ۲۵.
۲۴. *اصول کافی*، ج ۲، ص ۱۶۴.
۲۵. سوره بقره، آیه ۱۹۵.
۲۶. *اصول کافی*، ج ۲، ص ۱۶۵.



۲۷. سوره اسراء، آیه ۲۳ - ۲۴.
۲۸. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۳۲.
۲۹. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۰۴.
۳۰. سوره رحمن، آیه ۶۰.
۳۱. سوره حجرات، آیه ۱۰.
۳۲. «المؤمنون فی تبارهم و تراحمهم و تعاطفهم کمثل الجسد إذا اشتكى تداعى له سائرته بالسهر و الحمى.» می توان گفت که این شعر سعیدی ترجمه منظوم این روایت یا روایاتی از این قبیل است.  
(بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۷۴)
- که در آفرینش زیک پیکرند  
دگر عضوها را نماند قرار  
نشاید که نامت نهند آدمی
- بنی آدم اعضای یکدیگرند  
چو عضوی به درد آورد روزگار  
توکز محنت دیگران بی غمی
۳۳. سوره انفال، آیه ۶۳.
۳۴. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۶۵.
۳۵. سوره ذریات، آیه ۵۶.
۳۶. سوره نحل، آیه ۱۱۲.
۳۷. نعمانی، الغیبه، ج ۱۶، ص ۲۰۰.
۳۸. علی اکبر مهدی پور، او خواهد آمد، ص ۱۵۳، چاپ دهم: انتشارات رسالت، ۱۳۷۹.
۳۹. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۷۰، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، قم ۱۴۱۶ قمری.
۴۰. حمیدرضا کفاش، گامی در جهت شناخت امام مهدی علیه السلام، ص ۲۷ - ۲۸، چاپ چهارم: انتشارات عابد، ۱۳۸۰ شمسی.
۴۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.
۴۲. لطف الله صافی گلپایگانی، گفتمان مهدویت، ص ۲۱۳، چاپ سوم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۳ شمسی.
۴۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷.
۴۴. نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۵؛ شیخ حر عاملی، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۲، ص ۵۴۵، انتشارات العلمیة، قم ۱۳۹۹ قمری.
۴۵. ابی الحسن اربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۳، ص ۲۸۶، انتشارات دارالاضواء، بیروت، [بی تا].
۴۶. نجم الدین طبسی، چشم اندازی از حکومت مهدی علیه السلام، ص ۲۰ - ۶۴، چاپ دوم: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ شمسی.
۴۷. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲.
۴۸. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۷.
۴۹. همان، ص ۱۰۳.

۵۰. همان، ص ۱۲۳.
۵۱. همان، ج ۱۲، ص ۱۷۶.
۵۲. سوره غافر، آیه ۶۰.
۵۳. سوره توبه، آیه ۷۱.
۵۴. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.
۵۵. سوره توبه، آیه ۶۰.
۵۶. سوره نور، آیه ۱۹.
۵۷. الحیاة، ج ۱، ص ۲۲۶.
۵۸. سوره جمعه، آیه ۲.
۵۹. سوره مجادله، آیه ۱۱.
۶۰. سوره شمس، آیه ۹.
۶۱. سوره مائده، آیه ۲.
۶۲. کنز العمال، ح ۳۵۶۰.
۶۳. در انتظار خورشید مغرب، ص ۳۵۸ - ۳۶۳.
۶۴. کامل سلیمان، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۸۸، روایت ۱۲۱۸ - ۱۲۱۹.
۶۵. همان، ح ۱۲۱۷.
۶۶. نهج البلاغه، ص ۱۹۵.
۶۷. محمدعلی کریمی نیا، آیه های ظهور، ص ۱۰۷ - ۱۱۰، چاپ اول: انتشارات کوثر ادب، ۱۳۸۴ شمسی.
۶۸. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۱.
۶۹. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.
۷۰. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴.
۷۱. نجم الثاقب، ص ۵۲۳.
۷۲. در انتظار خورشید مغرب، ص ۳۸۰ - ۳۸۳.
۷۳. آیه های ظهور، ص ۱۰۵ - ۱۰۶.
۷۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.
۷۵. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۰۱.
۷۶. محمدتقی موسوی، فضیلت انتظار، ص ۱۸.
۷۷. حسن سعید، خدا و مهدی علیه السلام، ص ۸۹، چاپ چهارم: نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۳ شمسی.
۷۸. سیداحمد علم الهدی، منتظر جهان و راز، ص ۳۲، چاپ اول: انتشارات میرفتاح، ۱۳۸۲ شمسی.
۷۹. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

## نظام توزیع ثروت در حکومت موعود

علی حاج محمدی \*

### چکیده

این مقاله به بررسی بنیان‌های نظام نوین اقتصادی موعود و مبانی توزیع ثروت و فرصت‌های اقتصادی در حکومت حضرت حجت‌الله<sup>(عج)</sup> پرداخته است. در ابتدا، تصویری از ستم و بی‌داد اقتصادی ارایه می‌شود. در این بخش درباره نابرابری‌های کلان و جهانی ناشی از توزیع ناعادلانه ثروت، امکانات و به عبارتی جغرافیای نابرابری توزیع ثروت‌های جهانی مطالبی می‌خوانیم. در این مطالب آمده است که از جمله علل ایجاد و استمرار این نظام نابرابر، سازمان‌هایی جهانی هستند که مهار آن در دست مستکبران جهانی است. هم‌چنین هرگونه راه‌حلی به تأسیس نظامی نوین در گردش ثروت‌ها و امکانات بر روی کره زمین بستگی دارد. آن‌گاه بنیان‌های نظم نوین توزیع و گردش ثروت و امکانات زمین در حکومت موعود بیان می‌شود. بر این اساس، امام عصر<sup>(عج)</sup> ثروت‌ها و دارایی‌ها را از نو توزیع خواهند کرد. تا جایی که همگان از نظر اقتصادی بی‌نیاز شوند. ایشان هم‌چنین مفهوم نوینی از انسان اقتصادی تأسیس خواهند کرد که غایت عالی‌ه آن، تولید ثروت برای خدمت به جامعه و تلاش برای کسب خشنودی خدا خواهد بود.

### واژگان کلیدی

توزیع ثروت، انسان اقتصادی، سفیه اقتصادی.

---

\* کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی.

دوران ما دوران آخرالزمان نامیده شده است. این امر به سبب رخ دادهایی است که این دوران را از دیگر دوران بشر متمایز می‌کند. ما شاهد نظام واحد جهانی ظلم و همه‌گیر شدن ستم اقتصادی در سراسر گیتی هستیم که توسط سازمان‌های واحد جهانی تقویت می‌شود. چنین بی‌عدالتی فراگیری، در هیچ دوره‌ای نظیر نداشته است، ولی اکنون درد مشترک همه زمینیان شده است. از کشاورز یا رمدار محروم در شرق زمین گرفته تا کارمند یا کارگر زحمت‌کش در غرب زمین، همه زخم‌خورده سازوکار نابرابر تقسیم و توزیع ثروت و امکانات اقتصادی هستند. این تبعیض در تقسیم ثروت‌ها خود منشأ فسادهای اجتماعی می‌شود و سرمایه‌های انسانی را بر باد می‌دهد.

در عین حال، راه‌برد انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، تلاش برای رفع ستم اقتصادی و برپایی عدالت سراسری است. هر انقلابی یک شعار محوری دارد و شعار محوری انقلاب جهانی ایشان، برپایی عدالت در سراسر گیتی است. در روایات بارها آمده است: «یملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً». بسیاری از روایات ظهور نیز به همین موضوع اشاره دارند: زمین را لبال از برابری می‌سازد؛ چونان که آکنده از ستم و بی‌داد شده است.

و این آکندگی از ستم و بی‌داد، یعنی جهانی شدن بی‌داد و ستم، البته ابتدا باید ستم و بی‌داد جهانی شود تا انقلابی جهانی معنا پیدا کند. بر این اساس، رویه اقتصادی قیام جهانی آن حضرت، دست‌کم در بارقه‌های آغازین آن، نمود برجسته‌تری دارد. به بیان استاد محمدرضا حکیمی، مهم‌ترین مانع فراروی امام عصر علیه السلام مشکل خداباوری و گرایش‌های الحادی و ماده‌پرستی نیست «بلکه مشکل اصلی، بی‌داد و ستم جهان‌سوز و عالم‌گیر است آن‌چنان که بشریت را در کام خود فرو برده و در آتش خود سوزانده است و مذهب و عقیده و آرمان و آزادی و معیشت و همه چیز او را نابود ساخته است»<sup>۱</sup>.

اما مقدمه برپایی عدالت اقتصادی، تقسیم برابر ثروت‌ها و فرصت‌های درآمدخیز است. با این هدف که شرایط برابر استفاده از امکانات زمین برای

همگان فراهم شود و این پیش درآمدی شود برای تربیت نفس و برپایی آرمان شهر دین و چنین برابری در توزیع ثروت‌ها و فرصت‌ها پدیدار نمی‌شود. مگر به برپایی نظامی نوین در اقتصاد جهانی، یعنی امری که به دست مبارک ولی عصر علیه السلام محقق خواهد شد.

این جستار، کنکاشی است درباره بنیان‌های نظام نوین اقتصادی موعود و مبانی توزیع ثروت و فرصت‌های اقتصادی در حکومت حضرت حجت علیه السلام. ابتدا باید دید ستم و بی‌داد اقتصادی تا چه حد گریبان‌گیر بشر شده است. در این بخش، درباره نابرابری‌های کلان و جهانی ناشی از توزیع ناعادلانه ثروت و امکانات و به عبارتی جغرافیای نابرابری توزیع ثروت‌های جهانی مطالبی می‌خوانیم. در این زمینه باید گفت از جمله علل ایجاد و استمرار این نظام نابرابر، سازمان‌هایی جهانی هستند که مهار آن در دست مستکبران جهانی است. آن‌گاه با استناد به برخی چهره‌های مطرح فعلی اقتصاد جهان، خواهیم گفت که هرگونه راه‌حلی به تأسیس نظامی نوین در گردش ثروت‌ها و امکانات بر روی کره زمین مربوط است. آن‌گاه بنیان‌های نظم نوین توزیع و گردش ثروت و امکانات زمین در حکومت موعود را بیان می‌کنیم و به بررسی تضمینات احتمالی و نوآوری‌های دینی این نظم نوین می‌پردازیم.

### نه دهم ثروت در اختیار یک دهم جمعیت

پی‌یر ژرژ، اقتصاددان برجسته فرانسوی در کتاب *جغرافیای نابرابری*، تصویر نسبتاً روشنی از توزیع ناعادلانه ثروت‌ها و امکانات زمین به دست داده است. وی در توصیف روند توزیع ثروت در اقتصاد سرمایه‌داری در جهان می‌نویسد:

ثروت، همه چیز و همه کس را به سوی خود جلب می‌کند و فقر همه چیز و همه کس را از خود می‌راند. این دو حالت متضاد، خانه‌ها و محله‌های اعیانی و فقیرانه را از هم جدا می‌کند، افراد ثروت‌مند در کنار هم و مستمندان با هم می‌زیند. فقر دائمی در یک منطقه، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در تمام امور... را کاهش می‌دهد.<sup>۲</sup>

حاصل این وضعیت، انتقال ارزش افزوده کار و تولید به مناطق ممتاز و عدم سرمایه‌گذاری در مناطق پیرامونی است.<sup>۳</sup> در این روند نابرابر توزیع ثروت،

«شهرها نسبت به روستاها از امتیاز برخوردارند؛ چون درآمد آنها را با معاملات مختلف بازاری و ارائه خدمات جذب می‌کنند و در خود متمرکز می‌سازند.»<sup>۴</sup> عجیب آن‌که در مناطق وسیعی از اروپای به اصطلاح متمدن هم هنوز نظام ارباب - رعیتی وجود دارد.<sup>۵</sup>

تجمع اموال در دست ثروتمندان جوامع، جنبه دیگری از این نابرابری‌هاست. نه دهم درآمد ناخالص کل جهان، در اختیار جمعیتی کمتر از یک دهم کل جمعیت جهان قرار دارد و به یک چهارم مردم دنیا، درآمد هفتگی متوسط برابر با درآمد سالانه یک چهارم دیگر می‌رسد.<sup>۶</sup> هم‌چنین در کشورهایی که بختک فقر سایه سیاه‌تری دارد، قسمت مهمی از درآمد ملی، به ویژه درآمدی که به صورت پول نقد درآمده است در دست افراد معدودی است که دارای امتیازاتی هستند و در پایتخت متمرکز شده‌اند و به عملیات سودجویانه دست می‌زنند.<sup>۷</sup>

در نتیجه این نابرابری‌ها در حالی که سهم متوسط غذای روزانه برای یک فرد فعال ۲۲۰۰ کالری است، بیش از نیمی از مردم جهان کمتر از این میزان کالری در دسترس دارند و قسمت اعظم امکانات غذایی را اقلیتی برخوردار از امتیازهای شهری به یغما می‌برند.<sup>۸</sup> ضعف در تغذیه، کاهش عمر را نیز به همراه دارد، به گونه‌ای که امید به زنده ماندن در ممالک فقیر بین ۴۰ سال و کمی بیش از ۵۰ سال است.<sup>۹</sup>

جالب آن‌که بحث فقر محصول توزیع نابرابر ثروت‌ها، به جوامع فقیر اختصاص ندارد، بلکه در کشوری مانند آمریکا که متمول‌ترین اقتصاد جهان به شمار می‌رود نیز نظام سرمایه‌داری کار را به جایی رسانده است که معضل فقر به دغدغه اصلی محافل اقتصادی تبدیل شده است.<sup>۱۰</sup> ژرژ می‌نویسد:

حتی در آمریکا نیز مانند بی‌کاران، کارگران روزمزد، کارمندان، کارگران کارخانه‌های در محاصره افتاده، کارگران مهاجر به خصوص آنهایی که مخفیانه مهاجرت کرده‌اند هم دست به گریبان فقرند.<sup>۱۱</sup>

ژرژ آن‌گاه سخنی از موریس گرنیه اقتصاددان نقل می‌کند:

آینده جهان سوم که از ۱۱۴ دولت ترکیب یافته و ۱۱۴ ملیت کوچک را دربر می‌گیرد مفری برای گریز از فقر ندارد.<sup>۱۲</sup>

گرسنگی جهانی نتیجه سیاست‌های ناعادلانه نظام‌های غیرالهی است که به زور سرنیزه بر زمین حکم می‌رانند. در گزارشی اخیر، از قول دبیرکل سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد فائو نقل شد که برای تأمین تغذیه کافی جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ سالانه به سی میلیارد دلار بودجه نیاز است.<sup>۱۳</sup> این رقم، گرچه درشت است ولیکن در مقابل حجم بودجه‌ای که سرمایه‌سالاران بریده از وحی، خرج سازوبند نظامی خویش می‌کنند ناچیز است. از جمله، مؤسسه گلوبال سکیوریتی در آخرین گزارش خود، کل بودجه نظامی جهان را ۱۱۰۰ میلیارد دلار برآورد کرد؛<sup>۱۴</sup> یعنی حدود ۳۶،۶ برابر بودجه مورد نیاز برای تأمین تغذیه پنجاه سال بعد مردم جهان. از این بودجه کلان نظامی، ۶۲۳ میلیارد دلار یعنی حدود ۲۰،۷ برابر آن از آن امریکاست،<sup>۱۵</sup> کشوری که خود را حاکم بلامنازع زمین می‌داند و مظهر تام اختاپوس سرمایه‌داری است.

این اوضاع اسفناک اقتصادی که مقدمه نابرابری‌های اجتماعی و درپی آن، گسترش فساد و هدر رفتن سرمایه‌های انسانی شده است، خود محصول نظام‌های جهانی ناعادلانه‌ای است که مجری آن، سازمان‌های جهانی اقتصاد هستند. اداره بیشتر این سازمان‌ها هم در دست مستکبران است. سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و گروه هشت، مهم‌ترین دست‌اندرکاران حفظ و تقویت سیستم توزیع نابرابر ثروت‌ها در جهان به شمار می‌روند. این سازمان‌ها از جمله نخستین موانعی خواهند بود که به دست حضرت حجت علیه السلام برچیده می‌شوند، اما بگذارید نیم‌نگاهی هم به کارکرد و نقش این سازمان‌ها بیاندازیم. این به ما کمک می‌کند که علل رفتار اقتصادی حضرت حجت علیه السلام را بهتر بازشناسی و کنکاش کنیم و مفاهیم نهفته در روایات را بهتر دریابیم.

برای رسیدن به بینشی هرچه بهتر، این بخش را از زبان کسی نقل می‌کنم که خود از محرمان این دستگاه اقتصاد استکباری است. جوزف استیگلیتز، برنده جایزه نوبل اقتصاد (۲۰۰۱م)، رییس گروه مشاوران اقتصادی رییس‌جمهور وقت امریکا در سال‌های ۹۵ تا ۹۷ میلادی و رییس اقتصاددانان بانک جهانی (در خلال سال‌های ۹۷ تا ۲۰۰۰). وی در کتاب *جهانی‌شدن<sup>۱۶</sup> و پی‌آمدهای ناگوار آن* که پس از تجربه هم‌کاری‌اش با این سازمان‌های مهم نظام اقتصاد سرمایه‌داری نوشته

شده است، به بیان ضعف‌های دستگاه اقتصادی حاکم بر دنیا می‌پردازد. البته نگاه وی نشان می‌دهد که از دیگر دست‌اندرکاران این مکانیسم ناعادلانه، بسیار منصف‌تر است.

وی با انتقاد از مبانی اقتصادی و ارزشی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که بر ثروت‌ها و دارایی‌های جهان چنبره زده‌اند، می‌نویسد:

ایدئولوژی حاکم بر صندوق بین‌المللی پول که می‌بایست راه‌گشایی برای تجویز و نسخه‌نویسی اقتصادی باشد، کشورهای مورد نظر را وادار به اجرای بدون چون‌وچرای اوامر خود کرد.

و بعد چنین نتیجه می‌گیرد:

اقدامات صندوق بین‌المللی پول، مدام با شکست روبه‌رو شده و همواره ناکام مانده است. حتی کار به جایی رسید که بعضی از تجویزهایش که می‌بایست باعث تنظیم اقتصاد و تعدیل بحران کشورها شود، یا با فقر و گرسنگی و شورش مواجه شد یا با نتایج ناموزونی که ایجاد کرده، غنی را غنی‌تر و طبقات بی‌بضاعت را که اکثریت این جوامع را تشکیل می‌دهند به سوی فقر بیشتر سوق داد.<sup>۱۷</sup>

وی ایراد کار را در «اندیشه اقتصادی نادرست حاکم بر این سازمان‌ها» و «عمل کرد سوگیرانه و تحت نفوذ» آنها می‌داند و می‌گوید که این صندوق که قرار بوده است نظام گردش ثروت در جهان را تنظیم کند، براساس منافع گروه‌های ذی‌نفع در کشورهای صنعتی عمل می‌کند.<sup>۱۸</sup> هم‌چنین در جایی دیگر به «برداشت‌های اشتباه این سازمان از مسائل اقتصادی و سیاسی و اعتقاد آن به نظام سرمایه‌داری بنیادین» حمله می‌کند.<sup>۱۹</sup> و اندیشه‌های آدام اسمیت، پدر اقتصاد سرمایه‌داری نوین غرب را زیر سؤال می‌برد و می‌نویسد:

زیربنای تمام این برداشت‌ها فرضیه آدام اسمیت است که می‌گوید (نظام سرمایه‌داری بر پایه سود شخصی است که با دست‌های نامرئی اقتصاد، جامعه را هدایت کرده و به سوی بازدهی متقابل پیش می‌برد)... اما فرضیه آدام اسمیت پس از تحمل درد زیاد، کودکی ناقص به دنیا خواهد آورد که بار دیگری بر گرده جهان اضافه خواهد کرد.<sup>۲۰</sup>



جالب این‌که وی با زیر سؤال بردن کارکرد قوانین حاکم بر اقتصاد جهان، از ضرورت عدالتی سخن به میان می‌آورد که آرزوی همه بشریت بوده است و باید به دست خدایی آخرین منجی برپا شود. اودر ارلم می‌نویسد:

قراردادهای اجتماعی باید تضمین‌کننده اصل انصاف و عدالت باشند به این ترتیب که مستمندان و قشر محروم جامعه با همان نسبت که قشر مرفه باید از کم‌بودها و سختی‌های رکود اقتصادی سهم ببرند، باید در شکوفایی اقتصادی سهیم باشند.<sup>۲۱</sup>

چنین آرزویی برآورده نمی‌شود مگر به تاراندن نظام قارون‌صفت اقتصاد استکباری به دست توانای حضرت حجت علیه السلام و برپایی نظامی نوین در گردش ثروت‌های زمین.

آن حضرت با برچیدن نظام‌های توزیع ثروت فعلی، نظامی نوین بر مبنای معارف وحی برپا خواهد کرد که ترنم عدالتش سراسر گیتی را فرا خواهد گرفت. در آن نظام، ثروت‌ها و دارایی‌ها میان مردمان زمین از هر گروه و آیین و نژادی به مساوات تقسیم خواهد شد و همگان در ثروت‌های زمین شریک خواهند شد. با روشی استنباطی و بر مبنایی درایتی و با استفاده از روایات رسیده، در چند جمله باید گفت که در آن روزگار، که خدا نزدیک‌ترش گرداند، امام عصر علیه السلام ثروت‌ها و دارایی‌ها را از نو توزیع خواهد کرد، تا جایی که همگان از نظر اقتصادی بی‌نیاز می‌شوند. ایشان هم‌چنین مفهوم نوینی از انسان اقتصادی بر مبنایی دینی تأسیس خواهد کرد که غایت عالی‌ه آن، تلاش برای خوشنودی خدا و تقرب به وی خواهد بود.

### توزیع مجدد ثروت‌ها

بسیاری از نظریه‌پردازان کنونی علم اقتصاد جهانی، در بحث توزیع در نظام سرمایه‌داری، حرفی از توزیع منابع تولید یا همان دارایی‌ها و امکانات زمین به میان نمی‌آورند. گویی تقسیم‌های فعلی دارایی‌های زمین، حکمی پذیرفته شده و بدیهی است و هر مبنا و راه‌کار اقتصادی باید سنگ بنایش را بر همین تقسیمات فعلی بگذارد و از همین نقطه آغاز کند. سنگ‌بنای نوشته‌های این نظریه‌پردازان

اقتصادی، شیوه‌های توزیع محصول پدیدآمده از این دارایی‌هاست.<sup>۲۲</sup> درباره این که بستر این تولید چه بوده و آیا ابزار تولید و از جمله ثروت‌ها و دارایی‌ها بر مبنایی عادلانه توزیع شده است یا خیر، سخنی به میان نمی‌آورند. اینها یا در خدمت سرمایه‌داری‌اند یا مرعوب آن.

در عین حال، هر اقتصاددان منصف و دردمندی که در وادی اقتصاد جهانی و معضلات آن دست به قلم برده، در بیان راه‌حل مشکلات، خواستار برپایی نظامی نوین شده که در آن ثروت و امکانات به صورتی عادلانه توزیع می‌شود. پی‌یر ژرژ، در بیان راه‌حل جغرافیای نابرابری توزیع ثروت، معتقد به همین اندیشه است. عنوان بخشی از کتاب او «آرمان‌گرایی توزیع دوباره درآمدها» است.<sup>۲۳</sup> عنوان این بخش، گویای اندیشه وی به عنوان اقتصاددانی دردمند است. وی خواهان برهم زدن نظام توزیع ثروت و دارایی در جهان است. البته آن را با عنایت به شرایط موجود جهان، امری تحقق‌ناپذیر می‌داند. پیش‌نهاد وی دقیقاً همان آرمانی است که اقتصاددانان منصف به هم‌راه رنج‌کشیدگان زمین، چشم به راه آنند:

براساس طرح نظری، حل مسئله مبتنی است بر جست‌وجوی راهی در تقسیم درآمدهای کره زمین که احتیاجات مربوط به توده‌های مختلف مردم را در نظر می‌گیرد.<sup>۲۴</sup>

جالب آن‌که استیگلیتز نیز که عمری خدمت‌گذار این بارگاه استکباری بوده است هم همگان را به «تجدید نظر در قوانین» و هم‌چنین «چگونگی اجرای آن»<sup>۲۵</sup> فرا می‌خواند. وی در فصلی با نام «راهی که باید پیمود»، معتقد است که جهانی‌شدن برای آن‌که بازدهی داشته باشد:

به مؤسسه‌های عمومی بین‌المللی نیازمند خواهد بود که منافع تمام شرکت‌کنندگان را در نظر بگیرند.<sup>۲۶</sup>

استیگلیتز هم‌چنین در جایی از کتابش به آرمان انسانی «همه منابع و دارایی‌های زمین برای همه مردمان» اشاره کرده و از ضرورت سهیم شدن همه مردم دنیا در منابع و نعمت‌های کره زمین سخن به میان می‌آورد.<sup>۲۷</sup> در حاکمیت موعود، انقلابی

در روند تقسیم منابع و ثروت‌ها رخ خواهد داد و آن توزیع دوباره امکانات و دارایی‌های زمین است. آن حضرت میزان عدل برپا خواهند کرد و ثروت‌ها و دارایی‌های زمین را دوباره در میان زمینیان توزیع خواهند نمود تا مقدمه‌ای برای اقتصاد پاک و برپایی آرمان‌شهر اقتصادی اسلام باشد.

به سبب همین رفتار عادلانه، در اندک زمانی، همه جای زمین آباد خواهد شد و دیگر تبعیض‌های اقتصادی دوران کنونی مانند «شمال - جنوب»، «پیش‌رفته - در حال پیش‌رفت»، «توسعه‌یافته کمتر توسعه‌یافته» و نظایر آن از میان خواهد رفت. امام باقر علیه السلام در حدیثی می‌فرماید:

### لا یبقی فی الأرض خراب إلا عمراً<sup>۲۸</sup>

همه جای زمین بدون هیچ تبعیضی آباد خواهد شد و مردمان زمین بدون هیچ تبعیضی از نعمت‌های گیتی بهره‌مند می‌شوند.

اما شرط نخست هرگونه توزیع نوین ثروت‌ها و دارایی‌ها، ضبط مال‌های حرام است. بر این اساس، در عصر موعود، شاهد یک فراخوان مالی خواهیم بود که در آن، همگان باید حساب مال خویش را پس بدهند. در حدیثی است از قول امام صادق علیه السلام که:

### إذا قام قائمنا حرم علی کلّ ذی کنز کوزه حتی یأتوه به یستعین به؛<sup>۲۹</sup>

هرکس با هر مسلکی و در هر نقطه‌ای از دنیا به هر نسبتی ثروتی دارد که انبار شده است اجازه استفاده از آن را نخواهد داشت تا وقتی که به نزد حضرت بیاید و حساب‌رسی شود.

آن روز میزان از «کجا آورده‌ای» برپا می‌شود و هرکسی باید پاسخ دهد که ثروت و مال خویش را چگونه به کف آورده است. همین‌جا راه بر حرام‌داران و حرام‌خواران بسته خواهد شد و ثروت‌های ناپاک ستانده خواهد شد. گویی آیات قرآن است که تعبیر می‌شود: «وَقَفَّوْهُمْ إِيَّاهُمْ مَسْؤُولُونَ \* مَا لَكُمْ لَا تَنْصَرُونَ \* بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ»<sup>۳۰</sup> آری آن روز آنها به پیش‌گاه حقیقت سر به زیر و تسلیم خواهند بود و عدالت موعود حکم خواهد کرد. بر اثر این فرآیند، در اندک مدتی، حساب همه مال‌های زمین در دست ایشان خواهد آمد و دیگر ثروتی، ارزشی یا

اموال غیرمنقولی نخواهد ماند مگر گردش و توزیع آن به دست مبارک ایشان خواهد بود.

آن حضرت در اجرای این فراگرد ثروت‌ها، عطف به ماسبق هم خواهد کرد. ایشان در این راه به سیره جدشان حضرت علی علیه السلام عمل می‌کنند که ثروت‌های حرام را هرچند مهریه زنان شده بود، بازپس ستاند. البته حضرت ابتدا به خیر دعوت می‌کنند و از صاحبان ثروت‌های حرام می‌خواهند که داوطلبانه اموال را باز گردانند، ولی اگر تأثیر نکرد، برخورد حکومتی می‌کنند و این تفاوت میان مفهوم قسط و عدل است. قسط یک جناحش مردم هستند «لیقوم الناس بالقسط» اما عدل، اجبار حکومتی است و البته قسط پیش از عدل می‌آید؛ پس: «یملأ الأرض قسطاً و عدلاً».

اما برپایی چنین نظامی در نخستین گام محتاج برچیده شدن نظام‌های اقتصادی و مکانیسم‌های فعلی توزیع ثروت و دارایی در جهان و سازمان‌هایی است که این وضع ناعادلانه را ایجاد می‌کنند یا دامن می‌زنند. آن حضرت، که خدا خیزش جهانی‌اش را نزدیک‌تر گرداند، در نخستین قدم، مکانیسم‌های فعلی جهان برای توزیع ثروت و رشد و امکانات را برخواهد چید. در حدیثی می‌خوانیم:

إذا قام يبطل ما كان في الهدنة مما كان في أیدی الناس و يستقبل بهم العدل؛<sup>۳۱</sup>  
هرگونه قوانینی که در دست مردمان است به کناری خواهد نهاد و با  
معیار عدل به پیش خواهد آمد.

البته امام فقط آنچه منافی عدالت است را برخواهد چید و این معنا از دنباله حدیث درک می‌شود که «یستقبل بهم العدل». بر این اساس، ایشان بسیاری از قوانین اقتصادی و تجاری که بشر فعلی توسعه داده است و منافاتی با عدالت ندارد را حفظ خواهند کرد. بنابراین، بخشی از قوانین اقتصادی ایشان، قوانین امضایی خواهند بود و بخشی دیگر قوانین تأسیسی.<sup>۳۲</sup> آری، حضرت حجت علیه السلام در تأسیس نظام اقتصادی نوین خویش، روش‌های اقتصادی مثبتی را که بشر در اثر آزمون و خطا و مطالعات بسیار خود بدان دست یافته است را از میان نخواهد برد، بلکه آنها را اصلاح می‌کند، به گونه‌ای که در آن، گلوگاه‌های فساد در توزیع

ثروت و امکانات شناسایی و مسدود خواهند شد. بستر دینی چنین اندیشه‌ای را می‌توان از عهدنامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر استنباط کرد که توصیه فرمودند:

ولا تنقض سنت صالحه تحمل بها الصدور هذه الأمة واجتمعت بها الألفة و صلحت عليه الرعية؛<sup>۳۳</sup>

اگر روشی هست که جا افتاده و در عین حال کار مردمان را راست آورده، نباید بر هم بخورد.

ایشان پس از ضبط مال‌های حرام، در گامی دیگر، سازمان‌های نوین با نظام مالکیت دینی و مکانیسمی نوین برای توزیع ثروت و تسهیم رشد اقتصادی برپا خواهند کرد که بر مبنایی همه‌گیر و عادلانه، همه مردم جهان را از غنی و فقیر در همه منابع زمین سهیم کند و در فرآیند رشد اقتصادی و ثروت‌های حاصل از آن شریک سازد. این معنا در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است که می‌فرماید:

فإذا خرج وضع میزان العدل بين الناس فلا يظلم أحد أحدًا.<sup>۳۴</sup>

این تعبیر که «احدی به احدی ستم نمی‌کند» به معنای فراگیرترین نظام توزیع برابر است که طی آن همه منابع زمین برای همه مردمان خواهد بود و همگان به حقوق خود خواهند رسید.

امام عصر علیه السلام هم چنین دست سوداگران فرصت‌ها و امکانات را نیز کوتاه خواهند کرد و راه را بر بورس‌بازان، باندبازان، قاچاق‌چیان، کارچاق‌کنان اقتصادی، کارتل‌بازان و مافیاهای گردش ثروت خواهد بست. این معنا در حدیثی از امام علی علیه السلام درباره مقتضای اقتصادی دوران حاکمیت مهدی علیه السلام آمده است که می‌فرماید:

و ليطهرن الأرض من كل غاش.<sup>۳۵</sup>

هر مکانیسمی که اساس آن کم‌فروشی، حقوق کم در ازای کار بیشتر، نابرابری در پرداخت، نابرابری در تسهیم و تقسیم ثروت و امکانات و از این قبیل باشد، از میان خواهد رفت.

هم‌چنین در حدیثی دیگر می‌خوانیم که ایشان مانع‌الزکاة را از سر راه برخواهند داشت؛<sup>۳۶</sup> یعنی هر عنصری که بر سر راه توزیع درست ثروت‌های اجتماعی و

گردش ثروت در جامعه که زکات سمبل اخص آن است اشکال تراشی کند از گردونه اقتصادی جامعه حذف و از سر راه برداشته خواهد شد. اما لازمه دیگر تحقق مکانیسم نوین گردش ثروت و دارایی براساس مساوات، از میان رفتن مرزبندی‌های کنونی جهان مانند کشور و ملت است که مانع از گردش برابر ثروت در میان بندگان خدا می‌شود. در منطق قرآن کریم، خط‌کشی‌های سیاسی در تقسیم منابع زمین معنا ندارد. قرآن همه انسان‌ها را با یک نگاه و با لفظ واحد «ناس» خطاب می‌کند و از همه زمین و منابع آن با عنوان «ارض» یاد می‌کند که برای «ناس» آفریده شده است. آری، آن روز مرزهای روی کاغذ میان کشورهایی که محصول روابط سیاسی پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم است برداشته خواهد شد و همه انسان‌های روی زمین، تحت لوای یک حاکمیت دینی واحد، از ثروت‌های گیتی بهره مساوی خواهند برد و در تقسیم ثروت‌ها و رشد اقتصادی، هیچ تمایزی از نظر مسلک و گرایش افراد در کار نخواهد بود. این معنا در حدیثی از رسول‌الله ﷺ آمده است که مردمان «قَطَّ البَرِّ و الفاجر» چه نیک و چه بد در زمان حکومت حضرت حجت علیه السلام از نعمت‌های بی‌سابقه‌ای بهره‌مند می‌شوند.<sup>۳۷</sup>

پس «جهانی‌بودن» عدالت مهدی علیه السلام در عین این‌که وجه توصیفی آن است، شرط موفقیت آن نیز به شمار می‌رود؛ یعنی تا ثروت‌ها و امکانات سراسر جهان در دست فرد واحد درنیاید عدالتی محقق نخواهد شد. مفسدان اقتصادی دوران حاضر، کار خود را بلدند و از دهلیزهای اقتصادی‌شان، مال ناپاک خود را از سیطره هر قانونی عادلانه بیرون می‌کشند. کمترین واکنش آنها، وصل شدن به کانال سرمایه‌داری جهانی و بیرون بردن سرمایه خود از هر منطقه‌ای است که ندای عدالت از آن برخاسته است. فرآیندی که از آن در ادبیات اقتصادی حال حاضر دنیا که زاینده ذهن مبلغان سرمایه‌داری است به «فرار سرمایه‌ها» تعبیر می‌شود. این خود نوعی اشک‌ریزی برای این سرمایه‌سالاران است. اما آن روز همه جای زمین در حاکمیت یک اندیشه است: «یَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً و عدلاً». سراسر زمین به یک‌باره مکانیسمی نوین را در آغوش خواهد گرفت که ارمغان عدالتی است که بشریت، از نخستین روز هبوط آدم علیه السلام چشم به راهش بوده است.

مفهوم جهانی بودن را شاید نخستین شنوندگان این تعبیر پرمغز، با این کیفیتی که ما درک می‌کنیم، درک نمی‌کردند. «ارض» آنها متشکل از چند سرزمین و در نهایت از چین تا روم بود. عدالت آنها در حد بازار عکاظ و تجارت چند قلم جنس از دریا به خشکی و از مملکتی به مملکتی دیگر. پس مفهوم جهانی بودن عدل مهدی برای ما که شاهد جهانی‌سازی اقتصاد و به عبارتی جهانی‌سازی مکانیسم سرمایه‌داری هستیم، بسی گسترده‌تر و متقن‌تر است. آری، «ربّ حامل فقه إلی من هو أئمه»<sup>۳۸</sup> چه‌بسا کسی که حکمتی نغز در کف دارد و لیکن آن‌که این حکمت را دریافت می‌کند درک بالاتری خواهد داشت. آری برای ما که در این زمانه شاهد جهانی‌شدن نظام نابرابر توزیع ثروت و دارایی هستیم درک جهانی بودن نظام عدل مهدی و چرایی آن بسی شیرین‌تر و پربهجت‌تر خواهد بود.

### مبنای اخذ به زور ثروت‌های حرام

بازپس‌گیری ثروت‌های به ناحق انباشته شده، موجی از مخالفت‌ها را برخواهد انگیخت. سوی لشکرکشی‌هایی که به دفاع از اموال نامشروع گردآمده دنیاطلبان به راه خواهد افتاد، بانگ مدافعان حقوق بشر نیز از به ظاهر دین‌داران تا سکولارها به هوا خواهد خاست که پس مالکیت افراد چه می‌شود و این چه سیستم عدالتی است که برای مالکیت‌ها احترامی قایل نیست. در میان مسلمانان هم بانگ برخواهد خاست که مبنای شرعی و عقلی این اخذ به زور چیست.

برای هرگونه پاسخی به این پرسش‌ها، ابتدا باید هدف تولید ثروت از نگاه دین را تبیین کرد. در یک جمله پاسخ این است که همه ثروت‌ها از آن خداست و باید در خدمت سازندگی جامعه مصرف شود. این ملاکی است برای جلب ثروت‌های حرام و به ناحق انباشته شده.

امام علی علیه السلام پس از به دست گرفتن زمام امور مسلمین در نخستین گام اقتصادی، نظام توزیع ناعادلانه عثمانی را برچید و فرمود:

أعطيت كما كان رسول الله يعطي بالسوية ولم أجعلها دولة بين الأغنياء؛<sup>۳۹</sup>

من چونان پیامبر صلی الله علیه و آله ثروت‌ها و دارایی‌ها را توزیع خواهم کرد و نمی‌گذارم این گردش ثروت در سیطره پول‌داران و سرمایه‌داران بماند.

امام علی علیه السلام برای چنین روی‌کردی، ملاک محکمی در دست داشت و آن این‌که همه این ثروت‌ها و دارایی‌ها برای خداست. ایشان در جای دیگر فرمود:

وإن كان المال لي لسويت بينهم فكيف وإنما المال مال الله؛<sup>۴۰</sup>

اگر این دارایی از آن خودم بود هم برابری توزیع را رعایت می‌کردم چه رسد به این‌که برای خدا باشد.

این راه‌برد اقتصادی، همان میثاق محکمی است که سفیران الهی در توزیع امکانات روی زمین با خداوند بسته‌اند. در فقه اقتصادی اسلام می‌گویند که مالکیت ثروت‌ها از آن خداست و مالکیت بشر اعتباری است و قابل سلب. در قرآن کریم در این باره تعبیر صریحی داریم. خداوند به مؤمنان امر می‌کند که:

﴿أَتَوْهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ﴾؛<sup>۴۱</sup>

از آن مالی که خدا به شما داده است به ایشان بدهید [تا تدریجاً خود را آزاد کنند].

امام صادق علیه السلام به صحابی خویش ابان بن تغلب فرمود:

المال مال الله يضعه عند الرجل وداع؛<sup>۴۲</sup>

ثروت‌ها از آن خداست و امانتی است در دست افراد.

آن‌گاه ادامه داد:

خدا به مردمان اجازه داده که با رعایت میانه‌روی بخورند، بیاشامند، بپوشند، ازدواج کنند، مرکب بگیرند و مازاد آن را به مسلمین بازگردانند و کم‌بودهای آنها را جبران کنند. پس هرکس چنین عمل کند، آن‌چه را خورده و نوشیده و ازدواج کرده بر او حلال است و کسی که از این مرز تجاوز کرده بر او حرام بوده است.

هم‌چنین در خبری متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که «الخلق كلهم عيال الله فأحبهم إلى الله أنفعهم لعیاله»<sup>۴۳</sup> آری همه دارایی‌ها برای خداوند است و همه مردمان از هر کیش و درجه‌ای بستگان خداوند هستند. این دارایی‌ها و فرصت‌های اقتصادی باید در خدمت انسان‌ها قرار گیرد. این اندیشه «مال خدا، در خدمت عیال خدا»، مبنای نظام مالکیت اقتصادی در اسلام است. اما ثروتی که برده‌ساز



است، هم صاحبش را برده نفس خود می‌کند و هم جمعی را گرفتار نابرابری‌های رویداده در بستر این مال حرام. این مال باید به دست سرپرست جامعه ضبط شود و در خدمت جامعه قرار گیرد. به گفته محمدباقر صدر: اسلام «نسبت به بعضی اموال و ابزار تولید، مالکیت خصوصی اعطا کرده است» اما «مالکیت خصوصی قاعده عمومی نمی‌باشد»<sup>۴۴</sup> و «اسلام موافق اعطای آزادی اقتصادی محدود در چارچوب ارزش‌های معنوی و اخلاقی است».<sup>۴۵</sup> اسلام روشی را اتخاذ می‌کند که با طبیعت عموم مردم هم‌آهنگی دارد. بنابراین، آزادی اقتصادی را در مجرای صحیح خود، یعنی خدمت به خلق قرار می‌دهد.<sup>۴۶</sup>

اما تکلیف ارث و میراث‌های حرام چه می‌شود؟ تا دوران ظهور، در اثر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، فرصت‌ها و ثروت‌هایی هستند که به طور ناعادلانه‌ای تقسیم شده‌اند و از نسلی به نسلی منتقل شده و دست به دست گشته‌اند. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین راه‌های گردش ثروت و درپی آن گردش فرصت‌ها و تحرکات اقتصادی به وسیله ارث است. بسیاری از ارث‌ها، حاصل نابرابری‌های اجتماعی، رانت‌خواری‌ها، قبضه شدن فرصت‌های اقتصادی و غیره است. سرنوشت این ارث‌های حرام چه خواهد شد؟ حضرت حجت علیه السلام با مال‌های حرام به ارث رفته چه خواهند کرد؟

قرآن کریم، تکلیف این ارث‌های حرام را نیز مشخص کرده است. قرآن کریم درباره وصیت به ارث می‌فرماید:

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ﴾.<sup>۴۷</sup>

در ترجمه آیه گفته‌اند که حق هر انسانی است که هنگام مرگ نسبت به ثروتش وصیت کند. ولی تصریح آیه همین‌جاست که باید مال «خیر» باشد تا بتوان برایش وصیت کرد. خطای اغلب مفسران آن است که گفته‌اند قرآن از ثروت با عنوان «خیر» یاد کرده است. ولی حکمت خدا در این آیه مشروط ساختن وصیت بوده است، یعنی موضوع وصیت باید حلال باشد. به تعبیر دیگر اگر موصی از خود «خیری» بر جای گذاشته وصیت کند، والا وی اصلاً صاحب مال نیست که بخواهد برایش تصمیم بگیرد. پس اگر ثروتی از راه درست حاصل نشده است، موصی حق وصیت و تصمیم‌گیری برای آن مال را ندارد. باید صاحب مال

مشخص شود تا به وی باز گردانده شود. بنابراین اگر مشخص شود موصی صاحب این مال نیست، حاکم می‌تواند ورثه را مجبور به تودیه مال کند. بر این اساس، هر ارثی، ثروت حلال نیست. در فرهنگ عامه، ارث را از شیر مادر حلال‌تر می‌دانند. مثلاً به کسی که زیاده‌خواه است می‌گویند: «ارث پدرش را می‌خواهد»؛ یعنی اگر چیزی ارث بود، زیاده‌خواهی و اصرار بر آن رواست؛ چون ملک طلق فرد است. هم‌چنین وقتی کسی می‌خواهد خارج از عرف درباره چیزی تصمیمی بگیرد، می‌گویند: «مگر ارث پدر توست»؛ یعنی اگر ارث پدر باشد، آزادی عمل هم رواست، ولی در فرهنگ اسلامی، هیچ انسانی حق ندارد که از ارث استفاده نامشروع ببرد؛ چون، این ارث به جامعه تعلق دارد.<sup>۴۸</sup> هم‌چنین هیچ مال حرامی با به ارث رسیدن تطهیر نمی‌شود.

### سفیة اقتصادی و حدود مالکیت

بر اساس سخن امام صادق علیه السلام، هر ثروتی باید نیاز صاحبش را تأمین کند و مازاد آن باید در خدمت جامعه قرار گیرد. امام در ادامه همان سخن به ابان فرمود:

آیا تو تصور می‌کنی که خداوند مردمی را امین بر مالی قرار داده تا این‌که برای خود اسبی بخرد به ده هزار درهم و حال این‌که بیست درهم برای آن کافی است و کنیزی بخرد به هزار دینار و حال این‌که بیست دینار کافی است.

بر این اساس، نیاز عادی انسان که رفع شد، باقی ثروت باید در خدمت جامعه قرار گیرد و نه در خدمت تفریح مالی و ایجاد فاصله طبقاتی و اسیر ساختن هم‌نوعان محروم. اما نظام سرمایه‌داری دنیای امروز بر این باور است که هر شخصی پس از برآوردن نیاز، راه را برای انبوه‌تر کردن ثروت خود هموار نماید. آدام اسمیت که او را بنیان‌گذار مکتب لیبرالیسم اقتصادی می‌دانند، از سیستم آزادی سرمایه که در آن هر فرد برای تعقیب و گسترش منافع شخصی خویش آزاد است، طرف‌داری می‌کند. او معتقد بود که این سیستم، به تحصیل حداکثر ثروت برای افراد جامعه می‌انجامد.<sup>۴۹</sup> وی مدعی بود:

هر فرد در تعقیب منافع خصوصی خود، زبانی برای منافع اجتماع به وجود نخواهد آورد؛ زیرا در این جریان، غالباً منافع جامعه را خیلی مؤثرتر از هنگامی که عمداً به این کار می‌پردازد بالا می‌برد.<sup>۵۰</sup>

اما به گمانم دویست سال حکومت سرمایه‌داری غربی که عالمی را به آتش کشیده است کافی است تا درباره درستی و کارایی چنین دیدگاهی به قضاوت صحیح برسیم.

استاد مطهری معتقد است که از نظر اسلام، اختلاف فاحش در ثروت و مالکیت که منتهی به فقر طبقه دیگر بشود ممکن نیست مگر با ظلم و استثمار.<sup>۵۱</sup> در روایات نیز به تعبیرهای بسیاری برمی‌خوریم که تجمع ثروت در یک‌جا را مردود می‌داند. باب دوازدهم جلد ششم کتاب *الحیات* به احادیثی درباره حرمت ذاتی مال فراوان اختصاص دارد. بر این اساس، ثروتی که پس از رفع نیاز صاحبش در خدمت جامعه قرار نگیرد، بی‌شک منشأ فساد اجتماعی و اسارت بندگان خدا خواهد شد. امام علی علیه السلام در نامه‌ای در بیان این معنا هشدار می‌دهد که:

لکنّنی اسی أن ینّی أمره هذه الأئمة سفهاءها و فجّارها فیّتخذوا مال الله دولا و عباد الله خولا؛<sup>۵۲</sup>

ترس من آن است که بی‌خردان و تبه‌کاران این امت، حاکمیت را به دست آورند و مال خود را دست‌به‌دست بگردانند و بندگان او را به خدمت بگیرند.

پس اهرمی لازم است تا کسانی را که خلاف رویه «مال خدا در خدمت عیال خدا» پیش می‌روند، به راه باز گرداند و آن همانا اختیار امام معصوم به عنوان سرپرست جامعه است.

در احکام اقتصادی شرع مقدس، به تعبیر «سفیه» برمی‌خوریم. سفیه کسی است که از نظر سنی بالغ است و در نگاه عرف به سن بلوغ اقتصادی رسیده است، ولی صلاح و فساد خود را نمی‌داند و اموالش را به گونه‌ای که با کار عقلاً تناسب ندارد مصرف می‌کند. مثلاً پول زیاد می‌دهد و شیء کم‌ارزش یا بی‌مصرف می‌خرد. در این موارد، جواز ممنوعیت تصرف در مال صادر می‌شود؛ یعنی گرچه

مال حلال است، اجازه تسلط ندارد و فرد دیگری ولیّ شخص و به جای او و به مصلحت او در اموالش تصرف می‌کند. پس سلطه اعتباری بر مال خود دارند، ولی بنا به مصالحی از اعمال آن ممنوع شده‌اند.<sup>۵۳</sup> مبنای این قول، آیه‌ای است که واگذاری ارث به سفیهان را جایز نمی‌داند: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾.<sup>۵۴</sup> بر این اساس، هر مالک اموالی باید به خرد اجتماعی برای نگه‌داری و خرج درست اموالش برسد و آن‌گاه در مالش تصرف کند. حال، اگر کسی ثروتی انبوه و ورای نیازش به کف آورد، ولی خرد خرج کردن نداشت و آن را برای سنگ‌اندازی به ساختار اقتصادی جامعه، تخریب مسیر اقتصادی نظام اسلامی، تنگ‌دست‌تر کردن مردمان یا برای خوش‌گذرانی و راحت‌طلبی و به تبع آن خسران ابدی به کار بست، نباید این ثروت را در اختیار او باقی گذاشت. برخی از فقها، صرف اموال در راه غیرمشروع را نیز از سفاهت شمرده‌اند. علامه حلی در تذکرة الفقهاء می‌نویسد:

اگر شخص فاسق مال خویش را در معاصی صرف می‌کند... یا این‌که مال خویش را وسیله دست یافتن به فساد می‌کند، رشید نیست و اموال او بالاجماع در اختیار او قرار نمی‌گیرد؛ زیرا او مالش را تبذیر و تضييع می‌کند، بدون این‌که فایده‌ای ببرد.

البته علامه حلی در این مسئله فقط نفع بردن شخص را بیان کرده است و نه نفع بردن جامعه را. شاید علت این باشد که آن زمان هنوز عرصه اقتصادی، آن‌چنان پیچیده نشده بود که یک نفر بتواند از راه قدرت گردش پول و فرصت‌های اقتصادی، راه نفس مردم را ببندد؛ یعنی هنوز اقتصاد بازار و بورس‌بازی و سرمایه‌گذاری وجود نداشت. پس می‌توان گفت ثروت‌هایی قابل تصرف‌اند که در مسیر فساد مصرف نشوند.

به اعتقاد محمدعلی تسخیری، از جمله وظایف دولت اسلامی، کنترل مالکیت خصوصی در پرداختن به وظایف اجتماعی خود است:

زیرا مالکیت خصوصی حقی است هم‌راه با مسئولیت نه یک حق بی‌حد و مرز. از همین رو اگر مالکیت خصوصی به تضييع حقوق جامعه منجر یا به عنصری مضر برای جامعه تبدیل شود، دولت از چنین امری جلوگیری به عمل می‌آورد.<sup>۵۵</sup>

به اعتقاد ایشان، این مفهوم را می‌توان از نصوصی بسیار و از احکام شناخته شده‌ای در زمینه تجارت یا مکاسب محرمه یا احادیث لاضرر و لاضرار مستفاد کرد.

در این زمینه، ایشان هم به کریمه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ» اشاره می‌کند و معتقد است که این فرموده خداوند، اموالی را که در عهده مالکیت فردی این سفیهان قرار دارد، به جامعه نسبت می‌دهد و وظایف این اموال را در اصلاح جامعه مشخص می‌سازد تا در نتیجه، از فرصت دادن به این سفیهان در به بازی گرفتن ثروت اجتماعی براساس خواسته‌ها جلوگیری شود.<sup>۵۶</sup>

همین مفهوم را محمدباقر صدر، در کتاب *اقتصادنا* می‌آورد و معتقد است که مالکیت خصوصی، نوعی وکالت است که مالک به رسم امانت از سوی خداوند، دریافت می‌دارد؛ یعنی صاحب اصلی جهان، اموالی را در اختیار دارد و مکلف است طبق قواعدی از آن استفاده کند.<sup>۵۷</sup> آن‌گاه ایشان با استناد به همین کریمه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ» بیان می‌کنند که مالکیت، مقامی است که اصولاً به جامعه تعلق دارد و مالکیت خصوصی به منظور ایفای امور اجتماعی مقرر شده است. بنابراین صرف این که کسی مالی را تصاحب نماید، پیوند جامعه با آن مال قطع نمی‌شود. در مواردی مانند سفته مالک، تکلیف است که مال از عواقب ناگوار تصرفات مالک سفته به دور نگاه داشته شود.<sup>۵۸</sup> ایشان در تمثیل اجتماعی این سفته نفس، به «حیف و میل و حبس کردن»<sup>۵۹</sup> و هم‌چنین «متضرر شدن دیگران از اعمال بی‌رویه این مالک»<sup>۶۰</sup> اشاره می‌کند.

علامه طباطبایی نیز همین اعتقاد را دارد و در تفسیر این کریمه می‌فرماید:

اموال موجود در دنیا مال همه است و تنها به خاطر مصالح خاصه... بعضی از آن مال به بعضی از افراد جامعه اختصاص می‌یابد، اما در جایی که مالکیت فردی و خصوصی به بعضی از آن مال مزاحم با حق جمع باشد و حقوق جمع را ضایع سازد، بدون تردید رعایت مصلحت جمع مقدم بر رعایت مصلحت فرد خواهد بود.<sup>۶۱</sup>

هم‌چنین استاد مطهری در بیان این دیدگاه می‌فرماید:

استفاده نامشروع از آن جهت جایز نیست که تصرف در حق غیر است بدون مجوز... زیرا خودش محصول اجتماع است... فردی است قایم به اجتماع. اجتماع در نیروهای علمی و دماغی و بدنی او دخیل است.<sup>۶۲</sup>

بر این اساس، گاه برخی از منظر اقتصادی نااهل هستند و حق نگهداری ثروت بیش از کفاف خرج‌شان ندارند و باید سلطه آنها بر این اموال سلب شود. مادامی که به خرد استفاده از مازاد این ثروت برسند و حضرت حجت علیه السلام به عنوان سرپرست جامعه، با تشخیص این مسئله دخالت خواهند کرد و از تسلط چنین شخصی بر چنین اموالی جلوگیری می‌کنند.

ظهور مهدی علیه السلام و دوران مبارک حکومت ایشان، به تعبیری دوران انقلاب در مفاهیم اندیشه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است. آن روز اگر صاحب ثروتی از سرمایه‌اش برای ضربه‌زدن به ساختار جامعه استفاده کرد، دیگر این آدم اسپر سرمایه است و موجودی سفیه است. پس حکومت اسلامی موظف است به سرعت بر این موجود خطرناک لگام بزند و اموالی را که زمینه سفاهت اقتصادیست قرار داده از وی باز پس گیرد.

### بی‌نیاز شدن همگان

روی دیگر سکه ضبط اموال حرام، توزیع بخشی از ثروت‌های گردآمده نزد حضرت حجت علیه السلام در میان نیازمندان جوامع گیتی است. در فقه اقتصادی اسلام، مفهوم زکات به ثروت‌هایی اشاره دارد که در حوزه قدرت امام معصوم است و با کمک آن محرومان را بی‌نیاز و در میان جامعه، توازن اقتصادی برقرار می‌کند. در این فقه اقتصادی، نیازمند، هر آن کسی است که زکات به وی تعلق می‌گیرد.

اما حدود این نیاز چیست؟ بنابر حدیثی از امام صادق علیه السلام، هر خانوار باید یک و نیم برابر مصرف سالانه‌اش درآمد داشته باشد، والا نیازمند به شمار می‌آید و مستحق زکات خواهد بود.<sup>۶۳</sup> برابر این حدیث، هر خانوار باید یک برابر و نیم مصرف سالانه‌اش درآمد داشته باشد. مثلاً اگر مصرف معقول یک خانواده در سال، سه میلیون تومان باشد، باید میانگین درآمد این خانواده به چهار و نیم میلیون تومان برسد و اگر کمتر از این مقدار باشد، نیازمند محسوب می‌شود.

حضرت حجت علیه السلام از ثروت‌های گردآمده در نزد ایشان به این خانواده کمک مالی خواهد کرد، تا جایی که به سقف یک و نیم برابر مصرف سالیانه برسد. با این اقدام انقلابی، مردمان در اندک مدتی به سطحی متعادل از درآمد اقتصادی در جامعه خواهند رسید و از آن پس، جنبش سازندگی و آبادانی زمین بر محوریت ارزش‌های اسلامی آغاز خواهد شد.

یک استنباط دیگر از این مبحث آن است که شرایط بازار کار و کارفرمایی به گونه‌ای تنظیم خواهد شد که افراد با ۸ ساعت کار - که مطابق آموزه‌های اسلامی میزان طبیعی کار انسان مؤمن است و مابقی اوقاتش را باید به خدا و خانواده بپردازد - تا یک برابر و نیم نیاز سالانه‌شان، درآمد کسب خواهند کرد.

بر اثر این فرآیند توزیع ثروت، پس از مدتی، دیگر کسی نیازمند زکات نیست. در حدیث آمده است که در سراسر گیتی نیازمندی را نمی‌یابی: «و یسوی بین الناس حتی لا تری محتاجاً إلى الزکوة».<sup>۶۴</sup> دیگر نه آواره‌ای هست، نه مهاجری و نه پناهنده‌ای و هرکسی در هر نقطه‌ای که هست کفاف خرج خود را خواهد داشت و پس‌انداز هم خواهد کرد.

اما در ذهن برخی، این پرسش پیش می‌آید که با فرض این نظام گردآوری و توزیع ثروت، سرنوشت تفاوت‌های فردی چه خواهد شد؟ مثلاً می‌گویند که افراد بشر با هم در هوش اقتصادی و تولید ثروت برابر نیستند حتی اگر شرایط برابر اقتصادی هم ایجاد شود، یقیناً افرادی توان بیشتری در تولید ثروت خواهند داشت. آیا در حکومت موعود همگان با هم درآمد و دارایی برابر خواهند داشت؟ اگر سطحی را در نظر بگیریم و پای زکات در میان بیاید، دیگر چه انگیزه‌ای برای تلاش و کار اقتصادی خواهد ماند؟

پاسخ آن است که اگر فرصت‌های اقتصادی به طور مساوی تقسیم شود، آن‌گاه معلوم خواهد شد که بسیاری از فقرای کنونی که قدرت اقتصادی نداشتند از باهوش‌ترین افراد در این عرصه هستند. هم‌چنین بسیاری از مردمان که رشد اقتصادی زیادی نداشته‌اند، به خاطر ایمان خود، از نظام شبه‌ناک اقتصاد سرمایه‌داری فعلی کناره گرفته‌اند. اینها اهل غدر و فجر نبوده‌اند. همان‌که برخی آن را «روحیه بازاری» و «قدرت بازاریابی» نام می‌گذارند.

در عین حال، به اعتقاد محمدباقر صدر، اسلام در پی ایجاد توازن اجتماعی است؛<sup>۶۵</sup> یعنی افراد با هر نسبت درآمد اقتصادی، باید به یک توازن اجتماعی برسند. منظور از توازن در این دیدگاه، توازن از نظر سطح زندگی است و نه از نظر درآمد. بر این اساس، امام مهدی علیه السلام در نظام اقتصادی خویش، سطحی از زندگی را تعیین خواهد کرد که افراد جامعه حق نخواهند داشت از آن سطح بالاتر بروند و در عین حال در یک محور عمودی که بالای آن تعیین کننده حد سطح زندگی است، افراد گوناگون جامعه از نظر شدت و ضعف مصرف شخصی دارایی‌های خود، رتبه‌ای را خواهند داشت.

اما نکته مهم آن است که پرسش‌های بالا، اصولاً زاییده روابط فرهنگی و اقتصادی نظام سرمایه‌داری است که بر همه گیتی چنگ انداخته است. ما در فضای مغشوش حاصل از هیاهوی سرمایه‌داری چندصدساله نفس می‌کشیم.

در سایه سنگین سیستم واحد بین‌المللی سرمایه‌سالاری زندگی می‌کنیم. دغدغه چقدر جمع کنیم و چقدر خرج کنیم، زاییده فرهنگ سرمایه‌داری است که بر سر جوامع انسانی سایه انداخته است. این فضا در زمان حضرت حجت علیه السلام دگرگون خواهد شد و آن روز، آنچه از میان می‌رود، انگیزه برای ثروت‌اندوزی است و نه برای کار و تلاش. زمانی که این زنجیرهای اسارت فکر زدوده شود، جامعه‌ای بنا می‌شود که آخرین خواسته‌اش، حمد خداست که: «أَخِرُّ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».<sup>۶۶</sup> در این جامعه، ثروت و دارایی، مادامی ارزش خواهند داشت که وسیله قرب به خدا قرار گیرد. این است مفهوم انسان اقتصادی موعود که به دست حضرت حجت علیه السلام تأسیس خواهد شد.

## انسان اقتصادی موعود

در حدیثی از قول امام باقر علیه السلام آمده است که در حکومت موعود، مردمان به گاه نیاز از جیب هم پول برمی‌دارند، بی‌آن‌که کسی مانع‌شان شود.

يَأْتِي الرَّجُلَ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ.<sup>۶۷</sup>

دست کردن در جیب دیگری برای تأمین نیاز مالی، تمثیلی است از این‌که ثروت هر فردی در خدمت دیگر اعضای جامعه است؛ یعنی در حکومت موعود،



دیگر جمع کردن و انباشتن ثروت ارزش به شمار نمی‌آید. دیگر میزان درآمد و حدود رفاه ملاک نیست، بلکه ملاک خدمت به مردم است و این همان مرحله اخلاقی است که وقتی روح انسان پرورده شد، مالکیت برایش بال پرواز می‌شود. فرهنگ فعلی جوامع بشری، فرهنگ امارت و امیری پول است. این فرهنگ گاهی در ضرب‌المثل‌ها بازتاب یافته است: «نسیه نمی‌دهم حتی به شما»، «پول باشد هر کاری می‌شود کرد»، «پول پول می‌آورد»، «پدر پول بسوزد که نبودش درد است و بودش درد».

اما در حکومت موعود، اعضای جامعه اسلامی به مرحله‌ای می‌رسند که جیب‌شان، جیب دیگری است. تمثیل از جیب هم برمی‌دارند؛ یعنی امارت پول از میان می‌رود و مردمان پول را برای خدمت به غیر می‌خواهند. هدف از تولید ثروت، انسان‌سازی است و بدین‌سان، تولید ثروت برای خدمت به مردم، یک ارزش می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

نعم المال الصالح للرجل الصالح.

آری، تربیت اقتصادی در حکومت موعود با جای گرفتن ثروت سالم در دست انسان سالم رخ خواهد داد. رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: حضرت مهدی علیه السلام «يقسم المال صحاحاً»؛ یعنی ثروت را بر مبنایی اصولی و درست تقسیم می‌نماید.

يملأ الله قلوب آل محمد غنى و يسعهم عدله؛<sup>۶۸</sup>

خدا دل‌های پیروان محمد صلی الله علیه و آله را بی‌نیاز می‌کند.

آن‌گاه دیگر کسی به فکر انباشت ثروت نخواهد بود. این شوق جمع کردن مال از بین می‌رود و روح عدالت‌خواهی در دل‌ها بسط می‌یابد و خود مردم به برپایی اقتصادی عادلانه کمک خواهند کرد. به اعتقاد استاد مطهری:

در آن روز، عدالت برای بشر محبوب و مثل یک معبود است؛ یعنی روحش رقاء پیدا می‌کند، تربیتش کامل می‌شود و این نمی‌شود جز این‌که یک حکومت عادل جهانی بر مبنای ایمان، خداپرستی و خداشناسی و بر مبنای حکومت قرآن به وجود آید.<sup>۶۹</sup>

آری آن روز لذت حقیقی مردمان، در کمک به دیگری خواهد بود. در حدیثی از امام باقر علیه السلام از این نماد توزیع ثروت در عصر موعود (دست در جیب دیگری بردن برای رفع نیاز) که در واقع به معنای صرف مازاد ثروت برای خدمت به دیگران است، به عنوان رشد عقلانی انسان تعبیر شده است.<sup>۷۰</sup>

انسان اقتصادی موعود، به دنبال معامله با خداست. او مال را مال خدا می‌داند و مردم را قوم و خویش خدا. در این اندیشه به تعبیر قرآن کریم «مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ»<sup>۷۱</sup> کسی چیزی انفاق نمی‌کند، مگر این‌که خداوند برایش ذخیره می‌کند. اندیشه مردان اقتصادی جامعه موعود همان است که پیامبر صلی الله علیه و آله در خبری متواتر فرمود:

الخلق كلهم عيال الله فاحبهم إلى الله أنفعهم لعیالہ؛<sup>۷۲</sup>

همه مردم از هر کیش و قبیله و نژاد و رنگی، قوم و خویش خدا هستند و بهترین بندگان خدا کسی است که بیشتر از سایرین به این قوم و خویش خدا خدمت کند.

هم‌چنین در این فرهنگ اقتصادی، مازاد نیاز انسان برای خدمت به خلق است. چنان‌که امام باقر علیه السلام فرمود:

إنما أعطاكم الله هذه الفضول من الأموال لتوجهوها حيث وجهها الله و لم يعطكموها لتكنزوها؛<sup>۷۳</sup>

اگر کسی بیش از کفاف خرجش ثروتی دارد، بر او تکلیف است که در راهی که خدا خواسته است به کارش گیرد و قرار نیست که ثروت‌اندوزی نماید.

در عین حال، تمثیل دست در جیب هم کردن برای رفع نیاز مالی، یک نکته لطیف دیگری هم دارد و آن این‌که در جامعه اسلامی، مالکیت خصوصی به رسمیت شناخته می‌شود؛ یعنی در این‌جا، جیب افراد محترم است و شناسایی می‌شود، اما خودشان اجازه استفاده از اموال خود را می‌دهند و مازاد ثروت خود را پس از رفع نیاز خود، برای خدمت به خلق خدا می‌خواهند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. محمدرضا حکیمی، *عصر زندگی آینده اسلام و انسان*، ص ۲۶، انتشارات هاتف، تهران ۱۳۷۱ شمسی.
۲. پی‌یر ژرژ، *جغرافیای نابرابری: توزیع نابرابر ثروت و امکانات در کشورهای پیش‌رفته و در حال رشد*، ترجمه مهدی پرهام، ص ۲۲، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۱ شمسی.
۳. همان، ص ۲۵.
۴. همان، ص ۲۶.
۵. همان، ص ۲۸.
۶. همان، ص ۲.
۷. همان، ص ۴۹.
۸. همان، ص ۵۳.
۹. همان، ص ۵۶.
۱۰. همان، ص ۲۳.
۱۱. همان.
۱۲. همان، ص ۸۷.
۱۳. خبرگزاری آلمان، ۸۷/۴/۵.
۱۴. خبرگزاری ایرنا، ۸۶/۱۰/۱۹.
۱۵. همان.
۱۶. به نظرم باید این‌گونه ترجمه می‌شد: «جهانی‌سازی و پی‌آمدهای ناگوار آن».
۱۷. جوزف استیگلیتز، *جهانی‌شدن و پی‌آمدهای ناگوار آن*، ترجمه محمدرضا باوفا، ص ۲۱، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۵ شمسی.
۱۸. همان، ص ۳۸.
۱۹. همان، ص ۸۴.
۲۰. همان.
۲۱. همان، ص ۸۸ - ۸۹.
۲۲. محمدباقر صدر، *اقتصاد ما*، ترجمه ع. اسپهبدی، ج ۲، ص ۱۶۲، انتشارات اسلامی، تهران ۱۳۵۷ شمسی.
۲۳. *جغرافیای نابرابری*، ص ۱۰۳.
۲۴. همان.
۲۵. *جهانی‌شدن و پی‌آمدهای ناگوار آن*، ص ۴۰.
۲۶. همان، ص ۲۱۱.
۲۷. همان، ص ۲۳۳.
۲۸. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۱۹۱، نرم‌افزار جامع الاحادیث (نور ۲).

۲۹. محمد بن حسن حرّ عاملی، *وسائل الشیعة*، ج ۹، ص ۵۴۷، نرم‌افزار جامع الاحادیث (نور).
۳۰. سورة صافات، آیه ۲۴ - ۲۶.
۳۱. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۸۱.
۳۲. به عنوان مثال، حق ضمانت یا گارانتی کالا که مبنای آن را به خوبی می‌توان از قاعده فقهی لاضرر و لا ضرار و نیز احکام فقهی غش در معامله استنباط کرد، بر جای خواهد ماند؛ هرچند ساخته و پرداخته اقتصاددانان معاصر باشد.
۳۳. محمد بن حسین الموسوی (شریف رضی)، *نهج البلاغه*، نامه ۵۱، نرم‌افزار جامع الاحادیث (نور).
۳۴. شیخ صدوق، *کمال الدین*، ج ۲، ص ۳۰۲، نرم‌افزار جامع الاحادیث (نور).
۳۵. *بحار الانوار*، ج ۵۱، ص ۱۲۰.
۳۶. «و یقتل مانع الزکاة». (*بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۲۵)
۳۷. *بحار الانوار*، ج ۵۱، ص ۷۸.
۳۸. محمد بن یعقوب کلینی، *فروع کافی*، ج ۵، ص ۲۹۳، نرم‌افزار جامع الاحادیث (نور).
۳۹. محمد بن یعقوب کلینی، *اصول کافی*، ج ۸، ص ۵۸، نرم‌افزار جامع الاحادیث (نور).
۴۰. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۲۷.
۴۱. سورة نور، آیه ۳۳.
۴۲. *وسائل الشیعة*، ج ۱۱، ص ۵۰۰.
۴۳. *همان*، ج ۱۶، ص ۳۴۱.
۴۴. *اقتصاد ما*، ج ۲، ص ۳۵۶.
۴۵. *همان*، ص ۳۵۸.
۴۶. *همان*.
۴۷. سورة بقره، آیه ۱۸۰.
۴۸. مرتضی مطهری، *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، ص ۱۶۹، انتشارات صدرا، تهران ۱۳۷۴ شمسی.
۴۹. فریدون تفضلی، *تاریخ عقاید اقتصادی* (از افلاطون تا دوره معاصر)، ص ۸۲، نشر نی، تهران ۱۳۷۵ شمسی.
۵۰. *همان*، ص ۸۳.
۵۱. *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، ص ۲۲۹.
۵۲. *نهج البلاغه*، نامه ۶۲.
۵۳. *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، ص ۲۶۵.
۵۴. سورة نساء، آیه ۵.
۵۵. محمدعلی تسخیری، «وظایف و اهداف اقتصادی حکومت اسلامی»، *مجموعه مقالات فارسی دومین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی*، ج ۱، ص ۳۲۵، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۲ شمسی.
۵۶. *همان*.
۵۷. *همان*، ج ۲، ص ۱۸۶.

۵۸. همان، ص ۱۸۸.
۵۹. همان، ص ۱۸۹.
۶۰. همان، ص ۱۹۰.
۶۱. سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه ناصر مکارم شیرازی و دیگران، ج ۴، ص ۲۷۳، چاپ سوم: انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، تهران ۱۳۶۶ شمسی.
۶۲. نظری به نظام اقتصادی اسلام، ص ۱۶۹.
۶۳. وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۲۳۲.
۶۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.
۶۵. اقتصاد ما، ج ۲، ص ۳۳۱.
۶۶. سورة یونس، آیه ۱۰.
۶۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.
۶۸. همان، ص ۹۲.
۶۹. مرتضی مطهری، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، ص ۲۷۴، انتشارات صدرا، تهران ۱۳۷۲ شمسی.
۷۰. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۳.
۷۱. سورة سبأ، آیه ۳۹.
۷۲. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۴۱.
۷۳. همان، ص ۲۹۷.



## شکوفایی‌ها و نوآوری‌های بزرگ در انقلاب جهانی

### حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

دکتر محمدرضا جواهری \*

#### چکیده

شایسته است در سالی که مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای - مد ظله العالی - آن را «سال نوآوری و شکوفایی» نام گذارند، شکوفایی‌ها و نوآوری‌های عصر ظهور قائم آل محمد علیه السلام بررسی و شناسایی گردد؛ چون تمام حوادث و روی داده‌های انقلاب مهدوی، الگو و نمونه برای همگان است و باید از آن پیروی نمود. در آخرین انقلاب جهانی به رهبری مهدی علیه السلام بهترین و آخرین شکوفایی‌ها و نوآوری‌های جهان روی خواهد داد.

این مقاله، نخست به طرح و بررسی ویژگی بارز و برجسته انقلاب مهدوی می‌پردازد. آن‌گاه شماری از شکوفایی‌های بی‌نظیر و سپس نوآوری‌های بزرگ انقلاب جهانی مهدوی، مستند به احادیث پیامبر اعظم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام در دو بخش و در هر بخش با عناوین متعدد در پی خواهد آمد.

#### واژگان کلیدی

مهدی علیه السلام، قائم علیه السلام، شکوفایی، نوآوری، انقلاب، قیام.

---

\* استادیار دانشگاه فردوسی مشهد.

انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، آخرین و بزرگ‌ترین انقلاب در جهان و پایان زیبای تاریخ بشریت است. در این انقلاب الهی بیشترین و بهترین شکوفایی‌ها روی خواهد داد و نوآوری‌های باشکوه و برجسته‌ای مشاهده خواهد شد. انقلاب مهدوی در شکوفایی و نوآوری، یکتاست. اصل انقلاب مهدوی بزرگ‌ترین و بهترین نوآوری از مبدأ تا پایان دنیاست و در این انقلاب بی‌نظیر الهی، عالی‌ترین شکوفایی‌ها تا سرحد امکان تحقق خواهد یافت و با نوآوری‌های بی‌شمار، مؤمنان و متقیان به رشد و سعادت کامل و همه‌جانبه خواهند رسید.

### «جدید»؛ ویژگی بارز انقلاب مهدوی

اقدامات حضرت مهدی علیه السلام و تغییرات و تحولاتی که در انقلاب مهدوی رخ می‌دهد، در احادیث معصومان علیهم السلام جدید و نو نامیده شده است. ابو حمزه ثمالی گفته است شنیدم امام باقر علیه السلام در وصف خروج قائم آل محمد علیه السلام فرمود:

يقوم بأمرٍ جديدٍ و سنّةٍ جديدةٍ و قضاءٍ جديدٍ؛<sup>۱</sup>

به امر جدید و سنت جدید و قضاوت جدید قیام می‌کند و برمی‌خیزد.

ابوبصیر نیز گفته است که امام باقر علیه السلام در تبیین اقدامات حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

يقوم بأمرٍ جديدٍ و کتابٍ جديدٍ و سنّةٍ جديدةٍ و قضاءٍ جديدٍ؛<sup>۲</sup>

به امر جدید و کتاب جدید و سنت و قضاوت جدید قیام می‌نماید.

ابوبصیر در گزارش جایگاه و موضوع بیعت حضرت مهدی علیه السلام از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

فوالله أنّي أنظر إليه بين الركن و المقام، يبائع الناس بأمرٍ جديدٍ و کتابٍ جديدٍ و سلطانٍ جديدٍ من السماء؛<sup>۳</sup>

به خدا سوگند به او بین رکن و مقام می‌نگرم که مردم به امر جدید و کتاب جدید و سلطان جدیدی از آسمان، با او بیعت می‌کنند.

عبدالله بن عطا گفته است از امام باقر علیه السلام سؤال کردم زمانی که حضرت مهدی علیه السلام قیام کند با کدام سیره در میان مردم رفتار می‌نماید؟ امام باقر علیه السلام فرمود:



یهدم ما قبله كما صنع رسول الله و يستأنف الإسلام جدیداً؟<sup>۴</sup>  
پیش از خود را نابود می‌کند، همان‌طور که رسول خدا ﷺ انجام داد و  
اسلام را از سر می‌گیرد و آغاز می‌کند.

در این حدیث با دو واژه «یستأنف» و «جدید»، نوآوری و نوگرایی انقلاب  
مهدوی یادآوری شده است.  
امام صادق علیه السلام نیز در پاسخ همین پرسش فرموده‌اند:

يصنع كما صنع رسول الله؛ يهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله أمر الجاهلیة و  
یستأنف الإسلام جدیداً؟<sup>۵</sup>

به مانند رسول خدا ﷺ رفتار می‌نماید؛ آنچه را پیش از اوست، نابود  
می‌کند، همان‌طور که رسول خدا جاهلیت را نابود کرد و اسلام را از سر  
می‌گیرد و نو می‌گرداند.

امام صادق علیه السلام نیز در آموزش ماهیت و سیمای انقلاب مهدوی به یاران  
خویش، اقدامات حضرت مهدی علیه السلام را «جدید» نامیده‌اند و در گفت‌وگو با  
اصحاب خود، همان سخنان پدرشان امام باقر علیه السلام درباره جایگاه بیعت و زیربنا و  
محور بیعت با مردم را که ویژگی بارز آن جدید بودن آن است، یادآوری  
نموده‌اند.<sup>۶</sup>

امام باقر و صادق علیهما السلام، هر دو هدف انقلاب مهدوی را دعوت به سوی امر  
جدید و ماهیت آن انقلاب را «دعوت جدید» دانسته‌اند.  
کامل از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمودند:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَى النَّاسَ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَى إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّ  
الإسلام بدء غريباً و سيعود غريباً كما بدء فطوبى للغرباء؟<sup>۷</sup>

زمانی که قائم ما قیام می‌نماید، مردم را به «امر جدید» فرا می‌خواند،  
همان‌طور که رسول خدا ﷺ به سوی آن فراخواند و اسلام غریب آغاز  
شد و به غریبی همانند آغاز باز می‌گردد، پس خوشا به حال غریبان!

بنابر این حدیث، انقلاب امام مهدی علیه السلام همانند بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای  
دعوت به سوی امر نو و جدید است. آن‌قدر از بعثت پیامبر تا قیام حضرت

مهدی علیه السلام، حقایق و معارف ناب اسلامی و سنت و تعلیمات کتاب آسمانی پیامبر و آیین دادرسی و کیفری و قضاوت مسلمانان در جهان اسلام تغییر و تحول می‌یابد که اقدامات امام مهدی علیه السلام در باز گرداندن اسلام راستین دعوت به امر جدید خواهد بود.

ابوخدیجه از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند:

إذا قام القائم علیه السلام جاء بأمرٍ جدیدٍ كما دعی رسول الله في بدو الإسلام إلى أمرٍ جدیدٍ<sup>۸</sup>

زمانی که قائم علیه السلام قیام کند، امر جدیدی می‌آورد، همان‌طور که رسول خدا در آغاز اسلام به امر جدید دعوت نمود.

امام صادق علیه السلام نیز در راستای همین سخن پدر خویش فرموده‌اند:

الإسلام بدء غريباً كما بدء فطويي للغرباء؛

اسلام غریب آغاز شد و به غریبی همانند آغاز دعوت باز می‌گردد، پس خوشا به حال غریبان!

از امام درخواست شد که این مطلب را شرح دهند، فرمودند:

مما يستأنف الداعي متاً دعاءً جدیداً كما دعی رسول الله صلی الله علیه و آله؛<sup>۹</sup>

دعوت‌کننده از ما «دعوت جدیدی» را آغاز می‌کند، همان‌طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله دعوت نمود.

ابوبصیر گفته است به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

أخبرني عن قول أمير المؤمنين أنّ الإسلام بدء غريباً و سيعود كما بدأ فطويي للغرباء؛

از تفسیر سخن امیرمؤمنان علیه السلام که «اسلام غریب آغاز شد و همانند آغازش غریب می‌گردد پس خوشا به حال غریبان!» به من خبر دهید.

امام فرمود:

يا أبا محمد إذا قام القائم استأنف دعاءً جدیداً كما دعی رسول الله صلی الله علیه و آله؛  
ای ابو محمد! هنگامی که قائم قیام نماید، دعوت جدیدی را آغاز می‌کند، همان‌طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله دعوت کرد.

آن‌گاه ابوبصیر می‌گوید:

پس از دریافت پاسخ برخاستم و سر امام را بوسیدم و گفتم: شهادت می‌دهم شما امام من در دنیا و آخرت هستید، دوست شما را دوست می‌دارم و دشمن شما را دشمن می‌دارم شما ولی خدا هستید.

امام فرمود:

خدا تو را رحمت نماید!<sup>۱۰</sup>

ابوخدیجه از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الذِّي كَانَ؛<sup>۱۱</sup>

هنگامی که قائم قیام کند، امری غیر از آنچه بوده می‌آورد.

براساس احادیث اهل بیت علیهم السلام، انقلاب مهدوی کانون نوآوری و شکوفایی است و تغییرات و تحولات اساسی و بنیادی حضرت مهدی علیه السلام و یارانش در راستای تجدد و نوآوری است. دعوت جدید و امر جدید، عنوان نوآوری‌های انقلاب مهدوی است. البته بی‌گمان این نوآوری‌ها درون‌دینی است و در چهارچوب تعلیمات الهی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. به همین دلیل، امام باقر و صادق علیهم السلام پیوند ساختاری انقلاب محمدی و انقلاب مهدوی را با تعبیر غریب و جدید برای هردو انقلاب نشان داده‌اند. واژه «جدید» با بدعت متفاوت است. کارهای امام زمان علیه السلام جدید و نوست، ولی بدعت در دین نیست. امامی که معصوم و پاک از گناه و اشتباه است، به طور کامل آموزه‌های و حیاتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را زنده می‌کند. این آموزه‌های مهدوی که دقیقاً همان آموزه‌های محمدی است، تنها به دلیل این‌که در طول تاریخ اسلام از بعثت تا انقلاب مهدوی فراموش شده و تغییر یافته و در جهان اسلام کنار گذاشته و تعطیل شده است، «جدید» خواهد بود. در حقیقت، در انقلاب مهدوی ارزش‌ها و اهداف انقلاب محمدی تجدید و احیا می‌گردد و آنچه در عصر حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام نشده، در انقلاب مهدوی در حد عالی تحقق خواهد یافت. فراموشی، تعطیلی، تحریف معنوی، بدعت، نفاق، تفسیر به رأی، محرومیت از حضور امام معصوم در عصر غیبت کبرا، دروغ بستن به خدا و پیامبر و امامان، نفوذ اسرائیلیات، مانویات، مجوسیات و

مظاهر کفر و شرک به درون فرهنگ اسلامی عامل نابودی و مرگ اسلام ناب محمدی است. حقایق اسلام راستین در انقلاب مهدوی احیا و بازآموزی می‌گردد و به همین جهت، ماهیت انقلاب مهدوی امر جدید و دعوت جدید شناخته خواهد شد.

محمد بن عجلان از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند:

إذا قام القائم عليه السلام دعى الناس إلى الإسلام جديداً و هداهم إلى أمر قد دثر فضل عنه الجمهور و إنما سمى القائم مهدياً لأنه يهدي إلى أمر مظلوم عنه و سمى بالقائم لقيامه بالحق؛<sup>۱۲</sup>

آن‌گاه که قائم علیه السلام قیام کند، از نو مردم را به اسلام بخواند و به امری که کهنه و فراموش شده و جمهور و بیشتر مردم از آن دور شده و آن را گم نموده‌اند، هدایت و راه‌نمایی نماید. و قائم، مهدی نامیده شده است، چون به امری که رها و گم شده، راه‌نمایی می‌کند و قائم نامیده شده، برای آن‌که به حق قیام فرماید.

در این حدیث شریف، مفهوم جدید بودن دعوت امام مهدی علیه السلام به زیبایی آشکار است. قائم آل محمد علیه السلام مردم را به امری که در گذشته‌های دور پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ابلاغ فرموده، دعوت می‌کند، اما چون مردم از آن فاصله گرفته و آن را گم کرده‌اند و از آن دور شده‌اند، دعوت حضرت مهدی علیه السلام برای آنان نو و جدید خواهد بود. حضرت قائم از آن جهت که مردم را به گم‌شده آنان هدایت می‌نماید و اسلام ناب محمدی را آشکار می‌کند، «مهدی» نامیده شده است.

امام صادق علیه السلام در ضمن گزارش ویژگی‌ها و اقدامات حضرت مهدی علیه السلام فرموده‌اند:

إذا قام القائم عليه السلام... لا يترك بدعةً إلا أزالها و لا سنةً إلا أقامها؛<sup>۱۳</sup>

زمانی که قائم علیه السلام قیام کند... هیچ بدعتی به جای نگذارد، جز این‌که آن را از میان ببرد و هیچ سنتی را به جای نهد، مگر این‌که آن را به پا دارد.

مطابق این حدیث، جدید بودن دعوت حضرت مهدی علیه السلام معلول و محصول برپایی و اجرای همه سنت‌های پیامبر و نابودی همه بدعت‌های تاریخی است.

## شکوفایی‌های بزرگ در انقلاب مهدوی

آخرین و بزرگ‌ترین شکوفایی‌ها در عصر حضرت مهدی علیه السلام روی خواهد داد و بالاترین هم‌راهی و هم‌کاری زمین و آسمان و زمان و بدن انسان با مجموعه‌ای از شکوفایی‌های بی‌نظیر الهی در راه سعادت و کمال نهایی بشر تحقق می‌یابد. بررسی و شناسایی این نوآوری‌ها برای درک و بزرگی و اهمیت نعمت قیام و انقلاب حضرت مهدی علیه السلام ضروری است.

## شکوفایی زمین

کره زمین درهم پیچیده، رام حضرت مهدی علیه السلام و یاران ایشان است. به حکم قرآن کریم امام زمان علیه السلام و اصحاب او وارث زمین خواهند بود. خدای متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۱۴</sup>

و البته در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

منظور از «بندگان صالح خدا» در این آیه به بیان امام باقر علیه السلام آل محمد و شیعیان اهل بیت علیهم السلام<sup>۱۵</sup> و به بیان امام موسی بن جعفر علیه السلام آل محمد و تابعان و پیروان آنان<sup>۱۶</sup> هستند که در آخرزمان در اصحاب مهدی علیه السلام جای دارند. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه مذکور فرموده‌اند:

## هم اصحاب مهدی فی آخرالزمان<sup>۱۷</sup>

آنان یاران مهدی در آخرالزمانند.

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر منسوب به امام صادق علیه السلام درباره آیه وراثت صالحان بر زمین می‌گوید:

## القائم و أصحابه<sup>۱۸</sup>

قائم و یارانش وارث زمین می‌گردند.

حضرت مهدی علیه السلام و یارانش، زمین و آنچه را در آن است، ارث می‌برند و زمین و تمام امکانات آن در اختیار آنان قرار می‌گیرد. استعدادهای زمین در

خدمت امام زمان علیه السلام و یارانش شکوفا می‌شود و به قدرت الهی هرچه دارد، در راه پیش‌رفت انقلاب مهدوی قرار می‌دهد.

زمین و هر آن‌چه در آن است، برای توفیق الهی حضرت مهدی علیه السلام به کار گرفته خواهد شد. این حقیقت، در احادیث اهل‌بیت علیهم السلام به صراحت بیان شده است. «هو الذی تطوی له الأرض» تعبیری است که امام باقر<sup>۱۹</sup> و امام رضا<sup>۲۰</sup> و امام جواد علیهم السلام<sup>۲۱</sup> در گزارش این نعمت برای حضرت مهدی علیه السلام ذکر کرده‌اند.

براساس این تعبیر امامان علیهم السلام، حضرت مهدی علیه السلام شخصیت بزرگ الهی است که زمین برای او درهم پیچیده می‌گردد و سراسر زمین با استعدادها و مواهبش رام و در اختیار رهبر آخرین و بزرگ‌ترین انقلاب جهانی تاریخ بشر خواهد بود و تمام استعدادهایش برای تقویت این نهضت الهی شکوفا می‌گردد.

### گنج‌ها، معادن و برکات زمین در خدمت مهدی علیه السلام و یاران او

در عصر ظهور قائم علیه السلام همه امکانات و نعمت‌های زمین در راه پیش‌رفت انقلاب مهدوی قرار خواهد گرفت و تمام نعمت‌ها آشکار و شکوفا می‌گردد و زمین به اوج شکوفایی‌اش در تاریخ جهان خواهد رسید.

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که در معراج خدای متعال به من فرمود:

... و له أظهر الكنوز و الذخائر بمشیتي؛<sup>۲۲</sup>

به مشیت و خواستم گنج‌ها و ذخیره‌های زمین را برای او آشکار خواهم نمود.

جابر بن عبدالله انصاری گفته است: شنیدم رسول خدا درباره قائم علیه السلام فرمود:

... و یظهر الله له كنوز الأرض و معادنها؛<sup>۲۳</sup>

خداوند برای او گنج‌ها و معادن زمین را نمایان می‌کند.

ابن مسعود گفته است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در وصف پایان تاریخ امت خویش با ظهور مهدی علیه السلام فرمود:

تُخْرَج الْأَرْضُ نباتها؛<sup>۲۴</sup>

زمین گیاهش را می‌رویانند.

ابوسعید خدری نقل کرده است که پیامبر خدا ﷺ درباره عصر ظهور حضرت مهدی ﷺ فرمود:

ولا تدخر الأرض من نباتها شيئاً؛<sup>۲۵</sup>

زمین چیزی از گیاهش را پنهان و نگه نمی‌دارد و ذخیره نمی‌نماید.

وی در حدیث دیگر نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود:

لا تدخر الأرض شيئاً من بذرها إلا أخرجته؛<sup>۲۶</sup>

زمین هیچ چیز از بذرش را نگه نمی‌دارد، جز این که آن را می‌رویانند.

زید بن وهب جهنی از امام حسن از علی بن ابی طالب عليه السلام نقل کرده که درباره حضرت مهدی عليه السلام فرمود:

تُخرج الأرض نباتها و تظهر له الكنوز؛<sup>۲۷</sup>

زمین گیاهش را می‌رویانند و گنج‌ها برای او آشکار می‌گردد.

امام باقر عليه السلام درباره وضع زمین در عصر ظهور حضرت مهدی عليه السلام فرمود:

و يخرج الله من الأرض بذرها؛<sup>۲۸</sup>

خداوند از زمین بذرش را می‌رویانند.

مفضل بن عمر از امام صادق عليه السلام درباره وضعیت شکوفایی زمین در انقلاب مهدوی چنین گزارش می‌کند:

تظهر الأرض كنوزها حتى تراها الناس على وجوها؛<sup>۲۹</sup>

زمین گنج‌هایش را آشکار سازد به گونه‌ای که مردم گنج‌ها را بر روی زمین ببینند.

ابواحمد محمد بن زیاد ازدی نیز از امام موسی بن جعفر عليه السلام در وصف شکوفایی زمین در عصر ظهور قائم عليه السلام چنین آورده است:

يظهر له كنوز الأرض؛<sup>۳۰</sup>

گنج‌های زمین برای او آشکار می‌گردد.

بنابر احادیثی که بررسی شد، در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام گنج‌ها و معادن و بذرها و برکات زمین، سراسر آشکار گردد و با بزرگ‌ترین شکوفایی زمین تمام امکانات آن در خدمت امام زمان علیه السلام قرار خواهد گرفت.

### فرمان برداری درندگان زمین و پرندگان آسمان

هر آن‌چه در زمین و آسمان است، از حضرت مهدی علیه السلام و یارانش فرمان می‌پذیرند و همه موجودات و مخلوقات در صدد کسب رضایت آنان خواهند بود. جابر بن یزید از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ علیه السلام وَ قَدْ أَحَاطُوا بَيْنَ الْخَافِقِينَ فُلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ  
مَطِيْعٌ لَهُمْ حَتَّىٰ سَبَّاحِ الْأَرْضِ وَ سَبَّاحِ الطَّيْرِ، يَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ  
تَفْخَرُ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ وَ نَقُولُ: مَرَّبِي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ  
الْقَائِمِ علیه السلام؛<sup>۳۱</sup>

یاران قائم علیه السلام را می‌بینم که بین مشرق و مغرب جهان را فرا گرفته‌اند، هیچ چیزی نیست جز این که فرمان‌بردار آنان است، حتی درندگان زمین و پرندگان گوشت‌خوار، رضایت آنان را در هر چیزی طلب می‌کنند، به گونه‌ای که زمین بر زمین فخر می‌نماید و می‌گوید: امروز مردی از اصحاب قائم علیه السلام از من گذر کرد.

براساس این حدیث، همه چیز در جهان مطیع یاران مهدی علیه السلام است؛ جمادات، نباتات، حیوانات و سراسر زمین فرمان‌بردار حضرت مهدی علیه السلام و یاران ایشانند. این فرمان‌برداری همگانی جهانی مخلوقات از حضرت مهدی علیه السلام بالاترین شکوفایی استعدادهای موجودات جهان به فرمان خدای متعال خواهد بود.

### دنیا در کف دست مهدی علیه السلام

پستی و بلندی‌های فراوان زمین برای قائم علیه السلام و یارانش هموار و صاف می‌گردد و آنان به راحتی در سراسر جهان یک‌دیگر را می‌بینند. زمین در دستان مهدی علیه السلام و یارانش رام و هم‌آهنگ است و در اوج هم‌کاری با آنان قرار دارد. ابوبصیر گفته است که امام صادق علیه السلام درباره هم‌کاری زمین با مهدی علیه السلام فرمود:



إذا تناهت الأمور إلى صاحب هذا الأمر رفع الله تبارك و تعالی له كلّ  
منخفض من الأرض و خفض له كل مرتفع حتى تكون الدنيا عنده بمنزلة  
راحته، فأیكم لو كانت فی راحته شعرة لم يبصرها؟<sup>۳۲</sup>

زمانی که امور به صاحب این امر برسد، خداوند تبارک و تعالی برایش  
هرگونه پایینی و پستی زمین را بلند و هر بلندی را هموار خواهد نمود،  
به گونه‌ای که دنیا نزد او همانند کف دست خواهد شد. پس کدام یک از  
شما اگر در کف دستش مویی باشد، آن را نمی‌بیند؟

ابن مسکان گفته است که شنیدم امام صادق علیه السلام درباره ارتباطات یاران حضرت  
مهدی علیه السلام فرمود:

إنّ المؤمن فی زمان القائم و هو بالشرق لیری أخاه الذی فی المغرب و کذا  
الذی فی المغرب یری أخاه الذی فی المشرق؛<sup>۳۳</sup>

مؤمن در زمان قائم علیه السلام در حالی که در مشرق است، برادرش را در  
مغرب می‌بیند و هم‌چنین آن‌که در مغرب است، برادرش را در مشرق  
می‌بیند.

براساس این رهنمودهای امام صادق علیه السلام دنیا در اختیار قائم علیه السلام و یارانش قرار  
خواهد گرفت. زمین به خواست امام پست و بلند می‌گردد و هرچه در دنیا است،  
در دید مهدی علیه السلام و یاران اوست. شکوفایی زمین در هم‌کاری و کمک به  
پیش‌رفت انقلاب مهدوی و ارتباطات مهدی و یاران او بی‌نظیر و بی‌سابقه است.  
به لطف خداوند و هم‌آهنگی عالم هستی با تحول الهی مهدوی، هر کار و  
اقدامی هرچند بزرگ و دشوار، برای حضرت مهدی علیه السلام بسیار ساده و آسان  
خواهد شد. امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره آسان شدن کارها برای حضرت  
قائم علیه السلام فرموده‌اند:

یسهل الله له کلّ عسیر و یذلّل له کلّ صعّب و یقرّب له کلّ بعید؛<sup>۳۴</sup>  
خداوند برای او هر کار سخت و دشوار و پیچیده‌ای را آسان ساخته و  
هر کار مشکلی را هموار خواهد نمود و هر دوری را برای او نزدیک  
می‌گرداند.

امام جواد علیه السلام نیز در تبیین اوصاف حضرت قائم علیه السلام برای عبدالعظیم حسنی فرموده‌اند:

و يذلل له كل صعب؛<sup>۳۵</sup>

هر امر صعب و دشواری برای او هموار و آسان شود.

### خورشید و ماه همکاران قائم علیه السلام

خورشید و ماه نیز همانند کره زمین همراه و هم‌آهنگ با رهبر بزرگ‌ترین انقلاب جهانی تاریخ زندگی انسان‌هاست، همان‌طور که سراسر زمین و آنچه در آن است، فرمان‌بردار قائم آل محمد علیهم السلام است، خورشید و ماه نیز به دعوت او پاسخ می‌دهند.

جابر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمودند:

يدعو الشمس والقمر فيحييانه؛<sup>۳۶</sup>

قائم علیه السلام خورشید و ماه را فرا می‌خواند و آن دو اجابت می‌کنند و پاسخ می‌دهند.

خورشید و ماه را که خدا آفریده، به اذن و قدرت پروردگار به ندای امام زمان علیه السلام پاسخ مثبت می‌توانند دهند و توانایی‌های الهی آنان در خدمت انقلاب جهانی مهدوی قرار گیرد. این استعداد خورشید و ماه در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام شکوفا می‌گردد و سراسر هستی در جهت پیش‌رفت بزرگ‌ترین تحول الهی در جهان قرار خواهد گرفت.

### همکاری ابر و باد و باران

آسمان برکاتش را بر حضرت مهدی علیه السلام فرو می‌فرستد و باران رحمت الهی در سطح مطلوب و مناسب می‌بارد و بادها نیز هم‌آهنگ با اهداف الهی انقلاب مهدوی هستند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث معراج درباره هم‌راهی بادها و ابرها با حضرت قائم علیه السلام می‌فرماید که خدای متعال فرموده است:

لَأَسْخَرَنَّ لَهُ الرِّيحَ وَالَّذِينَ لَهُ السَّحَابُ الصَّعَابُ؛<sup>۳۷</sup>

بادها را برای او مستخر می گردانم و ابرهای سخت و متراکم را برای او رام و هموار می نمایم.

ابن مسعود از رسول خدا ﷺ در توصیف اوضاع عصر ظهور حضرت مهدی ﷺ نقل کرده که فرمودند:

يُخْرِجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ يَسْقِيهِ اللَّهُ الْغَيْثَ؛<sup>۳۸</sup>

مهدی در میان واپسین امتم، ظهور می کند. خداوند به او باران عطا می کند و از باران و آب سیراب می نماید.

ابوسعید خدری نیز از پیامبر خدا ﷺ درباره همراهی آسمان در بارش باران نقل کرده که فرمود:

آسمان چیزی از بارانش را نگه نمی دارد، جز این که فرو می ریزد.<sup>۳۹</sup>

امام علی عليه السلام در توصیف عصر ظهور فرموده اند:

تَنْزِيلُ السَّمَاءِ بَرَكْتَهَا؛<sup>۴۰</sup>

آسمان برکتش را فرو می فرستد.

براساس گفتار پیامبر ﷺ و اهل بیت عليهم السلام بادها و ابرها در خدمت حضرت مهدی ﷺ است و آب باران نیز در حد مطلوب می بارد و استعداد بادها و ابرها در راستای اقتدار حضرت قائم عليه السلام شکوفا می گردد.

### شکوفایی زمان و بلندی روزها

خورشید و ماه با پاسخ مثبت به ندای حضرت مهدی عليه السلام در ابعاد گوناگون، با ایشان همراهی و هم کاری دارند. زمان در عصر ظهور، کند می گذرد و روز و ماه و سال طولانی می گردد. شکوفایی زمان در همراهی با پیشرفت های انقلاب مهدوی است. ابوبصیر از امام صادق عليه السلام درباره عنصر زمان در عصر ظهور چنین نقل کرده است:

يَأْمُرُ اللَّهُ الْفَلَكَ فِي زَمَانِهِ فَيَطِيءُ فِي دَوْرِهِ حَتَّى يَكُونَ الْيَوْمُ فِي أَيَّامِهِ كَعَشْرَةِ

أَيَّامٍ وَالشَّهْرُ كَعَشْرَةِ أَشْهُرٍ وَالسَّنَةُ كَعَشْرِ سِنِينَ مِنْ سَنِينِكُمْ؛<sup>۴۱</sup>

خداوند در زمان حضرت مهدی علیه السلام به فلک فرمان می‌دهد، پس در عصر ظهور مهدی علیه السلام کُند می‌گذرد، به گونه‌ای که هر روز از روزهایش مثل ده روز و هر ماه مثل ده ماه و هر سال مثل ده سال از سال‌هایتان است.

### شکوفایی جسم و روح انسان در عصر ظهور

استعدادهای جسمی و روحی مؤمنان در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام شکوفا می‌گردد و با قدرت مؤمنان، بزرگ‌ترین تحول الهی جهانی به رهبری حضرت قائم علیه السلام روی خواهد داد. توانایی‌های انسان‌ها ناشناخته است و تنها آفریدگار انسان‌ها به طور کامل از آن آگاه است. توانایی‌های یاران حضرت مهدی علیه السلام با اذن و فرمان خداوند متعال آشکار و استعدادهای بدنی و روحی آنان شکوفا می‌گردد و آن‌گاه انقلاب شکوهمند و شگفت‌انگیز بی‌سابقه در تاریخ جهان روی خواهد داد.

### پایان آفات و بیماری‌ها

سلامتی و عافیت، نعمت بزرگ الهی است و قدرت بدنی و روحی زیربنای اطاعت انسان از خدای متعال است. بدن سالم توانایی انجام وظایف الهی و فرمان‌برداری دارد. جسم و روح بیمار از برداشتن کوچک‌ترین گام‌ها ناتوان است و از انجام کمترین وظایف عمومی انسان‌ها بازمی‌ماند و هرگز در تحقق مسئولیت‌های بزرگ و گام‌های بلند و تحولات عمیق و گسترده توفیق نمی‌یابد. بنابراین، در گام نخست برای شکوفایی استعدادهای اصحاب حضرت مهدی علیه السلام، خداوند هرگونه آفت، بلا و بیماری را از آنان می‌زداید. امام سجاد علیه السلام آفت‌زدایی الهی از مؤمنان در قیام حضرت مهدی علیه السلام را این‌گونه گزارش داده‌اند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاهَةَ وَرَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ؛<sup>۴۲</sup>

آن‌گاه که قائم علیه السلام قیام کند، خداوند آفت و بیماری را از هر مؤمنی می‌زداید و قدرتش را به او باز می‌گرداند.

ابوبکر حضرمی نیز از امام باقر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت درباره بهبودی یاران مهدی علیه السلام فرموده‌اند:

من أدرك قائم أهل بيتي من ذي عاهة برأ و من ذي ضعف قوی؛<sup>۴۳</sup>  
هر بیماری، قائم اهل بیت را درک کند، شفا یابد و هر ضعیفی قوی  
می‌گردد.

«عاهة» که در این دو روایت آمده است، به بیان کتب لغت هر نوع نقص و  
عیب بدنی، معلولیت، درد بیماری، آفت جسمی و روحی را دربر می‌گیرد.<sup>۴۴</sup>  
بنابراین، در قیام حضرت مهدی علیه السلام مؤمنان و یاران آن حضرت از هر نوع بلا و  
آفت و مرضی پاک خواهند شد افزون بر این که هرگونه بیماری و آفت برطرف  
می‌گردد، هیچ مؤمنی ضعیف نمی‌ماند و همه قوی خواهند شد. مؤمنان و یاران  
قائم علیه السلام هیچ بیماری و ضعفی ندارند و با جسم و روح سالم و نیرومند خویش  
همراه و یاور حضرت مهدی علیه السلام می‌شوند و توانایی‌های جسمی و روحی آنان  
شکوفا گشته و در خدمت گسترش انقلاب مهدوی قرار می‌گیرد.

### یک مؤمن نیروی چهل انسان

قدرت بدنی و روحی اصحاب قائم علیه السلام شکوفا شده و قدرت هر فرد چند برابر  
می‌گردد و این قدرت افزایش یافته یاران، در خدمت توسعه انقلاب مهدوی است.  
قدرت مؤمنان یاور مهدی علیه السلام آن‌چنان شکوفا می‌شود که هر یک از آنان قدرت  
چهل انسان را پیدا می‌کند. افزایش قدرت هر مؤمن از اصحاب قائم علیه السلام به چهل  
مؤمن در احادیث متعددی، یادآوری گردیده است.  
امام سجاد علیه السلام در اوصاف اصحاب حضرت مهدی علیه السلام فرموده‌اند:

إذا قام قائمنا أذهب الله عز وجلّ عن شيعتنا العاهة وجعل قلوبهم كزبر  
الحديد وجعل قوّة الرجل منهم قوّة أربعين رجلاً و يكونون حكام الأرض و  
سنامها؛<sup>۴۵</sup>

زمانی که قائم ما قیام کند خداوند بیماری و آفت و درد را از شیعیان ما  
بزداید و دل‌های آنان را چون پاره‌های آهن (سخت و تزلزل‌ناپذیر) کند  
و هر مرد آنان را قدرت چهل مرد دهد. آنان فرمان‌روا و سالار جهان  
خواهند بود.

در این حدیث شریف، نابودی بیماری و به پایان رسیدن دردها و آفات در عصر ظهور قائم علیه السلام یادآوری گردیده و شکوفایی استعدادهای جسمی و روحی یاران آن حضرت گزارش شده است. بنابراین در آن زمان قدرت بدنی شکوفا می‌گردد و هر مرد یار مهدی علیه السلام قدرت چهل مرد پیدا می‌کند، قدرت روحی و روانی آنان نیز بارور می‌گردد و دل‌های آنان همانند پاره‌های آهن سخت و محکم شده و با ایمان‌های پایدار و ناگسستنی در انقلاب مهدوی و در راه خدا فداکاری می‌نمایند.

عبدالملک بن اعین از امام باقر علیه السلام نقل کرده که در پیرامون شکوفایی جسم و روح مؤمنان در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

إِنَّهُ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ أُعْطِيَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ جَعَلْتَ قُلُوبَكُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ وَ لَوْ قَذَفَ بِهَا الْجِبَالُ لَقَلَعْتَهَا وَ كُنْتُمْ قَوَّامِ الْأَرْضِ وَ خَزَائِنَهَا؛<sup>۴۶</sup>  
اگر آن زمان برسد به هر مرد از شما قدرت چهل مرد عطا شود و دل‌هاتان همانند پاره‌های آهن گردد و اگر با کوه‌ها برخورد نماید آن را برمی‌کند و شما حاکمان زمین و خزانه‌داران آن خواهید شد.

سعد نیز از امام باقر علیه السلام درباره شکوفایی بدنی یاران قائم علیه السلام چنین آورده است:

فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَ جَاءَ مَهْدِينَا كَانَ الرَّجُلُ مِنْ شِيعَتِنَا أُجْرَى مِنْ لَيْثٍ وَ أَمْضَى مِنْ سَنَانٍ، يَطَأُ عَدُوَّنَا بِرَجْلِيهِ وَ يَضْرِبُهُ بِكَفْيِهِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ نَزُولِ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ فَرَجِهِ عَلَى الْعِبَادِ؛<sup>۴۷</sup>

زمانی که امر ما واقع شود و مهدی ما بیاید، هر مرد از شیعیان ما دلیرتر و باجرات‌تر از شیر و برنده‌تر از سرنیزه گردد، دشمن ما را با پاهایش لگدمال کند و او را با دستانش بزند و آن در نزد نزول رحمت خدا و فرج او بر بندگانش است.

امام صادق علیه السلام در چند حدیث بر شکوفایی قدرت جسمی و روحی یاران حضرت مهدی علیه السلام تأکید نموده و بر افزایش قدرت بدنی و روحی هر مرد به چهل مرد تصریح فرموده‌اند.

ابوبصیر گفته است که امام صادق علیه السلام فرمود:

ما كان قول لوط لقومه «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ»<sup>٤٨</sup> إِلَّا تَمَنَّىٰ  
 لِقُوَّةِ الْقَائِمِ ﷺ وَلَا ذَكَرَ إِلَّا شِدَّةَ أَصْحَابِهِ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَىٰ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ  
 رَجُلًا وَإِنَّ قَلْبَهُ لِأَشَدَّ مِنْ زَبْرِ الْحَدِيدِ وَلَوْ مَرَّوَا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَطَعُوهَا، لَا  
 يَكْفُونَ سِوَفَهُمْ حَتَّىٰ يَرْضَىٰ اللَّهُ؛<sup>٤٩</sup>

سخن حضرت لوط علیه السلام به قومش: «کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا به تکیه گاهی محکم پناه می بردم!» جز آرزوی قدرت قائم صلی الله علیه و آله نبود و جز شدت و استحکام اصحاب قائم صلی الله علیه و آله را یاد نکرده است. همانا به هر مرد از آنان قدرت چهل مرد عطا شود و دل او محکم تر از پاره های آهن گردد و اگر به کوه ها بگذرند، آنها را قطع کنند و شمشیرهایشان را وانمی گذارند تا خداوند را خشنود کنند.

یاران حضرت مهدی صلی الله علیه و آله بسان چهل مرد توان خواهند داشت و قدرت آنان چنان شکوفا می گردد که همه مشکلات بزرگ را حتی اگر همانند کوه های سخت باشد، از بین می برند و تا انجام همه وظایف الهی و کسب رضایت خداوند شمشیرها را زمین نمی گذارند.  
 امام صادق علیه السلام در حدیث دیگر فرموده اند:

يكون شيعتنا في دولة القائم ﷺ سنام الأرض و حكّامها، يعطى كل رجل  
 منهم قوة أربعين رجلاً؛<sup>٥٠</sup>  
 شیعیان ما در دولت قائم صلی الله علیه و آله فرمانروا و حاکمان زمین خواهند شد. به هر مرد از آنان قدرت چهل مرد عطا شود.

امام صادق علیه السلام در حدیث دیگر فرموده اند:

كأنّي أنظر إلى القائم ﷺ وأصحابه... قد أثر السجود بجباههم، ليوث  
 بالنهار، رهبان بالليل، كأن قلوبهم زبر الحديد، يعطى الرجل منهم قوّة  
 أربعين رجلاً؛<sup>٥١</sup>

قائم صلی الله علیه و آله و یارانش را می بینم... سجده ها بر پیشانی هایشان اثر گذاشته، شیران روز و عابدان شبند، دل هایشان پاره های آهن است، به هر مرد از آنان قدرت چهل مرد داده شود.

جسم و جان یاران حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور در اوج شکوفایی است، جسم آنان چنان شکوفا گردد که نیروی چهل مرد را بیابد و روح و روان آنان سرشار از شکوفایی است که ایمان تزلزل ناپذیرشان به خدا، آنان را به شیران روز و پارسایان شب تبدیل نموده است.

### راه رفتن بر روی آب

مؤمن می تواند روی آب راه برود. این استعداد یاران حضرت مهدی علیه السلام شکوفا می گردد و آنان به راحتی روی آب راه می روند. محمد بن جعفر در شکوفایی نیروی بدنی و روحی یاران حضرت مهدی علیه السلام از پدر خویش امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرموده اند:

یاران قائم بر پاهایشان چیزی می نویسند و بر روی آب خلیج راه می روند و دشمنان و وحشت زده درهای شهر را به روی آنان می گشایند.<sup>۵۲</sup>

### چشمها و گوشهای تیز

شکوفایی توان شنوایی گوشها و نیروی بینایی چشمها نیز در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام روی می دهد و قدرت شنوایی و بینایی آنان وسعت جهانی می یابد و ارتباطات رهبر انقلاب و یارانش بی پیک و واسطه با گفت و گوی طبیعی آنان تحقق می پذیرد و در سراسر جهان یکدیگر را می بینند. ابوالربیع شامی درباره شکوفایی نیروی شنوایی و بینایی یاران قائم علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مُدَّ لَشِعْتَنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ؛<sup>۵۳</sup>  
زمانی که قائم ما قیام کند، خداوند گوشها و چشمهای شیعیان را چنان تیز کند که میان آنان و قائم پیکلی نباشد. از جای خود با شیعیان سخن می گوید و آنها سخنانش را می شنوند و خود او را در همان جای خود می بینند.

ابن مسکان نیز گفته است که شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود:



إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لِيرَى أَخَاهِ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَكَذَا  
الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهِ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ؛<sup>۵۴</sup>

مؤمن در زمان قائم، هنگامی که در مشرق است، برادرش را در مغرب  
می‌بیند و آن‌که در مغرب است، برادرش در مشرق را می‌بیند.

### عمر طولانی یاران حضرت مهدی علیه السلام

تاکنون عمر زیاد برای برخی انسان‌ها در جهان روی داده است، اما این استعداد  
انسان در عصر ظهور قائم علیه السلام شکوفا می‌گردد و عموم انسان‌ها در آن زمان عمر  
طولانی خواهند داشت. مفضل بن عمر گفته است که شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ  
وَيَعْمُرُ الرَّجُلُ فِي مَلَكَةٍ حَتَّى يُولِدَ لَهُ أَلْفَ ذَكَرٍ؛<sup>۵۵</sup>

زمانی که قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگار روشن شود و بندگان  
از روشنائی خورشید بی‌نیاز گردند و مرد در حکومت آن حضرت عمر  
می‌کند تا هزار فرزند برای او به دنیا آید.

### عقل و اخلاق کامل

در عصر ظهور، عقل بندگان خدا جامع و اخلاقشان نیز کامل می‌گردد و  
بزرگ‌ترین شکوفایی عقلانی و اخلاقی روی خواهد داد. این شکوفایی با قدرت  
الهی و به دست حضرت مهدی علیه السلام پدید خواهد آمد.  
ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که ایشان فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعِ يَدَهُ عَلَى رُئُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَيْنَ عَقُولِهِمْ وَأَكْمَلَ بِهِ  
أَخْلَاقَهُمْ؛<sup>۵۶</sup>

زمانی که قائم ما قیام کند دستش را بر سرهای بندگان خداوند می‌نهد و  
با آن عقل‌هایشان را جمع نموده و اخلاقشان را کامل گرداند.

مولی بنی‌شیبان نیز همین مطلب را از امام باقر علیه السلام این‌گونه نقل کرده است:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعِ يَدَهُ عَلَى رُئُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَيْنَ عَقُولِهِمْ وَكَمَّلَتْ بِهِ  
أَحْلَامَهُمْ؛<sup>۵۷</sup>

زمانی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سرهای بندگان خدا می‌نهد. پس با آن عقل‌هایشان را جمع و کامل گرداند.

احلام و عقول در این حدیث مترادفند و بنابراین، جمع عقل و کمال عقل بندگان در عصر ظهور به دست حضرت مهدی علیه السلام روی خواهد داد و این اوج شکوفایی نیروی عقل و خرد انسان‌هاست که در تاریخ پدید می‌آید.

### شکوفایی دانش

عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام عصر شکوفایی علم در جهان است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر در وصف مهدی قائم علیه السلام فرموده‌اند:

ألا إله وراث كل علم و المحيط به؛<sup>۵۸</sup>

آگاه باشید او وارث هر علم و دانش و محیط به آن و دربردارنده آن است.

امام علی علیه السلام نیز حضرت مهدی علیه السلام را دارای بیشترین و زیاده‌ترین دانش دانسته‌اند.<sup>۵۹</sup>

ابان از امام صادق علیه السلام شکوفایی دانش در عصر ظهور را چنین گزارش می‌کند:

العلم سبعة وعشرون حرفاً فجميع ما جاءت به الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً فبثها في الناس و ضم إليها حرفين حتى يثبتها سبعة وعشرين حرفاً؛<sup>۶۰</sup>  
علم ۲۷ حرف است. همه آنچه پیامبران آورده‌اند دو حرف بوده است. زمانی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را می‌آورد، پس در بین مردم گسترش می‌دهد و آن دو حرف را به آنها ضمیمه می‌کند تا تمام ۲۷ دانش را پراکنده و پخش سازد.

بنابر این حدیث، شکوفایی دانش در عصر ظهور با دانش حضرت قائم علیه السلام در طول تاریخ علم بی‌نظیر است. دو حرف از دانش به ۲۷ حرف نهایی دانش می‌رسد و بنابراین، عصر ظهور عصر آگاهی و علم و خردورزی و کمال اخلاق خواهد بود. با علم الهی حضرت قائم علیه السلام رشد دانش به اوج خود می‌رسد. آنچه امروز همه انسان‌های روی زمین دارند، تنها دو حرف از دانش است و آنچه آن

زمان بشر در پرتو ظهور امام زمان علیه السلام به دست خواهد آورد، همه ۲۷ حرف خواهد شد.

حمران نیز از زبان امام باقر علیه السلام گسترش حکمت در عصر ظهور را این گونه بیان کرده است:

تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى أَنْ الْمَرْئَةَ لِتَقْضَى فِي بَيْتِهَا بَكْتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ  
سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ؛<sup>۶۱</sup>

در زمان حضرت قائم علیه السلام به حکمت دست خواهید یافت، چنان که زن در خانه‌اش بر اساس کتاب خدای متعال و سنت رسول خدا قضاوت خواهد نمود.

پایه قضاوت اجتهاد است. بسیاری از زنان در عصر ظهور به اجتهاد می‌رسند و آنان در خانه‌هایشان به قضاوت با اجتهاد بر پایه کتاب و سنت می‌پردازند.

### نوآوری‌های بزرگ در انقلاب حضرت مهدی علیه السلام

در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام آخرین انقلاب جهانی تاریخ زندگی بشر بر کره زمین روی خواهد داد و در این انقلاب اسلامی مهدوی، آخرین شکوفایی‌ها و نوآوری‌های بزرگ نیز تحقق می‌یابد. همه شکوفایی‌های بزرگ بی‌سابقه‌ای که در عصر ظهور حضرت قائم علیه السلام شکل می‌گیرد، نوآوری‌های جهانی خواهد بود. بنابراین، جداسازی شکوفایی‌ها از نوآوری‌ها در همه موارد و مصادیق امکان‌پذیر نیست. بر همین اساس، برخی تحولات و اقدامات عصر ظهور در عنوان شکوفایی‌های انقلاب مهدوی جای می‌گیرد و برخی در عنوان نوآوری‌های انقلاب مهدوی بیان می‌شود. شکوفایی‌های بزرگ، یا خود نوآوری است و یا مبدأ و منشأ نوآوری‌ها خواهد بود. نوآوری‌های انقلاب بزرگ و بی‌پایان مهدوی، گسترده و متنوع است. بازبینی و بازشناسی و توصیف و گزارش این نوآوری‌ها برای شناخت ماهیت بی‌نظیر انقلاب مهدوی ضرورت دارد. شناخت امام زمان علیه السلام و اوصاف یاران امام و اقدامات آنان و تحولات شگفت‌انگیز جهانی آنان، از مظاهر «امام‌شناسی» است و تکلیف شرعی عموم مسلمانان است.

## گسترش اسلام در سراسر جهان

اسلام آخرین و کامل‌ترین دین الهی است و پیامبر اسلام ﷺ آخرین رسول خداست. دین اسلام تنها دینی است که سه ویژگی و امتیاز دارد: جامع، جهانی و جاویدان. پیام اسلام با هجرت حضرت محمد ﷺ به یثرب، به سراسر حجاز و آن‌گاه به نقاط دور افتاده جهان رسید. پیامبر اسلام ﷺ بر اساس رسالت جهانی خویش، سران کشورهای بزرگ عصر خویش را به اسلام دعوت کردند و از آن زمان تا امروز همواره اسلام توسعه یافته است، ولی هنوز بر سراسر جهان حاکم نشده است. در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام، اسلام به همه قاره‌های جهان و تمام کشورها و شهرها و خانه‌های سراسر گیتی خواهد رسید و تنها دین اسلام بر همه کره زمین حاکم خواهد بود و همه مردم جهان پیرو پیامبر اسلام ﷺ و معصومان و اهل بیت علیهم السلام می‌شوند. این نوآوری بزرگ در انقلاب جهانی مهدوی و به دست حضرت مهدی علیه السلام روی خواهد داد.

امام حسن مجتبی از پدر خویش امیرمؤمنان امام علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده‌اند که درباره امام آخرالزمان فرمود:

و يظهره على الأرض حتى يدينوا طوعاً و كرهاً يملأ الأرض عدلاً و قسطاً

و نوراً و برهاناً يدين له عرض البلاد و طوها لا يبقى كافر إلا آمن؛<sup>۶۲</sup>

خداوند او را بر سراسر زمین غالب و پیروز می‌گرداند تا همه با اراده و اختیار یا زور و قدرت (خوش یا ناخوش) به دین اسلام روی آورند. زمین را از عدل و قسط و نور و برهان پر می‌نماید و عرض و طول شهرها و مردم تمام کشورها به دین او درآیند و هیچ کافری نماند جز این‌که ایمان آورد.

امام زین‌العابدین علیه السلام فرموده‌اند:

إن الإسلام قد يظهره الله على جميع الأديان عند قيام القائم علیه السلام؛<sup>۶۳</sup>

خداوند قطعاً اسلام را بر تمام ادیان در زمان قیام قائم علیه السلام پیروز و غالب می‌گرداند.

از امام محمد باقر علیه السلام چندین حدیث درباره جهانی شدن اسلام در عصر ظهور حضرت قائم علیه السلام رسیده است. این روایات به روشنی گسترش و فراگیری بی‌نظیر

دین اسلام در جهان را نشان می‌دهد و این «نوآوری بزرگ» یکی از دست‌آوردهای انقلاب مهدوی است.

جابر بن یزید جعفی و ابو جارود از امام باقر علیه السلام درباره سرانجام نبرد انقلاب مهدوی چنین می‌گویند:

يقتل الناس حتى لا يبقى إلا دين محمد؛<sup>۶۴</sup>

مردم (کافران و مشرکان و منافقان و پیروان ادیان ساختگی یا بی‌اعتبار شده گذشته) را می‌کشد تا این‌که جز دین محمد صلی الله علیه و آله نماند.

محمد بن مسلم نیز گفته است که شنیدم امام باقر علیه السلام در بیان دست‌آوردهای انقلاب حضرت قائم علیه السلام فرمودند:

يظهر الله عز وجل به دینه و لو کره المشركون؛<sup>۶۵</sup>

خداوند عزوجل به واسطه او دینش را پیروز و غالب می‌گرداند، گرچه مشرکان نپسندند و نخواهند.

ابوالمقدام گفته است که امام باقر علیه السلام در تفسیر این سخن خداوند: «لَيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛<sup>۶۶</sup> «تا دین حق را بر همه ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند»، فرمود:

إن ذلك يكون عند خروج المهدي من آل محمد فلا يبقى أحدٌ إلا أقرَّ  
بمحمد صلی الله علیه و آله؛<sup>۶۷</sup>

همانا آن در هنگام قیام مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است، پس کسی نمی‌ماند، مگر این‌که به پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله اقرار کند.

امام باقر علیه السلام در این حدیث شریف، بر ایمان یکایک انسان‌های روی کره زمین به پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و دین اسلام در عصر ظهور تصریح نموده‌اند. بنابراین، هیچ‌کس در آن زمان بی‌اقرار و اعتراف به رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باقی نماند و اسلام به همه‌جا می‌رسد و همه انسان‌ها نیز بر نبوت و رسالت پیامبر اسلام اقرار می‌نمایند.

محمد بن فضیل در تفسیر آیه یاد شده از امام هادی علیه السلام چنین نقل می‌کند:

## یظهره علی الأديان عند قيام القائم<sup>۶۸</sup>؛

خداوند دین حق اسلام را بر همه ادیان در هنگام قیام قائم<sup>علیه السلام</sup> پیروز گرداند.

زراره گفته است فردی از امام باقر<sup>علیه السلام</sup> درباره سخن خدای متعال «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً»<sup>۶۹</sup> «با همه مشرکان بجنگید، چنانکه آنان با همه شما می‌جنگند.» پرسید. امام فرمود: «تأویل این آیه نیامده است. زمانی که قائم ما قیام کند، هرکسی او را درک نماید، تأویل این آیه را خواهد دید.»

و ليلغى دين محمد<sup>صلى الله عليه وآله</sup> ما بلغ الليل والنهار حتى لا يكون شرك على ظهر الأرض كما قال الله<sup>۷۰</sup>؛

و همان‌طور که خداوند فرموده است، دین محمد<sup>صلى الله عليه وآله</sup> به آن‌چه شب و روز رسیده، خواهد رسید و دیگر شرکی روی زمین نباشد.

منظور از آن‌جا که شب و روز به آن رسیده، تمام کره زمین است. بنابراین، دین اسلام به سراسر جهان خواهد رسید و شرک نابود خواهد شد.  
رفاعة بن موسی گفته است که شنیدم امام صادق<sup>علیه السلام</sup> این سخن خدا را قرائت فرمود:

«وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا»<sup>۷۱</sup>؛

هرکه در آسمان و زمین است، خواه و ناخواه تسلیم اوست.

آن‌گاه در تفسیر آن فرمود:

إذا قام القائم لا يبقى أرض إلا نودی فيها شهادة أن لا إله إلا الله و أن محمدًا رسول الله<sup>۷۲</sup>؛

زمانی که قائم<sup>علیه السلام</sup> قیام کند، هیچ سرزمینی نمی‌ماند، جز این‌که در آن شهادت به توحید و رسالت حضرت محمد<sup>صلى الله عليه وآله</sup> طنین افکن خواهد شد.

عبدالله بن سنان گفته است که امام صادق<sup>علیه السلام</sup> از پدر خویش امام باقر<sup>علیه السلام</sup> درباره خضوع مردم زمین و ایمان آنان به اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> در عصر ظهور فرمودند:

فلا يبقى في الأرض يومئذ أحد إلا خضع و ذلت رقبته لها فيؤمن أهل  
الأرض إذا سمعوا الصوت من السماء: إلا إن الحق في علي بن أبي طالب عليه السلام  
و شيعته؛<sup>۷۳</sup>

در زمین در آن زمان کسی نمی ماند، جز این که خاضع شود و به ندای  
آسمانی گردن بنهد. پس اهل زمین زمانی که صدای آسمانی را بشنوند  
که: «آگاه باشید حق در علی بن ابوطالب و شیعه اوست» ایمان می آورند.

امام صادق و امام رضا علیهما السلام بشارت داده اند:

إن قائمنا إذا قام أشرفت الأرض بنور ربها؛<sup>۷۴</sup>

هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین را به نور پروردگارش روشن خواهد  
نمود.

در حدیث معراج نیز به نقل از امام رضا علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله در دست آوردهای  
انقلاب مهدوی فرموده اند:

يجمع الخلق على توحیدی؛<sup>۷۵</sup>

[حضرت مهدی علیه السلام] خلق جهان را بر اعتقاد به توحید من گرد خواهد  
آورد.

در این احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بی هیچ تردید و ابهام و به روشنی  
و صراحت از تحقق جهانی شدن اسلام در عصر ظهور خبر داده شده است.  
بنابراین، قطعاً در پایان تاریخ جهان، دین اسلام در سراسر گیتی گسترش خواهد  
یافت و دارای بیشترین پیروان در جهان خواهد شد و عموم مردم جهان به اسلام  
ناب محمدی و اسلام راستین شیعی روی خواهند آورد. بی شک نوآوری بزرگ  
جهانی که اعتقاد و ایمان مردم سراسر جهان به اسلام و جهانی شدن اسلام است،  
در انقلاب مهدوی شکل خواهد گرفت.

### پیروزی دین اسلام و نابودی همه ادیان

در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام همه ادیانی که تاریخ آنها با بعثت پیامبر  
اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله پایان یافته بود، نابود می شوند. یهودیت و مسیحیت و

زرتشت به طور کامل جای خود را به اسلام خواهند داد. مسیحیان جهان با پیروی از حضرت عیسی بن مریم علیه السلام که یار قائم آل محمد علیه السلام است، اسلام را خواهند یافت. همه ادیان و مذاهب ساختگی و باطل و بت پرستی نیز از بین می‌روند و اثری از آنها نمی‌ماند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرموده‌اند:

و يهلك في زمانه الملل كلها إلا الإسلام؛<sup>۷۶</sup>

در زمان او همه ملت‌ها جز پیروان اسلام هلاک می‌شوند.

ابن‌بکیر گفته است از امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره سخن خدای متعال «وَلَهُ أُسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا»<sup>۷۷</sup> فرمود:

أُنزِلَتْ فِي الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا خَرَجَ بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالصَّبَائِينَ وَالزَّنَادِقَةَ وَأَهْلَ الرَّدَّةِ وَالْكَفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا فَعَرَضَ فَمَنْ أُسْلِمَ طَوْعًا أَمْرَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَمَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَيَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ وَمَنْ لَمْ يُسْلَمْ ضَرْبَ عُنُقِهِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ؛<sup>۷۸</sup>

آیه درباره قائم علیه السلام نازل شده است، زمانی که بر یهود و نصاری و صابئان و زندیقان و بی‌دینان و مرتدان و کافران در شرق و غرب زمین قیام کند، پس اسلام را بر آنان عرضه نماید. هرکس با اراده اسلام آورد، او را به نماز و زکات و آنچه به هر مسلمان امر می‌شود و برای خدا بر او واجب است، امر نماید و هرکس اسلام نیاورد، گردنش را بزند تا در شرق و غرب جهان کسی نماند، جز این‌که به خدا ایمان آورد و خدا پرست گردد.

گویا این خبر امام بر ابن‌بکیر سنگین آمده که گفته است به امام عرض کردم: جانم فدای شما باد! مردم جهان زیانند! امام نیز فرمودند: زمانی که خداوند چیزی را اراده نماید، زیاد را کم و کم را زیاد گرداند.

براساس این حدیث شریف نبوی، پیروان همه ادیان الهی گذشته و مکاتب ساختگی و بی‌اساس و همه بی‌دینان و کافران و مرتدان غربی و شرقی در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام یا اسلام می‌آورند و یا مجازات و نابود می‌گردند.



بنابراین، انسان‌ها در همه قاره‌ها و کشورهای جهان از جمله اروپا و امریکا دست از مسیحیت و یهودیت تحریف شده‌ای که با ظهور اسلام عمر آنها پایان رسیده بود، برخواهند داشت و مسلمان می‌شوند و یا آن‌که کيفر خواهند دید.

شیخ مفید از علی بن عقبه از پدرش نقل کرده است که درباره عصر ظهور روایت شده است:

لم یبق أهل دین حتی یظهروا الإسلام و یعترفوا بالإیمان؛<sup>۷۹</sup>

اهل هیچ دینی باقی نمانند تا این‌که اظهار اسلام کنند، آن را بپذیرند و بر ایمان به پیامبر اسلام اعتراف نمایند.

در این روایت نیز از نابودی اهل هر آیینی جز اسلام در عصر ظهور خبر داده شده است.

### برقراری حکومت جهانی

در تاریخ زندگانی بشر هیچ‌گاه حکومت واحد جهانی برقرار نشده است. نوآوری بزرگ انقلاب مهدوی، تشکیل حکومت جهانی است. دولت حضرت مهدی علیه السلام جهانی خواهد بود و رهبری و زمام‌داری و حکومت و نفوذ سیاسی آن حضرت نامحدود و فراگیر است.

براساس احادیث متعدد از معصومان علیهم السلام نفوذ سیاسی حضرت قائم علیه السلام سراسر دنیا را خواهد گرفت و وعده الهی در جهانی شدن اسلام با حکومت اسلامی جهانی مهدوی تحقق خواهد یافت.<sup>۸۰</sup>

در آستانه ظهور، ندای آسمانی الهی و دعوت به پیروی از حضرت قائم علیه السلام را همه مردم جهان خواهند شنید. این صدای روح الامین جبرئیل که حضرت مهدی علیه السلام را معرفی می‌نماید، برای هر انسانی به هر زبانی شنیدنی و مفهوم است.<sup>۸۱</sup> و به بیان امام باقر علیه السلام آن را هر کس در شرق و غرب جهان می‌شنود<sup>۸۲</sup> و به گزارش امام صادق علیه السلام ثقلین (جن و انس) و خافقین (شرق و غرب)<sup>۸۳</sup> و حتی دختران جوان در سرپرده‌ها و اهل مشرق و مغرب<sup>۸۴</sup> می‌شنوند و به نقل امام رضا علیه السلام از دور و نزدیک و جمیع اهل زمین می‌شنوند.<sup>۸۵</sup> این صوت فراگیر جهانی در آغاز ظهور حضرت مهدی علیه السلام راه‌نمای تشکیل حکومت جهانی مهدوی خواهد بود.

پیامبر اعظم حضرت محمد ﷺ در معرفی امامان فرموده‌اند:

آخرهم القائم الذى يفتح الله تعالى ذكره، على يديه مشارق الأرض و  
مغاربها؛<sup>۸۶</sup>

آخرین امام، حضرت قائم است که خدای متعال با دستان او شرق و  
غرب جهان را فتح خواهد نمود.

امام علی علیه السلام درباره حدود حکومت حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

يملك ما بين الخافقين؛<sup>۸۷</sup>

بین شرق و غرب را مالک می‌گردد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر سخن خدا «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ»<sup>۸۸</sup> «بگو: حق آمد  
و باطل نابود شد»، فرموده‌اند:

إذا قام القائم ذهب دولة الباطل؛<sup>۸۹</sup>

زمانی که قائم قیام کند دولت باطل نابود شود.

هم‌چنین امام باقر علیه السلام در تفسیر این سخن خداوند: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ  
أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»<sup>۹۰</sup> «آنان  
که اگر در زمین به آنان فرمان‌روایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و  
امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و فرجام کارها در اختیار خداست.»  
فرمودند:

هذه الآية نزلت فى المهدي وأصحابه يملكهم الله مشارق الأرض و مغاربها  
و يظهر بهم الدين حتى لا يرى أثر من الظلم و البدع؛<sup>۹۱</sup>

این آیه درباره مهدی و اصحاب اوست. خداوند آنان را مالک شرق و  
غرب زمین می‌گرداند و با آنان دین را پیروز و حاکم می‌گرداند تا اثری  
از ظلم و بدعت‌ها دیده نشود.

امام باقر و صادق علیهما السلام درباره این سخن خداوند: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ  
الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۹۲</sup> «البته در زبور پس از تورات نوشتیم که  
زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.» فرمودند:

## القائم عليه السلام و أصحابه؛<sup>۹۳</sup>

وارثان زمین، قائم عليه السلام و اصحاب او خواهند بود.

امام باقر، صادق و سجاد عليهم السلام در تفسیر این سخن خداوند: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»<sup>۹۴</sup> «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد ساخت.» فرموده‌اند:

منظور مهدی آل محمد عليهم السلام و یاران او هستند.<sup>۹۵</sup>

محمد بن مسلم گفته است که شنیدم امام باقر عليه السلام درباره حکومت و دولت قائم عليه السلام فرمودند:

## یبلغ سلطانه المشرق و المغرب؛<sup>۹۶</sup>

قدرت امام به مشرق و مغرب زمین می‌رسد.

ابوجارود و جابر بن یزید جعفری در این باره نقل کرده‌اند که امام باقر عليه السلام فرمودند:

## يفتح الله له شرق الأرض و غربها؛<sup>۹۷</sup>

خداوند برای او شرق و غرب زمین را فتح می‌نماید.

ابوبصیر از امام صادق عليه السلام درباره حدود فتوحات قائم عليه السلام گزارش می‌کند:

## ثم يظهره الله عز وجل فيفتح الله على يده مشارق الأرض و مغاربها؛<sup>۹۸</sup>

خداوند او را ظاهر و غالب می‌گرداند، پس بر دستانش مشرق و مغرب زمین را فتح می‌نماید.

امام صادق عليه السلام در حدیث دیگر درباره نقش پرچم رسول خدا صلى الله عليه وآله در انقلاب مهدوی فرموده‌اند:

## ثم ينشر راية رسول الله إذا نشرها أضاء لها ما بين المشرق و المغرب؛<sup>۹۹</sup>

پرچم رسول خدا را برافراشته می‌کند. زمانی که آن را برافرازد، میان مشرق و مغرب را برای او روشن می‌نماید.

ابن دراج نقل کرده که شنیدم امام صادق علیه السلام در تفسیر این سخن خداوند: «قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ»<sup>۱۰۰</sup> «بگو روز پیروزی آنان که کفر ورزیده‌اند، نه ایمانشان برایشان سودمند است و نه به آنان مهلت داده می‌شود.» در معرفی یوم‌الفتح فرموده‌اند:

یوم تفتح الدنيا على القائم عليه السلام ولا ينفع أحداً تقرب بالإنیان ما لم یمكن ذلك قبل ذلك مؤمناً؛<sup>۱۰۱</sup>

روز فتح دنیا بر قائم علیه السلام است و کسی را تقرب او به ایمان ظاهری مادامی که پیش از آن مؤمن نبوده است، سودی نمی‌رساند.

امام رضا علیه السلام در حدیث معراج از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره حدود حاکمیت حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده که خداوند فرمود:

لأملكته مشارق الأرض و مغاربها؛<sup>۱۰۲</sup>

او را مالک مشرق و مغرب زمین می‌گردانم.

تشکیل نخستین حکومت جهانی توحیدی بر پایه اسلام شیعی، نوآوری بزرگ انقلاب مهدوی است. حکومت و دولت حضرت مهدی علیه السلام نامحدود و فراگیر خواهد بود و یک حکومت بر سراسر جهان حاکم خواهد شد و دولت قائم علیه السلام سراسری و بین‌المللی و بی‌حد و مرز است.

## حکومت جاودان

حضرت ولی‌عصر علیه السلام حکومتی جهانی تشکیل خواهند داد که نخستین و آخرین حکومت جهانی است. حکومت جهانی حضرت قائم علیه السلام و یارانش، پایدار و زوال‌ناپذیر است و تا روز قیامت ادامه خواهد داشت. همه حکومت‌هایی که در بخش‌هایی از زمین استقرار یافته‌اند، موقت بوده‌اند و از بین رفته‌اند و خواهند رفت، ولی در پایان تاریخ حکومت جاودان و بی‌پایان اسلامی برقرار خواهد شد که هرگز نابود نمی‌شود. عمر آن حکومت تا پایان عمر دنیاست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر در وصف حضرت مهدی علیه السلام فرموده‌اند:

ألا إن خاتم الأئمة منّا القائم المهدي... ألا إنه الباقي حجّة و لا حجّة بعده؛<sup>۱۰۳</sup>

آگاه باشید خاتم امامان، مهدی قائم از ماست... آگاه باشید که مهدی حجت باقی و پایدار است و هیچ حجتی پس از او نیست.

پیامبر ﷺ در این خطبه، حضرت قائم ﷺ را آخرین امام برای بشر و حجت باقی و جاودان که حجتی دیگر در پی او نیست، معرفی نموده‌اند. پیامبر اعظم ﷺ در حدیث قدسی معراج از قول خدای متعال دولت پایدار آخرین وصی پیامبر خدا، حضرت مهدی ﷺ را چنین معرفی نموده‌اند:

لَأَدِيمَنَّ مَلِكَةً وَلَأَدُولَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛<sup>۱۴</sup>

مُلک و قدرت و حکومت مهدی را ادامه می‌دهم و حکومت را در روزهای باقی از جهان بین اولیای خودم تا روز قیامت به گردش در خواهم آورد.

ابوصادق از امام باقر ﷺ در معرفی آخرین دولت جهانی چنین می‌گوید:

دَوْلَتَنَا آخِرَ الدَّوَلِ وَلَنْ يَبْقَى أَهْلُ بَيْتِ هِمَّ دَوْلَةٍ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لَنَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْ سِيرَتَنَا: إِذَا مَلَكْنَا سَرْنَا مِثْلَ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛<sup>۱۵</sup>

دولت ما آخرین دولت‌هاست و هیچ خاندانی نمی‌ماند، جز این‌که پیش از ما به حکومت برسند؛ چون زمانی که سیره ما را دیدند ادعا نکنند و نگویند: زمانی که ما بر حکومت برسیم، مثل سیره اهل بیت پیامبر رفتار خواهیم کرد، و آن آخرین دولت، همان سخن خداست که «عاقبت و پایان نیک از آن پارسایان است.»

در این حدیث شریف ضمن تبیین نکته مهمی از فلسفه غیبت، به صراحت دولت جهانی مهدوی را پایان بخش دولت‌ها می‌شمارد.

حسن بن هارون گفته است در محضر امام صادق علیه السلام نشسته بودم که معلی بن خنیس پرسید: «آیا سیره قائم علیه السلام خلاف سیره امام علی علیه السلام است؟» امام فرمود: «آری! علت تفاوت سیره علوی و مهدوی این است که سیره علی علیه السلام با منت و دست برداشتن و آزاد کردن همراه بود؛ زیرا می‌دانست دیگران پس از او بر شیعه او غلبه خواهند یافت.» و در ادامه فرمود:

وَأَنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ سَارَ فِيهِمْ بِالسِّيفِ وَالسَّبِيِّ وَذَلِكَ أَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ شِيعَتَهُ لَمْ يَظْهَرِ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا؛<sup>۱۰۶</sup>

و زمانی که قائم قیام کند، با شمشیر و اسیر نمودن با دشمنان برخورد خواهد نمود؛ زیرا می داند که شیعه او هرگز پس از او مغلوب نخواهند شد و هیچ کس بر آنان پیروز نمی گردد.

به حکم احادیث پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در پایان دولت های جهان، دولت جهانی حضرت مهدی علیه السلام تشکیل می گردد که آخرین دولت و حکومت پایانی تاریخ در دنیاست. حکومت قائم علیه السلام پایان حکومت هاست که تا قیامت بریاست و حکومتی پس از آن نخواهد بود و هیچ گاه نابود نمی شود. حکومت جهانی شیعه اهل بیت با دولت قائم علیه السلام پدید می آید و استوار و پایدار خواهد ماند.

### نابودی کفر و شرک

کافر و مشرک از آغاز تاریخ ادیان الهی بر روی کره زمین پیدا شده اند و همواره کفر و شرک در جریان باطل در برابر جریان حق قرار داشته است. نابودی کفر و شرک و کفار و مشرکان در جهان نوآوری الهی دیگر در انقلاب مهدوی است. در عصر ظهور، کفر و شرک از زمین زدوده خواهد شد و کافران و مشرکان هلاک می گردند. تحقق این حقیقت در احادیث پیامبر و امامان پیش بینی شده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر در موضوع شرک ستیزی حضرت قائم علیه السلام فرموده اند:

أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنَ أَهْلِ الشَّرْكِ؛<sup>۱۰۷</sup>

آگاه باشید مهدی علیه السلام نابودکننده تمام قبیله های اهل شرک است.

بنابر گزارش ابن عباس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حضرت مهدی علیه السلام ظهور می کند «و یمحق الکافرین»؛<sup>۱۰۸</sup> کافران را محو و نابود می کند. امام علی علیه السلام در دست آوردهای انقلاب مهدوی فرموده اند:

و يهلك الكافر؛<sup>۱۰۹</sup>

کافر را هلاک و نابود می نماید.

سلام بن مستنیر از امام باقر علیه السلام در تفسیر این سخن خدای متعال «اعلموا أنّ الله يُخَيِّ الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»؛<sup>۱۱</sup> «بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌کند.» فرمودند:

يحييها الله عزّوجلّ بالقائم عليه السلام بعد موتها بموت كفر أهلها و الكافر ميّت؛<sup>۱۱</sup>  
 خداوند به وسیله قائم عليه السلام زمین را پس از مرگش زنده می‌کند، کافر مرده است و زمین با وجود کافر مرده است و با نابودی کافر اهل زمین زنده می‌شود.

زراره از امام صادق علیه السلام درباره شرک‌زدایی در انقلاب مهدوی نقل کرده است که دین محمد صلى الله عليه وآله به همه جا می‌رسد حتی «لا يكون شرک على ظهر الأرض»؛<sup>۱۲</sup> تا شرک بر روی زمین نباشد و زدوده گردد.

معاویه دهنی از امام صادق علیه السلام در تفسیر این سخن خدا «يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيَاهُمْ فَيُوْخَذُ بِالتَّوْاصِي وَالْأَقْدَامِ»؛<sup>۱۳</sup> «گناه کاران از سیمایشان شناخته می‌شوند، پس موهای جلوی سر و پاهایشان گرفته می‌شود.» نقل می‌کند:

لو قام قائمنا أعطاه الله السيّء فيأمر بالكافر فيؤخذ بنواصيهم وأقدامهم ثمّ يخبط بالسيف خبطاً؛<sup>۱۴</sup>

اگر قائم ما قیام کند، خداوند به او سیما عطا می‌فرماید (کافران با سیمایشان شناخته می‌شوند)، پس درباره کافر فرمان دهد. سپس موهای جلوی سر و پاهایشان را بگیرند و با شمشیر کتک شدیدی به آنان برنند تا بمیرند.

ابوبصیر گفته است که امام صادق علیه السلام در نابودی کافر و مشرک در عصر ظهور فرموده‌اند:

فإذا خرج القائم لم يبق كافر بالله العظيم ولا مشرک بالإمام إلا كره خروجه حتّى لو كان كافراً ومشرکاً في بطن صحرة لقاتل: يا مؤمن في بطنی کافر فأکسرنی وأقتله؛<sup>۱۵</sup>

زمانی که قائم عليه السلام قیام کند، هیچ کافر به خدای بزرگ و مشرکی نمی‌ماند، جز این که خروج امام را خوش نمی‌دارد تا این که اگر کافر و

مشرکی در دل صخره‌ای باشد، می‌گوید: ای مؤمن! در دل من کافری است، مرا بشکن و او را بکش!

ابن‌بکیر گفته است که امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده‌اند:

زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، اسلام بر کافران شرق و غرب جهان عرضه می‌گردد؛ اگر اسلام نیاوردند گردن آنان زده شده و نابود می‌شوند.<sup>۱۱۶</sup>

امام رضا علیه السلام ظهور حضرت قائم علیه السلام را رحمت برای مؤمنان و عذاب برای کافران شمرده‌اند.<sup>۱۱۷</sup> عبدالعظیم حسنی نیز از امام جواد علیه السلام نقل کرده که درباره کفرزدایی در انقلاب مهدوی فرموده‌اند:

لكن القائم الذي يطهر الله عزوجل به الأرض من أهل الكفر والجهود؛<sup>۱۱۸</sup>  
قائم علیه السلام رهبری است که خدای عزوجل به وسیله او زمین را از کفر و انکار پاک می‌گرداند.

بنابر گزارش احادیث معصومان علیهم السلام، در سرانجام تاریخ در عصر ظهور قائم علیه السلام شرک و کفر از روی زمین زدوده شده و هیچ مشرک و کافری زنده نخواهد ماند و تمام کفار و مشرکان نابود می‌گردند و ریشه کفر و شرک از بین می‌رود.

### نابودی بت‌پرستی

علاوه بر کفر و شرک که در عصر ظهور نابود می‌گردد تمام انواع بت‌پرستی نیز از بین می‌رود و اثری از بت‌پرستی‌ها نخواهد ماند و این نوآوری در انقلاب مهدوی با رهبری حضرت قائم علیه السلام روی خواهد داد. لات و عزّی بت‌های بزرگ عرب را حضرت مهدی علیه السلام می‌سوزاند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

فيخرج اللات والعزى طريين فيحرقهما؛<sup>۱۱۹</sup>

مهدی علیه السلام لات و عزّی را تر و تازه بیرون آورده و آتش می‌زند.

محمد بن مسلم ثقفی گفته است که شنیدم امام باقر علیه السلام در زمینه سرنوشت بت‌پرستی در عصر ظهور فرموده‌اند:



فلا يبقى في الأرض معبودٌ دون الله من صنمٍ أو وثنٍ وغيره إلا وقعت فيه نارٌ  
فاحترق؛<sup>۱۲۰</sup>

پس هیچ معبودی غیر از خدا از انواع بت‌ها نخواهد بود، جز این‌که  
آتشی در آن افتد و بسوزد.

ابوبصیر نیز از امام صادق علیه السلام گزارش کرده است:

لا تبقى في الأرض بقعة عبد فيها غير الله عز وجل إلا عبد الله فيها؛<sup>۱۲۱</sup>  
در زمین بقعه‌ای نماند که در آن غیر خدا عبادت شود، جز این‌که تبدیل  
به جای‌گاهی شود که خداوند در آن عبادت گردد.

### بقیة الله؛ حجت و امامت جهانی الهی

حضرت مهدی علیه السلام بقیة الله و آخرین امام و حجت جهانی پروردگار متعال  
است. نمایندگان خدا و انبیا و اوصیای الهی برخی حجت بر یک منطقه و راه‌نمای  
قوم و ملتی خاص بوده‌اند، اما پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اوصیای ایشان علیهم السلام، همه  
حجت‌های جهانی و بین‌المللی‌اند. حضرت قائم علیه السلام آخرین امام معصوم و آخرین  
وصی پیامبر و ذخیره انبیای الهی است که بقیة الله و حجت جهانی است.  
جابر بن عبدالله انصاری، صحابی مشهور و موثق پیامبر، برای تبریک میلاد امام  
حسن علیه السلام خدمت حضرت فاطمه علیها السلام رسید و صحیفه‌ای را نزد آن حضرت دید.  
وی شناس‌نامه ائمه را در این صحیفه الهی فاطمی مشاهده نمود و آن‌گاه به  
گزارش آن پرداخت. در آن صحیفه درباره حضرت مهدی علیه السلام آمده است:

ابوالقاسم محمد بن الحسن، هو حجة الله تعالى على خلقه القائم؛<sup>۱۲۲</sup>  
ابوالقاسم محمد فرزند حسن، او حجت قائم خدای متعال بر خلق  
اوست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر نیز حضرت مهدی علیه السلام را حجت باقی و پایدار و  
حجت جهانی که پس از او حجتی نیست نامیده‌اند.<sup>۱۲۳</sup>  
امام علی علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که درباره ندای الهی در آستانه ظهور  
فرموده‌اند:

و منادی ینادی: هذا المهديّ خليفة الله فاتبعوه؛<sup>۱۲۴</sup>

منادی فریاد می‌زند: این مهدی جانشین خداست، پس از او پیروی کنید.  
محمد بن مسلم گفته است که شنیدم امام باقر علیه السلام درباره جای‌گاه ظهور و نخستین سخنان حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

إذا خرج أسند ظهره إلى الكعبة... و أول ما ينطق به هذه الآية: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». ثم يقول: أنا بقية الله في أرضه؛<sup>۱۲۵</sup>

زمانی که قیام کند به کعبه تکیه داده و نخستین سخنی که می‌گوید این آیه است: «بقیة الله برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید.» سپس می‌فرماید: من بقیة الله در زمینم!

امام صادق علیه السلام در گفت‌وگو با مفضل بن عمر، حضرت مهدی علیه السلام را حجة الله نامیده<sup>۱۲۶</sup> و به عمران بن داهر فرموده‌اند به حضرت مهدی علیه السلام باید چنین سلام کرد:

السلام عليك يا بقية الله ثم قرأ «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ»؛<sup>۱۲۷</sup>  
سلام بر تو ای بقیة الله! سپس آیه بقیة الله برای شما بهتر است را قرائت نمود.

امام رضا علیه السلام درباره ندای آسمانی در آغاز ظهور فرموده‌اند:

ینادی من السماء يسمعه جميع أهل الأرض بالدعاء إليه يقول: أَلَا إِنَّ حَجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَ فِيهِ؛<sup>۱۲۸</sup>

منادی از آسمان فریادی می‌زند که همه زمینیان صدای او را می‌شنوند. او می‌گوید: آگاه باشید حجة الله در نزد بیت الله ظهور کرد، پس از او پیروی کنید، همانا حق با او و در اوست.

به نقل امام رضا علیه السلام در گزارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از گفتار خداوند در معراج، حضرت مهدی علیه السلام، آخرین وصی، آخرین خلیفه، آخرین ولی و برگزیده خداوند و آخرین حجت الهی بر مردم جهان است که برای پیروزی و حاکمیت دین و اعلامی کلمة الله و پاک نمودن زمین از دشمنان خدا خواهد آمد.<sup>۱۲۹</sup>

بنابر احادیث معصومان علیهم السلام، حضرت مهدی علیه السلام بقیة الله و امام و حجت جهانی است که هم‌زمان با ندای آسمانی و سخنان خود از مسجد الحرام به جهانیان

معرفی می‌گردد و تنها حجت الهی است که توفیق نهایی و کامل دارد و توحید را بر سراسر جهان حاکم می‌نماید.

### نابودی ظلم در جهان

ظلم در تاریخ زندگانی بشر از حضرت آدم علیه السلام تا امروز وجود داشته و هیچ‌گاه از بین نرفته است. از دست‌آوردهای بزرگ انقلاب مهدوی، نوآوری حضرت مهدی علیه السلام در نابودی کامل ظلم در سراسر زمین و در همه کشورها و شهرهای جهان است. از آرمان‌های بزرگ انبیای الهی و اوصیای آنان و مجموعه بشریت در زندگانی اجتماعی سیاسی، از بین بردن ظلم و نابودی ستم بوده است. این هدف مقدس در انقلاب شکوهمند مهدوی در حد نهایی و کامل تحقق خواهد یافت. هیچ‌یک از پیامبران و اوصیای آنان حتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام توفیق نیافتند ظلم را در مقیاس جهانی از بین ببرند. تنها در عصر ظهور مهدی علیه السلام این نوآوری در نابودی ستم در سراسر جهان روی خواهد داد.

امام علی علیه السلام فرموده‌اند:

در هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام خداوند زمین را از ستم‌گران پاک می‌کند.<sup>۱۳۰</sup>

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام درباره ظلم‌ستیزی حضرت مهدی علیه السلام چنین می‌گوید:

### فیبعث المهدی جنوده إلى الآفاق و یمیت الجور و أهله؛<sup>۱۳۱</sup>

مهدی علیه السلام سپاهیانش را به سراسر جهان می‌فرستد و ستم و اهل ستم را نابود می‌کند و می‌میراند.

ابوجارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که درباره سرانجام ظلم‌ستیزی حضرت مهدی و یارانش فرموده‌اند:

یمیت الله به و أصحابه البدع و الباطل كما أمات السفهة الحقّ حتی لا یرى  
أثر من الظلم؛<sup>۱۳۲</sup>

خداوند همان‌طور که سفیهان حق را نابود کرده بودند، با مهدی و اصحابش بدعت‌ها و باطل را می‌میراند و نابود می‌کند تا این‌که اثری از ظلم مشاهده نشود.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام درباره دست‌آورد انقلاب مهدوی چنین می‌گوید:

**و يطهر الأرض من كل جور و ظلم؛<sup>۱۳۳</sup>**

زمین را از هرگونه ظلم و ستمی پاک می‌گرداند.

به گزارش شیخ مفید، علی بن عقبه از پدرش روایت کرده است:

**إذا قام القائم حكم بالعدل و ارتفع في أيامه الجور؛<sup>۱۳۴</sup>**

زمانی که قائم علیه السلام قیام نماید، به عدالت حکم کند و در دوران او ستم برداشته شود.

امام رضا علیه السلام ظهور حضرت مهدی علیه السلام را عامل لعنت و هلاکت و نابودی ستم‌گران شمرده‌اند.<sup>۱۳۵</sup> حسین بن خالد نیز از امام رضا علیه السلام دست‌آوردهای قیام قائم علیه السلام را چنین نقل می‌کند:

**يطهر الله به الأرض من كل جور و يقدها من كل ظلم؛<sup>۱۳۶</sup>**

خداوند با او زمین را از هرگونه جور و ظلمی پاک نماید و مقدس گرداند.

بنابر گزارش صریح و روشن احادیث معصومان علیهم السلام، با ظهور حضرت مهدی علیه السلام زمین از ظلم پاک می‌شود و ستم نابود می‌گردد و هیچ اثری از ظلم مشاهده نخواهد شد و با مرگ ظلم در سراسر زمین، نوآوری شگفت‌انگیز بزرگی روی خواهد داد.

### **برقراری عدل جهانی**

همه پیامبران الهی برای برقراری قسط و عدالت اجتماعی برانگیخته شده‌اند،<sup>۱۳۷</sup> ولی در هیچ زمانی این هدف مقدس در سطح جهانی تحقق نیافته است و تنها در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام عدالت در سراسر گیتی برقرار خواهد شد. برپایی

عدالت کامل در سراسر جهان، بزرگ‌ترین نوآوری در انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام است. مشهورترین امتیاز انقلاب جهانی مهدوی برقراری عدل جهانی است. پُر شدن سراسر زمین و سرشار و انباشته شدن جهان از عدالت، نوآوری بارزی است که در عصر ظهور تحقق خواهد یافت. این حقیقت بارها در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام یادآوری گردیده است. جمله زیبای «یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا» که خبر از حاکمیت قسط و عدل بر سراسر جهان می‌دهد و نابودی کامل ظلم و برقراری عدالت در حکومت و دولت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را آشکار می‌نماید، بارها از جانب معصومان علیهم السلام در وصف حضرت قائم علیه السلام به کار رفته است که آن را متواتر می‌توان دانست. این تعبیر ارزشی و پرمحتوا، بارها از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و امام موسی بن جعفر علیه السلام و امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است.

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسُّوْيَةِ وَعَدْلٌ فِي الرَّعِيَّةِ؛<sup>۱۴۹</sup>

زمانی که قائم اهل بیت قیام کند، ثروت را مساوی تقسیم نماید و در رعیت عدالت را برپا کند.

فضیل از امام صادق علیه السلام نقل کرده که درباره عدل‌گستری حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

أَمَّا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بَيْتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرَّ وَالْقَرَّ؛<sup>۱۵۰</sup>

به خدا سوگند مهدی علیه السلام عدل خود را در دل خانه‌هایشان وارد می‌نماید، همان‌طور که گرما و سرما وارد می‌شود.

هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام درباره عدالت برتر و نهایی حضرت مهدی علیه السلام چنین می‌گوید:

ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرا نمی‌رسد، مگر هر صنف و قشری از مردم به حکومت برسند و امتحان بدهند تا در عصر ظهور کسی ادعا نکند که اگر به حکومت می‌رسیدیم، عدالت را برقرار می‌کردیم. سرانجام حضرت قائم علیه السلام به حق و عدل قیام می‌کند.<sup>۱۵۱</sup>

به بیان امام صادق و امام موسی بن جعفر علیهما السلام، حضرت مهدی علیه السلام زمین را با عدالت پس از جور زنده می‌گرداند.<sup>۱۵۲</sup>

امام رضا علیه السلام درباره عدالت‌طلبی حضرت مهدی علیه السلام فرموده‌اند:

وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم أحدٌ أحداً؛<sup>۱۵۳</sup>

میزان عدالت را بین مردم می‌نهد، پس کسی به کسی ستم نمی‌کند.

بنابر احادیث متواتر معنوی بلکه لفظی، قائم آل محمد علیهم السلام عدل جهانی را برقرار می‌نماید و آرمان همه انبیا و اوصیای الهی را تحقق می‌بخشد و با نوآوری در زنده کردن زمین با عدل و قسط و پیروزی نهایی عدالت و ایمان، مردم سراسر جهان را به رستگاری و سعادت می‌رساند.

### نابودی شیطان

شیطان زمانی که از درگاه الهی رانده شد، تلاش در راه گم‌راهی بشر را آغاز کرد و این تلاش پیوسته ادامه دارد تا قائم آل محمد علیهم السلام ظهور کند. هیچ‌کس نتوانسته است شیطان را نابود کند و به دست حضرت مهدی علیه السلام نوآوری بزرگ، مرگ و نابودی شیطان، رخ خواهد داد.

امام هادی علیه السلام در تبیین معنای «شیطان رجیم» فرموده‌اند:

معنی الرجیم آنه مرجومٌ باللعن، مطرودٌ من مواضع الخیر، لا یذکره مؤمن  
إلا لعنه و أنّ فی علم الله السابق أنّه إذا أخرج القائم لایقی مؤمن فی زمانه  
إلا رجمه بالحجارة، كما كان قبل ذلك مرجوماً باللعن؛<sup>۱۵۴</sup>

معنای رجیم این است که شیطان، رانده شده و رجم شده با لعنت و طرد شده از جای‌گاه‌های خیر است. هیچ مؤمنی او را به یاد نیاورد، جز این‌که او را لعن کند و در علم الهی است زمانی که قائم علیه السلام قیام کند. هیچ مؤمنی در زمان او نمی‌ماند، جز این‌که شیطان را با سنگ رجم کند، همان‌طور که پیش از آن با لعن رجم شده بود.

بنابر این حدیث، مؤمنان در عصر ظهور علاوه بر لعنت شیطان، او را با سنگ رجم می‌کنند و سرانجام این نوآوری در رجم شیطان، مرگ و نابودی شیطان خواهد بود.

جابر بن یزید جعفی گفته است که امام باقر علیه السلام در تفسیر سخن خدا «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى»<sup>۱۵۵</sup> «سوگند به شب زمانی که بیوشاند.» فرمود:

دولة إبليس إلى يوم القيامة و هو يوم قيام القائم عليه السلام؛  
منظور دولت ابلیس است تا روز قیامت و روز قیامت روز قیام قائم علیه السلام است.

و در تفسیر «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى»<sup>۱۵۶</sup> «سوگند به روز زمانی که جلوه نماید.» فرمود:

هو القائم إذا قام؛<sup>۱۵۷</sup>

او حضرت قائم علیه السلام است، زمانی که قیام نماید.

بنابر این حدیث، شب تاریک قدرت و سلطه ابلیس با ظهور حضرت مهدی علیه السلام پایان می‌یابد و قیام قائم علیه السلام روز قیامت برای ابلیس است.

و هب بن جمیع گفته است از امام صادق علیه السلام درباره این سخن ابلیس پرسیدم که گفت: «رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يَعْثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»<sup>۱۵۸</sup> «پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته می‌شوند مهلت ده! گفت: پس تو از مهلت داده شدگانی تا روز وقت معین.» امام پاسخ داد: «گمان نکن که منظور روز برانگیخته شدن مردم در روز قیامت است»؛

و لكن الله عزوجل أنظره إلى يوم يبعث الله عزوجل قائمنا فإذا بعث الله عزوجل قائمنا فياخذ بناصيته و يضرب عنقه فذلك يوم الوقت المعلوم؛<sup>۱۵۹</sup>

خداوند تا روزی که قائم ما را برانگیزد به شیطان مهلت داد، پس زمانی که خداوند قائم ما را برانگیزد، موی جلوی سر او را می‌گیرد و گردنش را می‌زند، آن روز وقت معلوم است.

اسحاق بن عمار نیز همین پرسش را از امام سجاد علیه السلام پرسیده است و امام زین العابدین علیه السلام فرموده‌اند:

الوقت المعلوم يوم قيام القائم فإذا بعثه الله كان في المسجد الكوفة و جاء إبليس حتى يجثو على ركبتيه فيقول: يا ويلاه من هذا اليوم، فياخذ بناصيته فيضرب عنقه فذلك يوم الوقت المعلوم منتهى أجله؛<sup>۱۶۰</sup>

وقت معلوم، روز قیام قائم علیه السلام است، پس زمانی که خداوند قائم را برانگیزد، ابلیس در مسجد کوفه آید، بر دو زانو بنشیند و گوید: وای از این روز! پس قائم علیه السلام موی جلوی سر او را بگیرد و گردنش را بزند پس آن روز، روز وقت معلوم نهایت اجل ابلیس است.

بنابر احادیث معصومان علیهم السلام در عصر ظهور، مردم علاوه بر لعنت شیطان به او سنگ می‌زنند و «وقت معلوم» و پایان مهلت شیطان، عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. در آن زمان «شیطان‌کشی» که نوآوری بزرگ در انقلاب مهدوی است، روی می‌دهد و شیطان و ابلیس به دست مبارک حضرت مهدی علیه السلام کیفر می‌بیند و گردنش زده می‌شود و جهان از شر او نجات می‌یابد و مردم آزاد می‌گردند. شیطان مظهر نافرمانی پروردگار و فرمان‌دهی فساد، جنایت، غارت، خیانت، دزدی، زنا، ربا، شراب‌خواری، آدم‌کشی، فریب‌کاری، زشتی‌ها و منکرات است و نابودی شیطان از منتفی شدن مظاهر و گفتار و رفتار شیطانی در عصر ظهور خبر می‌دهد. با نابودی شیطان و رجم مظاهر شیطانی، ارزش‌های الهی و انسانی استقرار همه‌جانبه و کامل خواهد یافت.

### امنیت جهانی

انسان‌ها همیشه از ناامنی وحشت داشته‌اند و ناامنی همواره مردم را نگران می‌کند و آزار می‌دهد. آرامش، امنیت و آسایش محبوب همه مردم جهان است. برقراری امنیت برای بندگان خدا در جهت انجام وظایف الهی خویش و رسیدن به رشد و کمال و سعادت از اهداف انبیا و اوصیای آنان به شمار می‌رود، اما هیچ‌گاه امنیت در سطح و مقیاس جهانی تحقق نیافته است. برقراری امنیت جهانی پایدار در سراسر کره زمین از دست‌آوردهای مقدس انقلاب جهانی مهدوی و نوآوری برجسته و شگفت‌انگیزی است که به دست حضرت مهدی علیه السلام شکل خواهد گرفت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره حدود جغرافیایی امنیت مهدوی فرموده‌اند:

يسبط في المغرب و المشرق الأمن من كرامة الحجّة بن الحسن عليه السلام حتى يرتع  
الأسد مع الغنم و النمر مع البقر و الذئب و الغنم و تلعب الصبيان مع  
الحيات؛ ۱۶۱



امنیت از کرامت حجة بن الحسن علیه السلام در مغرب و مشرق گسترش می‌یابد، به گونه‌ای که شیر با گوسفند و پلنگ با گاو و گرگ و گوسفند با هم می‌گردند و می‌چرخند و بچه‌ها با مارها بازی می‌کنند.

امام علی علیه السلام درباره برقراری امنیت میان درندگان در عصر ظهور فرموده‌اند:

### تصطلح فی ملکه السباع؛<sup>۱۶۲</sup>

در حکومت مهدی درندگان با هم آشتی و سازش می‌نمایند.

درباره امنیت جهانی در عصر ظهور نیز ایشان فرموده‌اند:

لو قد قام قائمنا لأنزلت السماء قطرها و اصطلحت السباع و البهائم، حتى تسمى المرءة بين العراق و الشام و لا يبيحها سبع و لا تخافه؛<sup>۱۶۳</sup>

اگر قائم ما قیام کند، آسمان بارانش را فرو فرستد و درندگان و چهارپایان سازش و آشتی کنند و در آرامش با هم زندگی نمایند تا این‌که زن در شب بین عراق و شام سیر کند و درنده‌ای او را به هیجان نیاورد و نترساند.

ابن عباس صحابی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره عصر ظهور قائم علیه السلام گفته است:

لا يبقى صاحب ملة إلا صار إلى الإسلام حتى تأمن الشاة من الذئب و البقر من الأسد و الإنسان من الحية و... و ذلك عند قيام القائم؛<sup>۱۶۴</sup>

هیچ صاحب ملتی نمی‌ماند، جز این‌که اسلام آورد و مسلمان گردد تا گوسفند از گرگ و گاو از شیر و انسان از مار در امنیت قرار گیرد و... این در هنگام قیام قائم است.

قتاده گفته است:

المهدى خير الناس... يطفىء الله به الفتنة العمياء و يأمن الأرض حتى أن المرءة لتحتج في خمس نسوة و ما معهن رجل لا تتقى شيئاً؛<sup>۱۶۵</sup>

مهدی بهترین مردم است... خداوند با او فتنه کور را خاموش کند و زمین را امن گرداند تا این‌که زنی هم‌راه پنج زن حج کند و با آنان مردی نباشد، از چیزی پروا نکنند و نترسند.

امام باقر علیه السلام درباره کیفیت دست آوردهای امنیتی انقلاب مهدوی فرموده‌اند:

يقاتلون والله حتى يوحّد الله و لا يشرك به شى ء و حتى يخرج العجوز

الضعيفة من المشرق تريد المغرب لا ينهها أحد أو لا يؤذيها أحد؛<sup>۱۶۶</sup>

به خدا سوگند! می‌جنگند تا توحید برقرار و هیچ‌کس شرک نرزد و تا این‌که پیرزن ضعیفی بتواند از مشرق از خانه خارج شود و اراده مغرب کند و احدی او را باز ندارد و نهی نکند، یا احدی او را آزار ندهد.

علی بن عقبه صحابی امام صادق علیه السلام از پدرش از امام معصوم درباره امنیت‌گستری حضرت مهدی علیه السلام چنین گزارش می‌کند:

أمنت به السبل؛<sup>۱۶۷</sup>

راه‌ها با قیام قائم علیه السلام امنیت یابد.

امام سجاد علیه السلام و به نقل ابوبصیر و عبدالله بن سنان، امام صادق علیه السلام در تفسیر این سخن خدا «وَلَيَبْدِلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»؛<sup>۱۶۸</sup> «قطعاً ترس آنان را به امنیت تبدیل خواهد نمود.» فرموده‌اند: «آیه درباره قائم و اصحابش نازل شده و منظور ظهور قائم علیه السلام است.»

امام صادق علیه السلام به کسی که از دست آوردهای ظهور بی‌خبر بود و در آرزوی ظهور نبود، درباره برقراری امنیت در راه‌ها در عصر ظهور فرمودند:

سبحان الله أما تحب أن يظهر العدل ويأمن السبل وينصف المظلوم؟<sup>۱۶۹</sup>

منزه و پاک است خداوند! دوست نداری که عدل آشکار شود و راه‌ها امن گردد و انتقام مظلوم گرفته شود؟

ابوبکر حضرمی نقل کرده که امام صادق علیه السلام در تفسیر کلام خدا «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانْ أَمِنًا»؛<sup>۱۷۰</sup> «هرکه وارد آن شود در امان است.» فرموده‌اند:

فمن بايعه و دخل معه و مسح على يده و دخل في عقد أصحابه كان أماناً؛<sup>۱۷۱</sup>  
هرکس با قائم علیه السلام بیعت نماید و با او وارد شود و بر دست او مسح کند و در اصحاب او درآید، در امنیت خواهد بود.

در عصر ظهور و در ولایت حضرت مهدی علیه السلام امنیت، آرامش و آسایش همه‌جانبه برقرار می‌گردد و سازگاری انسان، حیوان و طبیعت در سطح عالی روی

خواهد داد و درندگان و حیوانات با هم در کمال آرامش زندگی می‌نمایند. در میان انسان‌ها نیز در سراسر جهان امنیت حاکم خواهد شد. در راه‌ها و کشورها و شهرهای جهان امنیت حقیقی استقرار می‌یابد و در پرتو آن، همه مردم حتی پیرزنان، بی‌ترس و نگرانی از آزار دیگران از شرق به غرب عالم سفر می‌کنند. این امنیت الهی میان موجودات جهان در سراسر زمین، دست‌آورد بزرگ انقلاب مهدوی و نوآوری شگفت‌انگیز قائم آل محمد علیهم‌السلام است.

### عمران تمام زمین

سراسر جهان در عصر ظهور آباد خواهد شد و همه خرابی‌ها از بین می‌رود و همه‌جا آباد می‌گردد. عمران تمام زمین در حدی که هیچ نقطه خراب و آباد نشده‌ای باقی نماند، از دست‌آوردهای قیام و انقلاب مهدی علیهم‌السلام است. محمد بن مسلم ثقفی از امام باقر علیه‌السلام این نوآوری انقلاب مهدوی را چنین گزارش کرده است:

فلا یبقی فی الأرض خراب إلا قد عمر؛<sup>۱۷۲</sup>

در زمین هیچ ویرانی و خرابی نماند، جز این‌که قطعاً آباد گردد.

این حدیث با تأکید، خبر از عمران و آبادی همه خرابی‌ها و ویرانی‌های زمین در عصر ظهور می‌دهد. روشن است عمران و آبادی خرابی‌ها به یک شهر، کشور و قاره اختصاص ندارد، بلکه سراسری و همه‌جایی خواهد بود و این نوآوری بزرگ با رهبری حضرت مهدی علیه‌السلام پدید می‌آید.

### توزیع برابر ثروت جهانی

همانند عصر ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام، هیچ‌گاه همه اموال و ثروت دنیا در اختیار امامان معصوم علیهم‌السلام برای تقسیم نبوده است. در اختیار گرفتن ثروت جهانی و تقسیم مساوی ثروت میان مردم جهان از دست‌آوردهای بزرگ انقلاب مهدوی به شمار می‌رود و همین برقراری مساوات کامل میان انسان‌ها در امر ثروت از نوآوری‌های حضرت قائم علیه‌السلام است.

ابوسعید خدری از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده است:

یحیی المال حثیاً لایعدّه عدداً یملاً الأرض عدلاً؛<sup>۱۷۳</sup>

مال و ثروت را می‌ریزد و نمی‌شمارد و زمین را از عدالت پر می‌کند.

معمر بن قتاده از رسول خدا ﷺ گزارش می‌کند:

إنه یتخرج الكنوز و یقسّم المال؛<sup>۱۷۴</sup>

گنج‌ها را استخراج می‌نماید و مال را تقسیم می‌کند.

در حدیث دیگر پیامبر اعظم ﷺ درباره نعمت بی‌نظیر امت در عصر ظهور

فرموده‌اند:

تنتعم أمتی من المهدی نعمة لم ینعموا مثلها قطّ، ترسل السماء علیهم مدراراً و لا تدع الأرض شیئاً من النبات إلا أخرجته و المال کدوس یقوم الرجل یقول یا مهدی أعطني فیقول خذ؛<sup>۱۷۵</sup>

امتم از مهدی به نعمتی می‌رسد که هرگز به نعمتی همانند آن نرسیده است، آسمان بر آنان باران پربرکت و پر بار می‌فرستد و زمین چیزی از گیاه و انمی‌گذارد، جز این‌که می‌رویاند و مال فراوان و روی هم انباشته است. مرد به امام عرض می‌کند: ای مهدی! عطا فرما و امام می‌فرماید: بگیر!

در حدیث دیگر پیامبر خدا ﷺ زندگانی در عصر ظهور را بهترین زندگانی

برمی‌شمرد و می‌فرماید:

تعیش أمتی فی زمانه عیش لم تعشه قبل ذلك فی زمان قطّ؛<sup>۱۷۶</sup>

امتم در زمان مهدی به گونه‌ای زندگی می‌کند که پیش از آن در هیچ زمانی چنان زندگی نداشته است.

در حدیث دیگر درباره نعمت در عصر ولایت مهدی ﷺ فرموده‌اند:

تنتعم أمتی فی ولایته نعمة لم ینعموا مثلاً؛<sup>۱۷۷</sup>

امتم در ولایت او به نعمتی می‌رسند که هیچ‌گاه به مثل آن نعمت نرسیده‌اند.

ابوسعید خدری در حدیث دیگر درباره چگونگی تقسیم مال در عصر ظهور از

قول پیامبر اکرم ﷺ چنین می‌گوید:

يَقْسَمُ الْمَالُ صِحَاحًا قَلْنَا وَمَا الصَّحَاحُ؟ قَالَ بِالسُّوِّيَةِ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا لَلَّ اللَّهُ  
قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ ﷺ غَنَى وَيَسْعُهُمْ عَدْلُهُ؛<sup>۱۷۸</sup>

مال را صحاح تقسیم می‌نماید. گفتیم: صحاح چیست؟ فرمود: مال را به  
طور مساوی بین مردم تقسیم می‌کند. پس خداوند دل‌های امت  
محمد ﷺ را بی‌نیاز می‌کند و عدل او آنان را فرا می‌گیرد.

امام باقر علیه السلام درباره عطایا و رزق در عصر ظهور فرموده‌اند:

يُعْطَى النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ وَيَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَيَسُوِّيَ بَيْنَ  
النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى حَاجَةً إِلَى الزَّكَاةِ وَيَجِيءُ أَصْحَابَ الزَّكَاةِ بِزَكَاةِهِمْ إِلَى  
الْحَاوِيحِ مِنْ شِيعَتِهِ فَلَا يَقْبَلُونَهَا فَيَصْرَوْنَهَا وَيُدَوِّرُونَ فِي دَوْرِهِمْ فَيُخْرِجُونَ  
إِلَيْهِمْ فَيَقُولُونَ: لَا حَاجَةَ لَنَا فِي دِرَاهِمِكُمْ؛

در سال دو مرتبه به مردم عطا و در ماه دو رزق و روزی می‌دهد و مال  
را مساوی توزیع می‌کند و بین مردم مساوات برقرار می‌نماید تا این‌که  
نیازمندی به زکات دیده نشود و اصحاب زکات، زکات مالشان را به نزد  
مستمندان از شیعه مهدی می‌آورند و آنان نمی‌پذیرند و در همیان  
می‌گذارند و در خانه‌هایشان می‌گردانند و به آنان برمی‌گردانند و  
می‌گویند: نیازی به دراهم شما نداریم.

در ادامه همین حدیث درباره انباشته شدن و گرد آمدن ثروت دنیا در نزد  
حضرت قائم علیه السلام فرموده‌اند:

يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا كُلِّهَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَظَهْرَهَا... فَيُعْطَى عَطَاءً  
لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ قَبْلَهُ؛<sup>۱۷۹</sup>

ثروت و اموال همه دنیا از نهان و روی زمین، در نزد او جمع می‌شود...  
پس عطایی می‌کند که کسی پیش از او نکرده است.

مفضل بن عمر از قول امام صادق علیه السلام بی‌نیازی مردم در عصر ظهور به دلیل  
عدالت در توزیع ثروت را چنین گزارش می‌کند:

يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِأَلِهِ وَيَأْخُذُ مِنْ زَكَاةِهِ، لَا يَوْجَدُ أَحَدٌ يَقْبَلُ مِنْهُ  
ذَلِكَ، اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ؛<sup>۱۸۰</sup>

مردی از شما کسی را جست‌وجو می‌کند که مالش را به او برساند و زکات او را بگیرد و هیچ‌کس را نمی‌یابد که زکات را از او قبول کند. مردم با آنچه خداوند از فضل خود روزی آنان نموده، بی‌نیاز می‌شوند.

بنابر این احادیث که پیرامون انقلاب مهدوی صادر شده، در عصر ظهور قائم علیه السلام ثروت و اموال سراسر جهان در اختیار آن حضرت قرار می‌گیرد و امام بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی جهان می‌گردد و ثروت را به طور مساوی بین همه مردم تقسیم می‌کند و همه بی‌نیاز خواهند شد و دیگر هیچ فقیری برای دریافت زکات باقی نخواهد ماند. بنابراین، گرد آمدن ثروت نزد امام و توزیع مساوی آن و بی‌نیازی عموم مردم جهان و پایان فقر و مشکلات مادی، نوآوری بزرگ اقتصادی در انقلاب جهانی مهدوی با دستان مبارک قائم آل محمد علیهم السلام است.

بهترین و بزرگ‌ترین توسعه اقتصادی در جهان بشری و حداکثر بهره‌گیری عادلانه بشریت از مواهب زمین در قیام و انقلاب حضرت مهدی علیه السلام روی خواهد داد و این توسعه اقتصادی جهانی در راه پیروزی نهایی صلاح، تقوا، صلح، صداقت، عدالت، عبادت و آزادی معنوی قرار خواهد داشت.

## نتیجه

با بازنگری مظاهر شکوفایی‌ها و نوآوری‌های مهدوی که در این مقاله بیان گردید، روشن می‌شود که انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام جامع تمام شکوفایی‌ها و نوآوری‌های مادی و معنوی جهانی است و در این بزرگ‌ترین انقلاب جهانی در پایان تاریخ ادیان توحیدی، با حاکمیت دین اسلام همه انواع شکوفایی‌ها و نوآوری‌های خداپسند و مقدس در سطح جهانی روی خواهد داد. گنج‌ها، معادن و برکات زمین شکوفا می‌گردد و درندگان زمین و پرندگان آسمان رام و سازگار می‌شوند و از او فرمان می‌پذیرند و خورشید، ماه، ابر، باد و باران با او هم‌کاری می‌کنند و سراسر دنیا در اوج شکوفایی در خدمت اهداف مقدس و الهی حضرت مهدی علیه السلام قرار می‌گیرد. بدن و روح انسان‌ها از آفت و بیماری‌ها پاک می‌شود و تمام استعدادهای جسمی و روحی آنان در خدمت انقلاب جهانی مهدوی شکوفا می‌گردد و مؤمنان با رهبری قائم آل محمد علیهم السلام و چشم‌ها و

گوش‌های تیز و عمر طولانی و با عقل و اخلاق کامل و رشد و شکوفایی نهایی دانش، با روحیه عالی و نشاط فراوان در راه تحقق آرمان‌های انبیا، اوصیا و اولیای الهی در طول تاریخ گام برمی‌دارند.

با این شکوفایی‌های فراوان و بزرگ در انقلاب مهدوی، نوآوری‌های شگفت‌انگیز جهانی روی می‌دهد. اسلام به سراسر جهان می‌رسد و جهانیان اسلام ناب محمدی را می‌پذیرند و ادیان بشری و ساختگی و ادیان الهی تحریف شده به پایان می‌رسند و کفر و شرک و بت‌پرستی در جهان نابود می‌شود. حکومت جهانی و جاودان واحد برپایه اسلام رهبری بقیة‌الله و حجت و امام جهانی بر تمام قاره‌ها، کشورها و شهرها برقرار خواهد شد. آن‌گاه ظلم در انواع گوناگونش از بین می‌رود و عدالت جهانی برای همیشه برقرار می‌گردد. شیطان و مظاهر رفتار شیطانی نابود می‌شوند و همه زمین آباد و ثروت جهانی عادلانه و مساوی توزیع می‌گردد و امنیت جهانی برقرار می‌شود.

رهبر انقلاب با در اختیار داشتن آثار مقدس همه انبیا، اوصیا و اولیای پیشین، با یاران بی‌نظیر و با سلاح‌های آسمانی و امدادهای غیبی، پیش‌رفت‌های سریع و برق‌آسایی خواهد کرد و جهانیان را به رشد و سعادت خواهد رساند.

## پی نوشتها

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۱۵۴-۱۵۵، چاپ اول: انتشارات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، لبنان ۱۴۰۳ قمری.
۲. محمداقبر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰-۲۳۱، چاپ سوم: انتشارات مؤسسة الوفاء، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
۳. نعمانی، الغیبة، ص ۱۷۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵.
۴. نعمانی، الغیبة، ص ۱۵۳.
۵. همان، ص ۱۵۲.
۶. همان، ص ۱۲۹ و ص ۱۷۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۴.
۷. نعمانی، الغیبة، ص ۲۲۰.
۸. شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۳۵۹، چاپ دوم: انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، [بی تا]؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.
۹. نعمانی، الغیبة، ص ۲۲۰.
۱۰. همان، ص ۲۲۱.
۱۱. بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۳۳۲.
۱۲. الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۷-۳۵۸.
۱۳. همان، ج ۲، ص ۳۶۰.
۱۴. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.
۱۵. سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۷۵، چاپ سوم: انتشارات مؤسسة الوفاء، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
۱۶. همان.
۱۷. ابوعلی فضل بن حسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۶۶، انتشارات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم ۱۴۰۳ قمری؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۷۵.
۱۸. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۷۵.
۱۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱ و ص ۳۹۰.
۲۰. همان، ص ۳۲۲.
۲۱. سیدهاشم بحرانی، المحجّة فی ما نزل فی القائم الحجّة علیه السلام، تحقیق و تعلیق محمدمنیر میلانی، ص ۲۸، چاپ اول: انتشارات مؤسسة الوفاء، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
۲۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۶.
۲۳. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۳.
۲۴. منتهی الهمدی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق محمود عمر الدمیاطی، ج ۱۴، ص ۱۲۲، روایت ۳۸۶۹۷، چاپ اول: انتشارات دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۹ قمری.
۲۵. همان، روایت ۳۸۶۹۸.



٢٦. همان، ص ١٢٣، روایت ٣٨٧٠٥.
٢٧. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٨٠.
٢٨. همان، ص ٣٤٥.
٢٩. الارشاد، ج ٢، ص ٣٥٦؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٧.
٣٠. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ٢، ص ٣٦٩، چاپ اول: انتشارات مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ١٣٦٣ شمسی.
٣١. همان، ص ٦٧٣؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٢٧.
٣٢. کمال الدین و تمام النعمة، ج ٢، ص ٦٧٤؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٢٨.
٣٣. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٩١.
٣٤. کمال الدین و تمام النعمة، ج ٢، ص ٣٦٩.
٣٥. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٢٨.
٣٦. همان، ص ٣٩٠.
٣٧. کمال الدین و تمام النعمة، ج ١، ص ٢٥٦؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣١٢.
٣٨. کنز العمال، ج ١٤، ص ١٢٢، روایت ٣٨٦٩٧.
٣٩. همان، ص ١٢٣، روایت ٣٨٧٠٥.
٤٠. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٨٠.
٤١. همان، ص ٣٣٣.
٤٢. نعمانی، الغيبة، ص ٢١٧؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٦٤.
٤٣. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٥.
٤٤. ابن منظور، لسان العرب، ج ١٣، ص ٥٢٠، چاپ اول: نشر ادب الحوزه، قم ١٣٦٣ شمسی؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی، ج ٦، ص ٣٥٤، انتشارات المكتبة المرتضوية، تهران، [بی تا]؛ سعید خوری شرتونی لبنانی، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، ج ٢، ص ٨٥١، چاپ اول: انتشارات مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفی، قم ١٤٠٣ قمری؛ ناصر علی عبدالله، المعجم البسيط (فرهنگ روان عربی به فارسی)، ص ٢٢٣، ویرایش دوم: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد ١٣٨١ شمسی.
٤٥. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣١٧.
٤٦. کلینی، اصول الکافی، ج ٨، ص ٢٩٤، چاپ سوم: انتشارات دارصعب دارالتعارف للمطبوعات، بیروت ١٤٠١ قمری.
٤٧. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣١٨.
٤٨. سوره هود، آیه ٨٠.
٤٩. کمال الدین و تمام النعمة، ج ٢، ص ٦٧٣؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٢٧؛ المحجة فی ما نزل فی القاسم الحجة ﷺ، ص ١٠٦.

٥٠. شيخ مفيد، الاختصاص، تصحيح و تعليق على اكير غفاري، ص ٨، چاپ اول: انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، [بي تا]: بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٧٢.
٥١. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٨٦.
٥٢. نعماني، الغيبة، ص ٢١٩؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٦٥.
٥٣. اصول الكافي، ج ٨، ص ٢٤١، روايت ٣٢٩؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٦.
٥٤. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٩١.
٥٥. الارشاد، ج ٢، ص ٣٥٦؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٠ و ٣٣٧.
٥٦. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٦.
٥٧. اصول الكافي، ج ١، ص ٢٥؛ كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٦٧٥؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٢٨.
٥٨. طبرسي، الاحتجاج، با تعليقات محمدباقر موسوي، ج ١، ص ٦٤، چاپ اول: انتشارات مؤسسة الاعلمي للمطبوعات و مؤسسة اهل البيت عليهم السلام، بيروت ١٩٨١ ميلادي.
٥٩. نعماني، الغيبة، ص ١٤٣.
٦٠. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٦.
٦١. همان، ص ٣٥٢.
٦٢. همان، ج ٢، ص ٢٨٠.
٦٣. سليمان بن ابراهيم القندوزي الحنفي، يتابع المودة لذوي القربى، تحقيق على جمال اشرف الحسيني، ج ٣، ص ٢٤٠، چاپ اول: انتشارات دارالاسوه للطباعة و النشر، ١٤١٦ قمری؛ هاشم بحراني، غاية المرام، ص ٧٥٣، روايت ٩٩، چاپ اول: انتشارات دارالقاموس، بيروت، [بي تا].
٦٤. شيخ طوسي، الغيبة، ص ٢٨٣، چاپ اول: انتشارات مكتبه بصيرتي، قم ١٣٨٥ قمری؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٩١ و ٣٩٠.
٦٥. كمال الدين و تمام النعمة، ج ١، ص ٣٣١؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ١٩١.
٦٦. سوره توبه، آيه ٣٣.
٦٧. مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٣، ص ٢٥؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٤٦؛ المحجة في ما نزل في القوائم الحجة عليهم السلام، ص ٨٧.
٦٨. اصول الكافي، ج ١، ص ٤٣٢؛ المحجة في ما نزل في القوائم الحجة عليهم السلام، ص ٨٧.
٦٩. سوره توبه، آيه ٣٦.
٧٠. غاية المرام، ص ٧٣٠، روايت ٢١؛ يتابع المودة لذوي القربى، ج ٣، ص ٢٣٩؛ المحجة في ما نزل في القوائم الحجة عليهم السلام، ص ٧٨، ٧٩ و ٩٦.
٧١. سوره آل عمران، آيه ٨٣.
٧٢. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٤٠؛ يتابع المودة لذوي القربى، ج ٣، ص ٢٣٦.
٧٣. نعماني، الغيبة، ص ١٧٣ - ١٧٤؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٩٢.
٧٤. شيخ طوسي، الغيبة، ص ٢٨٠؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٢٢ و ٣٣٧.
٧٥. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣١٢.

٧٦. همان، ص ٣٨٣.
٧٧. سورة آل عمران، آية ٨٣.
٧٨. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٤٠: المحجة في ما نزل في القائم الحجة ﷺ، ص ٥٠.
٧٩. الارشاد، ج ٢، ص ٣٥٩: بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٨.
٨٠. عبد الهادي فضلي، في انتظار الامام، ص ٦٥ - ٦٦، چاپ دوم: انتشارات دار الزهراء، بيروت ١٣٩٢ قمری.
٨١. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٤٤ و ص ٢٩٠.
٨٢. نعماني، الغيبة، ص ١٧٠: بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٣٠.
٨٣. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٧٨.
٨٤. شيخ طوسي، الغيبة، ص ١١١: بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٨٥.
٨٥. نعماني، الغيبة، ص ١٢٠: بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٢٢.
٨٦. كمال الدين و تمام النعمة، ج ١، ص ٢٨٢: بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٧٨.
٨٧. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٨٠.
٨٨. سورة اسراء، آية ٨١.
٨٩. بحار الانوار، ج ٥١، ص ٦٢.
٩٠. سورة حج، آية ٤١.
٩١. البرهان في تفسير القرآن، ج ٢، ص ٩٦: المحجة في ما نزل في القائم الحجة ﷺ، ص ٢٤٤: يتابع المودة لذوى القربى، ج ٣، ص ٢٤٤: بحار الانوار، ج ٥١، ص ٤٧-٤٨.
٩٢. سورة انبياء، آية ١٠٥.
٩٣. مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٤، ص ٦٦: المحجة في ما نزل في القائم الحجة ﷺ، ص ١٤١.
٩٤. سورة نور، آية ٥٥.
٩٥. مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٤، ص ١٥٢: نعماني، الغيبة، ص ١٦٠: المحجة في ما نزل في القائم الحجة ﷺ، ص ١٤٨-١٤٩.
٩٦. كمال الدين و تمام النعمة، ج ١، ص ٣٣١: بحار الانوار، ج ٥٢، ص ١٩١.
٩٧. شيخ طوسي، الغيبة، ص ٢٨٣: بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٩١.
٩٨. كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٣٣٥.
٩٩. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٩١.
١٠٠. سورة سجده، آية ٢٨.
١٠١. يتابع المودة لذوى القربى، ج ٣، ص ٢٤٦.
١٠٢. كمال الدين و تمام النعمة، ج ١، ص ٢٥٦: بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣١٢.
١٠٣. الاحتجاج، ص ٦٣-٦٤.
١٠٤. كمال الدين و تمام النعمة، ج ١، ص ٢٥٦: بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣١٢.

١٠٥. الارشاد، ج ٢، ص ٣٥٩؛ شيخ طوسي، الغيبة، ص ٢٨٢؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٢ و ٣٣٩؛ سورة اعراف، آية ١٢٧ و سورة قصص، آية ٨٣.
١٠٦. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٥٣.
١٠٧. الاحتجاج، ج ١، ص ٦٤.
١٠٨. كمال الدين و تمام النعمة، ج ١، ص ٢٨٨.
١٠٩. نعماني، الغيبة، ص ١٨٤.
١١٠. سورة حديد، آية ١٧.
١١١. كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٦٦٨؛ نعماني، الغيبة، ص ٢٢١؛ بحار الانوار، ج ٥١، ص ٥٤.
١١٢. بحار الانوار، ج ٥١، ص ٥٥.
١١٣. سورة رحمن، آية ٤١.
١١٤. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٢٠ - ٣٢١.
١١٥. كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٦٧٠؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٢٦ و ٣٢٤؛ المحجة في ما نزل في القائم الحجة ﷺ ص ٨٥ - ٨٦.
١١٦. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٤٠؛ المحجة في ما نزل في القائم الحجة ﷺ ص ٥٠.
١١٧. نعماني، الغيبة، ج ٢، ص ١٢٠.
١١٨. كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٣٧٨؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٨٣؛ المحجة في ما نزل في القائم الحجة ﷺ ص ٢٧.
١١٩. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٧٩.
١٢٠. كمال الدين و تمام النعمة، ج ١، ص ٣٣١؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ١٩٢.
١٢١. كمال الدين و تمام النعمة، ج ١، ص ٣٣٥ - ٣٣٦.
١٢٢. همان، ص ٣٠٧.
١٢٣. الاحتجاج، ص ٦٤.
١٢٤. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٨٠.
١٢٥. همان، ص ١٩٢.
١٢٦. همان، ص ١٤٥.
١٢٧. همان، ص ٣٧٣.
١٢٨. كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٣٧٢.
١٢٩. همان، ج ١، ص ٢٥٦.
١٣٠. المحجة في ما نزل في القائم الحجة ﷺ ص ١٨٣ - ١٨٤.
١٣١. البرهان في تفسير القرآن، ج ٣، ص ١٤١؛ سعيد ابومعاش، الامام المهدي في القرآن و السنة، ص ٧٩، چاپ اول؛ انتشارات بنياد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد ١٣٨٠ شمسی.
١٣٢. المحجة في ما نزل في القائم الحجة ﷺ ص ١٤٣.
١٣٣. كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٣٣٦.

١٣٤. الارشاد، ج ٢، ص ٣٥٩؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٨.
١٣٥. نعماني، الغيبة، ص ١٢٠.
١٣٦. كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٣٧٢؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٢١.
١٣٧. سورة حديد، آية ٢٥.
١٣٨. نعماني، الغيبة، ص ٥٢، ٥٩، ١٦٥ و ٢٠٠؛ كمال الدين و تمام النعمة، ج ١، ص ٢٥٧، ٢٥٨، ٢٦٢، ٢٨٥ و ٢٨٧؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ١٤٣، ٢٦٧، ٢٧٧، ٣٠٤، ٣٢٣، ٣٦٣ و ٣٧٩.
١٣٩. نعماني، الغيبة، ص ٤١-٤٢؛ كمال الدين و تمام النعمة، ج ١، ص ٢٨٩؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٨٠؛ المحجة في ما نزل في القائم الحجة ﷺ، ص ٢٤.
١٤٠. كمال الدين و تمام النعمة، ج ١، ص ٣١٨.
١٤١. المحجة في ما نزل في القائم الحجة ﷺ، ص ٩٥.
١٤٢. نعماني، الغيبة، ص ١٥٧؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٩١ و ٣٥١؛ المحجة في ما نزل في القائم الحجة ﷺ، ص ١٢٩.
١٤٣. نعماني، الغيبة، ص ١٢٥-١٢٦؛ كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٣٤٢.
١٤٤. كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٣٦١، ٣٦٩ و ٣٨٣.
١٤٥. همان، ج ١، ص ٣٧٢؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٢٢.
١٤٦. كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٣٧٧؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٨٣.
١٤٧. كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٣٨٣.
١٤٨. همان، ص ٣٨٤ و ٤٠٩.
١٤٩. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٥١.
١٥٠. نعماني، الغيبة، ص ٢٠٠؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٦٣.
١٥١. نعماني، الغيبة، ص ١٨٣.
١٥٢. اصول الكافي، ج ٧، ص ١٧٤ و ج ٨، ص ٢٦٧.
١٥٣. كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٣٧٢؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٧٢.
١٥٤. شيخ صدوق، معاني الاخبار، تحقيق علي أكبر غفاري، ص ١٣٩، چاپ اول: انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٣٦١ شمسی؛ بحار الانوار، ج ٦٣، ص ٢٤٢.
١٥٥. سورة ليل، آية ١.
١٥٦. سورة ليل، آية ٢.
١٥٧. المحجة في ما نزل في القائم الحجة ﷺ، ص ٢٥٣.
١٥٨. سورة حجر، آية ٣٧ و ٣٨.
١٥٩. بحار الانوار، ج ٦٣، ص ٢٢١.
١٦٠. همان، ج ٥٢، ص ٣٧٦.
١٦١. غاية المرام، ص ٦٩٧.
١٦٢. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٨٠.

١٦٣. شيخ صدوق، *الخصال*، ج ٢، ص ٦٦٦، چاپ اول: انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٣٦٢ شمسی؛ *بحار الانوار*، ج ٥٢، ص ٢٩٠.
١٦٤. *بحار الانوار*، ج ٥١، ص ٦١؛ *غاية المرام*، ص ٧٣٢؛ *ينابيع المودة لذوى القربى*، ج ٣، ص ٢٤٠.
١٦٥. سيد بن طاووس، *الملاحم و الفتن فى ظهور الغائب المنتظر*، ص ٦٨ - ٦٩، چاپ اول: منشورات رضی، قم، [بى تا].
١٦٦. *بحار الانوار*، ج ٥٢، ص ٣٤٥؛ *غاية المرام*، ص ٧٣٢؛ *ينابيع المودة لذوى القربى*، ج ٣، ص ٢٤٠؛ *المحجة فى ما نزل فى القائم الحجة*، ص ٨٣.
١٦٧. *الارشاد*، ج ٢، ص ٣٣٥؛ *بحار الانوار*، ج ٥٢، ص ٣٣٨.
١٦٨. نعمانى، *الغيبة*، ص ١٦٠؛ *بحار الانوار*، ج ٥١، ص ٥٨؛ *المحجة فى ما نزل فى القائم الحجة*، ص ١٤٨ - ١٤٩.
١٦٩. *الاختصاص*، ص ٢١؛ *بحار الانوار*، ج ٥٢، ص ١٤٤.
١٧٠. سوره آل عمران، آيه ٩٧.
١٧١. شيخ صدوق، *علل الشرايع*، باب ٨١، ص ٨٩، چاپ اول: انتشارات مؤسسة الاعلمى، بيروت ١٩٨٨ ميلادى؛ *بحار الانوار*، ج ٢، ص ٢٩٢.
١٧٢. *كمال الدين و تمام النعمة*، ج ١، ص ٣٣١؛ *بحار الانوار*، ج ٥٢، ص ١٩١.
١٧٣. *الملاحم و الفتن فى ظهور الغائب المنتظر*، باب ١٤٧، ص ٦٩.
١٧٤. *همان*، باب ١٤٦، ص ٦٩.
١٧٥. *همان*، ص ٧١؛ *بحار الانوار*، ج ٥٢، ص ٣٧٩.
١٧٦. *همان*، ص ١٦٥.
١٧٧. *همان*، ص ١٦٦.
١٧٨. *همان*، ص ١٦٥.
١٧٩. *علل الشرايع*، ص ١٦١؛ نعمانى، *الغيبة*، ص ١٥٧؛ *بحار الانوار*، ج ٥١، ص ٢٩ و ج ٥٢، ص ٣٥١ و ٣٩٠.
١٨٠. *الارشاد*، ج ٢، ص ٣٥٦؛ *بحار الانوار*، ج ٥٢، ص ٣٣٧.

## تحول فرهنگی، کلید موفقیت حضرت مهدی علیه السلام

دکتر سیدمحمد مرتضوی\*

### چکیده

آینده بشر یا به تعبیر دیگر، پایان تاریخ، یکی از پرسش‌هایی است که همواره ذهن بشر را به خود مشغول می‌کند. دانشمندان بشر با هر اندیشه و گرایشی، کوشیده‌اند به این سؤال پاسخ دهند. آنان آینده زندگی بشر را روشن، همراه با صلح و صفا، آرامش و امنیت و گسترش عدالت می‌دانند که در قالب مدینه فاضله، آرمان‌شهر، شهر سالم، اورشلیم اوتوپیا و غیره بیان کرده‌اند،<sup>۱</sup> ولی عده‌ای تحقق آن را خارج از اختیار بشر و نتیجه جبر تاریخی می‌دانند<sup>۲</sup> و عده‌ای آن را اختیاری دانسته، به راه‌اندازی جنگ تمدن‌ها برای تحقق آن معتقدند.<sup>۳</sup>

ادیان بزرگ یهود، مسیحیت و اسلام نیز آینده زندگی بشر را روشن و تحقق آن را با ظهور منجی می‌دانند. این تحول جهانی در اندیشه مسلمانان، به دست یکی از فرزندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به نام حضرت مهدی علیه السلام رقم خواهد خورد. مهدویت بین همه فرقه‌های اسلامی مشترک است، ولی در اندیشه شیعه بسیار پررنگ مطرح می‌شود، به گونه‌ای که انتظار ظهور مهدی علیه السلام یکی از عقاید اساسی و شاخصه‌های شناخت شیعه به شمار می‌رود.<sup>۴</sup>

---

\* عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد.

کلید موفقیت حضرت مهدی علیه السلام یکی از مسائل مهدویت است. در این زمینه دو نظریه مطرح می‌گردد:

الف) استفاده از قدرت نظامی و شمشیر: در این نظریه، تصویری از منجی ارایه شده است که با کشتارهای وسیع و قتل‌عام‌های گسترده، جامعه بشری را به تسلیم در برابر خود وادار می‌کند و اندیشه خود را که گسترش عدالت است، محقق می‌سازد.

ب) استفاده از فرهنگ و کار فرهنگی: برپایه این نظریه، منجی عنصر فرهنگی است که با صبغه الهی و تلاش خستگی‌ناپذیر خود و یاران باوفایش، در جامعه بشری تحول فرهنگی ایجاد می‌کند و با کارکرد فرهنگی، فرهنگ دینی را گسترش می‌دهد و آن را جهانی می‌کند. مقاله حاضر در اثبات این نظریه است.

### واژگان کلیدی

آخرالزمان، ظهور منجی، تلاش فرهنگی، مقاومت مخالفان، خنثا کردن مقاومت‌ها.

### ضرورت تحقیق

دو نظریه مطرح در این مسئله، برآیند دو نوع برداشت از متون دینی است که هر کدام را بپذیریم، دارای آثار متفاوت فکری، کلامی و رفتاری خواهد بود؛ یعنی اگر نظریه قدرت نظامی را بپذیریم، انسان‌ها در پیدایش ظهور، نقشی ندارند و باید صبر کنند تا آن شمشیر انتقام الهی ظاهر شود و آن کشتار گسترده را راه بیندازد. این نظریه، گذشته از آن‌که با روح دین و معارف دینی سازگاری ندارد، قدرت‌های جهانی و ستم‌گران از آن سوءاستفاده کرده‌اند و از اسلام و شیعه، تصویری خشن و ستیزه‌جو ارایه نموده‌اند و آن را مترادف با تروریسم شمرده‌اند. آنان خشونت‌های بین‌المللی را به مسلمانان نسبت می‌دهند و به بهانه مبارزه با تروریسم، مبارزه با اسلام و مسلمانان را به صورت گسترده آغاز می‌کنند و به همین بهانه، کشورهای اسلامی را اشغال می‌سازند و منابع آنان را غارت می‌نمایند و مسلمانان را به نابودی می‌کشاند.

نظریه دوم با توجه به تصویری که از منجی ارایه می‌کند، گذشته از آن‌که جلو سوءاستفاده جنایت‌کاران را می‌گیرد و زمینه پذیرش اسلام را بین انسان‌های



بی‌طرف و منصف فراهم می‌کند، برای انسان‌های دل‌سوز و معتقد به ظهور، نقشی قایل است که اینان باید با کار فرهنگی، زمینه‌جهانی‌شدن آن اندیشه را فراهم کنند. بنابراین، با توجه به این نظریه فرهنگی و آثار مهمی که بر آن مترتب است، مانند ایجاد احساس مسئولیت میان معتقدان به ظهور و یافتن راه‌کارهای علمی آن تحول، ضرورت تحقیق آشکار می‌گردد.

## مقدمه

با توجه به این‌که تحقیق حاضر درباره عمل‌کرد منجی آخرالزمان است، اصولی را به منزله پیش‌فرض می‌پذیریم و اثبات آنها را به موارد خود ارجاع می‌دهیم:

۱. **خالقیت خداوند:** در اندیشه دینی، جهان و آنچه در آن وجود دارد، آفریده خالقی است که از آن با عنوان «الله» یاد می‌کنیم. آیات بسیاری در قرآن، از این اصل حکایت می‌کند؛ از جمله:

«اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ»<sup>۵</sup>

خدا آفریدگار هر چیزی است، و اوست که بر هر چیز نگهبان است.

۲. **هدف‌مند بودن خلقت:** هدف‌مند بودن خلقت، یعنی در نظام معرفتی اسلام، مجموعه نظام هستی از جمله انسان، برای هدفی خاص آفریده شده است. آیات فراوانی بر این اصل دلالت دارند؛ از جمله:

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ»<sup>۶</sup>

و آسمان و زمین و آنچه را که میان این‌دو است به باطل نیافریدیم، این گمان کسانی است که کافر شده [و حق‌پوشی کرده‌اند، پس وای از آتش بر کسانی که کافر شده‌اند.

۳. **قرب الی‌الله، هدف نهایی خلقت انسان:** قرآن و احادیث، اهدافی مقدماتی، متوسط و نهایی برای خلقت انسان در نظر گرفته‌اند که «قرب الی‌الله» یا به تعبیر دیگر عبادت و تسلیم بودن در برابر خداوند را هدف نهایی بیان کرده‌اند. آیات فراوانی بر این اصل دلالت می‌کند؛ از جمله:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>۷</sup>

و جنّ و انس را نیافریدم جز برای آن که مرا بپرستند.

۴. **نارسایی حس و عقل:** ابراز شناخت عقل و حس، در اختیار انسان قرار داده شده است و نقش مهمی در حل مشکلات انسان دارند، ولی این دو، برای شناخت همه هستی و اهداف آن کافی نیستند.<sup>۸</sup>

۵. **ضرورت راه‌نمایی انسان به وسیله وحی:** با توجه به هدف‌مند بودن خلقت انسان و نارسایی عقل و حس برای هدایت همه‌جانبه انسان، به ناچار خداوند انسان را با وسیله دیگری هدایت می‌کند و آن وسیله چیزی جز وحی نیست. برای این کار، افرادی از سنخ بشر از میان آنان برگزیده می‌شوند تا میان خدا و خلق واسطه گردند و به وسیله کتاب خدا، هدایت خلق را عهده‌دار شوند. در دیدگاه اسلامی، قرآن آخرین کتاب الهی و حضرت محمد ﷺ آخرین فرستاده خداوند است. آیات بسیاری بر این اصل دلالت می‌کند؛ از جمله:

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ... رُسُلًا مُبَشِّرِينَ  
وْمُنذِرِينَ لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا  
حَكِيمًا﴾<sup>۹</sup>

ما هم چنان‌که به نوح و پیامبران بعد از او وحی کردیم، به تو [نیز] وحی کردیم؛... پیامبرانی که بشارت‌گر و هشداردهنده بودند، تا برای مردم، پس از [فرستادن] پیامبران، در مقابل خدا [بهانه و] حجتی نباشد، و خدا توانا و حکیم است.

۶. **ربوبیت خداوند بر هستی:** خداوند در اندیشه اسلامی، تنها خالق موجودات نیست، که پس از آفرینش، آنها را رها کند و در زندگی آنها نقشی نداشته باشد، بلکه خالق و رب هستی است که موجودات، از جمله انسان را تدبیر و نظارت می‌کند و آنان را براساس عمل‌کردشان، چه رفتار ظاهری و چه باطنی یعنی اندیشه و فکر، بازخواست خواهد کرد. آیات فراوانی بر این اصل دلالت می‌کند؛ از جمله:

﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوهُ  
يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ  
شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾<sup>۱۰</sup>

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن خداست و اگر آنچه در دل‌های خود دارید، آشکار یا پنهان کنید، خداوند شما را به آن محاسبه می‌کند؛ آن‌گاه هرکه را بخواهد می‌بخشد، و هرکه را بخواهد عذاب می‌کند و خداوند بر هر چیزی تواناست.

۷. **اسلام آخرین دین و قرآن آخرین کتاب:** فرستادن پیامبران در اندیشه اسلامی، یک ضرورت است، ولی این ضرورت با فرستادن پیامبر اسلام ﷺ پایان یافته و به شکل دیگری باید تأمین گردد. آیاتی بر این مسئله دلالت می‌کند؛ از جمله:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>۱۱</sup>

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

۸. **ضرورت جانشینی رسول خدا ﷺ:** ضرورت جانشینی پیامبر، از مشترکات شیعه و اهل سنت است. هر دو گروه در کیفیت نصب و شرایط جانشین اختلاف دارند، ولی تعریفی که از خلافت و جانشینی می‌کنند، همه امور دنیوی و دینی مردم را شامل می‌شود.<sup>۱۲</sup>

۹. **خلفای دوازده‌گانه:** جانشین رسول خدا ﷺ باید وظایف او را ادامه دهد. جانشین پیامبر در اندیشه شیعه، باید چند شرط اساسی داشته باشد:

نخست. دانش فرابشری: همان‌گونه که پیامبر داراست. از این دانش به علم لدنی تعبیر می‌کنیم؛ دانشی که بتواند همه ابعاد دین را آن‌گونه تفسیر کند که بر رسول خدا ﷺ نازل شده است.

دوم. عصمت: یعنی نیروی درونی که بتواند تأثیرپذیری انسان را از شرایط گوناگون همانند شکست و پیروزی، سلامت و بیماری، فقر و غنا، غم و شادی و... حفظ کند و مانع آن شود که شخص در تفسیر دین، از این‌گونه شرایط اثر پذیرد. با توجه به این‌که احراز این شرایط برای انسان‌ها ممکن نیست، شرط سومی نیز به وجود می‌آید و آن نصب الهی است؛ از آن‌جا که تنها خداوند از درون

انسان‌ها خبر دارد و می‌داند چه کسی این شایستگی را دارد تا آن دانش فرابشری را در اختیارش قرار دهد، نصب جانشین پیامبر همانند نصب پیامبر، بر خداوند لازم است و پیامبر در این زمینه تنها وظیفه ابلاغ دارد. براساس این شرایط، جانشینان پیامبر در اندیشه شیعه، به دوازده نفر محدود هستند که در منابع اهل سنت نیز این مسئله مطرح شده است.<sup>۱۳</sup>

۱۰. **ظهور مهدی علیه السلام در آخر الزمان:** مهدی علیه السلام در مشترکات شیعه و اهل سنت، از فرزندان فاطمه علیها السلام و از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شمار می‌آید، با این تفاوت که مهدی علیه السلام در اندیشه شیعه، هم اکنون زنده و دوازدهمین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که پس از ظهور، دین اسلام را جهانی خواهد نمود.<sup>۱۴</sup>

اکنون با توجه به اصول یادشده به ویژه اصول هدف نهایی خلقت انسان، و ربوبیت خداوند و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، باید دید وظایف پیامبر چیست؟

### وظایف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

وظایف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در چند محور تصور می‌شود. طرح همه وظایف پیامبر در برابر خدا، دین خدا، خلق خدا و ادیان موجود در جامعه، بسیار طولانی خواهد شد، لذا تنها به چند وظیفه مهم اشاره می‌کنیم که ارتباط مستقیم با وظایف مهدی علیه السلام دارد:

۱. **اتمام حجت خدا بر خلق:** با توجه به واقعیت جهان آخرت و این که بهشت و جهنم، بازتاب اعمال انسان در دنیاست و با توجه به این که حس و عقل، قدرت ندارد جهان آخرت و یافتن راه سعادت و پرهیز از شقاوت آن را درک کند، خداوند پیامبران را فرستاده تا وقتی مردم با آن واقعیت‌ها روبه‌رو شدند، نگویند ما نمی‌دانستیم. آیات بسیاری در قرآن از این وظیفه حکایت دارد؛ برای نمونه، بعد از آن که خداوند از چند پیامبر و ارسال آنان یاد می‌کند، هدف از فرستادن آنان را چنین بیان می‌فرماید:

﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾<sup>۱۵</sup>

پیامبرانی که بشارت‌گر و هشداردهنده بودند، تا برای مردم، پس از [فرستادن] پیامبران، در مقابل خدا [بهانه و] حجّتی نباشد، و خدا توانا و حکیم است.

۲. **هدایت و تزکیه خلق:** با توجه به ضعف و نارسایی حس و عقل و ضرورت هدایت انسان، هدایت خلق یکی از وظایف پیامبران است. متون دینی از این وظیفه اصلی رسولان بسیار یاد می‌کنند؛ از جمله:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾<sup>۱۶</sup>

اوست آن‌کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گم‌راهی آشکاری بودند.

۳. **تفسیر و توضیح همه‌جانبه دین:** کتاب خدا، برخی آیات متشابه و کلی دارد و دارای ابهام و اجمال است که تفسیر درست و همه‌جانبه آنها، به دانش فرائضی نیاز دارد که در اختیار رسول خدا ﷺ است. از این رو، تفسیر درست دین یکی از وظایف رسول خدا ﷺ به شمار می‌آید:

﴿بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾<sup>۱۷</sup>

[زیرا آنان را] با دلایل آشکار و نوشته‌ها [فرستادیم] و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی، و امید که آنان بیندیشند.

۴. **پیراستن ادیان الهی از خرافات:** انبیا در طول تاریخ، دین خدا را به بشر ابلاغ کرده‌اند، ولی بعد از هر پیامبر صاحب شریعت، دین او دچار تحریف شد و چیزی از آن کاسته یا به آن افزوده‌اند، به گونه‌ای که دین موجود، توانایی هدایت خلق را نداشت، ولی مردم آن را دین واقعی می‌پنداشتند و به آن باور داشتند، به گونه‌ای که دست برداشتن از آن برایشان دشوار بود. از این جهت، مشخص کردن دین واقعی از دین پنداری یکی از وظایف پیامبر جدید است:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ  
وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ  
عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ  
آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ  
الْمُفْلِحُونَ»<sup>۱۸</sup>

همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده - که [نام] او را نزد خود،  
در تورات و انجیل نوشته می‌یابند - پیروی می‌کنند؛ [همان پیامبری که]  
آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد، و از کار ناپسند باز می‌دارد، و  
برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام  
می‌گرداند، و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است  
برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش  
کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان  
رستگارانند.

۵. ایجاد عدالت اجتماعی: عدالت با همه ابعاد آن نیاز جامعه بشری است و  
همه ستم‌کشیدگان تاریخ، تحقق آن را آرزو دارند و تا عدالت اجتماعی تحقق  
نیابد، نباید انتظار داشت همه استعدادهای انسان‌ها شکوفا شود. بر این اساس،  
تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی وظیفه همه پیامبران است:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ  
بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ  
وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»<sup>۱۹</sup>

به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها  
کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند، و آهن را که  
در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم، تا خدا  
معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می‌کند. آری،  
خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است.

بی‌گمان ایجاد عدالت با تبیین دین تفاوت روشنی دارد. تبیین دین وظیفه‌ای  
است که پیامبر به تنهایی از عهده آن برمی‌آید، ولی برای ایجاد عدالت، مردم باید

با پیامبر هم‌کاری کنند و به مشکلات آن تن دهند و در صورت تحقق نیز با تمام توان از آن پاس‌داری کنند تا استمرار یابد. بر این اساس، در آیه یادشده برخلاف آیات پیشین، مردم انجام‌دهنده کار هستند که فرمود: «**ليقوم الناس بالقسط**» و نقش پیامبران در این زمینه، آگاهی دادن و تبیین معیارهای ظلم و عدل است.

حال، پیامبر این وظایف را به چه روشی انجام داد؟

بی‌شک پیامبر وظایف یادشده را به بهترین شکل انجام داده و در تحقق آنها روش‌هایی را به کار گرفته است. که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

**الف) تلاش فرهنگی:** در بحث تلاش فرهنگی رسول خدا ﷺ چند نکته جالب توجه است:

۱. آنچه از نظر تاریخی مسلم است، انحطاط محیط بعثت رسول خدا ﷺ از هر جهت، از انحطاط جامعه بشری امروز بیشتر بود.<sup>۲۰</sup>

۲. پیامبر از صفر شروع کرد و در آغاز حرکت، یارانی نداشت که بتواند با کمک آنها کار را شروع کند.

۳. تلاش فرهنگی حضرت به حوزه خاصی از زندگی بشری اختصاص نداشت، بلکه همه ابعاد زندگی انسان‌ها را دربر می‌گرفت؛ حتی اسامی افراد را که بوی شرک و کفر می‌داد، عوض می‌کرد<sup>۲۱</sup> و می‌فرمود: «اگر زنده بمانم، نخواهم گذاشت این اسامی را به کار برند.»<sup>۲۲</sup>

۴. تلاش فرهنگی پیامبر اسلام، گذشته از ویژگی‌های لازم برای پیام فرهنگی همانند: شفاف بودن، جذاب بودن و به جا بودن، تلاشی پیوسته بود. امام علی عليه السلام این تلاش را چنین گزارش می‌کند:

طيب دَوَّار بَطْبُهُ قَد احکم مراهمه و احمي مواسمه يضع ذلك حيث الحاجه اليه من قلوب عمي و آذان صمّ والسنه بکم، متبّع بدوائه مواضع الغفله و مواطن الخيره؛<sup>۲۳</sup>

طیبی که در پی مریضان بود و مرهم او بهترین درمان، و آن‌جا که دارو فایده نداشت و می‌بایست محل جراحی را بسوزاند، داغ‌کردن او سوزان بود. محل کاربرد داروی او، دل‌هایی بود که از دیدن حقیقت نابینا بودند و گوش‌هایی که از شنیدن حق ناشنوا و زبان‌هایی که از گفتن حق لال

بودند. او با داروی خود دل‌هایی را می‌جست که (از خدا) غافل و یا (به دلیل هجوم شبهه‌ها) حیران و سرگردان بودند.

**ب) استقامت و پایداری:** استقامت و پایداری، دومین ابزار موفقیت رسول خدا ﷺ بود. آن حضرت از نظر روحی و استقامت در راه تبلیغ رسالت، به اندازه‌ای قوی بود که اگر همه جهان را به او می‌دادند که از تبلیغ دین دست بردارد، نمی‌پذیرفت؛ برای نمونه، بعد از فشارهایی که به ابوطالب آوردند تا مانع تبلیغ او شود، در مقابل پیش‌نهاد وی فرمود:

ای عمو، به خدا قسم اگر [قریش] خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم قرار دهند و در برابر از من بخواهند از این کار دست بردارم، دعوت به توحید را رها نخواهم کرد تا این‌که خدا این دین را گسترش دهد یا این‌که در این راه کشته شوم.<sup>۲۴</sup>

**ج) یاران مخلص و وفادار:** یافتن یاران مخلص و وفادار، یکی از عوامل گسترش اسلام و رسالت رسول خدا ﷺ بود؛ یارانی که حاضر بودند همه چیز خودشان را برای تحقق اهداف آن حضرت فدا کنند. قرآن از این اصحاب چنین تجلیل می‌کند:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيْعِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾؛<sup>۲۵</sup>

محمد ﷺ پیامبر خداست؛ و کسانی که با اویند، بر کافران، سخت‌گیر [و] با هم‌دیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می‌بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است. این صفت ایشان است در تورات، و مثل آنها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان



که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.

د) امداد غیبی: بی‌شک امداد غیبی، یکی از عوامل مهم موفقیت رسول خدا ﷺ به شمار می‌آید و هر جا کارها از کنترل آن حضرت خارج بود، امداد غیبی بیشتر به کمک او می‌آمد؛ برای نمونه، در طول زندگی رسول خدا ﷺ پنج‌بار ترور ایشان را طرح‌ریزی کردند که در همه موارد با کمک وحی خنثا گردید.<sup>۲۶</sup>

### مشکلات بشر در عصر حاضر

بشر در هر عصری، دچار نابه‌سامانی‌هایی بوده است و دانشمندان بشر، درصدد اصلاح آنها بوده‌اند. در این زمینه، مشکلاتی را که بشر دچار آنهاست و انتظار دارد با ظهور منجی اصلاح شود، می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. گسترش تضعیف آموزه‌های اخلاقی و معنوی که گسترش فساد، بی‌بندوباری، فحشا و فرهنگ ناسالم را به دنبال دارد؛  
۲. گسترش فاصله طبقاتی که رواج تجمل‌پرستی و مصرف‌گرایی، نتیجه آن است؛

۳. گسترش درآمدهای نامشروع از قبیل قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و غیره که گسترش سرمایه‌سالاری را به دنبال دارد؛  
۴. گسترش فساد سیاسی که گسترش ظلم و بی‌عدالتی در جهان، نتیجه آن است؛

۵. گسترش استثمار، نابرابری و انحصارگرایی که گسترش فقر و بی‌کاری را به دنبال دارد؛

۶. گسترش سوءاستفاده از مفاهیم ارزشی از قبیل: آزادی، حقوق بشر و غیره که گسترش جنگ‌ها، خشونت‌ها، ترور، درگیری‌های مرزی، فرقه‌ای و نژادی نتیجه آن است.

مهم‌ترین مشکلات عصر حاضر به صورت کلی بیان شد و بقیه مشکلات نیز از همین قبیل است. این مشکلات، در عصر رسول خدا ﷺ نیز وجود داشت؛ با این تفاوت که در عصر حاضر، مفساد بشر، به دلیل افزایش جمعیت و گسترش ارتباطات و تبلیغات زیاد شده است.

بی‌گمان هیچ مشکلی وجود ندارد که ریشه فرهنگی نداشته باشد و نتوان آن را از راه فرهنگ، اصلاح نمود. مشکلات عصر حاضر نیز چنین است و می‌توان همانند رسول خدا ﷺ و با همان ابزارها، تحول فرهنگی ایجاد نمود و جامعه بشری را اصلاح کرد.

روایات تأکید کرده‌اند که روش حضرت مهدی ﷺ همانند روش رسول خدا ﷺ است؛ از جمله:

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: روش حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟ فرمود: همان‌گونه که رسول خدا ﷺ عمل کرد؛ فرهنگ جاهلی را از بین برد و اسلام را براساس فرهنگ نو بنیان‌گذاری کرد.<sup>۲۷</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود:

وقتی قائم ما قیام کند، مردم را به امر جدیدی فرا می‌خواند، همان‌گونه که رسول خدا ﷺ چنین کرد. بی‌تردید، اسلام با غربت (تنهایی رسول خدا ﷺ و نقطه صفر) آغاز شده است و در آینده نیز چنین خواهد شد و خوشا به حال غریبان، یعنی کسانی که در نقطه آغازین حرکت مهدی علیه السلام به یاری او می‌شتابند!<sup>۲۸</sup>

باید توجه داشت، حضرت مهدی علیه السلام، جانشین پیامبر است و همان وظایفی را دارد که پیش‌تر برای رسول خدا ﷺ بیان کردیم و او نیز ابزاری را داراست که برای موفقیت پیامبر بیان کردیم. بنابراین همان‌گونه که تحول فرهنگی، رمز موفقیت رسول خدا ﷺ بود نه ابزار جنگی و قدرت نظامی، رمز موفقیت حضرت مهدی علیه السلام نیز تحول فرهنگی خواهد بود.

مواردی که این نظریه را تأیید می‌کنند عبارتند از:

۱. **رشد عقلی و فرهنگی:** کار فرهنگی در جامعه‌ای که رشد فکری و فرهنگی داشته باشد، زودتر به نتیجه می‌رسد. بر این اساس، روایات تأکید می‌کنند که رشد عقلی و فرهنگی مردم در عصر ظهور، بی‌سابقه خواهد بود؛ برای مثال، امام باقر علیه السلام فرمودند:

چون قائم ما قیام کند، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد، پس عقولشان را جمع کند (تا پیروی هوای نفس نکنند و با یکدیگر اختلاف نورزند) و در نتیجه، خردشان کامل شود.<sup>۲۹</sup>

یا امام صادق علیه السلام می فرماید:

تمام علم ۲۷ حرف است و آنچه پیامبران تاکنون آورده‌اند، دو حرف بیشتر نیست و مردم تاکنون با بیش از دو حرف آشنا نیستند، ولی وقتی قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را نیز بین مردم گسترش خواهد داد.<sup>۳۰</sup>

با کمی مقایسه میان عصر حاضر و عصر امام صادق علیه السلام روشن می‌شود که علم، گسترش بسیاری یافته است و بی‌گمان هرچه علم گسترش یابد، تحول فرهنگی زودتر به نتیجه می‌رسد.

امام باقر علیه السلام نیز رشد فرهنگی عصر ظهور را چنین بیان می‌کند:

در عصر مهدی علیه السلام به اندازه‌ای به شما حکمت داده می‌شود که زن در خانه‌اش براساس کتاب خدا و سنت رسول صلی الله علیه و آله و سلم قضاوت می‌کند.<sup>۳۱</sup>

معنای این جمله این نیست که محکمه قضایی در خانه افراد تشکیل می‌شود و آن زن قاضی است، بلکه معنای جمله می‌رساند که رشد فرهنگ دینی مردم، به گونه‌ای است که زن در خانه نیز در تنظیم روابط با افراد خانه، براساس کتاب و سنت عمل می‌کند. بنابراین، برای رسیدن به چنین رشد فرهنگی، باید کار فرهنگی، کرد و با تلاش فرهنگی این تحول را می‌توان ایجاد نمود.

**۲. مخالفت فرهنگی:** تلاش در هر جبهه‌ای باید متناسب با آن جبهه، تنظیم شود تا موفقیت به دست آید. در جبهه فرهنگی باید تلاش فرهنگی کرد تا موفقیت حاصل شود. از روایات به دست می‌آید که بیشتر مخالفان حضرت، مخالفان فرهنگی هستند؛ برای نمونه امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند، مخالفت با او شدیدتر از مخالفت با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.

راوی پرسید: چگونه؟

امام فرمود: چون وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث شد، مردم سنگ و چوب و مجسمه‌های ساخته شده را عبادت می‌کردند، ولی وقتی قائم ما قیام کند، همه آنها کتاب خدا را تأویل می‌کنند و با تأویل کتاب با او مبارزه می‌نمایند.

سپس فرمود:

به خدا قسم همان‌گونه که سرما و گرما داخل خانه‌ها می‌شود، عدالت او نیز به داخل خانه‌ها راه می‌یابد.<sup>۳۲</sup>

بنابراین، اگر بیشتر مخالفان حضرت، مخالفان فرهنگی هستند و از کتاب خدا سوءاستفاده می‌کنند، با تلاش فرهنگی می‌توان آنان را خلع سلاح کرد و در مردم تحول ایجاد نمود، همان‌گونه که امام صادق علیه السلام در پایان حدیث، نتیجه این تلاش فرهنگی را بیان می‌کند.

**۳. اهداف امام عصر علیه السلام:** هدف هر کاری، روش رسیدن به آن کار را مشخص می‌کند و نمی‌توان یک روش را برای رسیدن به هر هدفی به کار برد. با مشخص کردن اهداف حضرت مهدی علیه السلام به این نتیجه می‌توان رسید که روش او چگونه است. امام صادق علیه السلام در حدیثی هدف امام زمان علیه السلام را چنین بیان می‌کند:

وقتی خداوند به قائم ما اجازه قیام دهد، به منبر خواهد رفت و خودش را معرفی خواهد کرد و مردم را به خدا قسم می‌دهد که حقش را رعایت کنند و این‌که [خود حضرت] در بین آنان به روش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عمل کند.<sup>۳۳</sup>

امام برای رسیدن به مقصد، به همان روش فرهنگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عمل خواهد کرد که پیش‌تر توضیح دادیم.

**۴. کارکرد امام زمان علیه السلام:** همان‌گونه که از روش کار، به هدف کار می‌توان پی برد، از نتیجه کار هم به روش کار می‌توان دست یافت؛ یعنی اگر نتیجه و محصول کار، فرهنگی است، روش کار هم باید فرهنگی باشد. به چند روایت درباره کارکرد امام زمان علیه السلام اشاره می‌شود:

حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام پرسید: «قائم اهل بیت کیست؟» امام فرمود: «او چهارمین فرزند من است. خداوند به وسیله او زمین را از هر جور و ستمی پاک می‌کند... هنگامی که قیام کند، میزان عدالت را در بین مردم می‌گذارد، به گونه‌ای که هیچ‌کسی به کسی ظلم نمی‌کند.»<sup>۳۴</sup>

این تعبیر که هیچ‌کس به کسی ظلم نمی‌کند، جز با رشد فرهنگی و قانع شدن هرکس به حق خود تحقق نمی‌پذیرد.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

مهدی علیه السلام به عدالت حکم می‌کند و دیگران را نیز به آن دستور می‌دهد.<sup>۳۵</sup>

امام صادق علیه السلام نیز دربارهٔ آیندهٔ مسجد کوفه و نقش آن در عصر ظهور می‌فرماید:

گویا می‌بینم در مسجد خیمه‌ها برپا شده است و شیعیان علی علیه السلام قرآن در دست دارند و آن را به مردم آموزش می‌دهند.<sup>۳۶</sup>

**۵. انتظارات از قیام:** هرکسی که به انتظار ظهور نشسته، انتظار دارد با آن قیام، مشکل او حل شود و هرچه تکامل روحی انسان‌ها بیشتر باشد، انتظارات آنان نیز عالی‌تر، انسانی‌تر، فراگیرتر و گسترده‌تر خواهد بود. در این بین، صالحان تاریخ به انتظار آن حرکت سرنوشت‌ساز نشستند و به ویژه رسول خدا ﷺ و امامان شیعه منتظر بودند و انتظاراتی داشتند. از انتظاراتی که امامان بیان کرده‌اند، به اهداف و روش‌ها می‌توان پی برد. امام رضا علیه السلام به درگاه خداوند عرض می‌کند:

بارالها! سنن پیامبران را به وسیلهٔ او زنده کن؛ حکم پیامبران را به وسیلهٔ او برپا ساز؛ آنچه از دین تو محو شده و آنچه از احکام تو تغییر کرده است، به وسیلهٔ او و به دست او، به گونه‌ای تجدید کن که گویا دینی تازه، خالص، صحیح، بدون انحراف و بدون بدعت گردد.<sup>۳۷</sup>

با کمی دقت در این انتظارات و امثال آن، به دست می‌آید که همه انتظارات، فرهنگی است. بنابراین، روش رسیدن به این انتظارات هم باید فرهنگی باشد.

**۶. کشتارهای مورد انتظار:** کشتارهای مورد انتظار توسط امام عصر علیه السلام نیز کشتارهایی در جهت تقویت فرهنگ است؛ یعنی کشتار کسانی که سد راه گسترش فرهنگ می‌شوند نه کشتارهای کور بی‌رحمانه، آن‌گونه که عده‌ای تصور می‌کنند. برای پی‌بردن به نوع کشتارهای عصر ظهور نیز باید به متون دینی موثق مراجعه کرد؛ برای نمونه، امام رضا علیه السلام کشتارهای مورد انتظار را چنین بیان می‌کند:

بارالها! توسط او استوانه‌ها و ارکان کفر را نابود کن؛ سران گم‌راهی و بدعت‌آوران را درهم شکن؛ سردمدارانی که سنت‌ها را از بین برده‌اند و باطل را تقویت کرده‌اند، درهم شکن.<sup>۳۸</sup>

این متن و امثال آن، به کشتار رهبران فکری و گم‌راهی توجه دارد که هم خود گم‌راه هستند و هم دیگران را گم‌راه می‌کنند و مانع به سعادت رسیدن مردم می‌شوند یا پشتیبانی مالی، فکری و نظامی از کفر می‌کنند و هیچ‌گاه کشتار مردم کوچه و بازار و کسانی که بر اثر نادانی به ورطه کفر کشیده شده‌اند مقصود نیست.

۷. ویژگی‌های یاران: ویژگی‌های هسته اولیه یاران مهدی علیه السلام که ۳۱۳ نفر هستند،<sup>۳۹</sup> حکایت از آن دارد که آنان عارفانی برجسته و عناصر فرهنگی قوی هستند نه نیروهای نظامی صرف؛ برای نمونه، امام باقر علیه السلام آنان را چنین وصف می‌کند:

مردانی هستند که شب‌زنده‌دارند؛ در نمازشان چنان مناجات می‌کنند که صدای آنان همانند صدای زنبور عسل درهم می‌پیچد؛ شب را در حال قیام به سر می‌برند و صبح‌گاهان سوار بر اسب‌ها، راهبان شبند و شیران روز؛ مطیع محض مولای خود هستند؛ همانند چراغ‌های فروزانند، گویا دل‌هایشان منبع نور است و در حالی که از ترس خدا در اضطرابند، آرزوی شهادت دارند و امیدوارند در راه خدا به شهادت برسند.<sup>۴۰</sup>

بی‌گمان این یاران با توجه به موقعیت اجتماعی عصر ظهور، به الگوهایی برای جامعه و جوانان تبدیل می‌شوند و خود سرآغاز تحول فرهنگی در عصر ظهور خواهند شد.

۸. تلاش مداوم مهدی علیه السلام و یاران او: برخلاف آنچه عده‌ای از ساده‌اندیشان می‌پندارند عصر ظهور، دوران آسایش و راحتی نیست، بلکه هنگامه تلاش دوچندان و طاقت‌فرساست؛ تلاشی که هرگز در عصر غیبت معتقدان به ظهور انجام نداده‌اند. بشیر نبال از امام باقر علیه السلام پرسید:

مردم می‌گویند با قیام مهدی علیه السلام کارها به آسانی استقرار می‌یابد و قطره خونی ریخته نخواهد شد؟

امام فرمود:

هرگز چنین نیست! قسم به کسی که جانم در اختیار اوست! اگر بنا بود حکومت به آسانی برای کسی استقرار یابد، می‌بایست برای رسول خدا ﷺ استقرار می‌یافت. در حالی که او آن‌قدر تلاش کرد تا دندان‌هایش شکسته و صورتش خون‌آلود شد. هرگز چنین نیست! قسم به کسی که جانم در اختیار اوست! در آن صورت ما و شما باید آن‌قدر زحمت بکشیم که موجب ریزش عرق شود و جراحات‌های زیادی برداریم.<sup>۴۱</sup>

مفضل می‌گوید:

هم‌راه امام صادق ﷺ در طواف بودم نظرش به من افتاد، فرمود: «چرا رنگت پریده و غم‌گین هستی؟» عرض کردم: فدایت شوم، وقتی چشمم به بنی‌عباس و امکانات و اقتداری که دارند می‌افتد با خود می‌گویم ای کاش این قدرت در اختیار شما بود، ما هم از آن استفاده می‌کردیم؟! امام فرمود: «اگر قدرت در اختیار ما بود راحتی نبود، بلکه سیاست شب بود و سیاحت روز و خوردن غذای خشک و پوشیدن لباس ضخیم همانند امیرالمؤمنین ﷺ و در غیر این صورت، جهنمی بودیم.»<sup>۴۲</sup>

با توجه به این‌که سیاست را تدبیر امور و برنامه‌ریزی و نظارت و اصلاح امور معنا کرده‌اند،<sup>۴۳</sup> از این روایت پی می‌بریم که در آن صورت، باید شب‌ها برنامه‌ریزی می‌کردیم و روزها به دنبال اجرای آنها بودیم. زندگی ما بایست در حد زندگی ضعیف‌ترین مردم بود. در غیر این صورت، به وظیفه خود عمل نکرده و اهل جهنم بودیم.

۹. الگو شدن امام: پیش‌تر بیان کردیم که ویژگی برجسته مهدویت در اندیشه شیعه، این است که امام مهدی ﷺ جانشین رسول خدا ﷺ و سیره او همان سیره پیامبر است و همان‌گونه که رسول خدا ﷺ به الگویی برای مسلمانان تبدیل شد و مسلمانان تلاش می‌کردند در افکار، گفتار و رفتار او را الگو قرار دهند و از او پیروی کنند، امام عصر ﷺ هم همین ویژگی را دارد؛ یعنی خود سیره رسول خدا ﷺ را به نمایش می‌گذارد و زندگی شخصی او همانند امیرالمؤمنین ﷺ است.

در نتیجه، الگویی برای یاران خود و یاران او الگویی برای دیگران می‌شوند و رفته‌رفته این فرهنگ تعمیق یافته، فراگیر می‌شود.<sup>۴۴</sup>

۱۰. **گفتمان ادیانی:** تلاش حضرت مهدی علیه السلام برای جذب پیروان ادیان الهی مسیحیت و یهود، تحول فرهنگی عصر ظهور را تأیید می‌کند. نزول عیسی علیه السلام از آسمان و اقتدا به آن حضرت در نماز یکی از ابزارهای موفقیت امام عصر علیه السلام است.<sup>۴۵</sup> به صورت طبیعی، وقتی عیسی علیه السلام به منزله منجی از نگاه مسیحیت، رهبری مهدی علیه السلام را می‌پذیرد و برای استقرار عدالت با او هم‌کاری می‌کند، منتظران عیسی علیه السلام نیز به او می‌پیوندند و مسلمانان که از قبل پیوسته بودند، جبهه توحید مستحکم‌تر گشته، قوی‌تر عمل می‌کند.

افزون بر این، با حرکت فرهنگی امام عصر علیه السلام، زمینه پیوستن یهودیان نیز به جبهه توحید فراهم می‌شود. امام باقر علیه السلام این حرکت را چنین بیان می‌فرماید:

او را مهدی علیه السلام گفته‌اند، چون هدایت‌کننده به امر پنهان است. او تورات و کتب الهی پیشین را از غاری در انطاکیه بیرون می‌آورد و بین اهل تورات با تورات آنان و بین اهل انجیل با انجیل آنان و بین اهل زبور با زبورشان و بین اهل قرآن با قرآن حکم می‌کند.<sup>۴۶</sup>

بی‌گمان، اصول ادیان الهی که انبیا عرضه کرده‌اند، یکسان است و در واقع، تعبیر ادیان نیز شایسته نیست. بنابراین، تورات و انجیل واقعی، با قرآن مطابقت دارد و حکم براساس آنها، حکم دین خداست.

۱۱. **تغییر ذائقه فرهنگی مردم:** با تلاش فرهنگی می‌توان بر افکار، گفتار و رفتار انسان‌ها اثر گذاشت. وقتی جهان‌بینی انسان‌ها تغییر می‌کند، افکار، گفتار و رفتار آنان نیز تغییر می‌یابد. اگر فرهنگ ایشار در جامعه رواج یافت، ثروت و ثروت‌اندوزی جای‌گاهی نخواهد داشت و اگر فرهنگ انحصارگرایی و بخل در جامعه رواج یافت، ایشار و انفاق معنایی نخواهد داشت. بنابراین، رفتار انسان‌ها، معلول نوع فرهنگ حاکم بر جامعه است.

باید توجه داشت، برآوردن نیازهای طبیعی انسان برای آرام گرفتن او ضرورت دارد و بی‌شک نیازهای انسان، بسیار محدود است و به راحتی می‌توان آنها را برطرف کرد، ولی احساس نیاز انسان نامحدود است و برطرف کردن آن شدنی



نیست. احساس نیاز و بی‌نیازی، انسان را به طغیان و تجاوز وامی‌دارد؛ برای مثال، انسان موجودی ممکن به شمار می‌آید و ممکن، عین نیاز و فقر به واجب است و معنا ندارد انسان از خدا بی‌نیاز شود، ولی وقتی انسان احساس بی‌نیازی کرد، سر به طغیان می‌گذارد. خداوند می‌فرماید:

﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغَى \* أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى﴾؛<sup>۴۷</sup>

آن‌چه را که انسان نمی‌دانست [به تدریج به او] آموخت؛ حَقّاً که انسان سرکشی می‌کند.

نیازهای واقعی را با کار فرهنگی نمی‌توان برطرف کرد، بلکه انسان باید پاسخ شایسته نیاز را دریافت کند تا ارضا شود. برعکس، احساس نیاز، پاسخ مناسب ندارد، چون محدود نیست، ولی با کار فرهنگی می‌توان احساس نیاز را برطرف کرد و فهماند که به چنین چیزی نیاز ندارد. در آن صورت، تلاش او در آن زمینه به اندازه نیازش خواهد بود نه بیش از آن.

با مرور دوباره مفاسد عصر حاضر، روشن می‌شود که احساس نیاز منشأ تمام آنهاست نه خود نیاز، و اگر با کار فرهنگی احساس نیازها برطرف شود، بسیاری از مفاسد خودبه‌خود از بین می‌رود.

بسیاری از بی‌عدالتی‌ها، ستم‌ها و حق‌کشی‌ها، احساس نیاز انسان به ثروت و قدرت است، در حالی که با کار فرهنگی، ذائقه فرهنگی مردم را می‌توان تغییر داد و آن را به انفاق، ایثار و برادری تبدیل نمود؛ کاری که رسول خدا ﷺ انجام داد و فرهنگ غارت و تجاوز که جزء افتخارات عرب جاهلی بود، به فرهنگ ایثار و انفاق تبدیل کرد، به گونه‌ای که طی چند سال، بر بخش عمده‌ای از جهان اثر گذاشت و تعجب همه جامعه‌شناسان را برانگیخت؛ برای نمونه، نهر و در این‌باره می‌گوید:

شگفت‌انگیز است که این نژاد عرب که در طول قرون دراز، انگار در حال خفتگی به سر می‌برد و ظاهراً از آن‌چه در سایر نواحی اتفاق می‌افتاد، جدا و بی‌خبر بود، ناگهان بیدار شد و با نیرو و قدرتی شگرف، دنیا را تهدید کرد و زیرورو ساخت. سرگذشت عرب‌ها و داستان این‌که چگونه به سرعت در آسیا و اروپا و افریقا توسعه یافتند و فرهنگ و

تمدن عالی و بزرگی به وجود آوردند، یکی از شگفتی‌های تاریخ بشری است.<sup>۴۸</sup>

پیش‌تر بیان کردیم که امام عصر علیه السلام، همان اهداف و روش‌های پیامبر را دنبال خواهد کرد و در نتیجه، همان تحول فرهنگی اتفاق خواهد افتاد. تا تحول فرهنگی اتفاق نیفتد و فرهنگ ایثار و انفاق در جامعه نهادینه نشود، قیام اتفاق نخواهد افتاد. برید عجلی می‌گوید:

به امام باقر علیه السلام عرض کردم: یاران ما در کوفه زیادند، اگر دستور دهید از شما اطاعت می‌کنند (کنایه از این‌که چرا قیام نمی‌کنید؟) امام فرمود: «آیا به گونه‌ای هستند که نیازمندی از آنها دست در جیب دیگری برد و به اندازه نیازش بردارد؟» عرض کردم: نه. فرمود: «پس آنان نسبت به خونشان بخیل‌تر هستند.» سپس احکامی را بیان کرده، فرمود: «وقتی قائم ما قیام می‌کند که رفاقت و صداقت کامل می‌شود و شخص، نیازش را از جیب برادرش برمی‌دارد و او هم مانع نمی‌شود.»<sup>۴۹</sup>

براساس بسیاری از روایات، مردم در زمان ظهور، برای پرداخت زکاتشان مستحق پیدا نمی‌کنند.<sup>۵۰</sup> این بدان سبب نیست که در آن عصر به اندازه‌ای امکانات اقتصادی فراوان است که هرکس هرچه بخواهد جمع کند وجود دارد، بلکه به این علت است که با کار فرهنگی، احساس نیاز مردم برطرف می‌شود و مردم به برآوردن نیازهای واقعی خودشان اکتفا می‌کنند و نیازهای واقعی، آن‌قدر نیست که این‌همه جنگ‌ها به سبب آن راه بیفتند. امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

حضرت مهدی علیه السلام عدالت را چنان بین مردم گسترش می‌دهد که محتاج به زکاتی در آن جامعه پیدا نمی‌شود. آنان که زکات بده‌کارند، زکاتشان را نزد نیازمند می‌برند، ولی آنان نمی‌پذیرند و هرچه جست‌وجو می‌کنند، کسی را نمی‌یابند. پس زکات را نزد صاحبانش می‌برند و می‌گویند: ما به اینها احتیاج نداریم و به آنها گفته می‌شود: بیایید چیزی را بردارید که به سبب آن پیوند خویشاوندی را قطع کردید و خون‌هایی ریختید و از راه حرام جمع‌آوری کردید.<sup>۵۱</sup>

پایان روایت، بیان می‌کند که احساس نیاز، انسان را به این مفاسد کشانده است و با برطرف کردن این احساس، مفاسد نیز پایان می‌پذیرد و این نیز تنها با کار فرهنگی امکان دارد نه قدرت نظامی.

## نتیجه

با بررسی حرکت تدریجی رسول خدا ﷺ و روش‌هایی که در موفقیت آن بزرگوار نقش داشته است، روشن می‌شود که با داشتن انگیزه قوی، یاران مخلص و فداکار، پشت‌کار و تلاش، امداد غیبی و کار حساب‌شده فرهنگی و صبر و استقامت، می‌توان بر جامعه بشری اثر گذاشت و بدون به‌کارگیری خشونت، اندیشه‌ای را نهادینه کرد. با توجه به این‌که امام عصر علیه السلام فرزند و جانشین رسول خدا ﷺ است و برای گسترش همان اندیشه و با همان اهداف و در اختیار داشتن همان ابزار تلاش می‌کند، می‌تواند اندیشه توحیدی را در جامعه بشری بدون به‌کارگیری خشونت و راه انداختن کشتارهای کور، نهادینه کند.

در چگونگی قیام حضرت مهدی علیه السلام دو نظریه مطرح است:

الف) نظریه‌ای که قیام در آن، با کشتار و خون‌ریزی و ایجاد رعب و وحشت برای انسان‌ها توأم است. این تصویر با روح دین اسلام سازگاری ندارد.

ب) نظریه تحول فرهنگی: در این نظریه، کار فرهنگی رمز موفقیت امام است که آن حضرت و یارانش انجام می‌دهند. رشد عقلی مردم در عصر ظهور، نوع مخالفان امام، اهداف امام، کارکردهای امام، انتظارات امامان شیعه از قیام مهدی علیه السلام، کشتارهای مورد انتظار، تلاش خستگی‌ناپذیر امام و یاران او و گفتمان ادیبانی، از تأییدات این نظریه حکایت دارند که مقاله درصدد اثبات آنهاست.

امام زمان علیه السلام با هدف گسترش دین اسلام قیام می‌کند و سیره او همان سیره رسول خدا ﷺ و ابزار موفقیت او نیز همان ابزارهای موفقیت پیامبر است. همان‌گونه که حرکت رسول خدا ﷺ با تحول فرهنگی آغاز شد و گسترش یافت، قیام امام زمان علیه السلام نیز با تحول فرهنگی آغاز خواهد گشت و در سراسر زمین نهادینه خواهد شد.

۱. خلیل ملکی، فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی، ص ۳۸۹، انتشارات رواق، تهران ۱۳۵۸ شمسی.
۲. کمال پولادی، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، ص ۱۸۵، نشر مرکز، تهران ۱۳۸۲ شمسی.
۳. عبدالرسول بیات، فرهنگ واژه‌ها، ص ۴۴۱، انتشارات مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، قم ۱۳۸۱ شمسی.
۴. احمد بن حنبل، مستند، ج ۱، ص ۲۶۲، انتشارات داراحیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۱۵ قمری؛ ابراهیم قندوزی، ینایع الموده، ص ۴۴۷، انتشارات بصیرتی، قم، [بی تا]؛ علاءالدین هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۵، انتشارات مؤسسه الرساله، بیروت ۱۴۰۹ قمری؛ علی صالح، الروضة المختارة، ص ۱۴۴، منشورات الرضی، قم ۱۴۰۸ قمری؛ احمد بن علی بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۳۸۸، انتشارات دارالفکر، بیروت، [بی تا]؛ ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۵، ص ۵۷، انتشارات دارالکتب العلمی، بیروت، [بی تا]؛ علی مسعودی، اثبات الوصیة، ص ۲۲۵، انتشارات المكتبة المرتضویة، نجف، [بی تا]؛ ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۶، ص ۲۵، انتشارات دارالفکر، بیروت ۱۴۱۹ قمری؛ عمادالدین طبرسی، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، تحقیق جواد قیومی، ص ۴۳۴، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۲۰ قمری؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰، [بی تا]، تهران ۱۳۳۷ قمری؛ شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۸، انتشارات مؤسسه المعارف الاسلامیة، قم ۱۴۱۱ قمری؛ شیخ مفید، المسائل العشریة الغیبة، تحقیق فارس حسون، ص ۴۹، انتشارات مرکز الدراسات التخصصیة فی الامام المهدي ﷺ، قم ۱۴۲۶ قمری.
۵. سوره زمر، آیه ۶۲.
۶. سوره ص، آیه ۲۷.
۷. سوره ذاریات، آیه ۵۶.
۸. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۷۴، انتشارات اسلامیة، تهران، [بی تا].
۹. سوره نساء، آیه ۱۶۵.
۱۰. سوره بقره، آیه ۲۸۴.
۱۱. سوره توبه، آیه ۳۳.
۱۲. نک: عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۱۹۱، انتشارات مؤسسه الاعلمی، بیروت، [بی تا]؛ علی بن محمد ماوردی، الاحکام السلطانیة و الولايات، ص ۵، [بی تا]، بیروت ۱۹۸۲ میلادی؛ عبدالله جوینی، غیاث الامم فی التیارات الظلم، تحقیق دکتر عبدالعظیم ادیب، ص ۲۲، [بی تا]، دوحه ۱۴۰۰ قمری؛ شیخ مفید، اوائل المقالات، ص ۶۵، [بی تا]، قم، [بی تا]؛ سید مرتضی، الذخیره فی علم الکلام، تحقیق احمد حسینی، ص ۴۳۶، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی، قم، [بی تا]؛ سید مرتضی، شرح جمل العلم و العمل، تحقیق یعقوب جعفری، ص ۱۹۹، انتشارات دارالاسوة، تهران، [بی تا]؛ شیخ صدوق، المقنع فی الامامة، ص ۱۴۵، انتشارات مؤسسه الامام الهادی، قم ۱۴۱۵ قمری؛ محمود سدیدالدین رازی، المنقذ من التقليد، ج ۲، ص ۲۹۶، انتشارات

- مؤسسة النشر الاسلامي، قم ١٤١٢ اقمري؛ علامه حلي، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، ص ٢٢١، انتشارات كتاب فروشي جعفرى، مشهد، [بى تا].
١٣. مسلم، صحيح، كتاب الامارة باب الناس تبع لقريش؛ ينابيع المودة، ص ٤٤٦.
١٤. كنز العمال، ج ١٤، ص ٣٦٥؛ الروضة المختارة، ص ١٤٤؛ ينابيع المودة، ص ٤٤٧؛ ابن حنبل، مسند، ج ١، ص ٦٢٢؛ تاريخ بغداد، ج ٤، ص ٣٨٨؛ حلية الاولياء، ج ٥، ص ٧٥؛ اثبات الوصية، ص ٢٢٥؛ كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٥٠؛ بشارة المصطفى، ص ٤٣٤؛ البداية و النهاية، ج ٦، ص ٢٥٠.
١٥. سورة نساء، آيه ١٦٥.
١٦. سورة جمعه، آيه ٢.
١٧. سورة نحل، آيه ٤٤.
١٨. سورة اعراف، آيه ١٥٧.
١٩. سورة حديد، آيه ٢٥.
٢٠. نك: سيد رضى، نهج البلاغه، خطبه هاى ٢، ٩٥، ١٩١ و ١٩٦، انتشارات دارالهجرة، قم، [بى تا].
٢١. محمد بن عيسى ترمذى، سنن ترمذى، ج ٤، ص ٣٨١، انتشارات دارالفكر، بيروت ١٤١٤ اقمري؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ٤، ص ٢١٨، انتشارات دارالمعرفة، بيروت ١٤١٨ اقمري؛ ابن داود، سنن ابى داود، ج ٤، ص ٣١٤، انتشارات دارالفكر، بيروت ١٤١٨ اقمري.
٢٢. سنن ابن ماجه، ج ٤، ص ٢١٧.
٢٣. نهج البلاغه، خطبه ١٠٨.
٢٤. عبد الملك بن هشام، السيرة النبوية، ج ١، ص ٢٦٦، انتشارات داراحياء التراث، بيروت، [بى تا]؛ محمد بن جرير طبرى، تاريخ الطبرى (معروف به تاريخ الامم و الملوك)، ج ٢، ص ٦٧، انتشارات مؤسسة الاعلمى، بيروت ١٤٠٣ اقمري؛ ابن اثير، الكامل فى التاريخ، ج ٢، ص ٦٤، انتشارات دارالفكر، بيروت ١٣٩٩ اقمري.
٢٥. سورة فتح، آيه ٢٩.
٢٦. السيرة النبوية، ج ١، ص ٢٩٨ و ٤٨٣، ج ٤، ص ٨٧؛ محمد بن عمر واقدى، المغازى، تحقيق دكتور مارسدن جونز، ج ٣، ص ١٠٤٢، انتشارات عالم الكتب، بيروت ١٤٠٤ اقمري.
٢٧. محمد باقر مجلسى، بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٥٢، انتشارات مؤسسة الوفاء، بيروت ١٤٠٣ اقمري.
٢٨. همان، ص ٣٦٦.
٢٩. اصول كافى، ج ١، ص ٢٩.
٣٠. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٦.
٣١. همان، ص ٣٥٢.
٣٢. همان، ص ٣٦٢.
٣٣. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٧؛ شيخ مفيد، الارشاد، ص ٣٤١، [بى تا]، نجف ١٩٦٢ ميلادى.
٣٤. عزيز الله عطاردى، مسند امام رضا عليه السلام، ج ١، ص ٢٢٣، انتشارات آستان قدس رضوى، مشهد ١٤٠٦ اقمري.

۳۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰.
۳۶. همان، ص ۳۶۴.
۳۷. مسند امام رضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۶.
۳۸. همان.
۳۹. الغيبة، ص ۴۷۷.
۴۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۴۱. همان، ص ۳۵۸.
۴۲. همان، ص ۳۵۹.
۴۳. المصباح المنیر، ص ۲۹۵؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۱۰۸، نشر ادب الحوزه، قم ۱۴۰۵ قمری.
۴۴. همان.
۴۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹.
۴۶. همان، ص ۳۵۰.
۴۷. سوره علق، آیه ۵ - ۶.
۴۸. جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ج ۱، ص ۳۱۷، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۸ قمری.
۴۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.
۵۰. همان.
۵۱. همان، ص ۳۹۰.

## مثبت‌گرایی در پرتو موعودگرایی

دکتر محمدرضا یکتایی\*

### چکیده

برخی از سست‌عنصران که خود را در ردیف منتظران امام زمان عج، جا می‌زنند، از نظر افکار، رفتار و گفتار، منفی‌باف و منفی‌گرا هستند و از خود نسبت به حکومت و سیاست در دوران غیبت، حساسیت نشان نمی‌دهند. آنان منتظرند که خود آن حضرت ظهور کند و همهٔ امور را اصلاح فرماید.

حال این‌که وعدهٔ الهی برای رهایی به انسان‌های اهل ایمان و عمل صالح داده شده است. باید گفت دین‌باوری و نیکوکاری با «مثبت‌گرایی» همراه و هم‌گام است. از سوی دیگر، قیام و انقلاب مهدوی، به زمینه‌سازی نیاز دارد. تا آن‌جا که بشریت به بلوغ فکری، علمی و معنوی برسد. این مهم در پرتو انتظار امکان‌پذیر است؛ انتظاری سرشار از مثبت‌گرایی.

بنابراین، نجات‌گیتی از تاریکی در پرتو خورشید ولایت مهدوی و منتظرانی نورانی تحقق‌پذیر خواهد بود. جاهلان و بزدلان، هرگز توانایی ورود و حضور در این انقلاب جهانی را ندارند. بی‌شک تاریخ‌دلان

---

\* عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد.

نمی‌توانند با تاریکی مبارزه کنند و منتظران حقیقی که اهل حکمت و شجاعت هستند، پیام‌آور انتظاری زنده و سازنده و سرشار مثبت‌گرایی بوده و بر این باورند که: پایان شب سیاه سفید است.

## واژگان کلیدی

مثبت‌گرایی، وعده‌های الهی، انتظار، امام مهدی علیه السلام

### مقدمه

در یک نگاه کلی به مجموعه تاریخ بشری، از دو دیدگاه می‌توان، آینده انسان و انسانیت را مورد بررسی قرار داد:

**دیدگاه اول، مثبت‌گرایی:** بر پایه این نگاه، بشریت در مجموع سیر تکاملی دارد و عقلانیت رشد کرده و تاریخ، عاقبت به خیر شده و آینده‌ای روشن در انتظار عالم و آدم است.

**دیدگاه دوم، منفی‌بافی:** این طرز تلقی، تاریخ بشری اعم از گذشته، حال و آینده را بر مبنای منفی‌نگری و پوچ‌گرایی بررسی می‌کند. و تاریخ را در مجموع، تاریک می‌داند.

در این نوشتار، فهرست‌وار به برخی از عنوان‌ها مانند مثبت‌گرایی در پرتو موعودگرایی پرداخته شده است؛ زیرا به نظر می‌رسد که تمامی فرهنگ مهدویت را می‌توان براساس تفکر مثبت مورد مطالعه و تحقیق قرار داد.

## ۱. وعده‌های مثبت

در ادیان الهی و کتاب‌های آسمانی، مثبت‌گرایی نسبت به آینده بشری، با عنوان وعده‌های قطعی، دیده می‌شود.

در قرآن کریم این‌گونه می‌خوانیم:

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند؛ وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترس ایشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان‌که تنها مرا



می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان‌اند.<sup>۱</sup>

### وعدة الهی یعنی وعدة رهایی

از مجموع این آیه، چنین برمی‌آید که خداوند به گروهی از مسلمانان که دارای این دو صفت «ایمان» و «عمل صالح» هستند؛ سه نوید داده است:

۱. استخلاف و حکومت روی زمین؛

۲. نشر آیین حق به طور اساسی و ریشه‌دار در همه‌جا؛

۳. از میان رفتن تمام اسباب خوف، ترس، وحشت و ناامنی.

نتیجه این امور آن خواهد شد که با نهایت آزادی خدا را بپرستند، فرمان‌های او را گردن نهند، هیچ شریک و شبیهی برای او قائل نشوند و توحید خالص را در همه‌جا بگسترانند.<sup>۲</sup>

البته گفتنی است که معنی حکومت صالحان، یعنی تمکین آیین حق و عبادت خالی از شرک، این نیست که در چنان جامعه‌ای هیچ گنه‌کار و منحرفی وجود نخواهد داشت، بلکه مفهومش این است که نظام حکومت در دست مؤمنان صالح است. وگرنه، مادام که انسان دارای آزادی اراده است، ممکن است در بهترین جوامع الهی و انسانی احیاناً افراد منحرفی وجود داشته باشند.<sup>۳</sup>

### بشارت به بشریت

در دکترین مهدویت، عدالت، مهم‌ترین محور اصلی و اساسی است. حضرت ختمی مرتبت، درباره‌ی منجی بشریت در آخرالزمان این‌گونه بشارت می‌دهند:

شما را بشارت بادا به مهدی، مردی قرشی از خاندان من، در روزگاری که مردم گرفتار اختلاف و تزلزل هستند سر برمی‌دارد و زمین را هم‌چنان که پر از جور و ستم شده، از عدل و داد آکنده می‌سازد.<sup>۴</sup>

### ۲. انتظار مثبت

در زمان غیبت امام عصر علیه السلام، نباید احکام الهی به فراموشی سپرده شود. بنابراین، از وظایف منتظران حقیقی، برپایی حکومت اسلامی است که دستورات

حیات بخش الهی تعطیل بردار نیست. پس منتظر، باید در اوج امید و امیدواری، زمینه ساز قیام و انقلاب مهدوی باشد. «امیدواری» روحیه ای سرشار از شادابی و نشاط است که «مثبت گرایی» را به ارمغان می آورد. این کلام علوی درباره امیدواری شنیدنی است:

در انتظار فرج و گشایش باشید و از رحمت خداوند، ناامید نشوید؛ زیرا محبوب ترین اعمال نزد خداوند عزوجل، انتظار فرج است.<sup>۵</sup>

حتی خاتم انبیا محمد مصطفی ﷺ انتظار فرج را «برترین عبادت» معرفی می فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛<sup>۶</sup>

برترین عبادت انتظار فرج است.

آن قدر «انتظار» سنگین، شیرین و دل نشین معرفی شده، که امام سجاد علیه السلام می فرماید:

هر که در زمان غیبت قائم ما، بر ولایت ما، ثابت قدم باشد خداوند به او اجر و پاداش هزار شهید همانند شهدای بدر و احد می بخشد.<sup>۷</sup>

### نجات گیتی از تاریکی

امیر مؤمنان علیه السلام درباره آداب انتظار و آزادی انسان های گرفتار می فرماید:

گاه به راست رفتند و گاه به چپ، ولی راهشان راه ضلالت بود و دوری از طریق هدایت. پس آنچه را که آمدنی است و انتظارش می رود به شتاب مطلبد و هر چه را که فردا خواهد آورد، آمدنش را دیر مشمارید. بسا کسی که چیزی را به شتاب می طلبد و چون به آن رسد، آرزو کند که ای کاش هرگز نرسیده بود. چقدر امروز به سپیده فردا نزدیک است. ای مردم! زمان فراز آمدن چیزهایی است که شما را وعده داده اند. و نزدیک است که فتنه ای را که نمی دانید چیست، دیدار نمایید. بدانید که از ما هر که آن را دریابد با چراغ روشنی که در دست دارد، آن تاریکی ها را طی کند و پای به جای پای صالحان نهد تا بندهایی را که بر گردن هاست بگشاید و اسیران را آزاد کند و جمعیت باطل را پریشان

سازد و پراکندگان اهل صلاح را گرد آورد و این کارها پوشیده از مردم به انجام رساند. آن‌که در پی یافتن نشان اوست، هرچه به جست‌وجویش کوشد، از او نشانی نیابد.

پس گروهی در کشاکش آن فتنه‌ها بصیرت خویش را چنان صیقل دهند که آهن‌گر تیغۀ شمشیر را، دیدگانشان به نور قرآن جلا گیرد و تفسیر قرآن گوش‌هایشان را نوازش دهد و هر شامگاه و بامداد جام‌های حکمت نوشند.<sup>۸</sup>

همان‌طور که می‌بینیم، امام علی علیه السلام منتظران واقعی را سرشار از استقامت و حکمت می‌دانند.

### اصالت معرفت در عصر غیبت

انتظار حقیقی با مثبت‌گرایی، روح و شکوه می‌یابد و مثبت‌گرایی با معرفت و دانایی زنده و سازنده می‌شود. امام صادق علیه السلام برای کسب معرفت در عصر غیبت این دعا را به زواره آموزش می‌دهند:

خدایا! خود را به من بشناسان؛ زیرا اگر تو خودت را به من نشناسانی، من رسالت را نشناسم (برای این‌که هرکس خدا را شناخت بر او لازم می‌داند که از راه لطف، بندگان را هدایت کند و کسی که خدا را شناخت، فرستاده او را هم نمی‌شناسد).

خدایا! تو پیغمبرت را به من بشناسان؛ زیرا اگر تو پیغمبرت را به من نشناسانی، من حجت تو را نشناسم (برای این‌که امام جانشین پیغمبر و دست‌نشانده او به دستور خداست و مقام و ارزش جانشین مربوط به مقام و ارزش جانشین‌گذار است، از این جهت شیعه می‌گوید: امام باید از لحاظ علم و عمل و اخلاق و عصمت مانند پیغمبر باشد).

خدایا! حجت خود را به من بشناسان؛ زیرا اگر تو حجتت را به من نشناسانی؛ از طریق دینم گم‌راه می‌شوم.<sup>۹</sup>

### ۳. حجت خدا و مثبت‌گرا

جامعه بشری تشنهٔ عقلانیت، عدالت، امنیت و صلح است. این عطش، همگانی و نیاز جهانی، جز با «آب زندگانی» فرو نمی‌نشیند.

در قرآن کریم درباره «ماء معین» این چنین می‌خوانیم:

بگو: «به من خبر دهید اگر آب‌های (سرزمین شما) در زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دست‌رس شما قرار دهد؟!»<sup>۱۰</sup>

«ماء معین» آب جاری و روان را که در دست‌رس و دید است گویند. «علم» را نیز از آن رو که جریان دارد و از سینه‌ای به زبانی و از زبانی به گوشی و از آن به قلبی و دوباره از قلبی به زبان و قلمی و... هم‌چون آب، جاری است «ماء معین» می‌گویند.

این آیه شریفه بر حضرت حجت علیه السلام نیز تطبیق شده است؛<sup>۱۱</sup> زیرا آن حضرت علم و خیر ممثل و در حقیقت مصداق کامل آب حیات است.<sup>۱۲</sup> آری، قیام و انقلاب مهدوی، همانند آب روان و جاری، به راحتی رحمت الهی را به جامعه بشری هدیه کرده و جهان را از آلودگی‌ها پاک کرده و نجات می‌دهد.

نویدهای مصلح غیبی از زبان پیامبران اولوالعزم به ما رسیده است و حداقل ۶۰ قرن (۶۰۰۰ سال) (از زمان حضرت موسی علیه السلام و نزول تورات) این نویدها دست‌به‌دست هم گشته و امروز به دست ما رسیده است. سالم ماندن این نویدها در طول قرون متمادی بر اهمیت موضوع افزوده و مسئله را برای ما قطعی‌تر نموده است. از امت‌های پیشین باید نهایت تشکر را نمود که در طول زمان و کشاکش روزگار این نویدها را برای ما حفظ کرده‌اند و در نقل آن نهایت امانت را رعایت نموده‌اند.<sup>۱۳</sup> مشیت الهی بر آن تعلق گرفت که موعود امت‌ها و توده‌ها را دوازدهمین خورشید فروزان از پیشوایان معصوم این امت قرار دهد. از این ره‌گذر، آن مهر تابان و قبله‌خوبان، بیش از هر ملت دیگر با شیعیان امامیه مربوط می‌شود و به همین دلیل آنها بیش از هر آیین دیگر در سنگر دفاع از حریم آن حضرت وفادار مانده‌اند و تیرهای حوادث را به جان خریده‌اند.<sup>۱۴</sup>

براساس این نویدهای تاریخی، مشیت الهی و بشارت‌های آسمانی در آیاتی که به وجود نازنین امام زمان علیه السلام تفسیر و تأویل شده خوش‌بینی و مثبت‌گرایی موج می‌زند که از آن جمله است:

﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾. ۱۵

«بَقِيَّتُ اللَّهِ» در این آیه به معنای درآمد و سودی است که از یک سرمایه حلال و خداپسندانه برای انسان باقی می ماند و صددرصد حلال است، اما در روایات به هر وجود مبارکی که به اراده خداوند برای بشریت باقی می ماند، «بَقِيَّتُ اللَّهِ» گفته می شود. از جمله به سربازان مؤمنی که پیروزمندانه از جبهه جنگ برمی گردند؛ زیرا به اراده الهی باقی مانده اند. به امام عصر علیه السلام نیز «بَقِيَّتُ اللَّهِ» می گویند؛ چون آن وجود شریف به خواست خداوند برای هدایت مردم ذخیره و باقی نگهداشته شده است. در روایات می خوانیم که یکی از نام ها و اسامی مبارک آن حضرت «بَقِيَّتُ اللَّهِ» است. ۱۶ ما بر او به این نام سلام می کنیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّتُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».

وقتی آن حضرت در مکه ظهور کنند، این آیه را تلاوت می کند و می فرماید:

من آن «بَقِيَّتُ اللَّهِ» هستم. ۱۷

آری، آخرین ذخیره الهی، جهان و انسان را از تباهی و تاریکی نجات داده و دادگری، برابری و برادری را حاکمیت می بخشد. که امام باقر علیه السلام می فرماید:

هنگامی که قائم اهل بیت علیهم السلام قیام نماید، بیت المال را به صورت مساوی تقسیم کند و عدالت را بین زیردستان برقرار سازد. پس هرکس او را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است و هرکس از او سرپیچی کند، از خدا سرپیچی کرده است. ۱۸

این وعده الهی و وعده رهایی را باید «تَحَقُّقُ پَذِيرٍ» و «تَخَلُّفُ نَاپَذِيرٍ» دانست که خداوند می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُخَلِّفُ الْمِيْعَادَ﴾. ۱۹

## نتیجه

- وعده الهی برای رهایی در پرتو قیام مهدوی؛ وعده ای مثبت و امیدبخش است.

- انتظار مثبت، یعنی استقامت برای استقرار عدالت و تشکیل حکومت.

- حکومت صالحان و تقوای پیشگان در آخر الزمان یعنی حکومت مثبت‌گرایان.
- منتظران واقعی در دوران غیبت، نسبت به سیاست و حکومت حساسیت دارند.
- قیام و انقلاب امام مهدی علیه السلام، نویدبخش خوش‌بینی، امیدواری و مثبت‌گرایی است.
- حضرت ولی عصر علیه السلام، حجت خدا، مثبت‌گرا و مصلح دنیا و آخرت برای همه بشریت است.
- در دکتین مهدویت، مبارزه با «تبعیض» و «سوء تدبیر» و برقراری مدیریت آسمانی و عدالت جهانی، از شاخص‌های اساسی است.

## پی نوشت‌ها

۱. سورة نور، آیه ۵۵.
۲. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۶۴.
۳. همان، ص ۵۷۰.
۴. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۱، ص ۳۳۴، انتشارات دارالحدیث، قم ۱۳۷۷ شمسی.
۵. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، انتشارات داراحیاء التراث العربی، بیروت، [بی تا].
۶. همان، ص ۱۲۵.
۷. همان.
۸. نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، خطبه ۱۵۰، ص ۳۳۶.
۹. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، ج ۲، ص ۱۳۵.
۱۰. سورة ملک، آیه ۳۰.
۱۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۱ - ۵۳ و ۱۵۱.
۱۲. آیه الله جوادی آملی، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، ج ۸، ص ۱۹۶، نشر اسراء، قم ۱۳۸۴ شمسی.
۱۳. کامل سلیمان، روزگار رهایی، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ج ۱، ص ۵۳، چاپ چهارم: نشر آفاق، ۱۳۸۱ شمسی.
۱۴. همان، ص ۵۴.
۱۵. سورة هود، آیه ۸۶.
۱۶. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۵۹.
۱۷. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۵، ص ۳۶۹، چاپ چهاردهم: انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران ۱۳۸۳ شمسی.
۱۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱.
۱۹. سورة آل عمران، آیه ۹؛ سورة رعد، آیه ۳۱.





## شیوه قضایی دولت مهدوی

ضامن‌علی حبیبی \*

### چکیده

عدالت و امنیت، از آرزوهای دیرینه جامعه بشری است که تمام متفکران و مصلحان، حرکت تکاملی جامعه بشری را به سوی صلح، امنیت و عدالت جهانی می‌داند و آینده پرنشاط و باطراوتی را فراروی، جامعه بشری ترسیم می‌کند. این آرزو در آموزه‌های دینی، در پرتو تحقق دولت مهدوی برآورده می‌شود. که پایان سبز تاریخ را در اندیشه دینی رقم می‌زند و خط بطلان بر نظام‌های جورپیشه می‌کشد. یکی از کارویژه‌های دولت مهدوی، ایجاد سیستم قضایی شایسته‌سالار و حق‌مدار است. مردم در سایه چنین نظامی، به عدالت و امنیت بی‌سابقه‌ای دست می‌یابند که تاکنون در انتظار تحقق آن بودند. در این نوشتار نظام قضایی و راه‌کارهای امنیتی و قضایی دولت مهدوی مورد تحقیق گرفته است. گفتنی است این تحقیق با استناد به آموزه‌های مهدویت که در قرآن و عترت ریشه دارد صورت می‌گیرد و با نظام قضایی دولت نبوی و علوی مقایسه شده است. البته باید پذیرفت که دولت نبوی — علوی، دولت حالت‌گذار و بهترین دولت وضع موجود بود، ولی دولت مهدوی، دولت

---

\* کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی.

آرمانی و مطلوبی خواهد بود. از ویژگی‌های نظام قضایی دولت مهدوی این است که در نظام قضایی مهدوی برای اثبات جرم و دعوا، به شهود، قسم و قسامه و اقرار نیازی نخواهد بود. نظام قضایی مهدوی مانند حضرت داود و سلیمان براساس علم خود قضاوت می‌کند و از سیستم پیش‌رفته و آخرین امکانات جرم‌یابی استفاده خواهد کرد. امام مهدی علیه السلام را مهدی می‌گویند چون مردم را به امور و زوایای پنهان هدایت می‌کند. ولی در دولت نبوی و علوی بینه، قسم و مستندات پرونده، ظاهر حال مبنای قضاوت بوده است. گرچه پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نیز دارای علم غیب بودند، ولی چون می‌خواستند سیستم قضایی آنان الگوی جامعه بشری باشد، از راه‌های متعارف و بشری استفاده کردند تا سیستم قضایی به درستی پایه‌گذاری شود.

### واژگان کلیدی

شیوه قضاوت، (دادرسی) دولت، مهدویت، عدالت و امنیت.

### مقدمه

دولت مهدوی، دولت آرمانی و عالی‌ترین دولتی است که تاکنون بشریت نمونه‌ای از آن را ندیده است و در انتظار تحققش لحظه‌شماری می‌کنند. هر دولتی که شکل می‌گیرد، یکی از عناصر تشکیل‌دهنده آن دولت و حکومت، قوه قضائیه و نهاد قضایی است که در برقراری امنیت و استقرار عدالت نقش مهم و کلیدی برعهده دارد.

حق قضاوت و دادرسی در نظام سیاسی حقوقی اسلام از آن خداوند است و کسانی که از سوی خداوند برای اجرای احکام الهی و تصدی منصب قضاوت مأموریت یافته باشند، باید بین مردم به حق و عدل حکم نمایند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در کنار پرداختن به امور سیاسی، اجرایی و نظامی، به امر قضاوت و دادرسی میان مردم نیز می‌پرداختند و در موارد ضروری تصدی امر قضاوت را به اصحاب بزرگوارشان از جمله امام علی علیه السلام واگذار می‌کردند. در زمان حکومت حضرت علی علیه السلام که قلمرو حکومت اسلامی گسترش یافت، لازم بود افرادی، برای امر قضاوت گمارده شوند؛ آن حضرت شایسته‌ترین افراد به امر قضاوت و دادرسی را به این سمت منصوب فرمودند. ایشان از کارگزاران خود می‌خواست بهترین افراد را برای تصدی امر قضاوت منصوب کنند و می‌فرمود:

## إختر للحکم بین الناس أفضل رعیتک<sup>۱</sup>

در حکومت حضرت مهدی علیه السلام که در ادامه حکومت نبوی و علوی است، برقراری عدالت فراگیر و انسان‌شمول و امنیت همگانی، از اهداف راه‌بردی و شعار اصلی آن خواهد بود. حکومت حضرت مهدی علیه السلام حکومت امنیت‌مدار و عدالت‌محور است. در دولت مهدی علیه السلام، دادرسی جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت. مردم با قضاوت و دادرسی بی‌نظیری روبه‌رو خواهند شد. آنچه از روایات و مستندات دکتربین مهدویت، استفاده می‌شود سلسله طولی نظام قضایی دولت مهدوی به شرح زیر خواهد بود:

در رأس نظام قضایی، شخص حضرت مهدی علیه السلام قرار دارد؛ در مرحله دوم حضرت عیسی علیه السلام؛ در مرحله سوم فقهای عادل و اسلام‌شناس‌اند که این منصب مهم و امانت الهی را عهده‌دار می‌شوند.

بنابراین، مناسب به نظر می‌رسد که شیوه دادرسی حکومت حضرت مهدی علیه السلام بررسی شود؛ یعنی باید دانست ادله اثبات دعوی و جرم، در آن حکومت چگونه خواهد بود. برای همین لازم است شیوه دادرسی حکومت مهدوی با شیوه دادرسی حکومت نبوی مقایسه شود؛ زیرا براساس آموزه‌های دینی و تاریخی، بشریت حکومت‌هایی را در گذر تاریخ تجربه کرده که به رهبری پیامبران و رهبران معصوم و آسمانی شکل گرفته بودند. آن رهبران، مأموریت داشتند تا عدالت را برقرار سازند.

پرسش اصلی این است که ادله اثبات دعوی و جرم در نهاد قضایی حکومت مهدوی چگونه خواهد بود؟

آیا برای اثبات دعوی و جرم، از ابزارها و راه‌کارهای متداول در حکومت‌های عرفی استفاده می‌کند؟

آیا شیوه دادرسی و ادله اثبات در دولت حضرت مهدی علیه السلام با شیوه دادرسی پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام فرق می‌کند یا از همان شیوه استفاده می‌کند؟ ادله اثبات (شهود و قسم و قسامه و علم قاضی و امارات) در حکومت مهدی علیه السلام چه جایگاهی دارد؟

## گفتار اول: کلیات

### مفهوم‌شناسی

شیوه و روش که در حقیقت همان راه‌کار برقراری عدالت و امنیت است، به معانی گوناگون به کار گرفته شده است. در این نوشتار، مراد روشی است که حضرت مهدی علیه السلام در امر دادرسی به آن روش متوسل می‌شود؛ مانند استفاده از ادله اثبات دعوی و جرم و قضاوت براساس علم غیب.

### قضا در لغت

یکی از لغت‌شناسان می‌نویسد:

القضا فصل الأمر قولاً كان ذلك أو فعلاً و كل واحد منها على وجهين إلهي و بشري<sup>۲</sup>؛

قضا در لغت به معنای فیصله نمودن کاری است و این فصل گاهی قولی است و گاهی فعلی و گاهی بشری است و گاهی الهی.

### قضا از منظر حقوق

دادرسی) صدور رأی در امور جزئی است؛ خواه برای فصل خصومت یا در مصالح عامه باشد، مانند امور حسبی.<sup>۳</sup> دیگری می‌نویسد:

قضا در اصل به معنی فیصله دادن به امر است خواه قولی باشد یا فعلی باشد، از خدا باشد یا از بشر.

طبرسی در تفسیر آیه ۱۱۷ سوره بقره چنین می‌آورد:

قضا و حکم نظیر هم‌اند و اصل آن به معنی فیصله دادن و حکم کردن شیء است. قاموس آن را حکم، و حتم و بیان معنا کرده است.<sup>۴</sup>

### قضا در فقه

فقها قضا را به معنی حکم و داوری میان مردم برای رفع نزاع معنا کرده‌اند.<sup>۵</sup> براساس این معنا، حکم به امور حسبیه را شامل نمی‌شود و تصرف در امور حسبیه از باب قضاوت نخواهد بود. بلکه از باب ولایت است.

## الف) قضا در قرآن

قضا در قرآن مجید به معانی گوناگون به کار رفته است. یکی از این معانی «حکم» است. خداوند فرموده است: «ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ». <sup>۶</sup> هم‌چنین «اتمام» و «به آخر رسیدن» نیز معنا شده است: «أَيُّهَا الْأَجَلِينَ قَضَيْتُ». <sup>۷</sup> معنای «امر» نیز در همین زمینه آمده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» <sup>۸</sup> تنها کلمه «قضی» با قطع نظر از دیگر مشتقات آن، دوازده بار در قرآن به کار رفته است. <sup>۹</sup>

«حتم» نیز یکی دیگر از قضاهایی است که در قرآن برای قضا آمده است: «فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ». <sup>۱۰</sup> هم‌چنین «فعل» و «خلق»: «فَقَضَاهُنَّ سَعِجَ سَعَاوَاتِ» <sup>۱۱</sup> در این پژوهش منظور از قضا، انشای حکم جزئی است. برای دستیابی به موضوع یا متعلق، حکم کلی به صورت «قضیه حقیقه» یا حکم به دست نیافتن است. در جایی که منازعه میان دو نفر یا چند نفر باشند یا حکم درباره واقعه خارجی و تطبیق آن بر کبرای کلی مقرر در شریعت. <sup>۱۲</sup> از مجموع موارد استعمال قضا در قرآن مجید و لغت عربی و فارسی و کلمات فقها و حقوق‌دانان استفاده می‌شود که قضا یک معنا بیشتر ندارد که همان حکم باشد و دیگر معانی به این معنا برگشت دارد.

## دولت در لغت

دولت و جمع آن دول، به معنای استیلا و غلبه آمده است: «كانت لنا عليهم دولت؛ ما بر آنها غلبه و تسلط داریم» اگر شهری حاکمیت، استقلال سیاسی و اقتصادی داشته باشد یعنی دولت دارد. <sup>۱۳</sup> در مجمع البحرین، دولت به فتح و ضم آمده است. دولت به فتح به معنای مال است و دولت به ضم به معنای جنگ است. <sup>۱۴</sup> در بحث مورد نظر، دولت به معنای حاکمیت و سلطه سیاسی است.

آیین دادرسی کیفری، مجموعه‌ای از تشریفات و مقررات است که در فاصله ارتکاب جرم تا خاتمه اجرایی مجازات‌ها، اقدامات تأمینی و تربیتی از سوی مراجع کیفری به موقع اجرا گذاشته می‌شود. <sup>۱۵</sup>

## گفتار دوم: راهکار استقرار عدالت و امنیت

### ۱. سیاست پیش‌گیرانه

رسالت اصلی دولت مهدوی، برقراری عدالت و امنیت فراگیر است. آرامش و اطمینان فکری، فردی و اجتماعی، دو مقوله مهمی است که در واقع دو بخش عمده از زندگی انسان به آن وابسته است. فلسفه تشکیل دولت، استقرار امنیت، اجرای عدالت و بهره‌مندی از معیشت و امکانات شایسته بوده است. امنیت نقش ویژه‌ای در موجودیت و تداوم حکومت دارد؛ به عبارت دیگر، امنیت حیاتی‌ترین خواسته بشر است. بنابراین یکی از ملاک‌های مهم و معیار صلاحیت و توانایی دولت‌ها در تأمین امنیت، دو مقوله تعیین‌کننده و اساسی است. از این رو، هیچ دولتی هرگز نمی‌تواند حتی لحظه‌ای تساهل در این زمینه بی‌تفاوت باشد.<sup>۱۶</sup> برای دستیابی به این هدف و تبیین یک سیاست کیفری مترقی، از دو روش پیش‌گیرانه و در صورت لزوم و محدود از روش سرکوب‌گرانه استفاده می‌شود. برای مبارزه با فساد و تجاوز و ستم از یک‌سو لازم است پایه‌های ایمان و اخلاق مردم تقویت شود و از سوی دیگر، یک سیستم صحیح و نیرومند قضایی با هوشیاری کامل و احاطه وسیع به وجود آید.

بی‌شک پیش‌رفت کامل صنایع، وسایلی را در اختیار بشر می‌گذارد که با آن به خوبی می‌توان در موارد لزوم، حرکات همه مردم را کنترل کند. به گونه‌ای که علیه حرکت‌های نابجا که به فساد و تجاوز می‌انجامد، اقدام کند. قرار گرفتن چنین وسایلی در اختیار یک حکومت صالح، عامل مؤثری برای پیش‌گیری از فساد و ستم است. به گونه‌ای که می‌توان در صورت وقوع، چنین موضوعی را به صاحب حق رساند.<sup>۱۷</sup>

حکومت مهدوی با یک سیاست کیفری مناسب و منسجم که از راهکارهای پیش‌گیرانه و سرکوب‌گرانه استفاده می‌کند، در مقابل بزه‌کار، بزه‌کاری و تجاوز به اموال و حقوق مردم، واکنش نشان می‌دهد. راهکارهای پیش‌گیرانه چنین است:

### الف) اجرای عدالت اجتماعی

عدالت، بنیاد و قوام جامعه سالم است که بسیاری از زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انحراف‌ها و جرایم را از میان می‌برد. افزون بر آن، هنگام بروز

کجی و انحراف در جامعه، می‌کوشد تا بهترین شیوه ممکن حالت اعتدال را به جامعه باز گرداند؛ به گونه‌ای که حقوق مشروع افراد و کیان اجتماع لطمه‌ای نخورد. نقش کارساز و زیربنایی عدالت، انسان را همواره شیفته خود ساخته است. هیچ انسانی هرچند ستم‌کار، از شعار عدالت‌خواهی و عدالت‌طلبی نمی‌گریزد.<sup>۱۸</sup>

توزیع و تقسیم عادلانه ثروت به گونه‌ای است که دیگر فقیر در سراسر کشور پهناور اسلامی یافت نمی‌شود. جرایم مالی با سیاست عادلانه در توزیع ثروت‌ها، شکوفایی صنعت و بالا رفتن سطح رفاه عمومی، ریشه‌کن می‌شود؛ زیرا در سیاست پیش‌گیرانه، مبارزه با علت جرم است و عوامل و زمینه‌های جرم و دعوی ناپود می‌شود. فقیری، یافت نمی‌شود که به انگیزه مالی دعوا و مرافعه حقوقی راه اندازد یا جرایم مالی را مرتکب شود. در برخی روایات نیز به این موضوع اشاره شده است.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ ذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ... وَ تَظْهَرُ الْأَرْضُ كَنُوزِهَا حَتَّى تَرَاهَا النَّاسَ عَلَى وَجْهَيْهَا، وَ يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِأَلِهِ وَ يَأْخُذُ مِنْ زَكَاتِهِ لَا يُوْجَدُ أَحَدٌ يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ اسْتَعْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛<sup>۱۹</sup>

در عصر ظهور و دولت موعود و آرمانی مهدوی، برکات الهی سرازیر می‌شود، گنج‌ها و ذخایر طبیعی و مواهب الهی در روی زمین قرار می‌گیرند و مردم دنبال مستحق و فقیر می‌گردند که زکات‌شان را پرداخت نمایند، ولی فقیری یافت نمی‌شود؛ زیرا همه مردم در پرتو دولت مهدوی ثروت‌مند هستند.

در حدیث دیگری امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

قَسَمَ بِالسُّوِّيَّةِ وَ عَدْلِ فِي الرِّعْيَةِ.<sup>۲۰</sup>

وقتی ثروت عمومی به طور مساوی و عادلانه تقسیم شود، با توجه به ظاهر شدن گنج‌های عمومی، دیگر فقیری نمی‌ماند که به انگیزه دست‌یابی به ثروت، مرتکب جرم مالی یا دعاوی مالی شود.

بنابراین، یکی از راه‌کارهای اصلی دولت مهدوی علیه السلام، مبارزه با علل جرم و دعوی است که زمینه دادرسی را کم می‌کند. در حدیثی از معصوم علیه السلام آمده است:

فحينئذ تظهر الأرض كنوزها و تبدى برکاتها و لا یجد الرجل منكم یومئذ موضعاً لصدقته و لا لبرّه لشمول الغنی جميع المؤمنین.<sup>۲۱</sup>

یکی از علل جرم و در نتیجه مراجعه به دستگاه قضایی به زعم جرم‌شناسان، فاصله طبقاتی است. این نابرابری اجتماعی، به جرم و بزه‌کاری می‌انجامد. در دولت مهدوی، این فاصله طبقاتی وجود ندارد. غنا و ثروت مندی عمومی، فراگیر است. در نتیجه علل و انگیزه جرم و دعوی مالی کم خواهد بود.

#### ب) جهل‌زدایی و دانش‌افزایی

یکی از عوامل جرم، نادانی و جهل است. هر قدر سطح تحصیلات و میزان اعتباری و سرمایه‌گذاری افراد در جامعه زیاد باشد، میزان ارتکاب جرایم پایین خواهد آمد؛ زیرا انسان تحصیل کرده جرمی که حیثیت اجتماعی او را نابود کند مرتکب نمی‌شود. پس برای جلوگیری از انحراف‌ها و جرایم، باید راه‌کاری را در نظر گرفت که میزان اعتبار و سرمایه‌گذاری افراد در جامعه بالا رود. یکی از راه‌کارها، افزایش سطح تحصیلات و اعتبار اجتماعی افراد است. دولت مهدوی، دولت دانش و عقلانیت است. علم و دانش بشری به بالاترین حد تکاملی خود می‌رسد و جامعه مهدوی جامعه عقلانی است. در جامعه‌ای که براساس عقلانیت پایه‌گذاری شده باشد به طور طبیعی جرم و دعاوی مالی کم خواهد بود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

إذا قام قائمنا وضع الله یده علی رئوس العباد، فجمع بها عقولهم و کملت بها أحلامهم.<sup>۲۲</sup>

پیش‌گیری از جرم با دانش‌افزایی و مبارزه با جهل در سیره قضایی امیرالمؤمنین علیه السلام به صورت روشن و برجسته دیده می‌شود. در اندیشه علی علیه السلام مبارزه با نادانی، جزو اساسی‌ترین برنامه‌های پیش‌گیری از انحراف و تباهی است. اولویت این مهم بدان سبب است که حضرت، نادانی را به صراحت ریشه هر شر و بدی و منبع آن می‌داند.<sup>۲۳</sup>



وی قاعده کلی ارائه می‌دهد که علت لغزش و انحراف رفتاری، عقیدتی و اخلاقی آدمی را باید در نادانی او جست... نوعی ارتباط که امام بین وظیفه عالم و متعلم تصویر می‌کند، بیان‌گر یکی از مهم‌ترین فنون پیش‌گیری از جرم است که از آن به فراهم آوردن مقدمات لازم برای تحقق راه‌بردها تعبیر می‌کنم.<sup>۲۴</sup> امیرمؤمنان می‌فرماید:

خدا از مردم نادان عهد نگرفت بیاموزند، مگر وقتی که از دانایان عهد گرفت آموزش دهند.<sup>۲۵</sup>

شکی نیست که در عصر آن مصلح بزرگ جهان، آموزش‌های اخلاقی با وسایل ارتباط جمعی فوق‌العاده پیش‌رفته، آن‌چنان وسعت می‌گیرد که اکثریت قاطع مردم جهان را برای یک زندگی صحیح انسانی آمیخته با پاکی و عدالت اجتماعی آماده می‌سازد. در آن جامعه عقلانی جرم و مجرم بسیار کم خواهد بود؛ چون عصر شکوفایی و عقلانیت است.

برای مبارزه با فساد، تباهی و ظلم، تقویت پایه‌های ایمان و اخلاق و ترویج ارزش‌های معنوی و انسانی ضروری است. با توجه به ویژگی دولت اخلاقی امام مهدی علیه السلام، این امر در آن عصر اهمیت ویژه‌ای دارد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین کارویژه آن دولت، از میان بردن زمینه‌های فساد و انحراف و ستم از طریق اصلاح رفتار، تزکیه و تهذیب نفوس، احیای جامعه مرده، تقویت ایمان و معرفت و پرورش فضایل اخلاقی است. این انگاره، باعث از بین رفتن زمینه‌ها، عوامل و شکل‌های گوناگون فساد و ستم در جامعه آرمانی مهدوی است.

### پرورش اخلاق و فضایل انسانی

اخلاق و تربیت، نقش مؤثری در پیش‌گیری از جرم و ناهنجاری اجتماعی دارد. در هر جامعه‌ای که میزان پای‌بندی به اخلاق بالا باشد، میزان جرایم پایین خواهد بود. آنچه در اسناد بین‌المللی مکتوب است و جرم‌شناسان نیز بیان داشته‌اند، تصریح روشن به این نکته است که بین جرم و عدم وجود ناهنجاری‌های اخلاقی در سطح فردی یا اجتماعی، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد... . اخلاق فردی به مثابه نظام نظارت‌کننده درونی، در مقابل قانون و پلیس که نظارت‌کننده‌های بیرونی

هستند عمل می‌کند و اخلاق اجتماعی نیز خود، نوعی نظارت‌کننده غیررسمی است که به مراتب قوی‌تر و کارآمدتر از قانون است که ابزار نظارت‌کننده رسمی به شمار می‌رود.<sup>۲۶</sup> این نظارت درونی و اخلاقی در دولت مهدوی به مدارج عالی‌ه خود می‌رسد که دولت مهدوی را می‌توان دولت ارزشی اخلاقی و دولت فضیلت و انسانیت دانست. دولت اخلاقی امام مهدی علیه السلام بدین معناست که هم خود جامع تمام فضایل، نیکی‌ها و محاسن اخلاقی و عقلی است و هم در مقام عمل و اجرا، همه آنها را در جامعه محقق می‌سازد. هم مدافع و حامی ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و دینی است و هم ابزار زندگی صنعتی و علمی بشر را برای تحقق کمالات انسانی به کار می‌گیرد و جامعه را زنده و انسانیت را احیا می‌کند. معیار مشترک این دولت در سرتاسر جهان، اخلاق و معنویت مبتنی بر دین و تکامل و تعالی انسانی است. براساس این مبنا، دولت اخلاقی کارآمدی و کارایی خود را در همه شئون و ابعاد زندگی انسان بروز می‌دهد. در واقع اخلاق متعالی و تصحیح رابطه انسان با اطراف، باعث تغییر و تکامل و طرز تلقی و باورهای او و استفاده درست و بهینه از همه امکانات می‌شود که برآیند آن یک جامعه اخلاقی است.<sup>۲۷</sup>

### سیاست سرکوبگرانه

از آنجایی که انسان آزاد آفریده شده و در اعمال خویش از اصل جبر پیروی نمی‌کند، خواه‌ناخواه افرادی هرچند اندک برای رسیدن به مقاصد شوم خود از آزادی خود سوء استفاده می‌کنند. بنابراین باید یک دستگاه قضایی، سالم و کاملاً آگاه باشد که حقوق مردم را به آنها برساند؛<sup>۲۸</sup> زیرا لازمه زیست جمعی و حیات اجتماعی جرم، دعوی و اصطکاک منافع است و در هر جامعه، میزانی از جرایم وجود دارد. بشر از روزی که پا به کره خاکی گذاشته، همواره با پدیده‌ای به نام جرم روبه‌رو بوده است. تاریخ حیات انسان، نشان‌دهنده آن است که جوامع انسانی، هیچ‌گاه از جرم و جنایت تهی نبوده‌اند.<sup>۲۹</sup> جامعه آرمانی فلاسفه و آرمان‌شهر افلاطون، فقط در دولت امام مهدی علیه السلام امکان‌پذیر است. در آن دولت، میزان جرایم کاهش می‌یابد. رابطه جرم و جامعه، مانند رابطه میکروب و بدن است. وقتی افراد مبتلا به ویروس جرم می‌شوند، برای جلوگیری و سرایت به

دیگران، لازم است که اقدامات پیش‌گیرانه و در صورت لزوم سرکوب‌گرانه صورت گیرد. این مسئله ضرورت یک دستگاه مقتدر قضایی را ایجاب می‌کند. یکی از کارویژه‌های اصلی هر حکومت، توجه به امر قضاوت و دادرسی است. در عصر مهدوی و حکومت جهانی آن حضرت نیز این مهم مورد نظر است. دستگاه قضایی واقعی، پناه‌گاه و ملجأ مظلومان و دادخواهان و محل مبارزه با فاسدان و تبه‌کاران، مجرمان و منحرفان است. درباره عمل‌کرد قضایی حضرت مهدی علیه السلام توجه به امور زیر بایسته است:

(الف) وجود یک سیستم صحیح و نیرومند قضایی و احاطه و علم قاضیان به ویژه خود امام مهدی علیه السلام تأثیر فراوانی در از بین رفتن ناهنجاری‌ها و کژئی‌های جامعه دارد که نظیر آن کمتر در جامعه مشاهده شده است. این دستگاه قضایی سالم و کاملاً آگاه و مسلط، حقوق آنان را به آنان باز می‌گرداند و ستم‌گران و فاسدان را محاکمه و مجازات می‌کند.

(ب) قضاوت امام عصر در میان مردم نسبت به قضاوت‌های اجداد طاهرین آن بزرگوار، امتیاز ویژه‌ای دارد و آن این است که ایشان با دانش و اطلاع‌شان نسبت به حوادث و وقایع قضاوت می‌کند و منتظر شاهدان و دلایلی که دعوی را ثابت کند نمی‌ماند.<sup>۳۰</sup>

(ج) شیوه دادرسی دولت مهدوی علیه السلام با دولت نبوی و علوی تفاوت‌هایی دارد. در این نوشتار این موضوع بررسی می‌شود. یکی از تفاوت‌ها، قضاوت زن در دولت مهدوی است. با این‌که مسئله قضاوت زن برخلاف دکتربین فقه حقوقی اسلام است، ولی در دولت مهدوی زنان حق قضاوت دارند.

### گفتار سوم: ادله اثبات

قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای مشهور فقهای امامیه تدوین و تصویب شده است، در ادله اثبات دعوی چنین مقرر می‌دارد: «ماده ۱۲۵۷: هرکس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع، مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر، برعهده اوست.»

در ماده ۱۲۵۹ می‌گوید: «دلایل اثبات دعوی از قرار ذیل است: ۱. اقرار؛ ۲. اسناد کتبی؛ ۳. شهادت؛ ۴. امارات؛ ۵. قسم».<sup>۳۱</sup>

### الف) ادله اثبات در دولت نبوی

در سیره قضای رسول گرامی اسلام ﷺ، بینه و قسم، مبنای قضاوت و دادرسی ایشان گزارش شده است و برحسب روایاتی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام رسیده است، قضاوت‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مبتنی برحسب ظاهر، شهود و قسم بوده است. امام حسن عسکری علیه‌السلام از امام علی علیه‌السلام چنین روایت می‌کند که فرمود:

رسول‌الله ﷺ همیشه براساس بینه و قسم بین مردم به داوری می‌پرداختند. در نتیجه مطالبات و دعاوی حقوقی زیاد شد. آن حضرت فرمودند: «من بشر هستم و شما دعاوی حقوقی زیادی را مطرح می‌کنید. شاید برخی از شما قدرت استدلال بیشتری داشته باشید نسبت به دیگران و من براساس شنیدار خود از شما قضاوت می‌کنم اگر من چیزی را به نفع کسی قضاوت نمودم که در واقع حق ندارد نباید پی گیرد؛ زیرا در حقیقت من قطعه‌ای از آتش را برای او بریده و داده‌ام».<sup>۳۲</sup>

در حدیث دیگری هشام بن الحکم از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که فرمود، رسول‌الله ﷺ فرمودند:

إنما أفضى بينكم بالبينات والإيمان، و بعضكم الحن بحجته من بعض فأيا رجل قطعت له من ماله أخيه شيئاً فإنما قطعت له به قطعة من النار.<sup>۳۳</sup>

براساس این احادیث که از ائمه معصومین علیهم‌السلام رسیده است، مبنای قضاوت پیامبر، شهود و قسم بوده است. قاضی نمی‌تواند به مبنای علم خود قضاوت کند؛ زیرا پیامبر خود را بشر معرفی می‌کند و قضاوت را براساس مستندات پرونده و قدرت استدلال دفاع، دو طرف می‌داند. اگر یکی از دو طرف، به ناحق با استفاده از قدرت استدلال و آگاهی از موازین حقوقی و قضایی نتیجه دعوی را به نفع خود ختم کند، براساس فرموده پیامبر، در حقیقت به قطعه‌ای از آتش دست یافته است. پیامبر در داوری، ادله اثبات را در نظر می‌گرفت. براساس ظواهر قضیه و مستندات پرونده، حکم صادر می‌فرمود تا یک نظام قضایی مترقی براساس

آموزه‌های اسلامی را پی‌ریزی کند تا الگوی قضات و نظام قضایی کشور پهناور اسلامی باشد. همان‌گونه در مسایل سیاسی، نظامی و اجرایی نیز از روند طبیعی و معمول استفاده می‌کرد؛ زیرا ایشان الگوی عملی نظام قضایی اسلام بود و اگر می‌خواست براساس علم غیب قضاوت کند، دیگر بحث اسوه بودن و الگو شدن پیش نمی‌آمد. اگر در مواردی هم پیامبر ﷺ بر مبنای علم خود قضاوت کرد، آن موارد از باب علم و یقینی بود که از محتوای پرونده به دست می‌آمد که غیر از قضاوت به مبنای علم غیب است.

### ب) ادله اثبات در حکومت علوی

این قضاوت براساس مستندات و محتوای پرونده در سیره قضایی امام علی علیه السلام نیز آمده است که ایشان بر مبنای اقرار، شهود و تحقیق، بررسی از احوال شهود، و احراز شایستگی آنان برای ادای شهادت، قضاوت می‌کرد. در مواردی که کذب شهود محرز می‌شد، از پذیرش شهود و گواهان پرهیز می‌کرد.<sup>۳۴</sup> قسم، قسامه و علم قاضی از اسباب دیگری برای اثبات جرم و دعوی در سیره قضایی حضرت علی علیه السلام به شمار می‌آمد.<sup>۳۵</sup>

### ج) علم قاضی مبنای قضاوت

۱. علم قاضی به عنوان ادله اثبات دعوی و جرم، یکی از مواردی است که فقها درباره آن اختلاف دارند. عده‌ای بر این باورند که قاضی می‌تواند براساس علم خود قضاوت کند و تفاوتی ندارد که قاضی امام معصوم باشد یا منصوب از طرف امام معصوم (به نصب خاص یا نصب عام). مورد حکم نیز فرق نمی‌کند. حقوق خصوصی باشد یا حقوق عمومی. (حقوق الله، حقوق الناس). برخی دیگر باور دارند که قاضی غیرمعصوم، می‌تواند در حقوق خصوصی بر مبنای علم حکم کند، ولی در حقوق عمومی و حقوق الله نمی‌تواند بر مبنای علم خود داوری کند. گروه سوم بر این باورند که قاضی غیرمعصوم، در حقوق خصوصی نمی‌تواند براساس علم خود حکم کند. ولی در حقوق عمومی چنین اجازه‌ای دارد.<sup>۳۶</sup> در حجیت علم قاضی معصوم، در قضاوت و داوری بین فقهای امامیه اختلاف وجود ندارد، ولی آنان برای داوری بین مردم از علم غیب استفاده نمی‌کنند. در سیره قضایی حضرت

علی علیه السلام استفاده از علم و آگاهی شخصی در دادرسی دیده می‌شود، ولی به معنای استفاده از علم غیب نیست. علی علیه السلام در تمامی قضاوت‌های خود، از علم غیب در دادرسی استفاده نمی‌کرد. دلیل مطلب این است که اگر علی علیه السلام براساس علم غیب خود عمل کند، دیگر اسوه بودن ایشان برای دیگر مسلمانان از بین می‌رود. اساساً هنر علی علیه السلام در دادرسی این است که براساس علم غیب خود عمل نکند و تنها در این صورت است که راه و روش او می‌تواند برای مسلمانان، یک مکتب دادرسی به وجود آورد.

۲. در قضاوت‌های علی علیه السلام نمونه‌های گوناگونی وجود دارد که حضرت برای اثبات جرم از راه‌های عادی کشف جرم استفاده کرده است؛ چنان‌که ایشان در ماجرای جوانی که پدرش را در سفر کشته بود، از راه تفریق شهود به واقعیت پی برد.

۳. پاسخ‌گو بودن علی علیه السلام در قضاوت‌های خود، یکی دیگر از برجستگی‌های دادرسی علی علیه السلام براساس علم خویش بوده است؛ یعنی در قضاوت‌های مختلف، هرگاه یکی از طرفین دعوا دلیل حکم را از علی علیه السلام می‌خواست، آن حضرت دلیل را بیان می‌کرد. به گونه‌ای که همه افراد بی‌طرفی که در محکمه بودند، از پاسخ علی علیه السلام قانع می‌شدند. لازمه پاسخ‌گو بودن ایشان در مقابل طرفین دعوا ایجاب می‌کند که در دادرسی به دلایل ملموس استناد کند نه دلایل غیرملموس که مردم عادی راهی به آن دلایل ندارند.<sup>۳۷</sup>

#### د) علم قاضی در دولت مهدوی

یکی از تفاوت‌های اساسی مبنای قضاوت در دولت مهدوی با مبنای قضاوت در دولت نبوی و علوی این است که قضاوت در دولت مهدوی براساس علم قاضی است و شهود و قسم مدار اعتبار نیست. قاضی در دادرسی و صدور حکم، نیازمند شهود نخواهد بود. همان‌گونه که در حکومت حضرت داوود و حضرت سلیمان علیهم السلام احتیاج به قسم و شهود نبود. در عصر استقرار حکومت مهدوی برقراری عدالت و امنیت با امدادهای غیبی هم‌راه خواهد بود تا کسی نتواند با بی‌نه دورغین یا سوگندی که واقعیت ندارد، چهره حق‌مداران به خود بگیرد و براساس شگردهای روانی و ترفندهای حقوقی به حق دیگری تجاوز کند.

بنابراین، در نهاد قضایی دولت مهدوی، احتیاج به شاهد و قسم نیست. حضرت مهدی علیه السلام مانند حضرت داوود علیه السلام به علم خود که مبتنی بر الهام و امداد الهی است قضاوت می‌کند. ایشان از کسی مطالبه شهود نمی‌کند. ادله اثبات که در حکومت نبوی و علوی مطرح بود، در نهاد قضایی حضرت مهدی علیه السلام جایگاه ندارد.

#### گفتار چهارم: قضاوت در حکومت داوود و سلیمان علیهما السلام

اکنون لازم است درباره حکومت داوود و سلیمان علیهما السلام مطالبی بیان کنیم. از میان پیامبران الهی، حضرت داوود و سلیمان علیهما السلام مقام ممتازی دارند. که قرآن کریم بیان می‌دارد:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛<sup>۳۸</sup>

و به راستی به داوود و سلیمان دانشی عطا کردیم، و آن دو گفتند: «ستایش خدایی را که ما را بر بسیاری از بندگان باایمانش برتری داده است.»

در سوره انبیاء می‌فرماید:

﴿فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَاهُمْ حُكْمًا وَعِلْمًا﴾؛<sup>۳۹</sup>

پس آن [داوری] را به سلیمان فهماندیم.

و به هر کدام حکم و علم دادیم؛ خداوند به داوود و سلیمان علم و دانشی بخشید که براساس آن بدون نیازمندی به شاهد، به قضاوت می‌پرداختند. احادیثی درباره قضاوت حضرت داوود از معصومین علیهم السلام رسیده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

حضرت داود به خداوند عرض کرد: خداوند! حق را آن‌گونه که نزد توست به من نمایان کن تا من قضاوت کنم به آن، خداوند به او وحی فرمود طاقت چنین کاری را نداری! حضرت داوود اصرار نمود تا خداوند خواسته او را انجام داد.

مردی نزد او آمد. کمک می‌خواست و از مرد دیگری، شکایت داشت و می‌گفت: این شخص مال مرا گرفته است. خداوند به حضرت داوود وحی نمود: فردی که دادخواست تقدیم کرده است و کمک می‌خواهد پدر دیگری را کشته است و مال او را ربوده. حضرت داوود امر کرد که خواهان را بکشند و مال وی را به خوانده تحویل نمایند. مردم از جریان باخبر و شگفت‌زده شدند و آن را با یک‌دیگر می‌گفتند تا جریان به حضرت داوود رسید و ایشان از واکنش مردم ناراحت شد. پس از خداوند خواست که علم به حقایق را از او بگیرد. خداوند چنین کرد پس فرمود: و پس از این از آنان بخواه شهود بیاورند و به نام من سوگند یاد کنند.<sup>۴۰</sup>

از این روایت استفاده می‌شود که قضاوت حضرت داوود علیه السلام براساس علم و آگاهی و اطلاعات شخصی و امداد غیبی فقط یک مورد بوده است؛ چون با واکنش منفی مردم زمان خویش روبه‌رو شد از خداوند خواست که این علم را از ایشان باز ستاند. در نتیجه قضاوت براساس علم قاضی، کلیت و عمومیت ندارد، پس نمی‌تواند سیره قضایی قرار گیرد و در دیگر موارد میزان قضاوت و دادرسی حضرت داوود علیه السلام، شهود و قسم بوده است.

این روایت از نظر سند مخدوش است. علامه مجلسی این روایت را از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد، از حسین بن سعید، از فضالة بن ایوب، از ابان بن عثمان، از کسی که به او خبر داده روایت کرده است. همان‌طوری که می‌بینید، ابان بن عثمان سند روایت را ناتمام نقل کرده است. گذشته از این، خود ایشان نزد بزرگانی مانند علامه حلی مورد اطمینان نیست.<sup>۴۱</sup> دیگر این‌که روایات دیگری وجود دارد که مفاد آن روایات این است که حضرت داوود علیه السلام براساس علم خود داوری می‌کرد. در روایت دیگری آمده که فردی دادخواستی را علیه دیگری به محضر حضرت داوود علیه السلام تقدیم می‌کند و مدعی می‌شود که جوانی بدون اجازه وارد باغ من شده و درخت انگور من را تخریب کرده است. جوان نیز این شکایت را می‌پذیرد و در حقیقت اعتراف می‌کند، ولی حضرت داوود علیه السلام براساس علم خود به نفع جوان حکم می‌کند. باغ را به جوان تحویل می‌دهد و به جوان امر



می‌کند پیرمرد را گردن بزند؛ زیرا پیرمرد قاتل پدر جوان است و باغ نیز مال پدر جوان بوده است.<sup>۴۳</sup> در روایت سومی نیز نقل شده است که حضرت داوود علیه السلام براساس علم خود داوری کرد، نه براساس شاهد. نزاع درباره مالکیت گاوی بوده است که حضرت قطع نظر از شهود، بر مبنای علم خود داوری می‌کند.<sup>۴۳</sup>

آن چه از این گروه دوم از روایت‌ها استفاده می‌شود این است که حضرت داوود علیه السلام براساس علم و واقع داوری می‌کرد، نه براساس شهود و بی‌نه. به نظر می‌رسد روایات دسته دوم رجحان داشته باشد؛ زیرا مطابق آیاتی از قرآن کریم است که می‌فرماید: «به داوود فن دادرسی و قضاوت را اعطا کردیم و علم به واقع را به آنان آموختیم که براساس آن داوری کند.» افزون بر این، روایاتی است که می‌فرماید: «حضرت مهدی علیه السلام مانند حضرت داوود و سلیمان داوری می‌کند.» در تفسیر روایت تصریح دارد که ایشان در دادرسی محتاج شهود و بی‌نه نیست. این موضوع نشان می‌دهد که حضرت داوود براساس علم خود حکم می‌کرد نه بر مبنای شهود و قسم. در نتیجه روایتی که می‌گفت: دادرسی بدون شاهد و گواه فقط در یک مورد بوده است و کلیت ندارد، توان مقابله با روایت دسته دوم را ندارد. (والله العالم)

در برخی روایات، وقتی از حکومت حضرت داوود علیه السلام صحبت به میان می‌آید ائمه اطهار علیهم السلام می‌فرمایند: «ما مانند حضرت داوود علیه السلام قضاوت می‌کنیم.» این که ائمه اطهار علیهم السلام، استشهاد به قضاوت حضرت داوود علیه السلام می‌کنند، دلیل بر این است که در قضاوت و داوری حضرت داوود علیه السلام، ویژگی‌هایی وجود دارد که به وسیله آن به شاهد نیازی نیست. سباباتی از امام صادق علیه السلام می‌پرسد:

بما تحکمون إذا حکمتم فقال بحکم الله و حکم داود فإذا ورد علينا شیء  
تلقانا به روح القدس.<sup>۴۴</sup>

جعید همدانی (که از یاران امام حسین علیه السلام در سفر کربلا بوده است) می‌گوید:  
از امام حسین علیه السلام پرسیدم:

جعلت فداك بأی شیء تحکمون؟ قال یا جعید! تحکم بحکم آل داود فإذا  
عیننا عن شیء تلقانا به روح القدس.<sup>۴۵</sup>

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که شخصی همسرش را متهم به رابطه نامشروع با دیگری کرد و بر سرش کوبید. همسرش گفته بود میان من و شما باید کسی داوری کند که به حکم داوود و آل داوود حکم می‌کند. کسی که سخن پرندگان را می‌داند و احتیاج به شاهد ندارد. پس به او گفتم چیزی را که نسبت به همسرت گمان کردی واقعیت ندارد و آنان با هم سازش نموده برگشتند.<sup>۴۶</sup> از این مجموعه روایات درمی‌یابیم که دادرسی در حکومت داوود، بدون شهود بلکه براساس علم قاضی و دادرس بوده است.

### گفتار پنجم: دادرسی دولت مهدوی

با توجه به روایات، دادرسی در دولت مهدوی، مانند حکومت داوود علیه السلام است و نیازی به شهود ندارد. عبدالله عجلان از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند:

إذا قام قائم آل محمد عليه السلام حكم بين الناس بحكم داود لا يحتاج إلى بيّنة يلهمه الله فيحكم بعلمه؛<sup>۴۷</sup>

هنگامی که قائم آل محمد قیام کند در میان مردم مانند حضرت داود داوری خواهد نمود و احتیاج به شاهد ندارد. خداوند به او الهام می‌کند و براساس علم خود قضاوت می‌کند.

حریر می‌گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

لن تذهب الدنيا حتى يخرج رجل من أهل البيت يحكم بحكم داود و آل داود لا يسأل الناس بيّنة.<sup>۴۸</sup>

در روایتی نیز ابان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

لا يذهب الدنيا حتى يخرج رجل مني يحكم بحكومة آل داود لا يسأل عن بيّنة يعطى كل نفس حكمها.<sup>۴۹</sup>

باز هم ابی عبیده از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمود:

إذا قام قائم آل محمد حكم بحكم داود و سلبان لا يسأل الناس بيّنة.<sup>۵۰</sup>

حسن بن ظریف می‌گوید:

کتبت إلى أبي محمد العسكري عليه السلام أسأله عن القائم إذا قام بم يقضى بين الناس؟... فجاء الجواب سالت عن الامام. فإذا قام يقضى بين الناس بعلمه كقضاء داود و سليمان لا يسأل الناس بيته.<sup>۵۱</sup>

از مجموع این روایات چنین برمی‌آید که در دولت مهدوی، قضاوت دادرسی براساس علم و آگاهی قاضی است و به شاهد و گواه نیازی ندارد.

#### الف) توسعه اطلاعات در دولت مهدوی

به دلیل توسعه علم و دانش، قضات می‌توانند براساس علم خود حق و باطل را تشخیص دهند و با ابزار و امکاناتی که در اختیار دارند، جرم و مجرم را کشف و شناسایی کنند. درباره پیش‌رفت ابزار و وسایل اطلاعاتی در دولت مهدوی، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چنین می‌فرماید:

سوگند به آن‌که جانم در دست اوست، قیامت برپا نمی‌شود تا این‌که کفش یا چوب تعلیمی یا عصای شخصی به او خبر دهد که خانواده او پس از خارج شدنش از خانه، چه کاری انجام داده است.

در حدیثی دیگری امام باقر علیه السلام درباره اطلاعات در روزگار حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

آن حضرت بدین سبب مهدی نامیده شده است که به امور خفی هدایت می‌شود. تا جایی که افراد را اعزام می‌دارد تا شخصی را که مردم او را مجرم و منحرف و بزه‌کار نمی‌دانند به قتل برسانند. میزان آگاهی حضرت از مردم به اندازه‌ای است که اگر کسی در خانه خودش سخنی بگوید، بپیم آن دارد که مبادا دیوارهای خانه‌اش گزارش دهند.<sup>۵۲</sup>

این روایت به گسترش ابزار اطلاعاتی در دوران ظهور اشاره دارد که براساس سیستم پیچیده و پیش‌رفته اطلاعاتی، هیچ جرم و مجرمی در امنیت نیست. سیستم کشف تعقیب کیفر و مجازات در حکومت مهدوی بر مبنای عدل استوار است. یکی از ابزار برقراری امنیت عمومی، گسترش علم و آگاهی است.

یکی از اموری که پس از ظهور مطرح است، مجازات افرادی است که جهان را سراسر ناامن کرده‌اند، میلیون‌ها کشته و زخمی برجای گذاشته‌اند و نابسامانی‌های مادی و معنوی را پدید آورده‌اند. آنان جنایت‌کارانی هستند که جهان را به آن وضعیت اسفبار کشانده‌اند.

پس از ظهور حضرت، تعقیب، دست‌گیری و محاکمه آنان امری حتمی است؛ زیرا اجرای حدود الهی، یکی از واجبات مهم به شمار می‌رود؛ به ویژه در روزگار حضور امام معصوم و حضرت بقیة الله علیه السلام در زمین که براساس کتاب خدا و به دور از هرگونه هواهای نفسانی حدود اجرا می‌شود.<sup>۵۳</sup>

#### ب) نوآوری قضایی در دولت مهدوی

امام صادق و امام کاظم علیهما السلام می‌فرمایند:

لو قام القائم لحکم بثلاث لم یحکم بها أحد قبله: یقتل الشیخ الزانی و یقتل مانع الزکاة و یورث الأخ أخاه فی الأظله.<sup>۵۴</sup>

نوآوری قضایی در دولت مهدوی این است که ایشان پیرمرد زناکار را محکوم به اعدام می‌کند به قتل می‌رساند. دوم کسانی که زکات را پرداخت نکرده باشند و منکر زکات باشند را نیز به قتل می‌رساند. سوم میان برادران عالم‌زر رابطه حقوقی ارث را برقرار می‌داند. به گونه‌ای که برادران عالم‌زر از هم‌دیگر ارث می‌برند. این سه مورد از ابتکارها و نوآوری قضایی دولت مهدوی است. مرحوم علامه حلی درباره قتل منکر زکات در حکومت امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

در همه عصرها، مسلمانان بر وجوب زکات اتفاق نظر دارند و زکات را یکی از پایه‌های پنج‌گانه اسلام می‌دانند. در نتیجه کسی که واجب بودنش را نپذیرد و مسلمان فطری باشد و بین مسلمانان بزرگ شده باشد او را بدون توبه دادن اعدام می‌کنند و اگر این فرد مسلمان ملی باشد، تا سه‌بار پس از ارتداد توبه‌اش می‌دهند و پس از آن اعدام می‌شود. این احکام در صورتی است که فرد علم و آگاهی به وجوب آن داشته باشد، ولی اگر وجوب آن را نداند حکم به کفرش نمی‌شود.<sup>۵۵</sup>

مرحوم مجلسی اول، در تبیین این حدیث شریف می‌فرماید:

شاید مراد این باشد که حضرت به علم خود عمل می‌کند و در قضاوت نیازه به شاهد ندارد، چنانچه در سایر موارد نیز چنین است، ولی راز اختصاص دادن به این دو مورد به لحاظ اهمیت آن است.<sup>۵۶</sup>

## نظام قضایی شایسته‌سالار

برکناری قضات جورپیشه و نالایق:

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

لِيُزْعَنَ عَنْكُمْ قِضَاةَ السُّوءِ وَ لِيُقْبَضَنَّ عَنْكُمْ الْمُرَاضِينَ وَ لِيُعْزَلَنَّ عَلَيْكُمْ أُمَرَاءُ  
الْجُورِ وَ لِيُطَهَّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ؛<sup>۵۷</sup>

وقتی دولت مهدوی شکل گرفت، قضات سوء و ناشایسته را برکنار می‌کند و افراد فرصت‌طلب و منفعت‌طلب را جلوگیری می‌کند و فرماندهان ظالم و ستم‌پیشه را برکنار می‌کند و زمین را از وجود افراد خیانت‌کار تطهیر می‌کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که قائم آل محمد قیام کند، از پشت کعبه هفده نفر را بیرون می‌آورد؛ پنج نفر از قوم موسی هستند که به حق قضاوت می‌کنند... و هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه و مالک اشتر.<sup>۵۸</sup>

در حدیثی دیگر ابوبصیر از امام صادق علیه السلام می‌پرسد:

آیا جز این گروه (سی صد و سیزده نفر) افراد دیگری در پشت کعبه نیستند؟ حضرت فرمود: آری مؤمنان دیگری نیز هستند؛ ولی این گروه فقها، نخبگان، حاکمان و قاضیانی خواهند بود که پیش‌رو (سینه) و پشت سرشان را حضرت دست می‌گذارد و مسح می‌کند و در پایان هیچ قضاوتی بر آنان دشوار نخواهد بود.<sup>۵۹</sup>

## قضاوت زن در دولت مهدوی

یکی از مسائلی که در فقه امامیه از گذشته دور تا دوران معاصر مطرح نظر فقها بوده است، مسئله قضاوت زنان است که آیا در تصدی منصب قضاوت، مرد بودن شرط است یا نه؟

مشهور فقهای امامیه معتقدند که در امر قضاوت نباید زنان مشارکت کنند. یکی از فقهای دوران معاصر می‌نویسد:

اعتبار بلوغ و رجولیت در قاضی شایسته تردید نیست. فرق نمی‌کند قاضی تحکیم یا قاضی ابتدایی باشد؛ زیرا در روایت عنوان رجل آمده است که زن و کودک را شامل نمی‌شود.<sup>۶۰</sup>

و مرحوم صاحب الشرایع الاسلام که از فقهای نام‌دار شیعه است می‌نویسد:

ولا ینعقد القضاء للمرأة وإن استکملت الشرایط؛<sup>۶۱</sup>

زن نمی‌تواند متصدی امر قضاوت شود، گرچه دارای شرایط قضاوت باشد.

افزون بر فقهای امامیه، مالکیه، شافعیه و حنابله از مذاهب اهل سنت نیز معتقدند که زنان به طور مطلق نمی‌توانند متصدی امر قضاوت شوند. فرق ندارد قصاص، حدود و دیگر موارد از حقوق خصوصی افراد باشد؛ چنانچه اگر ولی امر، زنان را متولی امر قضاوت گرداند، معصیت‌کار شده است و قضاوت زنان نافذ نیست، ولی ابوحنیفه عقیده دارد که زنان می‌توانند در امر حدود و قصاص قضاوت نمایند.<sup>۶۲</sup>

ولی در دولت مهدوی، زنان به کرسی قضاوت قرار می‌گیرند. یکی از ویژگی توسعه قضایی در دولت مهدوی این است که وقتی علم و دانش حقوق و فقه قضایی توسعه یافت، زنان در منزل می‌توانند براساس کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ قضاوت نمایند. چنانچه از امام باقر علیه السلام روایت شده است:

و تؤتون الحکمة فی زمانه، حتی أن المرأة لتقضى فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنت رسول الله.<sup>۶۳</sup>

قضاوت و داوری انشاء حکم است و این صلاحیت انشاء حکم در عصر ظهور برای زنان نیز داده شده است که براساس دانش و آگاهی که از کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ دارند قضاوت می‌کنند، ولی در غیر عصر ظهور و دولت مهدوی اگر زنان دارای شرایط قضاوت باشند بنا به دلایلی نمی‌توانند متصدی امر قضاوت شوند؛ زیرا نیروی عاطفه در زنان بیشتر است و نیروی عقلانی کمتری دارند و در قضاوت ممکن است عقلانیت، اسیر عواطف و احساسات شود و نتواند تصمیم درست بگیرد. بنابراین، اسلام زنان را از این مسئولیت سنگین معاف دانسته است. همان‌گونه که از جهاد مسلحانه معاف کرده است.<sup>۶۴</sup>

زنان مظهر عواطف و مهربانی‌اند و ناگزیر نیازمند محیط آرام‌بخش هستند و متقابلاً مردان مظهر و تجلی‌گاه تدبیر، تعقل و اندیشه‌اند. قضاوت از کارهایی است که با تدبیر مناسب دارد. در عصر غیبت که زنان به آن مرحله از پختگی و عقلانیت نرسیده‌اند، نمی‌توانند متصدی امر قضاوت شوند و مردم نیز قانون‌ستیز و قانون‌گریزند و برای زنان مشکل است که قانون را بر قانون‌شکنان تطبیق نمایند، ولی در عصر ظهور که دوران عقلانیت مدرن به معنای اسلامی آن تحقق می‌پذیرد، قدرت تدبیر و تعقل زنان، بالا می‌رود. هم‌چنین، چون در جامعه مهدوی، قانون‌شکنی کم است و نوعاً مردم تسلیم حکم و دادرسی می‌شوند، در نهاد قضایی اخلاق و عقل بین ارباب‌رجوع و دستگاه قضایی حکومت می‌کند. در نتیجه قضاوت به سختی عصر غیبت نیست و زنان می‌توانند از عهده این امر برآیند.

## نتیجه

با توجه به منابع و مستندات دکترین مهدوی به نتایج زیر دست یافتیم:

الف) دولت مهدوی برای تحقق عدالت و امنیت، نظام قضایی شایسته و مقتدری را ایجاد خواهد کرد که در رأس نظام قضایی مهدوی شخص حضرت مهدی ﷺ و حضرت عیسی علیه السلام و فقهای عادل و اسلام‌شناسان شایسته قرار دارند.

ب) در دولت مهدوی در مرحله اول، از سیاست پیش‌گیرانه استفاده می‌شود. این سیاست پیش‌گیرانه، تلاش می‌کند که فقر، جهل و فساد اخلاقی را که هرکدام

منبع و منشأ جرم و اختلاف است از بین برده جامعه ثروت‌مند، عالم و دارای فضایل اخلاقی تشکیل شود. وقتی چنین جامعه آرمانی تشکیل شد در آن جامعه جرم و درگیری‌های قضایی کم خواهد شد و دولت مهدوی در سیاست جنایی خود با علل بزه‌کاری و اختلافات مالی مبارزه می‌کند. در نتیجه میزان مراجعه به دستگاه قضایی کاهش می‌یابد.

ولی چون بشر فاعل مختار است، کسانی هستند که از اختیار و آزادی اراده سوء استفاده می‌کنند و در پی تجاوز به اموال مردم باشند. به دیگر سخن جامعه بدون جرم را نمی‌توان تصور کرد. بنابراین، در صورت ارتکاب جرم و اختلاف مالی، نظام قضایی قدرت‌مندی لازم است که این مهم در دولت مهدوی پیش‌بینی شده است که با راه‌کار معلوم و مشخص انجام وظیفه می‌کند.

ج) این نظام قضایی دارای نوآوری و ابتکار است که می‌توان به تصدی منصب قضاوت توسط زنان و بی‌نیازی به شهود و گواه و احیای سیره قضایی حضرت داوود و سلیمان علیهم‌السلام اشاره کرد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی علیه‌السلام براساس بی‌نه، قسم و قسامه و علم عادی که از راه‌های شناخته‌شده به دست آمده باشد، قضاوت می‌کردند. ایشان می‌خواستند الگوی یک نظام قضایی را بر مبنای دین و ارزش‌های دینی در جامعه بشری پایه‌گذاری کنند تا نظام قضایی اسلام نهادینه شود. پس از علم غیب و راه‌های غیرمتعارف استفاده نمی‌کردند؛ زیرا استفاده از علم غیب و راه‌های غیرمتعارف، نمی‌تواند الگویی برای کسانی باشد که به آن ابزار دست‌رس ندارند.

دولت مهدوی آخرین دولت و نسخه تمام و کمال تربیت و فضیلت انسانی است و انسانیت در دولت مهدوی ظرفیت پذیرش، داوری بدون شهود و براساس علم امام را دارند و دنبال بهانه‌گیری و مستندات پرونده نمی‌گردند. گرچه این‌گونه افراد در صدر اسلام نیز حضور داشتند، ولی در اقلیت بودند. در دولت مهدوی، اکثریت جامعه این‌گونه هستند. بنابراین، حضرت براساس علم و آگاهی بدون احتیاج به شهود و قسم به دادرسی می‌پردازد و با نظام کثرت‌گرای قضایی، بین اهل هر مسلک و دین به کتاب خودشان قضاوت می‌کند. ایشان بین اهل تورات به تورات و بین اهل انجیل به انجیل و بین اهل زبور به زبور و بین اهل قرآن به قرآن قضاوت می‌کند.



## پی نوشت‌ها

۱. *نهج البلاغه*، ترجمه مصطفی زمانی، ص ۲۶، نامه ۵۳، انتشارات فاطمة الزهراء، قم ۱۳۸۰ شمسی.
۲. راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ قرآن کریم*، ص ۴۲۱، انتشارات دارالکتب، [بی جا]، [بی تا].
۳. محمدجعفر جعفری لنگرودی، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، ج ۴، ص ۲۹۲۷، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸ شمسی.
۴. نک: علی اکبر قرشی، *قاموس قرآن*، ج ۶، ص ۱۷، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۷۸ شمسی.
۵. روح الله خمینی، *تحریر الوسیله*، ج ۲، ص ۳۸۴، چاپ اول: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران ۱۴۲۱ قمری.
۶. سوره نساء، آیه ۶۵.
۷. سوره قصص، آیه ۲۸.
۸. سوره اسراء، آیه ۲۳.
۹. محمود روحانی، *فرهنگ آماری قرآن مجید*، ج ۳، ص ۱۱۶۳، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۶ شمسی.
۱۰. سوره سبأ، آیه ۱۴.
۱۱. سوره فصلت، آیه ۱۲.
۱۲. نک: میرزاچواد تبریزی، *تنقیح مبانی الاحکام کتاب القضاء و الشهادات*، ص ۶، چاپ دوم: انتشارات شریعت، قم ۱۳۸۴ شمسی.
۱۳. اطوان نعمه و دیگران، *المنجد* (ذیل ماده دولت)، ص ۴۹۷، چاپ اول: انتشارات دارالمشرق، بیروت [بی تا].
۱۴. طریحی، *مجمع البحرين*، ص ۶۲۰، انتشارات مؤسسه بعثت، قم، [بی تا].
۱۵. محمود آخوندی، *آیین دادرسی کیفری*، ج ۴، ص ۳۳، چاپ دوم: انتشارات اشراق، قم ۱۳۸۱ شمسی.
۱۶. جواد منصوری، *آثار فردی و اجتماعی عدالت* (گفتمان مهدویت)، ص ۶۷، چاپ اول: انتشارات مؤسسه انتظار نور، قم ۱۳۸۵ شمسی.
۱۷. حبیب الله طاهری، *سیمای آفتاب*، ص ۲۹۸، چاپ اول: انتشارات زائر، قم ۱۳۸۰ شمسی.
۱۸. نک: ناصر کاتوزیان، «حقوق و عدالت»، *مجله نقد و نظر*، سال سوم، ش ۲-۳.
۱۹. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۳۷، چاپ دوم: انتشارات مؤسسه الوفاء، بیروت، [بی تا].
۲۰. همان، ص ۳۵۱.
۲۱. همان، ص ۳۳۸.
۲۲. لطف الله صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ص ۶۰۷، چاپ دوم: انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم ۱۴۲۱ قمری.

۲۳. سیدحسین شیخ الاسلام، *غرر الحکم و درر الکلم*، ج ۱، ص ۲۱۳، انتشارات انصاریان، قم ۱۳۷۴ شمسی.
۲۴. محمدعلی حاجی ده آبادی، «پیش گیری جرم»، *دانش نامه امام علی*، ج ۵، ص ۳۱۸، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، تهران ۱۳۸۲ شمسی.
۲۵. *نهج البلاغه*، حکمت ۴۷۸.
۲۶. *دانش نامه امام علی*، ج ۵، ص ۳۱۶.
۲۷. رحیم کارگر، *آینده جهان دولت سیاست در اندیشه مهدویت*، ص ۲۳۳ - ۲۳۴، چاپ اول: انتشارات بنیاد مهدی موعود، قم [بی تا].
۲۸. *سیمای آفتاب*، ص ۲۹۸.
۲۹. *دانش نامه امام علی*، ج ۵، ص ۲۲۵.
۳۰. *آینده جهان، دولت، سیاست در اندیشه مهدویت*، ص ۳۰۰.
۳۱. منصور جهانگیر، *آیین دادرسی مدنی*، ص ۱۷، چاپ هفدهم: نشر دوران، تهران ۱۳۸۳ شمسی.
۳۲. شیخ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۸، ص ۱۷۰، روایت سوم، چاپ دوم: انتشارات دارالاحیاء العربی، بیروت [بی تا]. (نک: میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۷، ص ۳۶۶، چاپ اول: انتشارات مؤسسه آل البیت، قم ۱۴۰۷ قمری)
۳۳. *وسائل الشیعه*، ج ۱۸، ص ۱۶۹، روایت یکم.
۳۴. نک: محمدتقی تستری، *قضاوت های حضرت علی*، ترجمه سید محمدعلی موسوی جزایری، ص ۱۳ - ۱۵، انتشارات جامعه مدرسین، قم ۱۳۶۷ شمسی.
۳۵. «شخصی اقرار کرد هزار درهم به یکی از دو نفر بده کار است ولی طلب کار را مشخص نکرد و به همان حال از دنیا رفت. امیرالمؤمنین فرمود: اگر یکی از آنان به خصوص گواه آورد که وی طلب کار است، درهم ها به او داده می شود وگرنه درهم ها بالمناصفه بین آنان تقسیم می شود که این قضاوت بر مبنای اقرار بوده است. مورد دیگر قضاوت براساس شهادت است: دو مرد هر کدام مدعی مالکیت اسبی بودند، یکی از آنان دو شاهد داشت و دیگری پنج شاهد؛ امیرالمؤمنین قسمت آن را برای نفر اول و پنج قسمت آن را برای نفر دوم قرار داد.» (همان)
۳۶. نک: محمدحسن نجفی، *جواهر الکلام*، ج ۴۰، ص ۸۶ - ۹۱، چاپ دوم: انتشارات دارالکتب الاسلامی، تهران ۱۳۶۲ شمسی؛ *تنقیح مبانی الاحکام کتاب القضاء و الشهادت*، ص ۷۶.
۳۷. *دانش نامه امام علی*، ج ۵، ص ۴۲۴.
۳۸. سوره نمل، آیه ۱۵.
۳۹. سوره انبیاء، آیه ۷۹.
۴۰. *بحار الانوار*، ج ۱۴، ص ۱۰.
۴۱. نک: سیدمرتضی مجتهدی سیستانی، *دولت کریمه امام زمان*، ص ۷۲، انتشارات الماس، [بی جا]، ۱۳۸۵ شمسی.
۴۲. *مستدرک الوسائل*، ج ۱۷، ص ۳۶۲.

۴۳. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۷: مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۶۱.
۴۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵.
۴۵. همان، ص ۵۷.
۴۶. همان، ج ۴۶، ص ۲۵۶.
۴۷. همان، ج ۱۴، ص ۱۴.
۴۸. همان، ج ۵۲، ص ۳۱۹.
۴۹. همان، ص ۳۲۰.
۵۰. همان.
۵۱. همان.
۵۲. همان، ص ۳۶۵.
۵۳. نجم الدین طوسی، چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۱۹۳، چاپ سوم: انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۸۲ شمسی.
۵۴. نک: شیخ حر عاملی، اثبات الهدی، ص ۴۹۳، انتشارات علمیه، قم، [بی‌تا]: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹.
۵۵. علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۵، ص ۷، چاپ اول: انتشارات مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم ۱۴۱۴ اقمری؛ محمدباقر مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۶، ص ۱۴، چاپ چهارم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۷۴ شمسی.
۵۶. محمدباقر مجلسی، روضة المتقین، ج ۳، ص ۱۸.
۵۷. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.
۵۸. اثبات الهدی، ص ۵۵۳.
۵۹. چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۲۳۷.
۶۰. تنقیح مبانی الاحکام القضاء و الشهادات، ص ۱۴.
۶۱. دولت کریمه امام زمان علیه السلام، ص ۷۲؛ نجم الدین محقق حلی، شرایع الاسلام، تعلیق سیدصادق شیرازی، ج ۳ - ۴، ص ۸۶، چاپ چهارم: انتشارات استقلال، تهران، [بی‌تا].
۶۲. نک: اسماعیل ابراهیم البدوی، نظام القضاء الاسلامی، ص ۲۰۲-۲۰۳، چاپ اول: انتشارات جامعه الكويت، [بی‌جا]، ۱۴۱۰ اقمری.
۶۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.
۶۴. نک: سیدکاظم حسینی حایری، القضاء فی الفقه الاسلامی، ص ۷۰، چاپ اول: انتشارات مجمع الفکر الاسلامی، قم ۱۴۱۵ اقمری.



# ابعاد مختلف اعتقادی، اخلاقی، پژوهشی، علمی، فن آوری و آبادانی زمینه‌سازی شرایط ظهور انقلاب جهانی مهدوی

دکتر مرتضی صادق عمل‌نیک\*

## چکیده

نظام مقدس جمهوری اسلامی برای شکل‌گیری و حرکت به الگو و نمونه نیاز دارد. الگوی نظام و جامعه ما، جامعه پیامبر ﷺ و چند سال حکومت حضرت علی ﷺ و الگوی جامعه عادلانه مهدوی است. بنابراین، درک و شناخت شاخص‌ها، اهداف، راه‌بردها، و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و چگونگی اجرای برنامه‌ها برای رسیدن به اهداف جامعه توحیدی و عدالت اجتماعی جامعه مهدوی مهم‌ترین مسئله ماست. برای رسیدن به جامعه و انسان آرمانی، بایستی زمینه‌سازی کرد و برای زمینه‌سازی بایستی برنامه‌ای در ابعاد و زمینه‌های مختلف گرد آورد. جهت برنامه‌ریزی راه‌بردی ضروری است ابعاد مختلف زمینه‌سازی ظهور تبیین شود. طرح مهدویت در دو محدوده امکان‌می‌پذیرد: نخست در محدوده ایران اسلامی که بر استبداد داخلی پیروز شده و دست ابرقدرت‌ها را از نظام اسلامی قطع نموده است و دوم، در محدوده کل جهان - اصولاً بحث مهدویت در اسلام از تفکر و نگرش و جهان‌بینی توحیدی سرچشمه گرفته است. حضرت مهدی ﷺ انسان کامل و خلیفه‌اللهی به شمار می‌رود که تجلی همه زیبایی‌ها، خوبی‌ها، محبت‌ها، جاذبه‌ها و دافعه‌هاست.

---

\* عضو هیئت علمی دانشکده فنی مهندسی دانشگاه قم.

این مقاله، ابعاد مختلف دکترین مهدویت، زمینه‌سازی شرایط ظهور و انقلاب جهانی مهدوی را بررسی می‌کند. این انقلاب ابعاد مختلفی دارد که مهم‌ترین آنها شانزده بُعد است که هر بُعد انقلابی بزرگ در انسان، جامعه و طبیعت به شمار می‌رود. انقلاب جهانی مهدوی، ابعاد گوناگونی دارد: اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، پژوهشی، علمی، فن‌آوری، عمرانی، قضایی، قانون‌گذاری، امنیتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و زیست‌محیطی. محور اساسی حرکت عدالت در ابعاد مختلف آن است. این مقاله، ابعاد مختلف اعتقادی، اخلاقی، پژوهشی، علمی، فن‌آوری و آبادانی انقلاب جهانی مهدوی را با تکیه بر آیات قرآن، احادیث، سنت و سیره پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام بررسی می‌کند.

### واژگان کلیدی

مهدویت، موعود، دکترین، زمینه‌سازی ظهور، انقلاب جهانی، عدالت، انقلاب اعتقادی، انقلاب اخلاقی، انقلاب پژوهشی

### مقدمه

امروزه هیچ ایده و تفکر و اندیشه‌ای به اندازه اندیشه مهدویت و منجی‌گرایی در عرصه‌های مختلف، فردی و اجتماعی، اعتقادی، اخلاقی، علمی و فن‌آوری، فرهنگی، سیاسی، هنری در جوامع مختلف به ویژه در جهان تشیع کارساز و تأثیرگذار نیست. مهدویت راه رسیدن به جامعه و انسان ایده‌آل و کامل و راه بسیج محرومان و مستضعفان جهان و استراتژی راه‌برد نظام جمهوری اسلامی ایران است.

برای حرکت به سوی حکومت عادلانه جهانی مهدوی در زمین، ابتدا باید هدف به روشنی تعریف شود.<sup>۱</sup> مقصد اصلی حرکت نیز خداوند است و بقیه چیزها وسیله‌ای برای رسیدن به هدف نهایی است. هدف از آفرینش انسان بنابر آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>۲</sup> عبادت است. پیش‌روی به سوی عدالت اجتماعی و بالا بردن علم و دانش و استانداردهای زندگی و رفاه و امنیت و آماده کردن شرایط ظهور، باید به گونه‌ای باشد که ما را به اهداف عالی یعنی آفرینش انسان و رسیدن به مقام خلیفه‌الهی نزدیک نماید. خداوند به انسانی که کار شایسته و عمل صالح انجام دهد و به خدا ایمان آورد و تنها او را پرستش نماید وعده

داده است که «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»<sup>۳</sup>. هم چنین فرموده است که آنان را جانشین و وارث گذشتگان گرداند: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۴</sup>. افراد صالح وقتی قدرت را در دست بگیرند، بر گردن کشان و سلطه طلبان تسلط پیدا می کنند و نامنی ها را امن می کنند: «وَلَيَكِيدَنَّ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»<sup>۵</sup>. تشکیل حکومت، وسیله ای برای رسیدن به جامعه ایده آل و رسیدن به اهداف نهایی آن است؛ یعنی انسان ایده آل و بنده خدا بودن و پرستش خالص الهی و جانشینی خداوند بر روی زمین. پیامبران و اولیای الهی در طول تاریخ به امت خود نوید موعودی داده اند که به روزی و عدالت جهانی را در پی می آورد. حضرت داوود علیه السلام در فصل های مختلف زیور، به شادی آسمانیان، مسرت خاکیان، غرّش دریاها، به وجد آمدن صحراها، ترنم درختان جنگل، آبادانی جهان، آسایش انسان ها و آرامش همگان اشاره نموده است.<sup>۶</sup> حضرت حبقوق نبی علیه السلام نوید ظهور او را داده، از طول غیبتش سخن گفته و به امت خود فرموده است: «اگر چه تأخیر نماید، برای ظهورش منتظر باش که البته خواهد آمد».<sup>۷</sup> اشعیای نبی علیه السلام از گسترش عدل و برچیده شدن ظلم و ستم به دست آن یگانه دوران خبر داده است و از رجعت مردگان سخن گفته و منتظران ظهور را ستوده است.<sup>۸</sup> حضرت دانیال نبی علیه السلام از وقایع آخر زمان به تفصیل سخن گفته و در انتها فرموده است: «خوشا به حال آنهایی که انتظار کشند».<sup>۹</sup> حضرت عیسی علیه السلام بیش از پنجاه بار درباره منجی عالم سخن گفته و به انتظار سازنده فرمان داده<sup>۱۰</sup> و از غفلت و بی توجهی بر حذر داشته است.<sup>۱۱</sup> رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز پس از دیدن نور درخشان حجت قائم علیه السلام، چون ستاره ای فروزان در شب معراج<sup>۱۲</sup> با منطق وحی از این سوزوگداز پرده برمی دارد<sup>۱۳</sup> و می فرماید:

طوبی لمن لقیه و طوبی لمن أحبّه و طوبی لمن قال به؛<sup>۱۴</sup>

خوشا به حال کسی که او را دیدار نماید؛ خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد؛ خوشا به حال کسی که به امامت او معتقد باشد.

امام علی علیه السلام بر منبر کوفه از حضرت مهدی علیه السلام سخن می گوید و می فرماید: برترین قلّه شرف، دریای بی کران فضیلت، شیر بیشه شجاعت، ویران گر کاخ های ستم، جهادگر همیشه پیروز، قهرمان دشمن شکن و... (در پایان آهی می کشد و می گوید): چقدر مشتاق دیدار اویم.<sup>۱۵</sup>

هریک از امامان معصوم علیهم‌السلام نیز درباره ویژگی‌های حضرت مهدی علیه‌السلام و زمان دوران او سخن گفته‌اند.<sup>۱۶</sup>

انتظار ظهور به مفهوم امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ظلم و فساد و استکبار و تلاش جهت تحقق توحید و عدالت اجتماعی در ابعاد فردی، اجتماعی و جهانی است.

ادیان الهی و مکاتب بشری، همه به آینده‌ای ایده‌آل برای زندگی بشر معتقدند و بدان مژده داده‌اند. اکنون محتوای مهدویت بر تاریخ و بر افکار بیشتر انسان‌ها حکومت می‌کند. همه معتقدان اتفاق نظر دارند که روزی ظلم و ستم نابود و بشر به آرامش و سعادت خواهد رسید.

انقلاب جهانی مهدوی چندین ویژگی دارد:

یکم. معصوم بودن رهبر انقلاب و منزه از خطا و اشتباه و ظلم و فساد؛

دوم. رشد و تکامل بینش و عقلانی مردم (اعتقادات، اخلاق، علم و فن‌آوری)؛

سوم. همراهی کردن ۳۱۳ نفر از مردان تاریخ با حضرت؛

چهارم. آماده بودن زمینه ظهور؛

پنجم. داشتن برنامه‌ای مدون؛

ششم. قدرتی مستحکم که چندین میلیارد انسان را در جهان بتواند مدیریت نماید.

برنامه حضرت مهدی علیه‌السلام در قرآن وجود دارد؛ همان برنامه‌ای که در نهضت‌های انبیا وجود داشته است (ولی یا ما در اختیار نداریم و یا اگرهم در اختیار داریم، نمی‌توانیم آنها را خوب درک کنیم). به همین دلیل، تعبیر شده که او دین جدیدی می‌آورد.

در بیشتر احادیث پیامبران و اوصیای الهی درباره ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام و عدالت اجتماعی و ابعاد مختلف آن سخن گفته‌اند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در پایان عمر با حضرت فاطمه علیها‌السلام به تفصیل درباره حضرت مهدی علیه‌السلام سخن می‌گوید و به ایشان می‌فرماید: «المهدی من ولدک؛ مهدی از تبار توست».<sup>۱۷</sup> امام رضا علیه‌السلام وقتی نام «قائم آل محمد» را می‌شنود، برمی‌خیزد، دست



به سر می‌گذارد و برای تعجیل فرج آن بزرگوار دعا می‌کند.<sup>۱۸</sup> حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

الحادی عشر من ولدی، هو المهدی یملاها عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً،  
تکون له حیره و غیبه، یضلّ فیها أقوام و یتدی فیها آخرون؛<sup>۱۹</sup>  
او یازدهمین فرزند من است. او همان مهدی است که جهان را پر از  
عدل کند، آن‌گونه که پر از جور و ستم شده است. برای او دوران حیرت  
و غیبتی خواهد بود که گروه‌هایی در آن گم گشته و گروه‌های دیگری  
در آن هدایت خواهند یافت.

امام حسن عسکری علیه السلام فرزندش (حضرت مهدی علیه السلام) را در شب بدر به  
شیفتگان‌شان نشان دادند و خطاب به احمد بن اسحاق فرمودند:

اگر نبود که تو در نزد خدا و اولیای خدا منزلت خاصی داری، فرزندم را  
به تو ارائه نمی‌دادم.<sup>۲۰</sup>

هم‌چنین امام هادی علیه السلام از اختصاص روزهای جمعه به آن حضرت سخن  
می‌گوید.<sup>۲۱</sup>

امام حسن عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق فرمود:

سپاس خداوند را که مرا از دنیا بیرون نبرد، تا امام بعد از خود را دیدم.  
او شبیه‌ترین مردمان است به رسول خدا در خلقت و سیرت. خداوند او  
را در عالم غیبت نگه می‌دارد، سپس ظاهر می‌سازد تا جهان را پر از  
عدل و داد کند، چنان‌که از ظلم و ستم پر شده باشد.<sup>۲۲</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

چون قائم ما قیام کند، جامه‌ علی علیه السلام را می‌پوشد و سیره او را می‌پوید.<sup>۲۳</sup>

در بسیاری از احادیث آمده است:

اگر یک لحظه حجت خدا بر روی زمین نباشد، زمین ساکنان خود را در  
کام خود فرو می‌برد.<sup>۲۴</sup>

در احادیث بسیاری از آشکار شدن گنج‌ها، فراوانی باران و کشاورزی، توسعه  
امنیت و آبادانی و عمرانی، رفتن کینه و بخل از دل بندگان خدا، رفتن بدی‌ها و

بدها و باقی ماندن خوبی‌ها و خوب‌ها، عدالت اجتماعی، جوشش چشمه‌ها، جمع شدن گرسنگ و میش با هم اشاره شده است.

در عبارتی از زیارت حضرت مهدی علیه السلام در روزهای جمعه می‌خوانیم:

عَجَلُ اللَّهِ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النِّصْرِ وَظُهُورِ الْأَمْرِ... وَانْتَظِرْ ظُهُورَكَ وَظُهُورَ  
الْحَقِّ عَلَى يَدَيْكَ؛<sup>۲۵</sup>

ای مهدی حجت خدا در زمین و نور خدا در میان خلق، عملی شدن و وعده‌هایی از پیروزی و قدرت که خداوند به تو داده، هرچه زودتر تحقق بخش... و من در انتظار ظهور تو و ظهور حق بر دستان تو به سر می‌برم.

طرف‌داران عدالت اجتماعی و عدالت‌خواهان در طول تاریخ به انتظار ظهور هرچه سریع‌تر، تلاش می‌کنند تا زمینه ظهور آن امام عدالت‌گستر را فراهم نمایند و در این زمینه به بررسی راه‌کارهای مختلف زمینه‌سازی شرایط ظهور و تحقق آن می‌پردازند. برای بررسی و تحقیق دکتترین مهدویت و زمینه‌سازی شرایط ظهور و درک زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام ضروری است از قرآن کریم، سنت و سیره پیامبر و احادیث و سیره امامان معصوم علیهم السلام به ویژه دوران حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و عقل و اندیشه استفاده شود.

عدالت مهدوی از عدالت الهی سرچشمه می‌گیرد و عدل مانند توحید امری فطری است. اما چون تمدن موجود بشری افسارگسیخته و به دور از شاخص‌های عدالت فطری است، حضرت مهدی علیه السلام عدالت فطری و الهی را اجرا خواهد کرد. بنابراین، نظام عادلانه مهدوی با نظام ناعادلانه تمدن موجود ناسازگاری دارد. از این‌رو، باید عدالت را به منزله محور حرکت انقلاب جهانی مهدوی تعریف کرد و ابعاد مختلف حکومت عادلانه مهدوی را بررسی نمود.

### عدالت چیست؟

تعاریف مختلفی از عدالت شده است؛ قرار دادن هر چیز در جای خود؛ دادن حق به هر دارای حقی؛ اعتدال و میانه‌روی و دوری از افراط و تفریط؛ موزون و متعادل و متناسب بودن؛ تساوی و نفی هرگونه تبعیض؛ برابری اجتماعی در ابعاد

مختلف (اجتماعی، سیاسی، قضایی، اقتصادی، فرهنگی و...) و تعاریف دیگر که منظومه‌ای از عدالت اخلاقی و اعتقادی، فردی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، عدالت آفاقی و انفسی، تکوینی و تشریحی است.

عدالت پذیرش حاکمیت الهی و قرآنی در سه عرصه زندگی است: عرصه اوّل پذیرش حاکمیت الهی در درون وجود انسان است، عرصه دوم پذیرش حاکمیت الهی در عرصه بیرونی انسان (جامعه) است و عرصه سوم پذیرش حاکمیت الهی در طبیعت و در کل نظام هستی است. انسان‌ها و جوامع زمانی به تعادل و عدالت می‌رسند تا الله و معیارها و ارزش‌های الهی در فکر و دل و ذهن آنها و در جامعه حاکم شود. زمینه‌سازان شرایط ظهور بایستی چنین ویژگی‌هایی داشته باشند. عدالت ریشه در فطرت پاک انسان دارد. هر انسانی به طور فطری تشنه عدالت است و با تمام وجود آرزوی استقرار عدالت اجتماعی را در جامعه دارد. این شیفتگی و آرزو از اعماق وجود او ناشی می‌شود.

از آن‌جا که محور حرکت انقلاب جهانی مهدوی برپایی حکومت عدل الهی و نابودی ظلم و ستم در سراسر جهان است، به طور طبیعی با چالش‌ها و موانع بسیاری روبه‌رو خواهد بود. با استفاده از قرآن و سنت پیامبر و سیره امامان معصوم علیهم‌السلام از سد آن موانع باید گذشت تا عدالت در همه ابعاد آن در جهان نهادینه گردد.

شهید مطهری درباره عدالت می‌فرماید:

در قرآن از توحید گرفته تا معاد و از نبوت گرفته تا امامت و زعامت و از آرمان‌های فردی گرفته تا هدف‌های اجتماعی، همه بر محور عدل استوار شده است. عدل قرآن هم‌دوش توحید، رکن معاد، هدف تشریح نبوت و فلسفه زعامت و امامت، معیار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماع است.<sup>۲۶</sup>

علی علیه‌السلام به دولت‌مردان چنین سفارش می‌کند:

إجعل العدل سيفك؛<sup>۲۷</sup>

عدالت را شمشیر کار خود قرار دهید.

و در جایی دیگر می‌فرماید:

### العدل اساس به قوام العالم؛<sup>۲۸</sup>

عدل پایه و ستونی است که هستی بدان پابرجا و استوار است.

حکیمه خاتون از نخستین سخنی که حضرت مهدی علیه السلام در آغاز تولد به زبان آورده، چنین روایت می‌کند:

آن امام بزرگ در لحظات نخستین پس از تولد، لب به سخن گشود و به یکتایی خداوند و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امامت همه امامان علیهم السلام گواهی داد. سپس چنین فرمود: پروردگارا، وعده‌هایت را در مورد من جامعه عمل ببوشان و کار مرا به پایان رسان، گام‌هایم را استوار بدار و به وسیله من، زمین را از عدل و داد پر کن.<sup>۲۹</sup>

مترادف عدالت در فرهنگ قرآنی قسط و متضاد آن کلمه جور است.<sup>۳۰</sup>

قسط حق و حقوق دیگران را رعایت کردن و تجاوز نکردن است و بیشتر به روابط انسانی و اجتماعی و طبیعی توجه دارد. در صورتی که عدل، علاوه بر آن، به رابطه انسان با خود و خدا و همچنین رعایت اعتدال و تعادل و برابری در تمامی امور فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی توجه دارد. عدالت همه امور اعتقادی، اخلاقی، تفکری و پژوهشی، علمی و فن‌آوری، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت و همچنین امور امنیتی، عمرانی و زیست‌محیطی را شامل می‌شود.

حضرت مهدی علیه السلام در هنگام نماز عشا ظهور می‌کند. ایشان پس از به جا آوردن نماز عشا، با صدای رسا و بلند می‌فرماید:

ای مردم! خدا و روز واپسین را که در پیش‌گاه او می‌ایستید، به یاد شما می‌آورم، او حجت خود را برگزید... من شما را به خدا و رسولش و عمل به کتاب خدا و ترک باطل و احیای سنت او دعوت می‌کنم...<sup>۳۱</sup>

از ضروریات هر نهضت انقلابی برای تحقق عدالت در ابعاد مختلف، تربیت افراد کارآمد و مجریان و کارگزاران حق‌جو، عادل و ظلم‌ستیز است. نبود چنین

افرادی در کنار رهبری، موجب شکست بسیاری از حرکت‌های آزادی‌خواهی و عدالت‌خواهانه خواهد شد. امام مهدی علیه السلام که قرار است آرمانی‌ترین نظام عادلانه را در جهان ایجاد نماید، به افرادی محکم و استوار نیاز دارد؛ زیرا هر قدر معیارها و ارزش‌ها و آرمان‌های یک مکتب بالاتر باشد، نیاز به افراد آگاه‌تر، خودساخته‌تر و نیرومندتر بیشتر خواهد بود. بنابراین، دوران غیبت امام، بهترین فرصت برای خودسازی و رسیدن به درجه‌ای است که افتخار عضویت در صفوف یاران امام کسب شود.

حمران از امام باقر علیه السلام می‌پرسد:

ای کاش می‌فرمودید قیام حضرت چه زمانی اتفاق خواهد افتاد تا دل ما شاد گردد! امام علیه السلام در قالب یک حکایت پرمعنا، زمان را به سه دوره تقسیم می‌کند: زمان گرگ، زمان قوچ، و زمان ترازو. به این صورت حمران را متوجه این نکته می‌کند که تا زمان ترازو فرا نرسد، زمان ظهور و حاکمیت امام عدالت‌گستر نیز فرا نخواهد رسید.<sup>۳۲</sup>

اگر مردم گرگ‌صفت باشند، پدیده غصب خلافت رخ خواهد داد و اگر قوچ‌صفت باشند، هرچند که تمایل دارند که خلافت را باز گردانند، چنین اتفاقی نخواهد افتاد، ولی اگر مردم ترازو صفت و عدالت‌مدار باشند، حق غصب شده امامت را به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانند. برای تربیت و هدایت محرومان و مستضعفان و برای از میان برداشتن موانع و سد راه انسان‌ها که نظام سلطه و نیروهای استکباری و مفسدان در مقابل نیروهای حق طلب ایجاد نموده‌اند، راهی جز جنگ و کاربرد نیروی نظامی به منزله ضرورتی برای دستیابی به عدالت اجتماعی و استقرار نظام توحیدی حکومت جهانی عادلانه مهدوی بر ویرانه‌های نظام استکباری نیست. قرآن می‌فرماید:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾<sup>۳۳</sup>

با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد، و دین، مخصوص خدا شود. پس اگر دست برداشتند، تجاوز جز بر ستم‌کاران روا نیست.

تعبیرهای احادیث در ترسیم حرکت حضرت مهدی علیه السلام بسیار در خور توجه است. علی علیه السلام می فرماید:

....بأبی ابن خیرة الإمام... یسومهم خسفاً و یسقیهم بکأس مصبرة و لا یعطیهم إلا السیف هر جا...؛<sup>۳۴</sup>

پدرم فدای پسر بهترین زنان! [یعنی حضرت صاحب الزمان]... ظالمان را خوار و ذلیل می کند و جام زهرآگین به کامشان خواهد ریخت و با شمشیر با آنان برخورد خواهد کرد.

همه پیغمبران و اولیای الهی آمده اند تا پرچم توحید را در عالم گسترش دهند، پرچم توحید را به اهتزاز درآورند و روح توحید را در زندگی انسان ها زنده کنند. بدون عدالت، بدوت استقرار عدل و انصاف، توحید معنایی ندارد. از نشانه ها یا ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی عدالتی است. لذا پیامبران پیام آور استقرار عدالت بوده اند. حرکت و فلسفه تاریخ و حرکت همه جوامع بشری و جوامع اسلامی به سوی خیر و صلاح و حکومت حق و عدالت و نابودی خواسته های ظالمانه، خودخواهانه و استبدادی و به سوی روی کار آمدن مستضعفان بوده است که در دوران ظهور ولی عصر علیه السلام فراهم خواهد شد.<sup>۳۵</sup> با بررسی موارد فوق می توان نتیجه گرفت که عدالت، حد وسط و اعتدال است؛ رعایت تساوی و نفی هرگونه تبعیض، رعایت حقوق الهی، اجتماعی، فردی و طبیعی و دادن حق به حقدار و قرار گرفتن هرچیز در جای خود است.

### نزدیک کردن پیروان ادیان و مذاهب مختلف از طریق دکتترین مهدویت

انسان ها معتقد به هر دین و آیینی که باشند، مسائلی دارند و به امید ظهور منجی ای هستند تا مسائلمان را حل کند. آنان با مسائلی مانند ظلم و فساد و تبعیض و نابرابری ها و دور شدن از عدالت اجتماعی روبه رو هستند و به امید ظهور منجی عدالت گستری هستند تا آنها را از ستم کشی و بدبختی و ظلم و فساد و استضعاف نجات دهد و مسائل روحی روانی و مادی آنها را حل نماید و به آنها امید و نشاط دهد و حکومت عادلانه ای ایجاد نماید. در مرحله اول همه ادیان و مذاهب مختلف جهان و در مرحله دوم ادیان ابراهیمی را در زمینه منجی گرایی و

مهدویت باید بسیج نمود تا موعودگرایی از زبان علمای ادیان و مذاهب جهان به روزنامه‌ها، رادیوها و تلویزیون‌های جهان وارد شود و بسیجی در سطح جهان در زمینه منجی‌گرایی پدید آید. امید به این مصلح عدالت‌گستر که در همه ادیان و مذاهب وجود دارد، بایستی توسعه و گسترش یابد تا حرکت و نهضتی جهانی از طریق نزدیک کردن ادیان و دل‌های معتقدان به ادیان پدید آید.

اعتقاد به منجی عدالت‌گستر برای منافع مادی و معنوی مردم است و محبت مردم را به یک‌دیگر و به منجی و خدایشان بیشتر می‌کند. این اعتقاد، ملت‌ها و ادیان و مذاهب را به هم نزدیک‌تر می‌سازد. ساختار چنین منجی و مصلح جهانی براساس ظلم‌ستیزی و عدالت اجتماعی است و به نفع تمام مستضعفان عالم است. برای این کار ضروری است اقدامات زیر انجام شود:

یکم. ایجاد بانک اطلاعاتی از ادیان و مذاهب جهان و درک دقیقی از منجی‌گرایی در آنها؛

دوم. شناسایی سران، علما و دانش‌مندان ادیان و مذاهب مختلف جهان و ایجاد ارتباط با آنان؛

سوم. برپایی میزگردها، سمینارها و همایش‌های بین‌المللی بین مسلمان‌ها (شیعه و سنی)، بین ادیان ابراهیمی (یهودی، مسیحی، اسلام) و تمامی ادیان با منشأ الهی و بشری (مانند هندوئیسم، بودایی، شنتویی، زرتشتی، ادیان آفریقایی و ادیان ابراهیمی و اسلام)؛

چهارم. چاپ نشریات، مجموعه مقالات کنفرانس‌های منجی‌گرایی، مهدویت، و کتاب‌ها؛

پنجم. نوشتن داستان‌ها و رمان‌ها در زمینه مهدویت؛

ششم. بسیج هنرمندان، شاعران و نقاشان در حوزه مهدویت؛

هفتم. تهیه فیلم‌ها برای سنین مختلف در زمینه منجی‌گرایی و مهدویت؛

هشتم. تهیه نرم‌افزارهای مشترک در حوزه ادیان الهی و تمامی ادیان و مذاهب جهان؛

نهم. ایجاد خبرگزاری‌های مختلف در حوزه منجی‌گرایی و مهدویت و موعودگرایی به زبان‌های زنده دنیا؛

دهم. تأکید بر موعودگرایی به منزلهٔ محور مشترک ادیان مختلف و نزدیک کردن ادیان، ملت‌ها و مردم جهان به هم؛

یازدهم. بسیج بخش فرهنگی سفارت‌خانه‌های جمهوری اسلامی ایران جهت شناخت و ارتباط مؤثر با صاحب‌نظران، رهبران ادیان و مذاهب در ترویج فرهنگ انتظار و انتظار به منجی و زمینه‌سازی شرایط ظهور؛

دوازدهم. هم‌آهنگی با وزارت امور خارجه برای تسهیل در رفت و آمد و صدور روایید و دعوت از دانش‌مندان و رهبران ادیان و مذاهب مختلف برای زمینه‌سازی، توسعه و گسترش فرهنگ انتظار؛

سیزدهم. بررسی ابعاد مختلف نظام و دولت زمینه‌ساز شرایط ظهور.

ابعاد مختلف نظام و دولت زمینه‌ساز شرایط ظهور دارای همان ابعاد و زمینه‌هایی است که در انقلاب جهانی مهدوی وجود دارد. ابعاد مختلف نظام و دولت زمینه‌ساز شرایط ظهور را در پانزده بُعد زیر می‌توان خلاصه نمود. هر بُعد خود انقلابی است که یکی از ابعاد و نیازهای چنین انقلاب عظیمی را تأمین می‌کند. هر بُعد از انقلاب با ابعاد دیگر به صورت یک‌پارچه مرتبط است و تمام زوایای اعتقادی، اخلاقی، علمی و فن‌آوری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، امنیتی، قضایی، زیست‌محیطی، انسان، جامعه و طبیعت را شامل می‌شود. محور انقلاب جهانی مهدوی، عدالت اجتماعی و ظلم‌ستیزی، کتاب خدا قرآن، سنت پیامبر و سیره و روش امامان معصوم و عترت و عقلا نیت است. برای زمینه‌سازی شرایط ظهور و انقلاب جهانی عادلانه مهدوی لازم است در ابعاد مختلف و در زمینه‌های فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی در جامعه تغییر و تحول و انقلاب اساسی ایجاد شود. ابعاد مختلف انقلاب جهانی مهدوی عبارتند از:

یکم. اعتقادی یا انقلاب اعتقادی؛

دوم. اخلاقی یا انقلاب اخلاقی؛

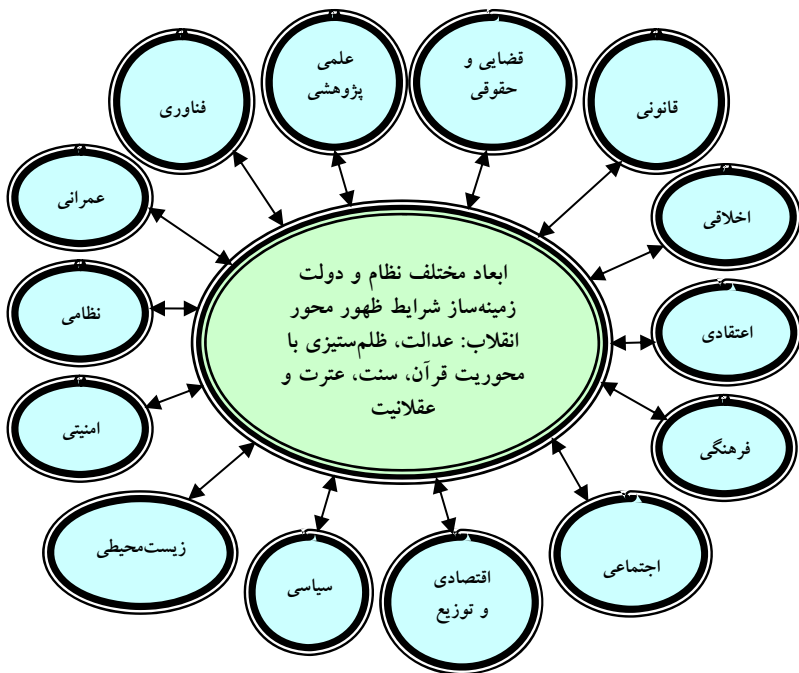
سوم. پژوهشی یا انقلاب پژوهشی؛

چهارم. علمی یا انقلاب علمی؛

پنجم. فن‌آوری یا انقلاب فن‌آوری؛



ششم. عمرانی یا انقلاب عمرانی؛  
 هفتم. فرهنگی یا انقلاب فرهنگی؛  
 هشتم. اجتماعی یا انقلاب اجتماعی؛  
 نهم. سیاسی یا انقلاب سیاسی؛  
 دهم. اقتصادی یا انقلاب اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت؛  
 یازدهم. امنیتی یا انقلاب امنیتی؛  
 دوازدهم. قضایی و حقوقی یا انقلاب قضایی و حقوقی؛  
 سیزدهم. نظامی یا انقلاب نظامی؛  
 چهاردهم. زیست‌محیطی یا انقلاب زیست‌محیطی؛  
 ابعاد مختلف نظام و دولت زمینه‌ساز ظهور در شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل (۱) ابعاد مختلف دکترین مهدویت، زمینه‌سازی شرایط ظهور و انقلاب جهانی عادلانه مهدوی

## یکم. بعد اعتقادی و معرفتی یا انقلاب اعتقادی

یکی از ویژگی‌های حکومت جهانی مهدوی، افزایش معرفت و دانش و شناخت انسان از خود، خداوند، جامعه، طبیعت و جهان است. با چنین شناختی انسان به قدرت الهی پی می‌برد و برای نقش‌آفرینی مثبت در مسیر قرب الهی افکارش متمرکز می‌شود و قدرت بیشتری برای پیمودن راه رشد و کمال پیدا می‌کند. بنابراین، بالاترین معرفت‌ها معرفت نفس است که در زمان ظهور و در سایه عدالت او قابل دست‌رس همه انسان‌هاست. در آن روز زمینه آگاهی‌بخشی به صورتی است که همه انسان‌ها به این معرفت و آگاهی خواهند رسید و کلید گنج سعادت را به دست خواهند گرفت.

دوران ظهور، دورانی سراسر آگاهی، روشنایی و عصر شناخت کامل انسان از خود، خداوند، جامعه و هستی است که همه زوایای زندگی انسان در ابعاد مختلف روشن می‌شود.

عدالت ریشه‌ای فطری و اعتقادی دارد. هر انسانی به طور فطری و اعتقادی تشنه عدالت است. این تشنگی و شیفتگی از اعماق وجود انسان سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، هر قدر انسان از نظر اعتقادی بتواند خود را به فطرت پاک خویش نزدیک کند، نیازش به عدالت در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره بیشتر می‌شود.

امام علی علیه السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

... فیریکم کیف عدل السیره و یحیی میت الکتاب و السنه؛<sup>۳۶</sup>

او به هنگام قیام، عدالت اسلامی و دادگری و روش پیامبر در عدالت را در چشم‌انداز جهانیان قرار خواهد داد و کتاب و سنت را که پیش از او مرده‌اند، زنده خواهد کرد.

در زمان حضرت مهدی علیه السلام با توجه به رشد عقلانیت انسان، آنان که از این موهبت الهی محروم بوده‌اند، به چنان بلوغ و رشد فکری می‌رسند که زن‌ها می‌توانند در منزل بنشینند و قضاوت نمایند.

در حدیثی درباره زمان حضرت مهدی علیه السلام آمده است:

و تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى أَنْ الْمَرَأَةَ لِتَقْضَى فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ؛<sup>۳۷</sup>

در دوران او، شما از حکمت برخوردار می‌شوید تا آن‌جا که زن در خانه خود، برابر کتاب خدا و روش پیامبر ﷺ قضاوت می‌کند.

گسترش و ارتقای معرفت انسان نه تنها به استقرار عدالت فردی و اجتماعی کمک می‌کند که ضامن تداوم جریان عدالت‌خواهی و تحقق آن می‌شود. عدالت در دکتترین مهدویت براساس سه مؤلفه زیر است:

یکم. عدالت در پناه وحدانیت و توحید (عدالت در جهان‌بینی توحیدی، مقصود نهایی الهی)؛

دوم. بنیاد عدالت بر معرفت و توسعه و گسترش مبانی معرفتی در جامعه مهدوی؛

سوم. اصل عزت و کرامت انسانی در جامعه مهدوی.<sup>۳۸</sup>

از جمله اهداف تربیتی انسان در دکتترین مهدویت، وظایف انسان نسبت به خود است. انسان معتقد و منتظر باید تلاش کند روزبه‌روز به نگرش و اعتقادات خود عمق دهد و ایمان و اعتقاد و اخلاق خود را کامل‌تر نماید و با تهذیب نفس و خودسازی، خود را به صفات الهی آراسته سازد و حق خلیفه‌الهی را به خوبی به جا آورد.<sup>۳۹</sup>

انسان به گونه‌ای خلق شده است که می‌تواند خود را با صفات و ویژگی‌های انسانی بیاراید که در فطرت الهی او ریشه دارد و با کسب فضایی مانند حقیقت‌جویی، کمال‌جویی و تقوا و احسان به مردم و حرکت در مسیر الهی، خود را به مرز انسان کامل نزدیک نماید.

انسان‌ها در نظام دکتترین مهدویت، بایستی به دنبال به دست آوردن معارف و علوم برای سعادت دنیا و آخرت خود باشند و روزبه‌روز بر ذخایر معرفتی و عقلی خود بیفزایند.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾؛<sup>۴۰</sup>

و بگو پروردگارا، بر دانشم بیفزای.

در زمان ظهور، انسان خفته بیدار و قلب و دل انسان از خواب غفلت بیدار و دین و سنت پیامبر زنده می‌شود.

أحیی به مناہج سبیلہ و فرائضہ و حدودہ؛<sup>۴۱</sup>

خداوند به وسیله او راه‌های هدایت و فرایض و حدود خویش را زنده می‌سازد.

در زمان ظهور، استعداد‌های نهفته در عمق وجود انسان‌ها شکوفا می‌شود.

و یشروا لهم دفائن العقول؛<sup>۴۲</sup>

تا برایشان گنج‌های اندیشه و عقل را استخراج و نمایان سازند.

در زمان ظهور، خداوند دل‌های مسلمانان را تسکین می‌دهد.

یشفی الله قلوب أهل الإسلام؛<sup>۴۳</sup>

خداوند به دست او دل‌های مسلمین را تسکین می‌بخشد.

در آن زمان اندیشه و معرفت انسان متمرکز می‌شود و در مسیر الهی شکوفا می‌شود.

فجمع به عقولهم و کملت به أحلامهم ثم مد الله فی أبصارهم و أسمعهم؛<sup>۴۴</sup>

خردهای آنان را گرد آورد، رشدهای آنان را کامل گرداند و خداوند بر وسعت بینایی و شنوایی آنان بیفزاید.

جای عقل و فطرت انسانی حاکمیت است تا بتواند عدالت را در جامعه مستقر کند. خودشناسی و خداشناسی لازمه تحقق عدالت اجتماعی است. انسان منتظر بایستی تلاش کند به فطرت پاک خویش برگردد و عقلانیت خود را ارتقا دهد.

بنابراین، در دکترین مهدویت باید نخست به سراغ انسان‌شناسی رفت. هنگامی که درباره خود و خدا و مردم براساس معیارها و ارزش‌های قرآنی می‌توان نگرینست که عدالت اجتماعی را در جامعه مستقر سازیم.

به گفته آیه‌الله حائری شیرازی، یک مبارزه بین عقل و جهل است و یک جهانی شدن عقل و جهل. مردم جهان (نه حاکمان ظالم و مفسد) رو به

جهانی شدن و حاکمیت عقل می روند. عقل نور است و حضرت مهدی علیه السلام هم نور و هم دیگر را جذب می کنند. بایستی مردم زمینه را برای ظهورش فراهم نمایند تا او قدرت را از دست حاکمان ظالم و ستمگر و سرکشان بگیرد.<sup>۴۵</sup> حقایق حیات بخش و تابناک قرآن که در طول اعصار و قرون توسط اولیای امور دست خوش تغییرها و تفسیرهای نادرست شده، با ظهور آن حضرت به درستی تفسیر و عرضه می شوند، چنان که مردم تصور می کنند آن حضرت کتاب و شیوه‌ای تازه آورده است.

چنان نیست که پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام مردم یکباره به او بپیوندند و انسان‌ها فرشته شوند و دیگر نتوانند گناه کنند. در آن زمان هم مانند شرایط کنونی هرکس خواستار چیزی خواهد بود؛ مقام، ثروت، برتری جویی و غیره. حضرت مهدی علیه السلام سعی می کند آنها را هدایت و حجت را برای آنها تمام کند. آنها یا حق را می پذیرند و یا با آن مبارزه می کنند. در این صورت حضرت مهدی علیه السلام با کسانی که عناد می ورزند، می جنگد. حضرت مهدی علیه السلام که می خواهد حکومت عادلانه جهانی را تشکیل دهد، باید نیروهای مجهزی داشته باشد. نیروهای مرکزی امام ۳۱۳ نفر انسان کاملی هستند که با تقوایی، مدیریت علم و دانش و اخلاص و ایثار ویژگی هایشان به شمار می رود. حضرت مهدی علیه السلام پس از اتمام حجت با مردم، با آنانی که فقط از روی عناد و دشمنی با حق مبارزه می کنند، می جنگد. زمینه سازان ظهور تلاش می کنند تا با تغییر و تحول درونی خود و جامعه، زمینه را برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام فراهم نمایند و خود را در جبهه یاران حضرت مهدی علیه السلام قرار دهند و خود را با عبودیت خداوند و با تقوا و جهاد و شهادت و ایثار و مبارزه با استکبار و ظلم و فساد برای استقرار عدالت اجتماعی در جامعه به نیروهای مرکزی حکومت جهانی مهدوی نزدیک نمایند.

## دوم. بُعد اخلاقی یا انقلاب اخلاقی

از اهداف انقلاب جهانی مهدوی، تغییر و تحول انسان و وظایف انسان درباره خود است. بنابراین، انسان باید بکوشد تا از طریق انقلاب اعتقادی، روزبه روز نگرش و دیدگاهش را درباره خود و خدا و جامعه و هستی، عمیق تر نماید و ایمان، اعتقاد و اخلاقش را به طور مستمر کامل تر نماید و با تهذیب و خودسازی،

خود را به صفات الهی آراسته نماید و تلاش کند تا در جمع یاران حضرت مهدی علیه السلام قرار گیرد و بکوشد تا حق خلیفه‌اللهمی را به جا آورد و با تبعیت از حضرت مهدی علیه السلام خود را به انسان کامل نزدیک نماید. هم‌چنین او باید بکوشد با انقلابی فرهنگی، زمینه رشد اعتقادی و اخلاقی را در جامعه به وجود آورد. خلقت انسان به گونه‌ای است که دارای فطرت پاک و صفات الهی است. بنابراین، او باید تلاش کند تا خود را به صفات الهی بیاراید که در فطرت پاک او ریشه دارد و با تزکیه، خودسازی و حقیقت‌جویی و کمک به انسان‌ها و زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی علیه السلام و انقلاب جهانی مهدوی خود را به مرز انسان کامل نزدیک نماید. در این صورت، بهترین نوع زندگی را برای خود و جامعه فراهم نموده است.

حضرت مهدی علیه السلام در زمان ظهور چنان مردم را با قرآن و سنت پیامبر آشنا می‌کند و آن را در انقلابی فرهنگی نشر می‌دهد که انسان‌ها به معرفت و تزکیه الهی دست می‌یابند و آن هدفی که در آیات قرآن برای رسالت انبیا مطرح شده **«وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ»** تحقق می‌یابد. اخلاق، رفتار و عمل امام زمان علیه السلام به عنوان انسان کامل، به هم‌راه یاران خالص و باوفا و از خود گذشته و کامل خود در عرصه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی، عمرانی و... موجب می‌شود تا مردم دگرگون شوند و ساختار و نهادهای غیرالهی به تدریج اصلاح و ساختارها و نهادهای جدیدی منطبق با نظام عادلانه مهدوی به وجود آید. ساختارهای جدید به تدریج اعتقادات انسان‌ها را عمیق و خلق و خوی آنها را اصلاح می‌کند و با ارتقای عقلانیت و عدالت فردی و اجتماعی روزه‌روز آنها را به سمت انسان کامل و نخبه هدایت می‌کند. از علی علیه السلام روایت شده که وقتی مهدی علیه السلام ظهور کند، در هیچ سینه‌ای کینه‌ای باقی نخواهد ماند.

در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام هرکسی نیازی دارد، به اندازه نیازش در جیب برادرش دست می‌کند و به اندازه نیازش پول برمی‌دارد، بدون آن‌که او ناراحت شود.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

إذا قام القائم جاءت المزاملة و يأتي الرجل إلى كيس أخيه فيأخذ حاجته لا

يمنعه؛<sup>۴۶</sup>

هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، رفاقت و دوستی خالصانه (در میان مردم) رایج می‌گردد و اگر مردی دست در جیب برادرش فرو برد و به اندازه نیازش بردارد، برادرش او را منع نمی‌کند.

امام باقر علیه السلام در حدیث دیگری می‌فرماید:

إذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع به عقولهم وأكمل به أخلاقهم؛<sup>۴۷</sup>

هنگامی که قائم علیه السلام ظهور کند شعاع نورانیت و هدایتش همه بندگان خدا را فرا می‌گیرد و عقول مردم متمرکز و اخلاقشان به واسطه آن امام بزرگوار کامل می‌شود.

از جمله خصوصیات یاران مهدی علیه السلام دوری از بخل، اسراف و افراط و تفریط است. پیروان و یاران مهدی علیه السلام انسان‌هایی متعادل و حد وسط هستند.

امام صادق علیه السلام در تمثیلی فرق بین بخل، اسراف و قوام را مشخص می‌کند. امام یک مشت سنگ‌ریزه را می‌گیرد و آن را با دست می‌فشرد، به گونه‌ای که هیچ دانه‌ای از آن فرو نیفتاد، سپس فرمودند: «این رفتاری است که خداوند در کتاب خود، از آن به بخل یاد کرده است.»

آن‌گاه امام دست خود را به طور کامل باز کرد، به گونه‌ای که هیچ ریگی در آن باقی نماند. بعد فرمود: «این نیز اسراف است.»

سپس امام مشت دیگری از ریگ برداشت و دست را به گونه‌ای گشود که مقداری از ریگ‌ها ریخت و مقداری در آن باقی ماند و فرمود: «این است قوام و حد وسط.»<sup>۴۸</sup>

از نظر احمد بن محمد مهدی نراقی:

ملاک تشخیص اعتدال و حد وسط عرف است؛ زیرا مرجع در شناخت حقایق معانی لغوی مصادیق عرفی است و از نظر عرف، حد وسط عبارت است از هزینه کردن مال به اندازه نیاز و یا به مقداری که با موقعیت شخص تناسب دارد. بنابراین، هرگونه هزینه و انفاق مال خارج از این دو ملاک - رعایت نیاز و تناسب با موقعیت - اسراف است؛ چه این که اتلاف و تضییع مال باشد، خارج از موقعیت فرد باشد و یا مورد نیاز نباشد.<sup>۴۹</sup>

در آن زمان با رشد و شکوفایی فکری، کینه‌ها به محبت و دوستی تبدیل می‌شود، و روابط اجتماعی براساس قرآن و سنت رسول ﷺ و انسان دوستی شکل می‌گیرد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

ولو قد قام قائمنا... لذهبت الشحنة من قلوب العباد؛<sup>۵۰</sup>

چون قائم ما قیام کند کینه از دل‌ها بیرون رود.

در سایه انقلاب عادلانه مهدوی خداوند بی‌نیازی را در دل انسان‌ها قرار می‌دهد و حرص و آزمندی از قلب انسان خارج می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصف دوران حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

و يجعل الله الغنى فى قلوب هذه الأمة؛<sup>۵۱</sup>

خداوند بی‌نیازی و غنا را در دل‌های این امت پدید آورد.

در نظام تربیتی مهدوی، به واسطه عنایات خاص خداوند به انسان‌ها، روحیه کمال‌طلبی و اخلاق پسندیده در میان مردم رونق می‌گیرد، ظلم و فساد و کدورت و دشمنی و دیگر صفات شیطانی از زندگی مردم رخت می‌بندد و گسترش اتحاد و برادری و ارتباط سالم در بین مردم موج می‌زند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

و يحسن حال عامة العباد و يجمع الله الكلمة و يؤلف بين قلوب مختلفة؛<sup>۵۲</sup>

و [در زمان حضرت] حال مردم سامان می‌یابد و یکدستی و وحدت کلمه میان مردم به وجود می‌آید و افکار و عقاید ناسازگار با هم الفت و دوستی پیدا می‌کنند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

به يمحق الله الكذب و يذهب الزمان الكلب و يخرج ذل الرق من أعناقكم؛<sup>۵۳</sup>

خداوند به وسیله او، دروغ و دروغ‌گویی را نابود می‌سازد، و ستیزه‌جویی را از بین می‌برد و ذلت بردگی را از گردن آنها برمی‌دارد.



از ویژگی‌های اخلاقی و حکومت حضرت مهدی علیه السلام سخت‌گیری بر مسئولین کشور و دولت‌مردان و برخورد با رثوفت و مهربانی با محرومان و مستضعفان است.

#### المهدیّ سَمَحَ بِالْمَالِ، شَدِيدٌ عَلَى الْعَمَالِ، رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ؛<sup>۴۴</sup>

حضرت مهدی علیه السلام بخشنده‌ای است که مال را به وفور می‌بخشد، بر مسئولان کشور بسیار سخت می‌گیرد و بر بی‌نویان بسیار رثوف و مهربان است.

در آن زمان، تلاش برای شناخت حقیقت و کسب ایمان و فضایل اخلاقی و تقوا و احسان به مردم موجب می‌شود انسان در مسیری قرار گیرد که با تبعیت از امام زمان خویش در نهایت به انسان کامل و خلیفه الهی برسد. این چنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هدف از بعثتش را گسترش اخلاق و صفات الهی در میان مردم معرفی می‌نماید و می‌فرماید:

#### إِنِّي بَعَثْتُ لَأَتَمَّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؛<sup>۴۵</sup>

همانا من از آن‌رو مبعوث شدم که مکارم و خوبی‌های اخلاقی را کامل گردانم.

#### سوم. بُعد تحقیقات یا انقلاب پژوهشی

تحقیق یا پژوهش، بررسی موشکافانه و همه‌جانبه موضوع یا مسئله‌ای است تا همه ابعاد مبهم و ناشناخته آن شناسایی شود. امروزه تحقیق و پژوهش در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی جایگاه بالایی دارد. رابرت فراش<sup>۴۶</sup> از جنرال موتورز در اثبات با جایگاه اهمیت تحقیق و ارزش آن معتقد است که هر ساله نتیجه چندین تحقیق موفق، هزینه همه تحقیقات را می‌پردازد. جان آرمسترانگ<sup>۴۷</sup> از شرکت آی. بی. ام بر این باور است که «اعتبار مالیاتی تحقیق و توسعه باید برای همیشه برقرار باشد و این اعتبار باید براساس درصد بودجه تحقیق و توسعه سال‌های گذشته هر کمپانی باشد». میکی یوکی یوناها از کمپانی ان. ای. سی ژاپن معتقد است که «بخش تحقیق و توسعه شرکت‌های بزرگ باید همیشه فعال بماند، در غیر این صورت اقتصاد جهانی در حالت رکود باقی خواهد ماند». توشیایکی‌ای کوما از دانشگاه توکیو درباره مسیر و جهت تحقیقات می‌گوید: «اساس

تحقیقات پایه‌ای در دانشگاه‌های ژاپن خیلی ضعیف است و به زودی توسعه نخواهد یافت». به عبارت دیگر، اکثر تحقیقاتی که در ژاپن انجام می‌شود، تحقیقات کاربردی است و کمتر به تحقیقات پایه‌ای می‌پردازند. آقای فومیوکوداما<sup>۸۸</sup> از مؤسسه ملکی مقررات علم و فن آوری ژاپن بنابر تحقیقی از مؤسسه‌های مختلف ژاپن می‌گوید: «استخوان‌بندی کمپانی‌ها از یک مؤسسه تولید به یک سازمان فکری در حال تغییر است». در کشور ژاپن سرمایه‌گذاری در تحقیقات بیشتر از تولید است. موارد فوق در حقیقت ارزش تحقیقات را در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت مشخص می‌کند. نبایستی توقع داشت که فعالیت‌های تحقیقاتی در کوتاه‌مدت به نتیجه رسد و منجر به محصول جدید و یا اختراع و صنعت جدید شود. به طور کلی از هر ده‌هزار کار پژوهشی، هزار مقاله بیرون می‌آید و حدود صد اختراع ایجاد می‌شود و ده محصول جدید به بازار عرضه می‌شود و یک صنعت جدید ایجاد می‌شود. ضروری است همواره اهداف تحقیقاتی به طور شفاف مشخص شود و اولویت‌های آن تعریف شود. از طرف دیگر، تحقیق و توسعه، فرآیندی دو طرفه است و هر دو لازم و ملزوم هم‌دیگرند. هدف از تحقیق در جامعه‌ای هدف‌مند که در آن انقلاب اسلامی ایجاد شده، تلاش مستمر و کندوکاو برای حل مسائل مختلف، اعتقادی، اخلاقی، علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی، نظامی، فن‌آوری، عمرانی، و زیست‌محیطی است. نتیجه تحقیقات ضروری است در جهت حل مسائل یاد شده و توسعه متوازن و متعادل انسان و جامعه و ارتقای سطح علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و توزیع عادلانه منابع و ثروت‌های اجتماعی و بالا بردن استانداردهای زندگی و رشد فضائل اخلاقی و اعتقادی باشد.

دست‌آوردهای علمی و فن‌آوری بشر در طول پنجاه سال گذشته، از دست‌آوردهای علمی انسان در طول تاریخ بیشتر است. امروزه رشد تحقیقات علمی و فن‌آوری به گونه‌ای است که علم بشر در هر هفت سال دو برابر می‌شود. از طرف دیگر، تمام علمی که بشر تا قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام کسب خواهد کرد، به اندازه دو حرف است، در حالی که سرمایه‌گذاری‌ها و منابع پژوهشی از جمله منابع انسانی روزبه‌روز از نظر کیفی و کمی در حال شتاب گرفتن و گسترش است. ولی رشد علمی و معارف الهی در دوران امام مهدی علیه السلام

از دو حرف به ۲۷ حرف خواهد رسید. این کار بدون تغییر و تحوُّلی اساسی و انقلابی پژوهشی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا حضرت مهدی علیه السلام قرار است ۲۵ حرف را به بشر بیاموزد. در آن عصر طبیعت به تسخیر انسان درمی‌آید و در نتیجه، سرمایه‌های عظیمی در اختیار انسان قرار می‌گیرد. در آن زمان، پژوهش‌های علمی به حد کمال خود می‌رسند؛ و به علت رشد و شکوفایی استعداد‌های انسان پژوهش و تحقیقات بسیاری در زمینه‌های مختلف از جمله بر روی زمین و آب و هوا انجام می‌شود که در نتیجه این تحقیقات، علم و فن‌آوری رشد می‌کند و موجب می‌شود تا مناطق بیابانی و کویری سرسبز و از زمین چندین بار محصول برداشت می‌شود.

و تعمر الأرض و تصفو و تزهو بمهدیها و تجریها و تجری به أنهارها؛<sup>۵۹</sup>

زمین به وسیله امام مهدی علیه السلام آباد، خرم و سرسبز می‌شود و به وسیله آن چشمه‌سارها روان می‌گردد.

در زمان آن حضرت، مردم از چنان ظرفیت علمی و معنوی برخوردار خواهند شد که با شناخت قوانین حاکم بر طبیعت از آن در جهت عمران و آبادی استفاده عادلانه خواهند نمود.

حضرت علی علیه السلام درباره شناخت گسترده انسان از طبیعت و بهره‌برداری از آن می‌فرماید:

... و تخرج له الأرض أفالید کبدها و تلقی إليه سلماً مقالیدها؛

و برای او [حضرت قائم علیه السلام] آنچه در اعماق زمین است، خارج می‌شود و همه امکانات خود را برای او [به واسطه تحقیقات علمی و شناخت طبیعت] ظاهر می‌سازد.

خداوند از کسانی که اهل معرفت و تحقیقات علمی هستند تمجید می‌کند:

﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾؛<sup>۶۰</sup>

خداوند (رتبه) کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانش‌مندند (بر حسب) درجات (آنها) بلند گرداند، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الدُّنْيَا لَمِثْلُ لَلْأَمَامِ مِثْلُ فَلَقَةِ الْجُوزِ فَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِنْهَا شَيْءٌ وَإِنَّهُ لِيَتَنَاوَلَهَا  
مِنْ أَطْرَافِهَا كَمَا يَتَنَاوَلُ أَحَدُكُمْ مِنْ فَوْقِ مَائِدَتِهِ مَا يَشَاءُ؛<sup>۶۱</sup>

همه دنیا مثل حبه گردو در برابر امام نمایان می شود و چیزی از آن برای او پوشیده نمی ماند. از هر طرف بخواهد در آن تصرف می کند، آن چنان که یکی از شما در سفره ای که در برابرتان گسترده است، از هر طرف بخواهد دست می برد و از آن بهره می گیرد.

در زمان ظهور، رشد اجتهاد یا رشد و شکوفایی مسائل اعتقادی، اخلاقی و تحقیقات علمی به کمال خود می رسد و تمام حقایق اسلام از طریق رشد و تکامل اجتهاد در ظرف زمان ریخته و اسلام در ابعاد مختلف خود احیا خواهد شد.  
امام صادق علیه السلام می فرماید:

چون قائم قیام می کند، امر تازه و احکامی تازه می آورد، هم چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در اوّل اسلام همین گونه عمل نمود و خلاق را به امر جدید دعوت نمود.<sup>۶۲</sup>

آن حضرت کارهای مشابه رسول خدا انجام می دهد. وی همان گونه که رسول خدا امور جاهلیت را برهم زد، امور قبل از خود را برهم می زند و قائم، دین اسلام را تازه می کند.<sup>۶۳</sup>

در آن زمان با توسعه تحقیقات علمی و فن آوری، مردم در هر نقطه ای از کره زمین هم دیگر را می بینند و با هم دیگر تعامل و ارتباط دارند.  
امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ فِي الْمَشْرِقِ لِيرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَكَذَا  
الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي بِالْمَشْرِقِ؛<sup>۶۴</sup>

مؤمن در عصر قائم در حالی که در مشرق است، برادر خویش را در مغرب می بیند و همان گونه آن که در مغرب است، برادر مؤمن خویش را در مشرق می بیند.

امام صادق علیه السلام در عبارتی دیگر می فرماید:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لَشِيعَتِنَا فِي أَسْأَعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ، حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ  
وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ؛<sup>۶۵</sup>  
هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان  
ما گسترده‌گی و کشش ویژه‌ای می‌بخشد تا میان آنان و مهدی ما واسطه و  
نامه‌رسان یا فاصله‌ای نباشد.

#### چهارم. بُعد علمی یا انقلاب علمی

بینش توحیدی وحدت‌نگر، تناقض و اختلافات فکری متفکران، فلاسفه،  
نیروهای عقلی و دماغی، نیروهای اشراقی و استدلالی را که در طول تاریخ در  
دو جبهه مختلف با هم می‌جنگند، حل می‌کند. بنابراین، انسان در مکتب اسلام  
به دو قطب اشراقی و استدلالی و یا عشقی و عقلی، دنیوی و اخروی تقسیم  
نمی‌شود؛ زیرا بینش توحیدی هیچ‌گونه دوگانگی در روح و در جسم را تحمل  
نمی‌کند. بسیاری از مکاتب غربی یا شرقی تکامل روح را در ناپود کردن جسم  
و تکامل جسم انسان را در نابودی روح آموزش می‌دهند. این مسئله در جوامع  
اسلامی نیز نفوذ کرده است. مولوی بر استدلالیان و فلاسفه و فلاسفه، بر عارفان  
و اشراقیان می‌تازند و آنها را به جهل متهم می‌کنند. عارفان می‌گویند خدا را فقط  
از راه دل باید شناخت؛ زیرا عقل فقط جزئیات را می‌فهمد و فلاسفه می‌گویند  
که دل فقط خون را به بدن می‌رساند؛ این عقل است که می‌تواند مجهول را  
معلوم کند.

نگرش توحیدی وحدت‌گرای اسلامی و قرآنی و سنت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان  
معصوم عليهم السلام نشان می‌دهد که جدایی بین این دو نیرو وجود ندارد. به معنای دیگر،  
اسلام معتقد است که در انسان دو نیرو به اسم عقل و دل یا عقل و اشراق وجود  
ندارد، بلکه وحدت میان عشق و عقل یا وحدت میان اشراقی و استدلالی، وحدت  
میان دنیا و آخرت، وحدت میان زندگی مادی و زندگی معنوی انسان است.  
بنابراین، در اسلام با نگرش توحیدی، اسلام به دنیا و آخرت، طبیعت و  
ماوراءالطبیعه، ماده و معنا و روح و جسم تقسیم نمی‌شود، بلکه همه هستی به  
طور یک‌پارچه با هم هم‌آهنگی دارد. در بینش توحیدی، در ارتباط با انسان، همه  
پدیده‌های جهان، به پدیده‌های غیب (از نظر ما) و پدیده‌های شهادت تقسیم

می‌شوند. این تقسیم‌بندی اعتباری است و نه ذاتی. بنابراین، غیب از جنس شهادت هم می‌تواند باشد.

چیزی که الآن از نظر ما غیب است، فردا بر اثر رشد و توسعه علمی (و یا در گذشته به وسیله وحی و در آینده با ظهور حضرت مهدی علیه السلام برای انسان‌ها محسوس شود) و تکامل شعور انسان، محسوس شود. پس انسان فردا می‌تواند با رشد و توسعه پژوهش‌های علمی، پدیده‌هایی را بیابد که امروزه غیب است.

به طور کلی همه هستی از دو حقیقت آیات و سنت‌ها ساخته شده‌اند. آیات به هر پدیده مادی، انسانی و اجتماعی گویند، مانند انسان، نور، برف، هوا، شب، زنبور، کوه، خورشید و یا آن‌که هر جامعه‌ای وقتی به ظلم و فساد برسد، سقوط می‌کند. سنت روابط بین پدیده‌ها را گویند. هر جا در آیات قرآن به سنت می‌رسیم، آمدن شب و روز پدیده‌های مادی و قوانین علمی هستند. به مسائلی که برخلاف قوانین علمی و طبیعت مادی اتفاق می‌افتد، مانند زنده کردن مرده از طریق وحی توسط عیسی علیه السلام و یا تبدیل شدن عصای موسی به مار معجزه گویند؛ زیرا از پایین به مسئله نگاه می‌کنیم. اما قرآن معجزات حضرت موسی علیه السلام یا عیسی علیه السلام را آیه می‌نامد. البته انسان بعضی از مسائل غیبی را نمی‌فهمد و تنها خدا به آنها آگاهی دارد.

قرآن بیش از هر کتاب دیگری بر طبیعت و پدیده‌های طبیعی تکیه می‌کند و پیروان خود را دعوت می‌کند که با بیرون آمدن از ذهنیت درونی و با آگاهی و نگرش توحیدی، به طور دقیق پدیده‌های مادی و طبیعی الهی را درک کنند، عمق پدیده‌های طبیعی را بشکافند و از طریق ماده در متن طبیعت، به خالق آن و خدا برسند.

انسان با شناخت و درک طبیعت و تعمق در سنت‌ها و پدیده‌های هستی و تفکر بر پدیده‌هایی که خداوند به آنها قسم خورده است، به ماوراءالطبیعه و محسوسات می‌رسد، اما لازم است، درهای پنهانی را که از طبیعت به غیب باز می‌شود، باز کند و نور خدا را با تمام وجود، در اعماق وجود خویش ببیند و غبار را از چشم و دیدگان خود بشوید و تاریکی خویش را با پرتوهای نور خدایی روشنی بخشد و نشانه‌های ذات حقیقی الهی را که همان آیات خداوند است،

درک کند. هر آیه اشاره‌ای به ذات غیر محسوس غیبی است که خداوند خلق نموده است. بنابراین، تمام پدیده‌های جهان اعم از جان‌داران، نباتات، حیوان‌ها، انسان‌ها و... آیات الهی هستند. بنابراین، هر آیه نشانه‌ای از ذات حقیقی غیر محسوس غیبی است که همان خالق و پروردگار جهان است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْضِرُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾<sup>۶۶</sup>

و از نشانه‌های او (این‌که) برق را برای بیم و امید نشان‌تان می‌دهد و از آسمان باران می‌فرستد و زمین را پس از مرگش بدان زنده می‌کند. همانا در این (آیات)، برای مردمی که تعقل می‌کنند نشانه‌هاست (از آفریدگار).

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ اللَّسَانِ وَالْوَالِدَاتِ إِذَا فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾<sup>۶۷</sup>

و از نشانه‌های (قدرت) او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شمامست. قطعاً در این (امور) برای دانش‌وران نشانه‌هاست (از آفریدگار).

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾<sup>۶۸</sup>

و آنها که به آیات ما کافر شدند، اهل شومی و شقاوتند.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ﴾<sup>۶۹</sup>

و به راستی موسی را با آیات خویش به سوی فرعون و بزرگانش فرستادیم، پس گفت: «من فرستاده پروردگار جهانیانم.» پس چون آیات ما را برای آنها آورد، به ناگاه آنها به آن (از روی تمسخر) می‌خندیدند.

﴿أَوَلَمْ يَتَنَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ﴾<sup>۷۰</sup>

آیا پیش خود نیندیشیده‌اند که خدا آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، جز به حق و تا سرآمدی معین، نیافریده است؟ و (با این همه) بسیاری از مردم ملاقات پروردگارشان را سخت منکرند.

«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»<sup>۷۱</sup>

آیا در زمین نگردیدند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند، چگونه شد؟ آنها بسی نیرومندتر از ایشان بودند و زمین را زیر و رو کردند و بیش از آنچه آنها آبادش کردند، آن را آباد ساختند و پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند. بنابراین، خدا بر آن نبود که به ایشان ستم کند ولیکن آنها خود بر خویشتن ستم می‌کردند.

در باره سنت و قوانین الهی حاکم بر هستی و جوامع و انسان‌ها آیات فراوانی در قرآن وجود دارد. همواره این سنت‌ها و قوانین الهی ثابت است و هیچ‌گونه تغییر و تبدیل و دگرگونی در آن وجود ندارد. خداوند متعال می‌فرماید:

«اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا»<sup>۷۲</sup>

از سر گردن‌کشی در زمین و نیرنگ زشت و نیرنگ زشت جز دامن صاحبش را نگیرد. پس آیا جز سنت (و سرنوشت شوم) پیشینیان را انتظار می‌برند؟ و هرگز برای سنت خدا تبدیلی نخواهی یافت و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت.

«مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فَبِمَا قَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا»<sup>۷۳</sup>

بر پیامبر در آنچه خدا برای او مقرر کرده، محذوری نیست. (این) سنت خداست که از دیرباز در میان گذشتگان نیز بوده و فرمان خدا همواره سنجیده و حساب شده است.

«سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»<sup>۷۴</sup>

این قانون جاری خدا درباره کسانی است که پیش‌تر بوده‌اند و در سنت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت.



بنابراین، ضروری است هرچه بیشتر در آیات و سنت‌های الهی در طول تاریخ، طبیعت، انسان و جوامع بشری اندیشید و آنها را کشف نمود و قوانین حاکم بین پدیده‌ها (آیات) را درک کرد.

برای مثال، باید فهمید که برای به دست آوردن آب از اکسیژن و هیدروژن، چه قانونی لازم است. هیدروژن و اکسیژن هریک آیه‌ای از آیات الهی است. قوانین لازم برای ترکیب اکسیژن و هیدروژن سنت و قوانین الهی به شمار می‌روند. باید این سنت‌ها را شناخت تا از گاز هیدروژن و گاز اکسیژن آب به دست آید.

قانون دیگر الهی در جامعه و در طول تاریخ این است که قدرت‌های استعماری، استثمار و استعمار، زوال و نابودی خودشان را در دامن خودشان پرورش می‌دهند، همان‌طور که در نظام فرعون، طاغوت، ملا و مترفین، زوال خود را در دامن خود پرورش دادند. در طول تاریخ، قدرت‌های ظالم و مفسد از طریق زر و زور و تزویر مردم، مرگ و زوال خودشان را در درون خودشان با دستان خودشان می‌پرورانده‌اند. اگر انسان‌ها این قانون‌مندی‌ها را به خوبی درک نمایند، سریع‌تر می‌توانند زمینه زوال نظام‌های استعماری و استبدادی و استعماری را فراهم نمایند و سرعت و شتاب بیشتری را در جهت زوال و نابودی این رژیم‌ها فراهم کنند.

بنابراین، برای رشد و توسعه علمی باید دید که چقدر آیات و سنت‌های الهی را درک کرده‌ایم. هر پدیده یا آیه‌ای را باید به دقت شناخت، ارتباط آن را با پدیده‌ها یا آیات دیگر باید درک نمود و زمینه را برای رشد علمی و تولید علم فراهم کرد. بنابراین، از جمله برنامه‌های مهمی که در راستای فرمایش‌های مقام معظم رهبری است، فراهم کردن زمینه تولید علم و جنبش نرم‌افزاری و آزاداندیشی است. نگرش وحدت‌گرای توحیدی نشان می‌دهد به میزانی که ما پیشرفت‌های علمی را درک پدیده‌ها و سنت‌های الهی بدانیم و آن را با تمام همت و توان خود انجام دهیم و آن را جدای از کار عبادی ندانیم، به میزانی که در علم و فن‌آوری پیشرفت می‌کنیم، به خدا نزدیک می‌شویم. در زمینه رشد علمی، احادیث زیر در پی می‌آید:

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

دانش او از همه گسترده‌تر و کرامتش از همه افراشته‌تر است... ۷۵.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

العلم سبعة وعشرون حرفاً فجميع ما جاءت به الرسل حرفان... فإذا قام قائمنا أخرج خمسة والعشرين حرفاً فبثها في الناس وضم إليها الحرفين حتى يبثها سبعة وعشرين حرفاً؛<sup>۷۶</sup>

دانش ۲۷ حرف است. تمام آنچه پیامبران برای بشر آوردند، دو حرف بیش نبود و مردم نیز بیش از آن دو حرف را نشناختند، اما هنگامی که قائم قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را آشکار می‌سازد و در میان مردم منتشر می‌سازد و آن دو حرف را نیز بدان ضمیمه می‌سازد تا همه علوم کامل و منتشر گردد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

يَتَنَعَّم أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ عليه السلام نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا قَبْلَهَا قَطُّ؛<sup>۷۷</sup>

امت من در زمان مهدی علیه السلام به رفاه و نعمت‌هایی دست می‌یابد که پیش از آن در هیچ دوره‌ای دست نیافته بودند.

این احادیث به رشد و توسعه علمی و فن‌آوری اشاره می‌کند که موجب می‌شود مردم در بالاترین سطح رفاه و نعمت نسبت به گذشته قرار بگیرند. این حقیقت نقش و اهمیت توسعه و گسترش پژوهش‌های علمی و فن‌آوری و عمرانی را نشان می‌دهد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

إذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و كملت به أعلامهم؛<sup>۷۸</sup>

زمانی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان قرار می‌دهد، پس عقل‌های آنها جمع می‌شود و خواسته‌های آنان با این کار کامل می‌شود.

علی علیه السلام در وصف علم و دانش و عطوفت امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

از نظر پناه دادن از همه وسیع‌تر، از نظر علم و دانش از همه برتر و از نظر دل‌رحم بودن از همه بیشتر است.<sup>۷۹</sup>

امام باقر علیه السلام درباره علم و حکمت می فرماید:

در زمان آن حضرت، به شما حکمت عطا می شود تا جایی که زن‌ها در خانه‌های خود براساس قرآن و سنت پیامبر خدا داوری می کنند.<sup>۸۰</sup>

امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره علم و بصیرت حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

السیاوات والأرض عند الإمام كیده من راحتہ، يعرف ظاهرها من باطنها و يعلم برّها من فاجرها؛<sup>۸۱</sup>

آسمان و زمین در نزد امام علیه السلام هم چون کف دست اوست، ظاهر و باطن آنها را می فهمد و نیک و بد آنان را می شناسد.

در آن زمان به علت رشد و شکوفایی علمی و فن آوری، با استخراج از منابع زمین و تبدیل آن به محصولات مورد نیاز انسان، برکات خداوندی آشکار می شود.

فحينئذ تظهر الأرض كنوزها و تبدی برکاتها؛<sup>۸۲</sup>

آن هنگام، زمین گنج‌های خود را نمایان و برکات خویش را آشکار می کند.

يتنعم أمتی فی زمانه نعیماً لم تنعموا مثله قطّ البرّ منهم و الفاجر، يرسل السماء عليهم مدراراً و لا تحبس الأرض شيئاً من نباتها و المال كدوس یأتیه الرجل فیستله فیحثّو له؛<sup>۸۳</sup>

در دولت او مردم آن چنان در رفاه و آسایش به سر می برند که هرگز نظیر آن دیده نشده، مال به قدری فراوان می شود که هرکس نزد او بیاید، درخواست کند، اموال فراوانی زیر پایش می ریزد.

علم و تکنولوژی در آن زمان چنان رشد می کند و منابع زمین به صورت محصولات مختلف در اختیار مردم قرار می گیرد که دیگر نیامندی پیدا نمی شود.

فحينئذ تظهر الأرض كنوزها و تبدی برکاتها فلا يجد الرجل منكم یومئذ موضعاً لصدقته و لالبرّه لشمول الغنی جميع المؤمنین؛<sup>۸۴</sup>

در آن هنگام، زمین گنجینه‌های خود را برای او آشکار می سازد و برکت‌هایش را بیرون می فرستد، دیگر انسان برای صدقه و بخشش محلی پیدا نمی کند؛ زیرا بی‌نیازی همه مؤمنان را زیر پر می گیرد.

## پنجم. بُعد فن آوری یا انقلاب فن آوری

با ساخت ماشین بخار و انقلاب صنعتی در اروپا و کشف الکتریسیته، حرکت توسعه علم و فن آوری سرعت یافت و روزبه‌روز به شتاب خود افزود و موجب شد تا فن آوری در همه رشته‌های صنعتی رشد و توسعه پیدا نماید. امروزه با استفاده از سیستم‌های ارتباطی، اطلاعاتی و رایانه، رشد علمی، فن آوری و تولیدات صنعتی در زمینه‌های مختلف به صورت حیرت‌انگیزی رشد کرده است.

تاکنون توسعه علمی و فن آوری، پنج انقلاب مختلف را به خود دیده است: انقلاب نخست، انقلاب اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود که موجب رشد و شکوفایی علمی در چند قرن بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه شد و مهد آن در سرتاسر جهان اسلام بود.

انقلاب علمی که بین سال‌های ۱۵۲۰ تا ۱۷۵۰ میلادی اتفاق افتاد و مهد آن در فرانسه بود. براساس آن، انسان درک بهتری از اطرافش پیدا نمود و پایه‌های علوم گسترش یافت. در این دوران، توسعه صنعتی چندانی به وقوع نپیوست. اما اشتیاق زیادی به درک و شناخت طبیعت به وجود آمد.

انقلاب فن آوری و صنعتی اول که بین سال‌های ۱۷۶۰ تا ۱۸۵۰ میلادی اتفاق افتاد. مهد این انقلاب در کشور انگلستان بود. در این انقلاب علوم زیر بنای ابداعات و اختراعات قرار گرفت. ابداعات و اختراعات زیادی ایجاد شد. در این زمان ۱۰۵۰ انجمن علمی در انگلستان ایجاد شد و رقابت بین شرکت‌ها و مؤسسات افزایش یافت. در این مرحله ابداعات و اختراعات براساس تلاش و کوشش شخصی دانش‌مندان و مبتنی بر یک اتفاق به وقوع می‌پیوست. در انقلاب صنعتی اول هر اختراعی به ایجاد کارخانه‌ای برای تولید آن نمی‌انجامید.

انقلاب دوم فن آوری و صنعتی در کشور امریکا به وقوع پیوست. هنر این انقلاب این بود که به انسان روش ابداع و اختراع را به صورت سیستماتیک یاد داد و تولید اختراع را پایه‌ریزی نمود. در این مرحله، اگر ایده‌ای به ذهن فردی خطور می‌کرد به یک گروه محقق داده می‌شد. ایده در آن گروه پرورش می‌یافت و به نمونه‌سازی می‌رسید. سپس کار تولید آن انجام می‌شد. در این انقلاب، فرآیند تبدیل یک ایده به محصول و تولید نهایی و ارائه تولید به بازار مورد توجه قرار

گرفت. ادیسون مخترع برق و بنیان‌گذار شرکت جنرال الکتریک به این صورت توانست اختراعات بسیاری به صورت سیستماتیک در دل گروه‌ها و کارخانه‌ها ایجاد نماید. این انقلاب، با ایجاد سیستمی در درون خود موجب ابداعات، اختراعات و اکتشافات زیادی در امریکا شد و موجب شد سالیانه بیش از بیست هزار اختراع و اکتشاف در امریکا به ثبت رسد. در این انقلاب، به نیاز مردم و بازار توجه خاصی می‌شد و هر اختراع، نوع‌آوری و ایجاد کارخانه و تولید و تأمین در پی نیاز مشتری و جامعه بود. در پی این انقلاب، سیستمی به وجود آمد که پرورش ایده را تسهیل می‌نمود و آن را تبدیل به محصول و سپس موجب ایجاد کارخانه‌ای می‌شد. به این صورت، جهشی در فن‌آوری و صنایع امریکا ایجاد شد و توانست گوی سبقت را از کشورهای اروپایی برآید. برای حمایت از مخترعان، با ایجاد سیستم مالکیت معنوی، همه حق و حقوق مخترعان برای ده سال حفظ شد و به این صورت، اختراعات و اکتشافات سرعت و شتاب بیشتری به خود گرفت.

انقلاب سوم، انقلاب فن‌آوری و صنعتی کشورهای جنوب شرقی آسیاست که در آن ارزش افزوده، نیاز بازار و تولید اقتصادی و تنوع تولید مورد توجه قرار گرفت. این انقلاب موجب رشد و شکوفایی صنعتی و اقتصادی در کشورهای مختلفی مانند ژاپن، کره جنوبی، تایوان، چین، هنگ‌کنگ، سنگاپور، مالزی و غیره شد. در بعضی از این کشورها مانند کره جنوبی که در پنجاه سال پیش به سختی خوراک مردم کشورشان را تهیه می‌کردند و مردم در فقر و بدبختی به سر می‌بردند، امروزه با رشد و توسعه علمی و فن‌آوری استانداردهای زندگی مردم را چنان بالا برده‌اند که دهمین کشور اقتصادی و صنعتی جهان شناخته شده‌اند.

برای درک و شناخت سمت و سوی فن‌آوری، سه نوع روش در طول دوره زمانی از ۱۹۳۰ تاکنون وجود دارد که عبارتند از:  
نخست. دوره پیش‌بینی و حدس فن‌آوری یا «Forecasting»: این دوره مانند پیش‌بینی هواشناسی است که هوا را پیش‌بینی می‌کند و نمی‌تواند در آن تأثیری بگذارد و در حقیقت نقش انفعالی دارد.

دوم. دوره دوراندیشی و بصیرت فن‌آوری یا «Foresight»: این دوره از ۱۹۸۰ به بعد شروع شده است. در این روش با تکیه به توانمندی‌ها و منابع و امکانات موجود تلاش کردند تا مسیر آینده را پیش‌بینی و در آن تأثیر بگذارند و در واقع آینده‌نگاری کنند.

سوم. دوره تجزیه و تحلیل موشکافانه فن‌آوری یا «Analysis»: در این روش از راه تجزیه و تحلیل و فعل و انفعالات و تأثیرات متقابل مسائل و علل و عوامل موجود و درک ملزومات تلاش کردند تا به فن‌آوری آینده جهت دهند و جهت آن را منطبق با اهداف، راه‌بردها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها سازند. انسان در این روش معمار فن‌آوری‌های آینده است و برای رسیدن به هر فن‌آوری می‌تواند برنامه‌ریزی و حرکت کند.

امروزه توسعه علمی و فن‌آوری و رشد و توسعه در زمینه‌های مختلف در ایران، با سرعت زیادی در حال وقوع است، به گونه‌ای که در زمینه انرژی اتمی صلح‌آمیز، پزشکی (مانند سلول‌های بنیادی)، هوا فضا (مانند ساخت و پرتاب موشک) سرمایه‌گذاری‌های فراوانی انجام شده است. برای ساخت یک موشک که بیش از ده هزار قطعه دارد، عرصه‌های دیگری برای ساخت و تولید محصولات باز می‌شود. امروز ایرانی‌ها نشان داده‌اند که چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور توان‌مندند و در همه عرصه‌ها رقابت‌پذیر هستند و می‌توانند هر کار بزرگی را انجام دهند. حتی امروزه در خارج از کشور، ثروت‌مندترین اقلیت قومی، بالاترین تحصیل‌کرده قومی و کارآفرین تحصیل‌کرده‌های قومی در آمریکا، ایرانی‌ها هستند. در رده‌های مدیریت تعداد زیادی از شرکت‌های آمریکایی ایرانی هستند. برای مثال، در زمینه فن‌آوری اطلاعات قائم‌مقام یا معاونت بسیاری از شرکت‌های بزرگ مانند یاهو، گوگل، اپل و مایکروسافت، ایرانی هستند.

در ایران، نظام فن‌آوری با سرمایه دولتی برای فن‌آوری‌های مختلف شکل گرفته و به رغم تحریم‌ها، تاکنون به نتایج مثبتی رسیده است. امروزه آن‌چه در ایران نیاز است، داشتن سیستمی گسترده در فن‌آوری است. خوش‌بختانه با تهیه برنامه چهارم و چشم‌انداز بیست ساله و تهیه نقشه علمی کشور، نیاز به سیستم فن‌آوری گسترده هرچه بیشتر احساس می‌شود؛ سیستمی که بتواند پروژه‌های

بزرگی مانند انرژی اتمی را به بخش‌های مختلفی تقسیم کند و هر بخش را نیز به قسمت‌های کوچک‌تر تقسیم نماید و هر جزء آن را به یکی از مراکز توسعه فن‌آوری واگذار نماید. هم‌اکنون نیازمند مدیریت هدایت چنین سیستم گسترده‌ای هستیم تا بتوانیم اختراعات، اکتشافات و نوآوری‌های زیادی تولید کنیم و با سرعت و شتاب بیشتری حرکت نماییم تا عقب‌افتادگی در طول چهار قرن اخیر را جبران کنیم.

در ایران، از روش تجزیه و تحلیل و بررسی نیازها و درک عوامل مؤثر در توسعه به سوی فن‌آوری در کشور می‌روند و جهت آن را با اهداف، راه‌بردها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها منطبق می‌سازند تا ایران در آینده به فن‌آوری‌های مورد نیاز خود برسد. البته در این حرکت موانع و مسائل زیادی وجود دارد که لازم است با درایت آن موانع را از میان برداشت و مسائلش را حل نمود.

مردم کشور عزیز ما همگی برای حضور حضرت مهدی علیه السلام منتظرند. برای این انتظار باید خود را در زمینه‌های مختلف، از جمله در زمینه‌های علمی و فن‌آوری و بهره‌برداری در سطح مناسبی آماده نمود؛ زیرا در زمان ظهور، سطح علمی و فن‌آوری در سطح بسیار بالایی قرار دارد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره بهره‌برداری از معادن و منابع زیرزمینی و به کارگیری علم و فن‌آوری می‌فرماید:

و تخرج له الأرض أقاليد كبدها و تلقى إليه سلماً مقاليدها...<sup>۸۵</sup>

زمین آنچه را که در اعماق خویش دارد، برای وی بیرون دهد و همه امکانات و برکات خویش را در اختیار او گذارد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند... زمین گنج‌ها و ذخایر گران‌بهای خود را آشکار می‌سازد (از طریق رشد پژوهش‌های علمی و فن‌آوری) آن چنان که مردم آن را با چشم خود می‌بینند (غناى مادی و معنوی، مردم را فرا می‌گیرد) که نمی‌توانید کسی را پیدا کنید که هدیه شما را بپذیرد و یا زکات مال را قبول کند. همه مردم به آنچه خدا از فضلش به آنها روزی داده، برخوردار و بی‌نیاز می‌شوند.<sup>۸۶</sup>

در روایات از قول امام علی علیه السلام آمده است:<sup>۸۷</sup>

چون قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، به هر اقلیمی مردی می فرستد و به او می گوید: فرمان تو در کف توست، چون با موضوعی مواجه شوی که از آن سردر نیاوری و نفهمی، به کف دست خود نظر کن و به هر چه در او بینی عمل نما، قشونی به قسطنطنیه می فرستد، چون به خلیج برسند چیزی بر پاهای خود می نویسند و روی آن راه می روند، اهل روم آنها را می بیند و می گویند اینها اصحاب او هستند که روی آب راه می روند، پس خود او چگونه است؟ آن گاه دروازه شهر را به روی آنان باز خواهند کرد، آنها وارد می شوند و هر چه بخواهند حکم می نمایند.<sup>۸۸</sup>

امام علی علیه السلام در روایت دیگری می فرماید:

هرگاه قائم ما قیام کند، خداوند به گوش ها و چشم های شیعیان ما قوه و نیرو بخشد، در حالی که بین آنها و قائم علیه السلام واسطه ای نباشد، با شیعیان ما تکلم فرماید و آنها می شنوند و به آن حضرت می نگرند، در حالی که آن حضرت در مکان خود است.<sup>۸۹</sup>

امروزه از طریق اینترنت و ویدیو کنفرانس این مسئله اجراشدنی است. همه روزه در بحث های سیاسی در صداوسیما جمهوری اسلامی می بینیم که هم زمان مسئول اخبار با فردی در آمریکا، اروپا، آسیا یا آفریقا سخن می گوید و ما هم سخن و هم تصویر هردو طرف را می بینیم. امروزه خرید و فروش و طراحی و ساخت و تولید و فروش اینترنتی مسئله ای عادی شده است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

گویا قائم را می بینم که در پشت نجف بر اسبی سیاه هم راه با نقاطی سفید و خطی سفید در پیشانی آن سوار شده است، آن گاه آن را به حرکت می آورد و در این هنگام اهل همه سرزمین ها او را در پشت سرزمینشان مشاهده می کنند.<sup>۹۰</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید:

در زمان قائم مؤمنی در شرق برادرش را در مغرب مشاهده می کند و آن که در مغرب است، برادرش را در مشرق می بیند.<sup>۹۱</sup>



در آن زمان با توجه به علم و دانش حضرت مهدی علیه السلام و یاران او، همه چیز از درون و بیرون زمین استخراج و در اختیار او قرار خواهند گرفت. بنابر روایت آمده است:

تجمع إليه أموال الدنيا كلها من بطن الأرض و ظهرها؛<sup>۹۲</sup>

تمام اموال دنیا، از برون و درون زمین، در اختیار او گرد می آیند.

تظهر له كنوز الأرض؛<sup>۹۳</sup>

گنج‌های زمین، برای او نمایان می گردد.

يستخرج الكنوز؛<sup>۹۴</sup>

گنج‌ها را استخراج می کند.

در آن زمان فن آوری چنان پیش رفت می کند که تمام منابع زمین استخراج می شود. علی علیه السلام در این زمینه می فرماید:

تفى الأرض أفلاذ كبدها أمثال الأسطوان من الذهب و الفضة؛

زمین جگرپاره‌های خود را چون طلا و نقره بیرون می ریزد.

#### ششم. بُعد عمران و آبادانی یا انقلاب عمران و آبادانی

به علت ارتباط انسان با طبیعت و محیط اطراف خود مانند زمین، کوه، دشت، بیابان، باران، سرما، آسمان، دریا، درختان، جنگل‌ها، بیابان‌ها، کوه‌ها، بادها و غیره ضروری است انسان شناخت لازم درباره آنها و قوانین حاکم بر آنها پیدا نماید. تا هنگامی که انسان این پدیده‌ها و قوانین بین آنها را نتواند بشناسد، به طور مؤثری با این پدیده‌ها و آیاتی که خداوند برای راحتی و تکامل انسان آفریده است، نمی تواند تعامل برقرار کند و از آنها در جهت رشد و شکوفایی استعدادهاى نهفته در درون انسان نمی تواند استفاده نماید. امروزه علوم برای استفاده بهتر از طبیعت، توجه ویژه‌ای به محیط طبیعی و این پدیده‌ها و قوانین حاکم بر آنها نموده است. هدف اسلام و دکترین مهدویت از شناخت طبیعت، از یک طرف شناخت خالق این پدیده‌ها، آیات و قوانین الهی حاکم بر طبیعت است و از طرف دیگر، بهره‌برداری مؤثر از طبیعت و توزیع عادلانه این ثروت خدادادی

در جامعه و بالا بردن سطح رفاه عمومی نه تنها برای جامعه کنونی، بلکه برای انسان‌های آینده و بدون تخریب طبیعت است. به این ترتیب، اگر به بریدن یک درخت نیاز است، باید چند نهال از همان درخت کاشته شود. خداوند متعال انسان‌ها را برای شناخت آیات و پدیده‌ها و طبیعت و قوانین حاکم بر آنها دعوت می‌کند:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَضْرِبُ الرِّيحُ وَالسَّحَابُ الْمُسَخَّرَ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾؛<sup>۹۵</sup>

بی‌گمان در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمدوشد شب و روز و کشتی‌ها که بر کسب منافع مردم به دریا روانند و آبی که خدا از آسمان فرو فرستاد پس زمین مرده را به آن زنده نمود و همه‌گونه جنبنده در آن منتشر ساخت و گردش بادها و ابرهای مهار شده میان آسمان و زمین، (در همه اینها) مسلماً برای قومی که بیندیشند، نشانه‌هایی است.

در آن زمان، دیگر بیابان و کویری نمی‌ماند. همه‌جا زمین شاداب و گیاهان با طراوت خواهند شد و بوی طراوت و تازگی به مشام می‌رسد و همه‌جا سرسبزی موج می‌زند. بنا بر روایتی دیگر آمده است:

و لو قد قام قائمنا لأنزلت السماء قطرها و لأخرجت الأرض نباتها و... حتی تمشي المرثة بين العراق إلى شام لا تضع قدميها إلا على النبات؛<sup>۹۶</sup>

قائم ما که قیام کند، آسمان باران خویش را فرو می‌فرستد و زمین گیاهان خویش بیرون می‌فرستد و... تا جایی که زن از عراق تا شام (که اکنون کویری و بیابان است) برود و پای خود را جز بر روی گیاه نگذارد.

در آن زمان گیاهان از دل زمین بیرون می‌آیند و درختان میوه‌های خود را آشکار و زمین خود را برای ساکنانش زیبا می‌سازد.

تعطى السماء قطرها و الشجر ثمرها و الأرض نباتها و تزين لأهلها؛<sup>۹۷</sup>

آسمان بارانش را فرو ریزد، درختان میوه‌های خود را آشکار می‌سازد. زمین گیاهان خود را بیرون می‌فرستد و برای ساکنان خود آرایش می‌کند. حضرت مهدی علیه السلام حیات‌بخشی است که اهداف و آرزوی تمامی انبیا و اوصیا را محقق خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»<sup>۹۸</sup> «بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می‌سازد» می‌فرماید:

**كفر أهلها فيحيها الله بالقائم؛<sup>۹۹</sup>**

پس از مرگ زمین به وسیله کافر شدن مردم، خداوند آن را به وسیله قائم علیه السلام زنده می‌کند.

بنابر روایتی آمده است:

**إنه يبلغ سلطانه المشرق والمغرب وتظهر له الكنوز ولا يبقى في الأرض خراب إلا يعمر؛<sup>۱۰۰</sup>**

حکومت مهدی موعود علیه السلام شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد و گنج‌های نهفته در زمین برای او آشکار می‌شود و هیچ جای ویرانی در زمین نمی‌ماند و همه آنها آباد می‌گردد.

بنابر روایتی دیگر آمده است:

**وتعمر الأرض وتصفو وتزهو بمهديا وتجري به أنهارها؛<sup>۱۰۱</sup>**

زمین به وسیله مهدی علیه السلام آباد، خرم و سرسبز می‌شود و به وسیله آن چشمه‌سارها روان می‌گردند.

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که خداوند در شب معراج به ایشان فرمود:

به واسطه قائم از خاندان تو زمین خود را با تسبیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر و تمجید خود آباد می‌سازم و زمین را از دشمنان پاک می‌سازم و دوستان خود را وارث آن می‌گردانم.<sup>۱۰۲</sup>

بنابر روایتی آمده است:

**يبلغ سلطانه المشرق والمغرب، و يظهر الله عز وجلّ به دينه على الدين كله و لو كره المشركون، فلا يبقى في الأرض خراب إلا قد عمر؛<sup>۱۰۳</sup>**

فرمان‌روایی مهدی موعود عجل الله فرجه شرق و غرب عالم را دربر می‌گیرد، خداوند به واسطه او دین خود را بر همه ادیان غالب می‌گرداند و در زمین خرابه‌ای نمی‌ماند و همگی آباد می‌شود.

فقر و بی‌چارگی و تهی‌دستی در انقلاب جهانی مهدوی ریشه‌کن می‌شود و رفاه عمومی محقق می‌شود.

از رسول اکرم ص روایت شده که فرمودند:

در دوران حکومت مهدوی، مردم به گونه‌ای از نعمت‌های الهی بهره‌مند می‌شوند که در تاریخ بشر بی‌سابقه بوده است. در آن دوران زمین همه خوردنی‌های خود را در اختیار بشر قرار می‌دهد و اموال روی هم انباشته نخواهد بود، به گونه‌ای که افراد به سهولت از آن بهره‌مند می‌گردند.<sup>۱۴</sup>

## نتیجه

این مقاله عدالت و ابعاد مختلف اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، علمی، فن‌آوری و آبادانی زمینه‌ساز شرایط ظهور و انقلاب جهانی مهدوی را به اختصار بررسی می‌کند. برای آماده‌سازی شرایط ظهور بایستی با انقلابی اعتقادی و اخلاقی درون و محیط اطراف را پالایید و با انقلاب تحقیقات علمی، روابط بین‌پدیده‌ها (قوانین علمی) را درک نمود و مسائل را کندوکاو کرد و راه‌حل‌های اعتقادی و علمی را برایش پیدا کرد، همان‌طور که پیامبر اکرم ص برای ما اسوه و نمونه و الگو بوده است. آن‌گاه با انقلاب فن‌آوری و عمرانی، اهداف مهدویت و نیازهای مادی و معنوی در ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن را باید تأمین نمود و زمینه را برای آماده‌سازی شرایط ظهور و انقلاب جهانی مهدوی آماده کرد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. آیة‌الله مصباح یزدی، «خبرنامه همایش دکترین مهدویت»، ش ۶، اسفند ۱۳۸۶.
۲. سوره ذاریات، آیه ۵۶.
۳. سوره نور، آیه ۵۵.
۴. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.
۵. سوره نور، آیه ۵۵.
۶. عهد اتیق، مزامیر، مزمور ۳۷، بندهای ۹-۱۸ و ۹۶، بندهای ۱۰-۱۳.
۷. همان، حقیوق نبی، فصل ۲، بندهای ۳-۵.
۸. همان، اشعیای نبی، فصل ۶۵، بندهای ۹-۱۳ و ۱۸-۲۰.
۹. همان، دانیال نبی، فصل ۱۲، بندهای ۱-۵ و ۱۰-۱۳.
۱۰. در اناجیل چهارگانه و ملحقات آنها هشتادبار واژه «پسر انسان» تکرار شده که تنها سی مورد آن با حضرت عیسی علیه السلام تطبیق می‌کند و پنجاه مورد دیگر از منجی دیگری در آخرالزمان خبر می‌دهد. (مستر هاکس امریکایی، قاموس کتاب مقدس، ص ۲۱۹)
۱۱. عهد جدید، انجیل لوقا، فصل ۱۲، بندهای ۳۵ و ۳۶.
۱۲. عیون الاخبار، ج ۱، ص ۴۷.
۱۳. سوره یونس، آیه ۲۰.
۱۴. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۸.
۱۵. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵.
۱۶. مجید حیدری نیک، «عدالت، قرآن، مهدویت»، فصل‌نامه علمی تخصصی انتظار موعود، ش ۱۴، ۱۳۸۳.
۱۷. ذخائر العقبی، ص ۱۳۶.
۱۸. قاموس الرجال، ج ۴، ص ۲۹.
۱۹. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۸.
۲۰. اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۴۸.
۲۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۳.
۲۲. همان، ص ۴۰۹.
۲۳. اصول کافی، ج ۶، ص ۴۴۴.
۲۴. علل الشرایع، ص ۱۹۸؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۱.
۲۵. مفاتیح الجنان، عبارتی از زیارت روز جمعه ویژه امام مهدی علیه السلام.
۲۶. مرتضی مطهری، عدل الهی، ص ۳۸.
۲۷. ضرر الحکم، ص ۴۰۷.
۲۸. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۸۳.

۲۹. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۸.
۳۰. کاظمی، عدالت در اندیشه سیاسی اسلام، ص ۲۷.
۳۱. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۳، ص ۲۹۵.
۳۲. ماه نامه موعود، ش ۳۵، ص ۳۰. (به نقل از: اصول کافی، ج ۸، ص ۳۶۲)
۳۳. سوره بقره، آیه ۱۹۳.
۳۴. مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۹/۴.
۳۵. مقام معظم رهبری، نیمه شعبان، مشهد ۱۳۶۲/۳/۷.
۳۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.
۳۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.
۳۸. دکتر حسن بلخاری، «اقتراح اجتماعی»، فصل نامه علمی تخصصی انتظار موعود، ش ۱۴، ص ۲۹۱.
۳۹. غلام رضا صالحی، «مهدویت و اهداف نظام تربیتی اسلام»، فصل نامه علمی تخصصی موعود شرق، ش ۴، ص ۱۵۰.
۴۰. سوره طه، آیه ۱۱۴.
۴۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۳.
۴۲. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۱۳.
۴۳. الزام الناصب، ص ۲۸۸؛ روزگار رهایی، ص ۴۷۵.
۴۴. اعلام الوری، ص ۴۳۵؛ روزگار رهایی، ص ۴۶۲.
۴۵. آیه الله حائری شیرازی، «عدالت مهدوی در قرآن»، فصل نامه علمی تخصصی انتظار موعود، ش ۱۴، ص ۳۰.
۴۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.
۴۷. همان، ج ۷۱، ص ۳۳۶.
۴۸. السيد هاشم الحسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۷۳، انتشارات بنیاد بعثت، تهران، بی تا.
۴۹. احمد بن محمد مهدی الزرقانی، عوائد الایام، ص ۶۳۲، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ شمسی.
۵۰. منتخب الاثر، ص ۴۷۴.
۵۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.
۵۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۷۳.
۵۳. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۸۷.
۵۴. ینابیع الموده، ص ۹۲؛ روزگار رهایی، ص ۵۰۰.
۵۵. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

56. Robert A. frosch General Motors Crop.

57. Jhon A. Armstrong, IBM Corp.

58. Fomio kodma, National Institute of Science and Technology Pohcy, Japan.

٥٩. يتابع المودة، ج ٣، ص ٧٨.
٦٠. سورة مجادله، آيه ١١.
٦١. شيخ مفيد، اختصاص، ص ٢١٧.
٦٢. مهدي موعود، ج ٢، ص ٢٤٤. (به نقل از: شيخ مفيد، الارشاد، ص ٣٦٤)
٦٣. همان، ص ٢٤٦.
٦٤. امام مهدي عليه السلام از ولادت تا ظهور، ص ٧٧٣. (به نقل از: بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٩١)
٦٥. همان. (به نقل از: اصول كافي، ج ٨، ص ٢٤٠)
٦٦. سورة روم، آيه ٢٤.
٦٧. سورة روم، آيه ٢٢.
٦٨. سورة بلد، آيه ١٩.
٦٩. سورة زخرف، آيه ٤٦ - ٤٧.
٧٠. سورة روم، آيه ٨.
٧١. سورة روم، آيه ٩.
٧٢. سورة فاطر، آيه ٤٣.
٧٣. سورة احزاب، آيه ٣٨.
٧٤. سورة احزاب، آيه ٦٢.
٧٥. روزگار رهايي، ج ١، ص ٨٤.
٧٦. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٦.
٧٧. همان، ج ٥١، ص ٨٣.
٧٨. منتخب الاثر، ص ٦٠٧.
٧٩. اثبات الهداه، ج ٣، ص ٥٣٨.
٨٠. نعماني، الغيبة، ص ٢٣٩.
٨١. الزام الناصب، ص ١١.
٨٢. ارشاد، ج ٢، ص ٣٨٤.
٨٣. روضة الواعظين، ج ٢، ص ٤٨٥.
٨٤. ارشاد، ج ٢، ص ٣٨٤.
٨٥. نهج البلاغه، خطبه ١٣٨.
٨٦. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٧.
٨٧. نعماني، الغيبة، ص ٣١٩؛ بحار الانوار، ج ٥٣، ص ٢٦٥.
٨٨. اصول كافي، ج ٨، ص ٢٤١.
٨٩. بيان الاثمة، ج ٣، ص ١٦٩.
٩٠. منتخب الاثر، ج ٢، ص ٥٩٧.
٩١. علل الشرايع، ج ١، باب ١٢٩، ص ١٦١.

٩٢. خرائج، ج ٣، ص ١١٦٥.
٩٣. كشف الغمة، ج ٢، ص ٤٧٠.
٩٤. ينابيع المودة، ج ٣، ص ٨٦؛ روزگار رهايي، ص ٦٠١.
٩٥. سورة بقره، آيه ١٦٤.
٩٦. خصال، ج ٢، ص ٦٢٦.
٩٧. بشاره الاسلام، ص ٧١؛ روزگار رهايي، ص ٦٣٩.
٩٨. سورة حديد، آيه ١٧.
٩٩. الزام الناصب، ص ٢٤٤؛ روزگار رهايي، ص ٦٣٦.
١٠٠. ينابيع المودة، ج ٢، ص ٥٢٩.
١٠١. همان، ج ٣، ص ٧٨ و ١٣٢.
١٠٢. منتخب الاثر، ص ١٦٨.
١٠٣. شيخ صدوق، امالي، ص ٢٣١.
١٠٤. منتخب الاثر، ص ٤٧٣؛ المستدرک على الصحيحين، ج ٤، ص ٥٥٨.